غدیر

در گذر زمان

علی اکبر مهدی پور

بسم الله الرحمن الرحیم

غدیر در گذر زمان

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

غدیر در گذر زمان

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : غدیر در گذر زمان/ علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : قم : دلیل ما ، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۳۲۴ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۶۶۷-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت -- احادیث

موضوع : غدیر خم

موضوع : غدیر خم -- جنبه های قرآنی

موضوع : غدیر خم -- احادیث

رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵۴/م۸۸غ۴ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۶۶۹۹۲

ص:۱

اشاره

دهه غدیر بر موعود غدیر مبارک باد

بزرگداشت غدیر ، هم بزرگداشت امامت است و هم بزرگداشت نبوّت .

عید غدیر را در « یک دهه » برگزار کنیم .

آغاز این « دهه » عید غدیر است .

باید در بزرگداشت آن کوشید و آن را به صورت « دهه » برگزار کرد .(1)

1- [1] . فرازی از بیانات مرجع والامقام حضرت آیه اللّه وحید خراسانی مدظله العالی ، در روز جمعه 15 / 8 / 1388 ش . برابر 18 ذیعقده الحرام 1430 ق .

بر کرانه غدیر

مراسم جشن و سرور در ایّام موفور السُّرور عید غدیر پیشینه ای بس دیرینه دارد :

۱ . همه پیامبران به اوصیای خود توصیه می کردند که روز غدیر خم را جشن بگیرند .(۱)

۲ . پیامبر عظیم الشّأن اسلام صلی الله علیه و آله ، پس از نصب امیرمؤمنان علیه السلام به خلافت ، سه روز تمام در سرزمین غدیرخم جشن گرفتند و به حاضران که تعدادشان بالغ بر ۱۲۰/۰۰۰ نفر بود می فرمودند :

هَنِّئُونی هَنِّئُونی ، إِنَّ اللّه َخَصَّنی بِالُّنُبوَّهِ وَخَصَّ أَهْلَ بَیْتی بِالاْءِمامَهِ ؛

به من تبریک بگویید ، به من تهنیت بگویید ، خداوند مرا به نبوّت و خاندانم را به امامت اختصاص داد .(۲)

ص:۱۹

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۴، ص ۱۴۹ .

۲- [۲] . علاّمه امینی ، الغدیر ، ج ۱ ، ص ۵۱۳ .

۳ . به حسّان بن ثابت امر فرمودند که با سرودن قطعه شعری هنگامه غدیر را در جهان ادبیّات جاودانه سازد .(۱)

۴ . به امیرمؤمنان علیه السلام امر فرمود که روز عید غدیر را همه ساله جشن بگیرد .(۲)

۵ . خاندان عصمت و طهارت و شیعیان به تبع آنان ، همه ساله عید غدیر را جشن می گرفتند .(۳)

۶ . امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۳ ق . عید غدیر را در خراسان جشن گرفتند ، فیّاض طوسی که در آن مراسم حضور داشت ، مشاهدات خود را به سال ۲۵۹ ق . گزارش داد .(۴)

۷ . معزّ الدّوله ، پادشاه مقتدر آل بویه ، در سال ۳۵۲ ق . روز غدیر را رسماً جشن گرفت .(۵)

۸ . اهالی مصر و مراکش در سال ۳۶۲ ق . به مدّت ده روز « دهه غدیر » را جشن گرفتند .(۶)

۹ . مقریزی ، متوفّای ۸۴۵ ق . گزارش جامع و دقیقی از مراسم جشن و سرور « دهه غدیر » در دولت فاطمیان ، از صله ها و تبرّعات آنان در

ص:۲۰

۱- [۱] . شریف رضی ، خصائص الأئمّه ، ص ۴۲ .

۲- [۲] . کلینی ، همان .

۳- [۳] . مسعودی ، التّنبیه والاشراف ، ص ۲۲۱ .

۴- [۴] . امینی ، الغدیر ، ج ۱ ، ص ۵۳۶ .

۵- [۵] . مقریزی ، الخِطَط المقریزیّه ، ج ۲ ، ص ۱۱۶ .

۶- [۶] . همان ، ص ۱۱۷ .

سال ۵۱۶ ق . در طول دهه ارایه داده است .(۱)

۱۰ . از سال ۹۰۷ ق . همه ساله در سرتاسر ایران اسلامی ، عید سعید غدیر در سطح گسترده ای ، طیّ مراسم با شکوهی جشن گرفته می شود .(۲)

سال گذشته در روز ۱۵/۸/۱۳۸۸ ش . مرجع والامقام و دردآشنای زمان ، حضرت آیه اللّه وحید خراسانی مدظله العالی ، طیّ بیانات مفصّلی امر فرمودند که عید غدیر در « یک دهه » برگزار گردد .

به پیروی از اوامر ایشان و دیگر مراجع بزرگ تقلید ، شب ۲۱/۸/۱۳۸۸ ش . همایش سالانه استقبال از دهه فرخنده غدیر ، توسّط روحانیّت آگاه و متعهّد اصفهان ، در ساختمان « قائمیّه » یادگار مدافع راستین حریم ولایت ، شهید آیه اللّه شمس آبادی قدس سره برگزار گردید .

در این همایش با ارایه مقالات ، تشکیل میزگرد و قرائت پیام مراجع تقلید ، خطوط کلّی مجالس دهه غدیر تعیین گردید .

از شب ۲۲/۸/۸۸ به منظور تربیت مبلّغان ، به مدّت چهار شب کلاس تخصّصی غدیر ، در ساختمان قائمیّه برگزار شد ، از شب ۱۴/۹/۸۸ (غدیرخم ۱۴۳۱ ق .) به مدّت ده شب مراسم با شکوهی به عنوان دهه فرخنده غدیر در همان مکان مقدّس برگزار گردید ، که نگارنده توفیق دو شب انجام وظیفه در این مراسم را پیدا کرد .(۳)

۱- [۱] . همان ، ص ۱۱۹ .

۲- [۲] . دائره المعارف تشیّع ، ج ۱۱ ، ص ۵۲۷ .

۳- [۳] . قسمتی از مباحث نگارنده در این دو جلسه ، در کتاب : « روی دست آسمان » از سوی دارالصّادق اصفهان منتشر شده است .

در این رابطه دو نشریّه ، تحت عنوان : « همایش سالانه استقبال از دهه فرخنده غدیر » شامل : ۱۱۰ پیشنهاد برای هر چه با شکوهتر برگزار کردن دهه غدیر ، گزارش مصوّر و مستند از جلسات مقدّماتی و تخصّصی و میزگرد و سخنرانی ها منتشر شد .

گزارشی از نخستین دهه غدیر

تقی الدّین ، احمد بن علی مقریزی ، متوفّای ۸۴۵ ق . در کتاب کم نظیر « الخِطَط المقریزیه » گزارش جامعی از مراسم دهه غدیر که در دولت فاطمیان در قاهره برگزار می شد ، ارایه داده است .

مجموع این گزارش ها را مرحوم دکتر محمّدهادی امینی ، فرزند مرحوم علّامه امینی ، در کتاب ارزشمندی گرد آورده ، ۱۲ نمونه از اشعار شعرای فاطمی ، در قرن چهارم تا ششم هجری ، را نقل کرده ، سه نمونه از خطبه های فاطمیان را در روز عید غدیر ، در مصر ، یمن و شامات ، ثبت کرده است .(۱)

و اینک فرازهایی از کتاب گرانسنگ خِطَط مقریزیّه :

نخستین جشن رسمی غدیر ، به سال ۳۵۲ ق . در ایّام معزّ الدّوله بُوَیهی (۳۰۳ _ ۳۵۶ ق .) در عراق پایه گذاری شد .(۲)

اساسِ این جشنْ روایتِ احمد حنبل است که در مسند کبیر خود از براء بن عازب روایت کرده که گفت :

۱- [۱] . امینی ، عید الغدیر فی عهد الفاطمیین ، چاپ تهران ۱۴۱۷ ق .
۲- [۲] . مقریزی ، الخطط المقریزیّه ، ج ۲ ، ص ۱۱۶ .

در یکی از سفرها در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که در غدیرخم فرود آمدیم ، فرمان اجتماع برای نماز اعلام شد ، زیر دو درخت برای رسول خدا جارو زده شد ، نماز ظهر را خواندیم ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود :

آیا می دانید که من برای مؤمنان از خودشان صاحب اختیارتر (اولی به نفس) هستم ؟

همه گفتند : آری .

فرمود : مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ ، اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ .

پس عمر بن خطاب او را ملاقات کرد و گفت :

گوارایت باد ، ای پسر ابوطالب ! مولای من و هر مؤمن و مؤمنه گشتی .(۱)

آنگاه مقریزی شرح مختصری در مورد سرزمین غدیرخم می نویسد :

غدیرخم در سه میلی جُحفه در سمت چپ راه می باشد ، چشمه ای در آن برکه می ریزد ، درختان فراوانی در اطراف آن هست و از سنّت آنها (شیعیان) در این عید که همواره روز ۱۸ ذیحجه برگزار می شود : احیای شب عید با عبادت می باشد ، نزدیک زوال نیز دو رکعت نماز می خوانند ، جامه های نو می پوشند ، برده ها خریده آزاد می کنند ، قربانی می کشند و کارهای خیر فراوان انجام می دهند .(۲)

۱- [۱] . همان .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۱۷ .

بدل سازی

سپس می افزاید :

هنگامی که شیعیان در عراق این عید را جشن گرفتند ، عوام سنّی ها خواستند خود را به آنها تشبیه کنند و زهر چشمی بگیرند ، در سال ۳۸۹ ق . هشت روز پس از غدیر ، جشن مفصّلی گرفتند ، اظهار شادمانی کرده ، کارهای لهو انجام دادند و گفتند : امروز روز ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ابوبکر صدّیق در غار می باشد ! !

در آن روز خود را آرایش نمودند ، چادرها نصب کردند ، آتش افروزی کردند و کارهایی انجام دادند که در تاریخ بغداد یاد شده است .(۱)

جالب توجّه است که اولاً : هجرت در شب اوّل ربیع الاوّل آغاز شده و دخول پیامبر اکرم به غار بدون تردید در اوّل ربیع بوده است ، نه ۲۶ ذیحجه الحرام .

ثانیاً : براساس تحقیق ، ابوبکر در غار نبود ، بلکه شخص دیگری به نام : عبداللّه بن اُرَیْقِط ، به عنوان راهنما در غار بود .(۲)

نخستین جشن رسمی غدیر در مصر

در روز ۱۸ ذیحجه الحرام ۳۶۲ ق . برای نخستین بار جشن مفصّلی

۱- [۱] . همان .

۲- [۲] . نجاح الطّائی ، صاحبُ الغار أبوبکر أم رجل آخر ، ص ۶۲ .

در مصر و مغرب (مراکش) برگزار شد ، جمعیّت انبوهی برای دعا و عبادت گرد آمدند ، که آن روز روز عید بود .

زیرا در آن روز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به عنوان خلیفه برگزیده بود و پیمان خلافت بسته بود .

در آن روز اجتماع با شکوهی در مسجد جامع قاهره برگزار شد ، قاریان قرآن تلاوت کردند ، شعرا شعر انشاد کردند ، فقها گرد آمدند ، مراسم تا ظهر ادامه یافت ، آنگاه به قصر رفتند و از دست خلیفه جایزه دریافت کردند .(۱)

سپس مقریزی می نویسد :

در دهه میانی ذیحجه همه امرا و درجه داران خود را مهیّای حضور در مراسم عید غدیر می کنند .

روز هجدهم ذیحجه ، خلیفه بدون سایبان و بدون تشخّص برای حضور در مراسم قرائت خطبه حاضر می شود .

در آن روز طبق روال وزیر داخل قصر می شود ، خلیفه حرکت می کند ، تا برای جلوس روی تخت مهیّا شود ، وزیر با خدم و حشم خلیفه را همراهی می کند .

تخت خلیفه را در مقابل درب کاخ می گذارند .(۲)

بیش از ۵۰۰۰ نفر نظامی سواره ، در حدود ۱۰۰۰ نفر تیرانداز پیاده و در حدود ۷۰۰۰ نفر پرچم به دست از اصناف مختلف در صفهای منظم

۱- [۱] . مقریزی ، الخطط المقریزیه ، ج ۲ ، ص ۱۱۷ .

۲- [۲] . همان .

در اطراف خلیفه حرکت می کنند، به مقام رأس الحسین علیه السلام مشرّف می شوند.

خلیفـه در جایگـاه قرار می گیرد ، خطیـب بـه منـبر رفته ، متن خطبه پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله را که در روز غـدیر ایراد فرموده بود ، قرائت می کند .

پس از القای خطبه قاضی القضاه آمده ، دو رکعت نماز عید را با مردم می خواند .(۱)

در نزد آنها عید غدیر بیش از عید قربان اهمیّت دارد و در آن بیش از عید قربان ، قربانی ذبح می شود .

سپس قاضی بر عرشه منبر قرار می گیرد ، اشعار نغز و پرمغزی پیرامون غدیرخم می خواند .

در سال ۵۱۶ ق . در مراسم جشن غدیر هزاران تن از اشراف و اعیان و فقرا و مساکین گرد آمده ، جایزه دریافت کردند .

همگان ، از عالی و دانی ، ثروتمند و مستمند ، منتظر جایزه غدیر هستند .

کسانی که دختر دم بخت دارنـد ، یا قصـد داماد کردن پسـر دارنـد ، منتظر می شونـد که دهه غدیر فرارسد ، از جایزه خلیفه به اهداف خود برسند .(۲)

شعرا شعر می خوانند و صله مخصوص دریافت می کنند .

۷۹۰ دینار به درجه داران تقدیم می شود ، ۱۴۴ قطعه لباس فاخر تقسیم می شود ، ۲۵۸ دینار از سوی وزیر جایزه داده می شود ، موقع اذان بانگ تکبیر همه جا طنین انداز می شود ، نماز ظهر به امامت قاضی القضاه ادا می گردد .

۱- [۱] . همان ، ص ۱۱۸ .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۱۹ .

خلیفه به قصر می رود تا نزدیکان و خاندانش را دیدار نماید ، پسرش به جای او با مردم دیدار می کند و جایزه می دهد .(۱)

مسئول بیت المال با صندوقی که در آن ۵۰۰۰ دینار است می آید و آن را تقسیم می کند ، مسئول خزانه لباس می آید و لباسهای فاخر بین مردم تقسیم می کند ، وزیر دستور می دهد که کتابهایی برای مطالعه به نزد خلیفه ببرند ، به برادران و خویشاوندان خلیفه ، به هر کدام ۱۰۰۰ دینار می دهند ، آنچه باقی بماند ، به نماینده دولت می دهند تا در میان مهمانان ، درجه داران و مستخدمان تقسیم کند .(۲)

این بود اشاره ای کوتاه به آمار و ارقام مربوط به دهه غدیر در ایّام دولت فاطمیان ، که نزدیک به یک هزار سال پیش در دهه غدیر توسّط فاطمیّون نثار می شد .

چرا دهه غدیر ؟

روز غدیر به نصّ قرآن کریم روز « اکمال دین » و « اتمام نعمت » است .(۳)

از دیدگاه قرآن کریم ، عدد ۱۰ ، عدد اکمال و اتمام می باشد :

۱) خداوند منّان با حضرت موسی علیه السلام برای یک ماه وعده گذاشت ، سپس آن را با ده روز دیگر به « اتمام » رسانید :

« وَ واعَدْنا مُوسی ثَلاثِینَ لَیْلَهً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ » ؛

ص:۲۷

۱- [۱] . همان ، ص ۱۲۰ .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۲۱ .

۳- [۳] . سوره مائده ، آیه ۳ .

ما سی شب با موسی وعده گذاشتیم ، سپس آن را با ده شب دیگر به « اتمام » رساندیم .(۱)

۲) اگر کسی در حج واجب دسترسی به قربانی نداشته باشد باید ۱۰ روز روزه بگیرد ، سه روز آن را در حج و هفت روز دیگرش را در وطن :

« فَمَنْ لَمْ یَجِدْ فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیّامٍ فِی الْحَجِّ وَ سَبْعَهٍ إِذا رَجَعْتُمْ تِلْکَ عَشَرَهٌ کامِلَهٌ » ؛

اگر کسی قربانی پیدا نکند ، سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت باید روزه بگیرد ، این ۱۰ روز کامل است .(۲)

علاّمه طباطبائی در مورد واژگان : اکمال و اتمام به تفصیل سخن گفته ، به این نتیجه رسیده که : « اتمام » عبارت است از انضمام همه اجزای چیزی پس از شروع در آن ، ولی « اکمال » عبارت است از حالتی که اگر چیزی به آن حالت نرسد به اثر مطلوب خود نخواهد رسید .(۳)

در ادبیّات عرب کمتر از ده را جمع قِلَّه و ده به بالا را جمع کَثرَه گویند .

راغب در این رابطه می نویسد :

اَلْعَشَرَهُ هُوَ الْعَدَدُ الْکامِلُ ؛

۱۰ عدد کامل می باشد .(۴)

۱- [۱] . سوره اعراف ، آیه ۱۴۲ .

۲- [۲] . سوره بقره ، آیه ۱۹۶ .

۳- [۳] . علاّمه طباطبائی ، المیزان ، ج ۲ ، ص ۷۷ .

۴- [۴] . راغب اصفهانی ، مفردات القرآن ، ص ۳۳۵ .

روی این بیان اگر عید سعید غدیر را یک روز ، سه روز یا یک هفته بگیریم ، بسیار خوب است ، ولی تا به صورت دهگی نباشد ، به حدّ تمام و کمال نمی رسد .

از این رهگذر در آداب و رسوم ما دهه عاشورا ، دهه اربعین ، دهه فاطمیّه ، دهه محسنیّه ، دهه مهدویّه و دهه کرامت ۱۰ روز گرفته می شود .

بنیانگذار مجالس دهگی حضرت امام رضا علیه السلام می باشد ، که روز اول محرم خانه را سیاهپوش کرد و به ریّان بن شبیب در روز اوّل محرم فرمود :

یَا ابْنَ شَبیبٍ اِنْ کُنْتَ باکِیاً لِشَیْ ءٍ فَابْکِ لِلْحُسَیْنِ علیه السلام ؛

ای پسر شبیب اگر خواستی به چیزی گریه کنی به امام حسین علیه السلام گریه کن .(۱)

از اینجاست که مراجع دردآشنای جهان دستور اکید دارند که عید سعید غدیر به عنوان دهگی گرفته شود .

این کتاب نیز در همین رابطه و برای اطاعت از اوامر مراجع تقلید به رشته تحریر درآمد ، باشد که گام کوچکی برای عرض ادب به اول مظلوم تاریخ ، مولای متّقیان امیرمؤمنان علیه السلام برداشته باشیم .

انگیزه تألیف این اثر

تاکنون آثار ارزشمند فراوان پیرامون غدیرخم ، برای مخاطبان مختلف از نوباوگان ، جوانان ، پژوهشگران و فرهیختگان تألیف شده

۱- [۱] . شیخ صدوق ، الأمالی ، ص ۱۱۲ .

است ، ولی تا جایی که ما سراغ داریم در این رابطه تا حال چیزی تألیف نشده است .

این اثر در چهار بخش سامان یافته است :

بخش اول : رویدادهای روز غدیر

در این بخش پیشینه رخدادهای روز ۱۸ ذیحجه الحرام از آغاز آفرینش جهان ، تا عصر رسالت ؛ هنگامه غدیر در سال دهم هجرت و ره آورد آن تا زمان حاضر به صورت فشرده و در حدّ اشاره بیان شده ، با اشاره ای کوتاه به اعمال عید غدیر پایان یافته است .

بخش دوم : رویدادهای دهه غدیر

در این بخش رویدادهای روز ۱۹ تا ۲۷ ذیحجه الحرام را بررسی کرده ، در حد اشاره بازگو کرده ایم .

بخش سوم : ره آورد غدیر

شامل پنج گفتار پیرامون حدیث ثقلین ، خطبه حضرت امیر در روز غدیر ، سیمای غدیر در آیینه سخنان امام رضا علیه السلام ، شهادت ثالثه و اشاره ای به آثار تدوین یافته پیرامون هنگامه غدیر .

بخش چهارم : رویدادهای دهه غدیر

شامل پنج گفتار پیرامون : مباهله ، خاتم بخشی ، مؤاخات ، سیمای

حضرت ابوطالب و نزول سوره هل أتی .

انگیزه این بخش فراهم شدن ده سخنرانی برای سخنرانانی که در دهه غدیر برای رساندن پیام غدیر اعزام می شوند ، می باشد .

در میان رخدادهای روز غدیر و دهه غدیر مطالب فراوانی هست که هر کدام تحقیق گسترده ای را می طلبد ، که از آن جمله است :

عرض ولایت ، عصمت انبیاء ، عصمت اوصیاء ، توسّل به اولیاء ، شرح واقعه غدیر ، راویان غدیر ، شاعران غدیر ، مؤلّفان پیرامون غدیر ، خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، پیام غدیر ، بیعت در اسلام ، بیعت شکنان ، اصحاب صحیفه ، نوید منجی ، اعمال غدیر ، دعای ندبه ، زیارتهای خاص غدیر ، حدیث کساء ، عروسی حضرت زهرا علیهاالسلام ، جنایات وهابیان ، فاجعه حرّه ، ترورهای نافرجام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، شرح حال رجال برجسته ای چون : میثم تمّار ، جناب مسلم ، زهیر بن قین ، علی بن جعفر و دیگر شخصیتهای مطرح شده در این کتاب و آیات نازل شده در ایام غدیر : ۱) آیه تطهیر ؛ ۲) آیه تبلیغ ؛ ۳) آیه اکمال ؛ ۴) آیه یحلفون ؛ ۵) آیه سأل سائل .

که هر کدام از اینها تألیف مستقل و حدّاقل گفتار مستقلّی را می طلبد ، امیدواریم برای سالهای آینده در حدّ توان در مورد هر یک از آنها گفتار مختصری تقدیم گردد . انشاء اللّه

در پایان از این که به دلایل مختلف ، از جمله :

۱) عظمت و گستردگی موضوع

۲) کمی بضاعت علمی

۳) ضیق وقت

۴) تراکم کارهای تحقیقی

۵) محدودیّت صفحات کتاب و ...

نتوانستم حق مطلب را ادا کنم ، از پیشگاه صاحب ولایت ، مولای متّقیان امیرمؤمنان علیه السلام ، و از محضر مقدس موعود غدیر ، صاحب عصر و زمان ، حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه ، پوزش می طلبم ، از خداوند منّان مسألت می نمایم که پاداش این تلاش را قُرب ظهور و تقرّب به آن امام نور قرار بدهد ، انشاء اللّه .

غرّه ذیحجه الحرام ۱۴۳۱ ق .

حوزه علمیه قم _ علی اکبر مهدی پور

بخش اول: رخدادهای روز غدیر در گذر زمان

اشاره

ص:۳۳

در سایه سار غدیر

روز هیجدهم ذیحجه الحرام به مناسبت اجتماع پرشور یکصد و بیست هزار نفری حُجّاج خانه خدا ، به هنگام بازگشت از حجّه الوداع ، در سرزمین غدیرخم ، به نام « غدیر » شهرت یافته است .

رخدادهای بسیار مهمی که در روز غدیر اتّفاق افتاده ، به سال دهم هجری منحصر نمی باشد ، بلکه براساس روایات ، پیشینه آن به نخستین روزهای آفرینش آسمانها و زمین مربوط می شود ، از این رهگذر ما رخدادهای روز غدیر را در سه فصل تقدیم می داریم :

۱) پیشینه غدیر

۲) هنگامه غدیر

۳) پیامدهای غدیر

و اینک اشاره ای کوتاه به رخدادهای روز غدیر از گذشته های دور تا طلوع خورشید اسلام از وادی طور :

* * *

ص:۳۴

۱ _ پیشینه غدیر

۱) عرض ولایت

خداوند منّان در آیات نورانی قرآن ، از عرض امانت به آسمانها و زمین خبر داده می فرماید :

« إِنّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْاءِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولاً » ؛

ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمودیم پس امتناع ورزیدند از این که آن را به خود ببندند ، ولی انسان آن را به خود بست که او ستمکار و نادان است .(۱)

از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسیدند ، فرمود :

منظور از امانت ، ولایت امیرمؤمنان علیه السلام می باشد .(۲)

۱- [۱] . سوره احزاب ، آیه ۷۲ .

۲- [۲] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۱۳ .

امام رضا علیه السلام در فرازی از یک حدیث طولانی می فرماید :

خداوند در روز غدیر ولایت را بر اهل آسمانهای هفتگانه عرضه نمود ، اهل آسمان هفتم به آن پیشی گرفت ، آن را با عرش خود مزیّن نمود ...

سپس آن را به زمین ها عرضه نمود ، مکّه به آن پیشی گرفت ، پس آن را با کعبه مزیّن فرمود ...

سپس آن را به کوه ها عرضه نمود ، پس سه کوه به آن پیشی گرفت : ۱) کوه عقیق ؛ ۲) کوه فیروزه ؛ ۳) کوه یاقوت ؛ این کوه ها برترین جواهرات عالم شدند ... .(۱)

براساس روایات فراوان منظور از « حَمْل » در این آیه بر دوش کشیدن نیست ، بلکه به خود بستن است ، یعنی به دروغ آن را ادّعا کردن و منکر مقام صاحبان ولایت شدن است ، و لذا با جمله « إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولاً » پایان یافته است .(۲)

روی این بیان ، ولایت امیرمؤمنان علیه السلام ، دو هزار سال پیش از آفرینش انسان ، در روز غدیر بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه شده است .(۳) و این نخستین رخداد روز غدیر می باشد .

۲) پذیرش توبه حضرت آدم علیه السلام

اعتقاد قطعی شیعیان بر این است که همه پیامبران ، امامان و فرشتگان

۱- [۱] . سید ابن طاووس ، اقبال الأعمال ، ج ۲ ، ص ۲۶۲ .
۲- [۲] . بحرانی ، البرهان ، ج ۸ ، ص ۹۲ .
۳- [۳] . همان ، ص ۸۹ .

معصوم هستند ، هرگز گناه کبیره و یا صغیره ای ، پیش از بعثت و یا بعد از بعثت ، پیش از امامت و یا بعد از امامت ، از آنها سر نمی زند و همه بزرگان شیعه بر آن تصریح و تأکید نموده اند .(۱)

آنچه از حضرت آدم علیه السلام سر زد ، ترک اَولی بود که منافات با مقام عصمت نداشت .

خداوند منّان اسامی پنج تن آل عبا را به او آموخت ، او نیز به اصحاب کساء متوسّل شده ، به سوی خداوند منّان توبه نمود و خداوند توبه اش را پذیرفت .(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود :

خداوند منّان توبه حضرت آدم را در روز غدیر پذیرفت ، او نیز به شکرانه آن ، روز غدیر را روزه گرفت .(۳)

۳) نصب حضرت شیث

حضرت شیث فرزند حضرت آدم و وصی آن حضرت ، در روز غدیر به وصایت منصوب گردید .

شیث همان هبه اللّه است که ۵ سال بعد از حضرت هابیل متولّد شد و ۷۱۲ سال عمر کرد .

نسل حضرت آدم علیه السلام تنها از او تداوم یافت ، در نتیجه همه انسانها از

۱- [۱] . شیخ مفید ، اوائل المقالات ، ص ۶۲ _ ۶۵ ؛ علاّمه حلی ، نهج الحق ، ص ۱۴۲ و ۱۶۴ .
۲- [۲] . شیخ صدوق ، معانی الاخبار ، ص ۱۲۵ ؛ سیوطی ، الدر المنثور ، ج ۱ ، ص ۶۱ .
۳- [۳] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۶۵ .

تبار او می باشند .

خداونـد برای او حوریّه ای از بهشت فرسـتاد و فرزندی از او متولد شد و برای یافث (دیگر فرزند حضـرت آدم) حوریّه ای از بهشت آمد و دختری برای او آورد ، پسر شیث با دختر یافث ازدواج کرد و نسل آدم از آنها تداوم یافت .(۱)

حضرت آدم به فرمان خداوند شیث را به وصایت خود برگزید . این انتصاب روز غدیر اعلام گردید .(۲)

۴) لنگر انداختن کشتی نوح

به روایتی کشتی حضـرت نوح علیه السـلام در روز غدیر بر کوه جودی نشسـت(۳) و آن طوفان سـهمگین تاریخ بشریّت ، در روز غدیر پایان یافت .

براساس نصّ قرآن کریم همه انسانهایِ پس از طوفان ، از تبار حضرت نوح علیه السلام هستند :

« وَ جَعَلْنا ذُرِّیَّتَهُ هُمُ الْباقِینَ » ؛

فرزندان او را همان بازماندگان قرار دادیم .(۴)

۱- [۱] . طریحی ، مجمع البحرین ، ج ۲ ، ص ۲۵۷ .
۲- [۲] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۵۸ .
۳- [۳] . شیخ صدوق ، الأمالی ، ص ۱۹۰ .
۴- [۴] . سوره صافات ، آیه ۷۷ .

۵) نجات حضرت ابراهیم از آتش

امام رضا علیه السلام در ستایش روز غدیر می فرماید :

غدیر در میان (سه عید) قربان ، فطر و جمعه ، همانند ماه در میان ستارگان است و آن همان روزی است که خداوند حضرت ابراهیم را از میان آتشِ ــ نمرود ــ نجات داد .(۱)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید :

غدیر همان روزی است که خداند حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد ، پس او نیز به شکرانه آن ، آن روز را روزه گرفت .(۲)

۶) پیروزی حضرت موسی بر ساحران

در روز غدیر حضرت موسی علیه السلام بر ساحران غلبه نمود .(۳)

۷) نصب هارون برادر موسی

حضرت موسی علیه السلام از خدا خواست که برادرش هارون را همراه او بفرستد ، خداوند نیز وعده داد که به وسیله هارون بازوانش را محکم و نیرومند بسازد .(۴)

۱- [۱] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۶۰ .

۲- [۲] . همان ، ص ۲۶۵ .

۳- [۳] . محدث قمی ، فیض العلام ، ص ۱۲۵ .

۴- [۴] . سوره قصص ، آیه ۳۵ .

روز ۱۸ ذیحجه الحرام حضـرت موسـی علیه السـلام به فرمان خداوند برادرش هارون را به وصایت خود برگزید و اعلام نمود (۱).

۸) اعلام وصایت یوشع بن نون

پس از درگـذشت هـارون ، حضـرت موسـی علیه السـلام یوشع بن نون را در چنین روزی به خلافت و جانشـینی خود برگزید (۲).

۹) بعثت حضرت ادریس

خداوند منّان در روز غدیر حضرت ادریس را به پیامبری برانگیخت .(۳)

۱۰) نصب آصف بن برخیا

روز ۱۸ ذیحجه الحرام بود که حضـرت سـلیمان علیه السـلام آصف بن برخیا را به جانشـینی خود برگزید ، امّت خود را بر آن گواه گرفت و با آیات و بیّنات مقام والای او را به همگان اعلام فرمود .(۴)

۱۱) نصب شمعون صفا

در روز غدیر حضرت عیسی علیه السلام شمعون بن حَمّون بن صفا را به

۱- [۱] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۶۵ .

۲- [۲] . شیخ مفید ، مسار الشیعه ، ص ۲۲ مجموعه ۵۸ .

۳- [۳] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۵۸ .

۴- [۴] . شیخ مفید ، همان .

جانشینی خود برگزید و جانشینی او را به همگان آشکار ساخت .(۱)

۱۲) جشن و سرور همگانی

امام صادق علیه السلام فرمود :

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام امر فرمود که روز غدیر را جشن بگیرد و همه پیامبران به اوصیای خود وصیّت می کردند که آن روز را جشن بگیرند .(۲)

در حدیث دیگری آمده است :

خداوند پیامبری را به پیامبری برنینگیخت ، جز این که روز بعثتش در نزد آنها چون روز غدیر باشد و حرمت آن را نگهدارند ،(۳) زیرا اوصیای خود را در چنین روزی برمی گزیدند و جانشین خود را در چنین روزی اعلام می کردند .(۴)

این بود اشاره ای کوتاه به رویدادهای روز ۱۸ ذیحجه الحرام در میان امّت های پیشین .

و امّا رخداد بزرگ تاریخ در عهد رسالت (هجدهم ذیحجه الحرام سال دهم هجری) :

۱- [۱] . همان .

۲- [۲] . کلینی ، کافی ، ج ۴ ، ص ۱۴۹ .

۳- [۳] . علّامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۹۸ ، ص ۳۰۳ .

۴- [۴] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۶۲ .

۲ _ هنگامه غدیر

۱) عید غدیر

از امام صادق علیه السلام پرسیدند : آیا برای مسلمانان به جز عیدین (فطر و قربان) عید دیگری هست ؟ فرمود :

آری ، برتر و باعظمت تر از آن .

پرسیدند : چه روزی ؟ فرمود :

روزی که امیرمؤمنان علیه السلام را به عنوان عَلَم (مشعل هدایت) برای مردمان نصب کرد .(۱)

در حدیث دیگری فرمود :

رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرمؤمنان علیه السلام را امر فرمود که آن روز را عید بگیرد ، چنانکه پیامبران نیز به اوصیای خود امر می کردند که آن روز را عید بگیرند .(۲)

ص:۴۳

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۴، ص ۱۴۸ .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۴۹ .

۲) نصب امیر در روز غدیر

مهم ترین حادثه ای که امروز را در تاریخ بشریّت جاودانه کرده ، داستان نصب مولای متّقیان به فرمان خداوند منّان ، به خلافت و وصایت می باشد .

روز ۱۸ ذیحجه الحرام سال دهم هجری ، رسول خاتم صلی الله علیه و آله به فرمان پروردگار عالم ، امیرمؤمنان علیه السلام را در حضور ۱۲۰/۰۰۰ حاجی که از حج برمی گشتند ، در سرزمین غدیرخم بر فراز منبر برده ، او را به عنوان : ولی ، مولی و اَولی به نفس برای همه انسانها اعلام فرمود .

این حادثه باشکوه در سرزمین جُحفه در کنار برکه آب ، در محلّی به نام « خُم » واقع شد ، از این رو به « غدیرِخُم » شهرت یافت .

۳) نزول آیه تبلیغ

در سرزمین جُحفه پیک وحی فرود آمد و آیه تبلیغ را بر قلب شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورد :

« یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ » ؛

ای پیامبر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن ، اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای ، خداوند تو را از مردمان حفظ می کند .(۱)

۱- [۱] . سوره مائده ، آیه ۶۷ .

۴) اجتماع باشکوه تاریخ

به دنبال نزول این آیه شریفه ، پیامبر اکرم امر فرمود که همگان از مرکبهای خود فرود آیند ، آنان که پیش رفته اند برگردند ، آنها که عقب مانده اند برسند ، تا این اجتماع باشکوه بر کرانه غدیر خم تشکیل شود .

۵) فراخوان الهی

هنگامی که همگان فرود آمدند ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فریاد برآورد :

اَیُّهَا النّاسُ أَجیبُوا داعِیَ اللّه ِ ، أَنَا رَسُولُ اللّه ِ ؛

هان ای مردمان ! فراخوان خداوند را اجابت کنید که من پیام آور خدایم .(۱)

۶) در سایه سار درختان کهن

پنج درخت کهن سال ، از نوع مغیلان (سَـِمُر) بر کرانه آبگیر خُم خودنمایی می کردند ، امر فرمودند که چهار یار وفادار : سلمان ، ابوذر ، مقداد و عمار آنجا را برای ایراد خطابه مهیّا کنند .

۷) بر فراز منبری بلند جایگاه

در زیر سایبان به فرمان خاتم پیامبران ، سنگها را روی هم چیدند ،

۱- [۱] . مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۷ ، ص ۱۵۲ .

جهاز شتران را بر فراز سنگها روی هم انباشته ، منبری سامان دادند که از نظر معنوی با عرش خدا پهلو می زد .

آنگاه حضرت خاتم صلی الله علیه و آله دست در دست فخر اولاد آدم نهاده ، بر فراز منبر قرار گرفتند و برای اینکه صدای آن حضرت به همگان برسد به ربیعه که صدای بلند و دلنشینی داشت، فرمان داد، که سخنان آن حضرت را تکرار کند.

۸) خطبه ای بی نظیر و دلپذیر

خطیب بی نظیر تاریخ ، که به تعبیر خود : « أَفْصَحُ مَنْ نَطَقَ بِالضّادِ » و به اعتراف دوست و دشمن فصیح ترین انسان بود ،(۱) سخنان خود را با حمد و ثنای پروردگار آغاز کرد و خطبه غرّایی ایراد کرد که در حدود یک ساعت به طول انجامید .

و اینک فرازهایی از این خطبه بی نظیر تاریخ :

۹) اعلام وصایت از لسان رسالت

پس از حمد و ثنای پروردگار فرمود :

در شامگاه روز عرفه ، فرمانی از سوی پروردگار رسید که ترسیدم دروغپردازان تکذیبم کنند ، تا در اینجا فرمان مجدّد رسید که اگر ابلاغ نکنم مورد تهدید قرار می گیرم .

۱- [۱] . حرف ضاد از واژگان خاص زبان عربی است و به جهت دشواری تلفّظ آن ، زبان عربی را لغتِ ضاد می نامند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فصیح ترین انسانی است که به عربی سخن می گوید . [بحار : ج ۱۷ ، ص ۱۵۶ ـ ۱۵۸] .

آنگاه وصایت امیرمؤمنان را ابلاغ فرمود .

۱۰) اعلام ولایت در روز ولایت

آنگـاه فرمود : امروز سه بـار جبرئیـل بر من نـازل شـد و از سوی پروردگـار مرا مأمور کرد که در این محلّ اجتماع کرده بر هر سفید و سیاه اعلام کنم که علی برادرِ من ، وصیِّ من ، جانشینِ من بر امّتِ من و امامِ بعد از من می باشد .

۱۱) تداوم امامت از تبار مولا

در فراز دیگری از خطبه غدیر به تداوم امامت از تبار مولای متّقیان تصریح کردند و فرمودند :

ثُمَّ الْإِمامَهُ فی ذُرِّیَّتی مِنْ وُلْدِهِ اِلی یَوْمَ تَلْقَوْنَ اللّه -وَرَسُولَهُ ؛

سپس امامت در ذریّه من از نسل او تا روز ملاقات با خدا و رسول می باشد .

۱۲) اَولی به نفس

آنگاه از مردم پرسیدند : چه کسی برای شما از خودتان صاحب اختیارتر می باشد ؟ همه گفتند : خداوند و رسول او .

پس فرمود :

مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَوْلاهُ ؛

هر کسی را که من مولا و اَولی به نفس باشم ، این علی نیز او را مولا و اَولی به نفس می باشد .

۱۳) هشدار به منافقان

آنگاه به اهداف شوم منافقان اشاره کرد و از آنها به عنوان : « اَصحابِ صحیفه » نام برد .(۱)

۱۴) نوید منجی آخر الزمان

در همین فراز به مصلح الهی و منجی آسمانی اشاره کرده فرمودند :

مَعاشِرَ النّاسِ ! الَنُورُ مِنَ اللّه ِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْلُوکٌ فِیَّ ، ثُمَّ فی عَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ ، ثُمَّ فِی النَّسْلِ مِنْهُ اِلَی الْقائِمِ الْمَهْدِیِّ ، الَّذی یَأْخُذُ بِحَقِّ اللّه ِ وَبِکُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنا ؛

هان ای مردمان ، نور خدا با من ، سپس با علی ، آنگاه در نسل او تا قائم مهدی می باشد ، آن مهدی که قیام کرده حقِّ خدا و همه حقوق ما را اخذ می کند .

۱۵) ویژگیهای حضرت مهدی

آنگاه به ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام اشاره کردند و فرمودند :

آگاه باشید که پایان بخشِ امامان مهدی قائم از ماست .

آگاه باشید که او بر همه ادیان پیروز می باشد .

ص:۴۸

۱- [۱] . اصحاب صحیفه کسانی بودند که پس از خطبه پیامبر در مِنی ، در کنار کعبه گرد آمدند و قراردادی امضا کردند که نگذارند علی علیه السلام به خلافت برسد . [سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۴۳] .

آگاه باشید که او از ستمگران انتقام می گیرد .

آگاه باشید که او همه قلعه های شرک را فتح می کند و منهدم می سازد .

آگاه باشید که او بر همه توده های مشرکان غلبه می کند و آنها را هدایت می نماید .

آگاه باشید که او منتقم خون همه اولیای الهی است .

آگاه باشید که او یار و یاور دین است .

آگاه باشید که او جرعه نوش دریای بیکران است .

آگاه باشید که او هر عالمی را به دانش او و هر جاهلی را به جهل او شناسایی می کند .

آگاه باشید که او منتخب و برگزیده خداوند است .

آگاه باشید که او وارث همه دانشها و صاحب همه بینشها می باشد .

آگاه باشید که او از سوی خدا سخن می گوید و آیات الهی را استوار می سازد .

آگاه باشید که او محکم و استوار است و امور به او تفویض شده است .

آگاه باشید که همه پیشینیان به او بشارت داده اند .

آگاه باشید که او تنها ذخیره الهی است ، بعد از او حجتی نیست ، حق با او و نور الهی با اوست .

آگاه باشید که او همیشه پیروز و شکست ناپذیر است .

آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین ، حاکم خدا در میان بندگان و امین خدا در آشکار و نهان می باشد .

۱۶) فراخوان بیعت

آنگاه فرمود :

من همه شما را دعوت می کنم که پس از خاتمه خطبه ام با من

دست داده ، برای اقرار به امامت او با من بیعت کنید ، سپس به خود او دست بیعت دهید .

۱۷) هشدار به نقض بیعت

آنگاه با تلاوت آیه دهم از سوره فتح آنها را از نقض بیعت بیم دادند .

۱۸) امر به بیعت با دست و زبان

پس از شرح مفصّلی پیرامون حلال و حرام و تأکید بر نماز و زکات فرمودند :

من مأموریّت دارم که از شما با دست و زبان بیعت بگیرم برای آنچه از سوی خداوند در مورد علی و فرزندانش ، تا پایان بخش آنان مهدی آورده ام .

آنگاه یکبار دیگر به نماز و زکات تأکید کرده ، فرمودند :

هیچ امر به معروف یا نهی از منکری جز با امام معصوم نمی باشد .

۱۹) بیعت زبانی

آنگاه واژگانی را به مردم تلقین کردند و فرمودند همگی بگویید :

ما شنیدیم ، اطاعت کردیم ، راضی شدیم و گردن نهادیم به آنچه از سوی پروردگارمان و پروردگارت در مورد امامت علی امیرمؤمنان و امامان از نسلِ او آوردی . با دل و جان و با دست و زبان بر این امر با تو بیعت نمودیم ، با این عقیده

زنده ایم ، با این عقیده می میریم و با این عقیده مبعوث می شویم ، هرگز تغییر نمی دهیم ، انکار نمی کنیم و شک و تردید به خودمان راه نمی دهیم . از این عهد و پیمان برنمی گردیم و این بیعت را نمی شکنیم .

۲۰) فضایل بی شمار مولا

آنگاه یک بار دیگر از پیمان شکنی بیم دادند و در پایان فرمودند :

فضایل علی بن ابی طالب در نزد خدا و در کتاب خدا ، بیش از آن است که من بتوانم در یک مجلس آنها را بشمارم ، هر کس آنها را بشناسد و به شما خبر دهد از او بپذیرید .

۲۱) بیعت مردان

پس از پایان یافتن خطبه ، همگان فریاد برآوردند :

شنیدیم ، اطاعت کردیم ، فرمان خدا و رسول خدا را با جان و دل ، و با دست و زبان پذیرا شدیم .

آنگاه به سوی پیامبر هجوم آوردند ، با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست بیعت دادند ، سپس به سوی امیرمؤمنان علیه السلام شتافتند و با او نیز بیعت کردند .

۲۲) پیشتازان

اوّلی و دوّمی از همه پیشی گرفتند و پیش از همه با آن حضرت بیعت کردند ، سپس دیگر سران از مهاجران و انصار ، با حفظ مراتب به حضور رسیده دست بیعت دادند .

۲۳) تداوم بیعت

روز غدیر سپری شد ، نماز مغرب و عشا را در یک وقت ادا کردند و سه روز بیعت را ادامه دادند ، تا همگان بتوانند از نزدیک با آن حضرت بیعت نمایند و حجّت بر همگان تمام شود .

۲۴) سُرور پیامبر

هر گروهی که بیعت می کردند ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسرور می شدند و می فرمودند :

اَلْحَمْدُ للّه ِ الَّذی فَضَّلَنا عَلی جَمیعِ الْعالَمینَ ؛

سپاس و ستایش خداوندی را که ما را بر همه جهانیان برتری داد.(۱)

۲۵) بیعت زنان

چون بیعت مردان تمام شد ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر فرمود ظرف آبی بیاورند و پارچه ای روی آن بکشند ، امیرمؤمنان علیه السلام دستش را در آن ظرف قرار بدهد و زنها با بردن دست خود در آن آب ، با آن حضرت بیعت کنند .

همسران پیامبر در آن روز حضور داشتند و همگی با همان طریق با آن حضرت بیعت کردند .

۱- [۱] . طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۱ ، ص ۵۵ _ ۶۶ .

خواندمیر در این رابطه می نویسد :

بعد از آن امّهاتِ مؤمنین بر حسب اشارت سیّد المرسلین به خیمه امیرالمؤمنین رفته ، شرط تهنیت به جای آوردند .(۱)

۲۶) بیعت شیخین

شیخین از پیشتازان در بیعت بودند ، هنگامی که عمر بن خطاب با آن حضرت بیعت کرد گفت :

بَخٍ بَخٍ لَکَ یَا ابْنَ اَبیطالِبٍ ، اَصْبَحْتَ مَوْلایَ وَمَوْلی کُلِّ مُسْلِمٍ ؛

به به به تو ای پسر ابوطالب ، مولای من و مولای هر فرد مسلمان شدی .(۲)

۲۷) تاجگذاری مولا

در مراسم عیدغدیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمامه سَحاب خود را به عنوان تاج افتخاری بر سر مبارک امیرمؤمنان علیه السلام گذاشتند و تحت الحنک آن را از پشت سر بر دوش آن حضرت انداختند و فرمودند :

یا عَلِیُّ اَلْعَمائِمُ تیجانُ الْعَرَبِ ؛

علی جان ، عمامه تاج عرب است .(۳)

۱- [۱] . خواندمیر ، حبیب السّیر ، ج ۲ ، ص ۴۱۱ .

۲- [۲] . خطیب ، تاریخ بغداد ، ج ۸ ، ص ۲۹۰ .

۳- [۳] . دیلمی ، الفردوس بمأثور الخطاب ، ج ۳ ، ص ۸۷ .

۲۸) جشن و سرور

پیامبر اکرم در روز غدیر به امیرمؤمنان امر فرمود که همه ساله آن روز را جشن بگیرد .(۱)

۲۹) نزول آیه اکمال

چون اعلام خلافت و وصایت امیرمؤمنان علیه السلام به پایان رسید ، آیه شریفه اکمال دین نازل شد :

« الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الْاءِسْلامَ دِیناً » ؛

امروز دین شما را کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم .(۲)

چون این آیه نازل شد ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

اَللّه ءاَکْبَرُ عَلی اِکْمالِ الدّینِ وَاِتْمامِ النِّعْمَهِ وَرِضَی الرَّبِّ وَالْوِلایَهِ لِعَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ علیه السلام ؛

سپاس بیکران خدای را برای اکمال دین ، اتمام نعمت ، خشنودی پروردگار و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام .(۳)

ص:۵۴

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۴ ، ص ۱۴۹ .
۲- [۲] . سوره مائده ، آیه ۳ .
۳- [۳] . مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۷ ، ص ۱۷۸ .

۳۰) نزول آیه یحلفون باللّه ما قالوا

سه تن از منافقان پس از بیعت با مولا ، به چادرهای خود رفته با یکـدیگر به رایزنی پرداختند ، پشت سـر پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله سخنان ناشایست گفتند و هم قسم شدند که با تمام قدرت در برابر آن کار بایستند .

حذیفه که در چادر خود سخنان آنها را می شنید ، چادر را کنار زد و گفت :

پیامبر در میان شما هست و چنین سخنانی بر زبان می رانید ؟ ! به خدا سوگند سخنان شما را به آن حضرت خواهم گفت .

گفتنـد : هر چه خواهی انجام بـده ، ما سوگند می خوریم که تو دروغ گفته ای . حذیفه توطئه آنها را به پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله بیان کرد ، پیامبر آنها را طلبید و ماجرا را پرسید ، آنها قسم خوردند که چنین سخنی نگفته اند .

جبرئیل آمد و این آیه را آورد :

« یَحْلِفُونَ بِاللّهِ ما قالُوا وَ لَقَدْ قالُوا کَلِمَهَ الْکُفْرِ وَ کَفَرُوا بَعْدَ إِسْلامِهِمْ » ؛

به خدا سوگند می خورند که نگفته اند ، در حالی که سخن کفرآمیز گفته اند و پس از اظهار اسلام به کفر گرویدند .(۱)

ص:۵۵

۱- [۱] . مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۷ ، ص ۱۵۳ .

۳۱) نزول آیه سأل سائل

پس از اعلام وصایت مولای متّقیان ، حارث بن نعمان فهری به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرّف شد و گفت :

به ما امر فرمودید که « لا اله الاّ اللّه » بگوییم ، گفتیم ، سپس فرمودید که شما را رسول خدا بنامیم ؛ نامیدیم ، آنگاه دستور نماز ، روزه و حج دادید ، انجام دادیم .

حالا می گویید : مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ ، اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ ؛

آیا این سخن از شماست ، یا از جانب خدا ؟

حضرت فرمود :

از جانب خداست ، از جانب خداست ، از جانب خداست .

حارث با حالت خشم و غضب بلند شد و گفت :

خدایا اگر آنچه محمّد می گوید ، راست باشد ، برای ما از آسمان سنگ ببار ، تا نعمتی برای ما و آیتی برای بعدی ها باشد .

و اگر دروغ می گوید ، نقمت خود را بر او نازل فرما .

آنگاه بر فراز مرکب خود نشست و مرکبش را حرکت داد ، پس سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و به هلاکت رسید .(۱)

۱- [۱] . خرسان ، موسوعه عبداللّه بن عباس ، ج ۱ ، ص ۲۳۸ .

پس این آیه نازل شد :

« سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ » ؛

تقاضا کننده ای عذابی را تقاضا نمود که واقع شد .(۱)

۳۲) شعر حسّان

حسّان بن ثابت ، شاعر سخن سنج عرب ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجازه خواست که هنگامه غدیر را به شعر درآورد ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجّه به نقش شعر در جاودانه ساختن یک حادثه ، به او اجازه داد .

حسّان قصیده خود را با مطلع : یُنادیهِمْ یَوْمَ الْغَدیرِ نَبِیُّهُمْ ، در محضر آن حضرت انشاد کرد .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

لا تَزالُ یا حَسّانُ مُؤَیَّداً بِرُوحِ الْقُدُسِ ما نَصَرْتَنا بِلِسانِکَ ؛

ای حسّان تا با زبان خود ما را یاری می کنی با روح القدس مؤیَّد باشی .

علاّمه امینی در اینجا پاورقی زده فرموده :

از دلایل نبوّت پیامبر است که با این جمله اشاره نموده که حسّان بعدها از امام هدایت منحرف خواهد شد .(۲)

آنگاه اشعار حسّان را از ۲۶ منبع نقل فرمود .(۳)

۱- [۱] . سوره معارج ، آیه ۱ .
۲- [۲] . امینی ، الغدیر ، ج ۱ ، ص ۶۵ .
۳- [۳] . همان ، ص ۶۵ _ ۱۱۱ .

۳۳) حدیث ثقلین

یکی از حسّاس ترین فرازهای خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر ، به حدیث ثقلین اختصاص دارد ، از این رهگذر در بخش سوم کتاب به تفصیل در این رابطه سخن گفته ایم .

با توجّه به تحریف متن حدیث ثقلین توسّط برخی از منحرفان ، کتاب مستقلّی در این رابطه منتشر شده است .(۱)

۳۴) شهادت ثالثه

در اوّلین اذان پس از خطابه خاتم پیامبران ، راست گوی ترین صحابه پیامبر ، حضرت ابوذر به فرمان پیامبر اذان گفت و شهادت به ولایت امیرمؤمنان علیه السلام را در ضمن فصول اذان بر زبان راند ، برخی از بیماردلان به محضر پیامبر شتافته ، زبان به انتقاد گشودند ، پیامبر اکرم فرمود : مگر نگفتم که : من کنت مولاه فهذا علی مولاه .

در بخش سوم کتاب به تفصیل در این رابطه سخن گفته ایم .

* * *

ص:۵۸

۱- [۱] . حدیث ثقلین با دو قرائت ، از نگارنده سطور ، نشر رسالت ، قم ، ۱۳۸۹ ش . ۱۸۳ صفحه رقعی .

۳ _ پیامدهای غدیر

۱) کشته شدن عثمان

از حوادث مهم در روز غدیر ، کشته شدن عثمان بن عفان در روز ۱۸ ذیحجه الحرام ۳۵ هجری می باشد .(۱)

عثمان پس از ۹۴ روز محاصره ، توسّط عـدّه ای از مسـلمانان که از رفتار او خشـمگین بودند ، در چنین روزی در خانه اش به قتل رسید ، سه روز جنازه اش در مزبله ای بود ، شبانه در حشّ کوکب که قبرستان یهود بود به خاک سپرده شد .(۲)

یکی از مشـکلات عثمان ثروت اندوزی بود ، در روزی که کشته شد : ۰۰۰/۱۵۰ دینار ، یک میلیون درهم ، املاک فراوان که ۰۰۰/۱۰۰ دینار قیمت آنها بود ، اشتران و اسبهای فراوان از خود به ارث گذاشت .(۳)

ص:۵۹

۱- [۱] . شیخ مفید ، مسارّ الشیعه ، ص ۲۱ مجموعه ، ص ۵۷ .

۲- [۲] . مسعودی ، مروج الذّهب ، ج ۲ ، ص ۳۴۴ .

۳- [۳] . همان ، ص ۳۳۱ .

به هر یک از زنهای او ۸۳/۰۰۰ دینار از ثُمن ترکه او رسید .(۱)

۲) بیعت با امیرمؤمنان علیه السلام

پس از ۲۵ سال خانه نشینی ، سرانجام روز عید غدیر ۳۵ هجری ، حق به حق دار رسید و با مولای متّقیان همه مهاجران و انصار بیعت کردند .

این بیعت دقیقاً در روز کشته شدن عثمان (عید غدیر ۳۵ ق .) اتّفاق افتاد .(۲)

۳) وصف بیعت

امیرمؤمنان علیه السلام در فرازی از خطبه شقشقیّه ، تهاجم مهاجران و انصار رابرای بیعت با آن حضرت تشریح کرده ، از پاره شدن دو طرف عبایش سخن گفته ، مهاجمان را به گلّه گوسفندی تشبیه نموده و تراکم آنها را به یالهای متراکم کفتار مقایسه نموده است .(۳)

۴) خطبه امیر در روز غدیر

در ایّام خلافت ظاهری امیرمؤمنان علیه السلام عید غدیر با روز جمعه مصادف شد ، امیرمؤمنان خطبه مفصّلی ایراد کردند و در ضمن آن ۲۸ ویژگی از ویژگیهای روز غدیر را برشمردند .

۱- [۱] . محدّث قمی ، تتمّه المنتهی ، ص ۲۷ .

۲- [۲] . مسعودی ، مروج الذّهب ، ج ۲ ، ص ۳۴۷ .

۳- [۳] . نهج البلاغه ، خطبه سوم ، خطبه شقشقیّه .

متن کامل این خطبه را در نبراس(۱) و ترجمه اش را در بخش سوّم این کتاب آوردیم .

متن کامل آن را شیخ طوسی با سلسله اسنادش از امام حسین علیه السلام روایت کرده است .(۲)

۵) جشن غدیر توسّط حضرت امیر

در دوران خلافت مولای متّقیان امیرمؤمنان علیه السلام جشن مفصّلی در روز غدیر برپا شد ، امیرمؤمنان خطبه غرّایی ایراد نمودند ، نماز جمعه را ادا کردند ، با فرزندان و شیعیان به خانه امام حسن مجتبی علیه السلام تشریف بردند ، از طعامی که تهیه شده بود ، افطار نمودند .

آنگاه همگان ، از مستمند و ثروتمند ، با هدایا و عطایای آن حضرت ، به سوی خانواده های خود بازگشتند .(۳)

۶) عید غدیر از دیدگاه امام صادق علیه السلام

کشّاف الحقایق ، امام جعفر صادق علیه السلام ، از روز عید غدیر به عنوان : روزی که خداوند شالوده اسلام را با آن استوار ساخته و از آن ، روزِ « نورافشانی اسلام » تعبیر نموده می فرماید :

خداوند آن را برای ما، دوستانِ ما و شیعیانِ ما عید قرار داده است.(۴)

۱- [۱] . نگارنده ، نبراس الفائزین بزیاره امیرالمؤمنین ، ص ۲۱۸ _ ۲۲۶ .
۲- [۲] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجّد ، ص ۷۵۲ _ ۷۵۸ .
۳- [۳] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ص ۲۶۰ . ۴ . همان ، ص ۲۷۹ .

۷) عید غدیر از دیدگاه امام رضا علیه السلام

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام خطبه غرّایی در مورد عید غدیر ایراد کرده ، چهل ویژگی از ویژگیهای عید غدیر را برشمرده است ،(۱) که ترجمه آن در بخش سوّم این کتاب تقدیم می شود .

۸) جشن و سرور در طول اعصار و قرون

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه روز در سرزمین غدیر به جشن و سرور پرداختند و به حاضران می فرمودند :

هَنِّئُونی ، هَنِّئُونی اِنَّ اللّه ـ تَعالی خَصَّنی بِالنُّبُوَّهِ ، وَخَصَّ اَهْلَ بَیْتی بِالْاِمامَهِ ؛

به من تبریک و تهنیت بگویید ، که خداوند متعال مرا به نبوّت و خاندانم را به امامت اختصاص داد .(۲)

۹) وفات خواجه نصیر

ابوجعفر ، محمّد بن محمّد بن حسن طوسی ، مشهور به : خواجه نصیر ، از مفاخر جهان تشیّع ، روز غدیر ۶۷۲ ق . در بغداد درگذشت ، به کاظمین منتقل شده ، در سردابی که در طرف بالای سر کاظمین علیهماالسلام ، از سوی النّاصر باللّه ، سی و چهارمین خلیفه عباسی (۵۷۵ _ ۶۲۲ ق .) تهیه شده بود

ص:۶۲

۱- [۱] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ص ۲۴۰ .

۲- [۲] . علّامه امینی ، الغدیر ، ج ۱ ، ص ۵۱۳ .

و به جهت فوت او در رصافه (دمشق) به او قسمت نشده بود ، به خاك سپرده شد و بر لوح قبرش نوشته شد :

« وَ كَلْبُهُمْ باسِطٌ ذِراعَيْهِ بِالْوَصِيدِ » ؛

و سگ آنها (اصحاب كهف) دستهای خود را (به نشان نگهبانی) به آستانه گشوده بود .(۱)

خواجه علاوه بر آثار تأليفی ، رصدخانه مراغه را بنياد نهاد و با حُسن تدبيرش از قسمت اعظم جنايات مغول جلوگيری كرد .

خواجه را بزرگان با واژگانی چون : محقّق طوسی ، استاد البشر ، علاّمه البشر و عقل حادی عشر ستوده اند .(۲)

۱۰) وفات محقّق كَرَكی

محقّق ثانی ، علی بن عبدالعالی ، مشهور به محقّق كَرَكی ، صاحب جامع المقاصد ، نَفَحات اللاّهوت و آثار ارزشمند فراوان ديگر ، روز عيد غدير ۹۴۰ ق . وفات كرد .

« مقتدای شيعه » كه به حساب ابجد ۹۴۰ می شود ، به عنوان مادّه تاريخ او گفته شده است .

۱۱) تولّد شيخ انصاری

افتخار صفحات تاريخ مرحوم شيخ مرتضی انصاری ، صاحب كتاب

ص:۶۳

۱- [۱]

۲- [۲] ۱ . سوره كهف ، آيه ۱۸ . . مدرس ، ريحانه الادب ، ج ۲ ، ص ۱۷۱ _ ۱۸۲ .

رسائل و مکاسب ، در روز عید سعید غدیر ، سال ۱۲۱۴ ق . در دزفول متولد شد ، جالب توجّه است که واژه « غدیر » با حساب ابجد ۱۲۱۴ می شود و لذا شیخ منصور ، برادر شیخ مرتضی آن را به عنوان مادّه تاریخ وی آورده است .

شیخ انصاری از محضر سید مجاهد صاحب مناهل ، شریف العلمای مازندرانی ، ملااحمد نراقی ، شیخ موسی و شیخ علی کاشف الغطاء بهره ها برد و پس از رحلت صاحب جواهر (۱۲۶۶ ق) به مرجعیّت عامه رسید و شاگردان زیادی تربیت کرد ، که از آن جمله است : میرزای شیرازی ، آخوند خراسانی ، میرزا حبیب اللّه رشتی و سید جمال الدّین اسدآبادی .

رسائل و مکاسب ایشان همواره از کتب درسی حوزه های علمیه بوده ، خود آیتی بزرگ در تقوا ، تحقیق ، زهد و عبادت بود .

شیخ انصاری به سال ۱۲۸۱ ق . به درود حیات گفت و در کنار درب قبله صحن مقدس امیرمؤمنان علیه السلام مأوی گزید (۱).

۱۲) قتل عام شیعیان کربلا

روز عید سعید غدیرخم ، که عمده شیعیان کربلا برای زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به نجف اشرف مشرّف بودند ، وهّابیان خون آشام شهر کربلا را محاصره نموده ، زنان و کودکان را از دم تیغ گذرانیدند ، به احدی رحم نکردند ، از کشته ها پشته ساختند ، در و دیوار حرم سالار

۱- [۱] . مدرس خیابانی ، ریحانه الادب ، ج ۱ ، ص ۱۸۹ _ ۱۹۳ .

شهیـدان را ویران کردند ، ضـریح مقدّس را نابود کردند ، درهای قیمتی حرم را طعمه حریق نمودند ، جواهرات حرم را غارت کردند ، آنچه در خانه ها یافتند به یغما بردند .

این جنایت هولناک روز غدیر خم ۱۲۱۶ ق . اتّفاق افتاد و هزاران شهید برجای نهاد .

از آنجا رهسپار نجف اشرف شدند ، با فرمان بسیج همگانی مرحوم آیت اللّه کاشف الغطاء مجبور به عقب نشینی شدند .

در شب نهم صـفر ۱۲۲۱ ق . یکبـار دیگر به نجف اشـرف هجوم بردنـد ، این بـار با ظهور کرامات و معجزات امیرمؤمنان علیه السلام شکست خوردند و تلفات زیاد دادند و مجبور به فرار شدند .(۱)

این بود اشاره ای کوتاه به حوادث تلخ و شیرین که در طول قرون و اعصار ، در روز هجدهم ذیحجه الحرام اتّفاق افتاده است .

* * *

ص:۶۵

۱- [۱] . عاملی ، مفتاح الکرامه ، ج ۵ ، ص ۵۱۷ .

۴ _ اعمال عید غدیر

اشاره

روز غدیر خم اعمال فراوانی دارد که به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم :

۱) زیارت امیرمؤمنان علیه السلام

روز غدیر روز زیارتی مخصوص امیرمؤمنان علیه السلام است ، امام رضا علیه السلام به بزنطی فرمود :

هر کجا باشی ، روز غدیر خودت را به نزد قبر امیرمؤمنان علیه السلام برسان که خداوند منّان برای هر مؤمن و مؤمنه و مسلم و مسلمه ، گناه ۶۰ سالش را می آمرزد و دو برابر آنچه در ماه رمضان ، در شب قدر و شب فطر ، از آتش جهنم آزاد کرده ، در آن روز آزاد می سازد و هر درهمی که در آن روز به برادران ایمانی انفاق کنی برابر ۱۰۰۰ درهم می باشد ، پس در آن روز به برادرانت بخشش کن و هر مؤمن و مؤمنه ای را شادمان کن .(۱)

۱- [۱] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجّد ، ص ۷۳۷ .

برای زیارت امیرمؤمنان علیه السلام علاوه بر زیارتهای مطلقه ، چندین زیارت مخصوص روز غدیر ، از امام صادق و امام عسکری علیهماالسلام رسیده که در کتب زیارتی آمده است .(۱)

۲) زیارت از راه دور

برای کسانی که در روز غدیر توفیق تشرّف به نجف اشرف را پیدا نکنند ، زیارتنامه مختصری از امام صادق علیه السلام رسیده است ، که در اینجا می آوریم :

اول دو رکعت نماز زیارت می خوانی ، سپس به سوی نجف اشرف اشاره می کنی و می گویی :

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیِّکَ ، وَأَخِی نَبِیِّکَ ، وَوَزِیرِهِ وَحَبِیبِهِ وَخَلِیلِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ ، وَخِیَرَتِهِ مِنْ أُسْرَتِهِ ، وَوَصِیِّهِ وَصَفْوَتِهِ وَخَالِصَتِهِ ، وَأَمِینِهِ وَوَلِیِّهِ ، وَأَشْرَفِ عِتْرَتِهِ الَّذِینَ آمَنُوا بِهِ ، وَأَبِی ذُرِّیَّتِهِ ، وَبَابِ حِکْمَتِهِ ، وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ ، وَالدَّاعِی إِلَی شَرِیعَتِهِ ، وَالْمَاضِی عَلَی سُنَّتِهِ ، وَخَلِیفَتِهِ عَلَی أُمَّتِهِ ، سَیِّدِ الْمُسْلِمِینَ ، وَأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ ، أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ وَأَصْفِیَائِکَ ، وَأَوْصِیَاءِ أَنْبِیَائِکَ .

۱- [۱] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجّدین ، ص ۷۴۰ ؛ سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۷۵ ؛ علاّمه مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۱۰۰ ، ص ۳۵۹ ؛ نگارنده ، نبراس الفائزین ، ص ۱۵۵ _ ۱۷۹ .

اَللّهُمَّ إِنّی أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِیِّکَ صَلَّی اللّه عَلَیْهِ وَآلِهِ مَا حُمِّلَ ، وَرَعَی مَا اسْتُحْفِظَ ، وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ ، وَحَلَّلَ حلالَکَ ، وَحَرَّمَ حَرَامَکَ ، وَأَقَامَ أَحْکامَکَ ، وَدَعَا إِلَی سَبیلِکَ ، وَوَالَی أَوْلِیاءَکَ ، وَعَادی أَعْدَاءَکَ ، وَجَاهَدَ النَّاکِثِینَ عَنْ سَبیلِکَ ، وَالْقَاسِطِینَ وَالْمَارِقِینَ عَنْ أَمْرِکَ ، صَابِراً مُحْتَسِباً ، [مُقْبِلًا] غَیْرَ مُدْبِرٍ ، لاَ تَأْخُذُهُ فِی اللّهِ لَوْمَهُ لاَئِم ، حَتَّی بَلَغَ فِی ذلِکَ الرِّضَا ، وَسَلَّمَ إِلَیْکَ الْقَضَاءَ ، وَعَبَدَکَ مُخْلِصاً ، وَنَصَحَ لَکَ مُجْتَهِداً حَتَّی أَتَاهُ الْیَقِینُ ، فَقَبَضْتَهُ إِلَیْکَ شَهِیداً سَعِیداً ، وَلِیّاً تَقِیّاً ، رَضِیّاً زَکِیّاً ، هَادِیاً مَهْدِیّاً . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَعَلَیْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَنْبِیَائِکَ وَأَصْفِیَائِکَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ .(۱)

۳) روزه

امام صادق علیه السلام فرمود :

عید غدیر روز جشن و سرور و روزه است ، روزه آن پاداش روزه ۶۰ ماه ، از ماههای حرام را دارد .(۲)

۴) غسل

روز عید غدیر هر کجا باشی در صدر نهار (به هنگام چاشت ، یعنی

ص:۶۹

۱- [۱] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۳۰۷ .

۲- [۲] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجد ، ص ۷۳۷ .

دو ساعت مانده به ظهر) غسل کن .(۱)

۵) نماز روز عید

نیم ساعت به ظهر مانده دو رکعت نماز می خوانی ، در هر رکعت سوره حمد یکبار ، « قُلْ هُوَ اللّه ُ أَحَدٌ » ده بار ، آیه الکرسی ده بار و « إِنَّا أَنْزَلْناهُ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ » ده بار ، بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام را می خوانی ، سپس دعای مفصّلی دارد که آن را می خوانی .(۲)

دو رکعت نماز دیگر برای روز عید غدیر هست ، که در هر ساعتی از روز عید می توان آن را به جا آورد ، بهترین وقت آن در نزدیکی زوال است .

امام صادق علیه السلام آن را به جا آورد ، سپس به سجده رفت و ۱۰۰ بار شکر خدا به جای آورد ، از سجده برخاست و دعایی خواند ، آنگاه به سجده رفت و ۱۰۰ بار حمد خدا و ۱۰۰ بار شکر خدا در حال سجده به جا آورد و فرمود :

هر کس این نماز را بخواند همانند کسی است که در روز غدیر حضور یافته ، و با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت نموده باشد .

مرتبه اش همان مرتبه صادقین خواهد بود ، که برای خدا و پیامبر راست گفته ، بر ولایت امیرمؤمنان پا بر جا مانده ، در رکاب پیامبر اکرم ، امیرمؤمنان ، امام حسن ، یا امام حسین به شهادت رسیده ، در چادر فرماندهی حضرت قائم و زیر پرچم آن حضرت باشد .(۳)

۱- [۱] . همان ، ص ۷۴۷ .

۲- [۲] . همان ، ص ۷۴۷ ـ ۷۵۱ .

۳- [۳] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۷۷ .

۶) دعاهای روز غدیر

امام صادق علیه السلام فرمود : در بامداد روز غدیر باید غسل را بامدادان انجام بدهی ، پاک ترین و فاخرترین جامه هایت را بپوشی ، در حد توان عطر بزنی و این دعا را بخوانی :

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ شَرَّفْتَنَا فِيهِ بِوَلَايَهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللّه عَلَيْهِ وَجَعَلْتَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَمَرْتَنَا بِمُوَالَاتِهِ وَطَاعَتِهِ وَأَنْ نَتَمَسَّكَ بِمَا يُقَرِّبُنَا إِلَيْكَ ، وَيُزْلِفُنَا لَدَيْكَ أَمْرُهُ وَنَهْيُهُ . اللَّهُمَّ قَدْ قَبِلْنَا أَمْرَكَ وَنَهْيَكَ ، وَسَمِعْنَا وَأَطَعْنَا لِنَبِيِّكَ ، وَسَلَّمْنَا وَرَضِينَا ، فَنَحْنُ مَوَالِي عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللّه عَلَيْهِ ، وَأَوْلِيَاؤُهُ كَمَا أَمَرْتَ ، نُوَالِيهِ وَنُعَادِي مَنْ يُعَادِيهِ ، وَنَبْرَأُ مِمَّنْ تَبَرَّأَ مِنْهُ ، وَنُبْغِضُ مَنْ أَبْغَضَهُ ، وَنُحِبُّ مَنْ أَحَبَّهُ ، وَعَلِيٌّ صَلَّى اللّه عَلَيْهِ مَوْلَانَا كَمَا قُلْتَ ، وَإِمَامُنَا بَعْدَ نَبِيِّنَا صَلَّى اللّه عَلَيْهِ وَآلِه كَمَا أَمَرْتَ .(۱)

دعای دیگری به هنگام زوال وارد شده ، که در اقبال آمده است .(۲)

دعای دیگری هست که بسیار مفصّل است .(۳)

و چندین دعای دیگر هست که در اقبال نقل شده است .(۴)

ص:۷۱

۱- [۱] . همان ، ص ۲۸۰ .

۲- [۲] . همان ، ص ۲۸۱ .

۳- [۳] . همان ، ص ۲۸۹ .

۴- [۴] . همان ، ص ۳۰۳ .

۷) بذل و بخشش

امام صادق علیه السلام در ضمن اعمال روز غدیر فرمود :

بخور ، بیاشام ، شادی کن ، به برادران ایمانی ات اطعام کن و برای گرامیداشت آن روز به برادران خود احسان فراوان کن و برای حوائج برادرانت تلاش کن .(۱)

۸) تحیّت دوستان

امام صادق علیه السلام فرمود : به هنگام ملاقات با برادران ایمانی بگویید :

الْحَمْدُ للّه ِ الَّذِی أَکْرَمَنَا بِهَذَا الْیَوْمِ ، وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ ، وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوفِینَ بِعَهْدِهِ الَّذِی عَهِدَهُ إِلَیْنَا ، وَمِیثَاقِهِ الَّذِی وَاثَقَنَا بِهِ مِنْ وِلاَیَهِ وُلاَهِ أَمْرِهِ ، وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهِ ، وَلَمْ یَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاحِدِینَ وَالْمُکَذِّبِینَ بِیَوْمِ الدِّین .(۲)

۹) دعای ندبه

دعای ندبه که از امام جعفر صادق علیه السلام برای عصر غیبت وارد شده است ، مستحب است در چهار عید بزرگ : ۱) فطر ؛ ۲) قربان ؛ ۳) غدیر ؛ ۴) جمعه ؛ خوانده شود .(۳)

۱- [۱] . همان ، ص ۲۸۲ .

۲- [۲] . شیخ طوسی ، تهذیب الاحکام ، ج ۳ ، ص ۱۴۴ .

۳- [۳] . علاّمه مجلسی ، زاد المعاد ، ص ۴۸۶ .

از این رهگذر نباید در پگاه عید غدیر از آن غفلت شود .

۱۰) درود بیکران بر خاتم پیامبران

از اعمال مهم روز عید غدیر صلوات فراوان بر محمّد و آل محمّد و اظهار برائت از دشمنان آنها می باشد .

حسن بن راشد از امام صادق علیه السلام پرسید : در روز عید غدیر چه تکلیفی ما داریم و چه اعمالی شایسته است انجام دهیم ؟ فرمود :

تَصُومُهُ یا حَسَنُ ! وَتُکْثِرُ الصَّلاهَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَتَبَرَّأُ اِلَی اللّه ِ مِمَّنْ ظَلَمَهُمْ ؛

ای حسن ! آن روز را روزه بگیر ، بر محمّد و آل محمّد فراوان درود بفرست و از کسانی که به آنها ستم کردند به سوی خداوند برائت بجوی .(۱)

در مورد پاداش روزه سخن گفتیم ، در مورد صلوات بر پیامبر اکرم و خاندان پاکش آثار ارزشمند فراوانی تألیف شده(۲) پیرامون برائت از دشمنان اهل بیت نیز آثار تحقیقی ارزشمندی منتشر شده است .(۳)

ص:۷۳

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۴ ، ص ۱۴۹ .
۲- [۲] . چون : أفضل الأعمال الصّلاه علی النّبی والآل ، از سید محمّدرضا حسینی حائری و شرح و فضائل صلوات ، از احمد بن محمّد حسینی اردکانی .
۳- [۳] . مانند : اساس ایمان ، از عبدالرضا مهدوی و تشیید المطاعن ، از سید محمّدقلی کنتوری پدر صاحب عبقات .

بخش دوّم: رخدادهای دهه غدیر در گذر زمان

اشاره

ص:۷۵

۱۹ ذیحجه الحرام

۱) عروسی حضرت فاطمه علیهاالسلام

محدث قمی قدس سره می نویسد :

شب ۱۹ ذیحجه الحرام به قول کفعمی و فیض کاشانی شب عروسی حضرت زهرا علیهاالسلام است .(۱)

در پشت مسجد قُبا محلّی بود که گفته می شد عروسی حضرت فاطمه علیهاالسلام در آنجا انجام یافته است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درصدد بود محلّی را برای مراسم عروسی حضرت فاطمه تهیّه کند ، یکی از اصحاب آنجا خانه ای داشت ، در اختیار آن حضرت قرار داد و زفاف حضرت زهرا آنجا انجام شد .

این خانه تا اواخر محفوظ بود و ما هر سال که به حج یا عمره مشرّف می شدیم ، می رفتیم و از آن بنا متبرک می شدیم .

تعدادی نوجوان شیعی همواره آنجا بودند ، تا یک زائر می آمد جمع

۱- [۱] . محدث قمی ، فیض العلام ، ص ۱۲۶ .

می شدند و برای آنها اشعاری در فضایل حضرت فاطمه و امیرمؤمنان می خواندند و صله می گرفتند .

ما ده ها بار به آن مکان رفتیم و زیارت کردیم ، در این اواخر به هنگام تجدید بنای مسجد قبا آنجا را تخریب کردند .

چنانکه خانه حضرت خدیجه تا زمان ما محفوظ بود و تابلوی « مولد الزّهرا » بر دیوار آن نصب شده بود .

ما ده ها بار آنجا رفتیم و دو رکعت نماز خواندیم ، در اواخر آن تابلو را برداشتند، درِ آنجا را بستند و در سال گذشته کلاًّ آنجا را با خاک یکسان کردند .

در آن شب حضرت فاطمه بر استر شَهبا سوار بود ، جبرئیل و میکائیل با ۷۰/۰۰۰ ملک نازل شده ، تکبیر می گفتند .

زمام استر در دست جبرئیل و برحسب ظاهر به دست سلمان بود ، حمزه ، عقیل ، جعفر و بانوان بنی هاشم عروس را چون نگین در میان گرفته بودند ، همسران پیامبر اشعاری سروده رجز می خواندند .

از ابن عباس روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله پیشاپیش حضرت فاطمه ، جبرئیل طرف راست ، میکائیل طرف چپ و ۷۰/۰۰۰ فرشته پشت سرِ آن حضرت حرکت می کردند و تا طلوع فجر به تسبیح و تقدیس پروردگار مشغول بودند.(۱)

۲) ادامه بیعت

بیعت غدیر سه روز ادامه یافت و لذا روز نوزدهم ذیحجه الحرام نیز همه حجّاج در محضر پیامبر ، در سرزمین غدیر مشغول بیعت بودند .

۱- [۱] . خطیب بغدادی ، تاریخ بغداد ، ج ۵ ، ص ۷ .

۲۰ ذیحجه الحرام

۱) ادامه بیعت

پیامبر عظیم الشأن برای این که هر یک از حجّاج حاضـر در غدیر که بالغ بر ۱۲۰/۰۰۰ نفر بودند بتواند به محضر مولای متقیان برسـد و دست بیعت بدهـد و نگویـد که من دور بودم نشـنیدم ، سه روز در سـرزمین غـدیر ماندند و فرصت دادند که هر کس بیاید و دست مولا را در دست بگیرد و به عنوان : « یا امیر المؤمنین » او را مخاطب قرار بدهد .

این مطلب در آخر خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله به صراحت آمده است :

چون خطبه به پایان رسید همه فریاد برآوردند :

شنیدیم با دل و جان فرمان خدا و پیامبر را اطاعت کردیم .

آنگاه همه گرداگرد پیامبر گرد آمدند و دست داده بیعت نمودند .

نخستین کسی که دست بیعت داد : اولی ، دومی ، سومی ، چهارمی ، پنجمی و دیگر مهاجران و انصار بر حسب طبقه و منزلت خود بودند .

تا روز به پایان رسید ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز مغرب و عشا را یکجا

ص:۷۹

خواندند و بیعت را سه روز ادامه دادند .

هر گروهی که بیعت می کرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود :

اَلْحَمْدُ للّه ِ الَّذی فَضَّلَنا عَلی جَمیعِ الْعالَمینَ ؛

سپاس خدایی را که ما را بر همه عالمیان برتری داد .(۱)

بیعت در عهد جاهلی رایج بود ، طرفین در مورد خاصی قرارداد می بستند و بر آن اساس بیعت می کردند .

با توجّه به تعهّدی که بیعت کننده انجام می داد و برعهده می گرفت و بر آن ملتزم می شد ، در اسلام نفی نشد و در موارد زیادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مردم بیعت گرفت وگرنه از نظر شیعیان بیعت حالت تعیین کننده ندارد ، زیرا از نظر شیعیان همانگونه که باید پیامبر از سوی خداوند تعیین شود و مردم هیچ حق گزینشی در این رابطه ندارند ، امام نیز باید از سوی خداوند تعیین و معرّفی شود و مردم حق گزینش ندارند ، چنانکه در آیات فراوان به آن تصریح شده است . از جمله :

۱ . « وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ یَخْتارُ ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ » ؛

پروردگارت آنچه را که بخواهد می آفریند و برمی گزیند ، آنها حق گزینش ندارند .(۲)

ص:۸۰

۱- [۱] . طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۱ ، ص ۶۶ ؛ ابن فتّال ، روضه الواعظین ، ج ۱ ، ص ۲۳۵ ؛ سید ابن طاووس ، الیقین ، ص ۳۶۱ ؛ بیاضی ، الصّراط المستقیم ، ج ۱ ، ص ۳۰۴ ؛ فیض کاشانی ، تفسیر صافی ، ج ۳ ، ص ۳۱۲ ؛ علاّمه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۷ ، ص ۲۱۷ ؛ بحرانی ، عوالم العلوم ، ج ۱۵ ، قسم ۳ ، ص ۱۹۴ ؛ علاّمه امینی ، الغدیر ، ج ۱ ، ص ۲۷۰ ۵۰۸ ، سید رضا صدر ، یوم الانسانیّه ، ص ۱۳۰ .

۲- [۲] . سوره قصص ، آیه ۶۸ .

۲ . « وَ ما كانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَى اللّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ » ؛

برای هیچ مرد یا زن مؤمنی این حق نیست که چون خدا و پیامبر خدا اگر چیزی را برای آنها معیّن کرد آنها حق گزینش داشته باشند .(۱)

از نظر شیعیان مشروعیت حاکم اسلامی منحصراً از نصّ صریح خداوند نشأت می گیرد ، ولی از نظر عامه با بیعت و تفویض از سوی مردم نیز حکومت مشروعیت پیدا می کند .

و اینک نظر تعدادی از علمای عامه :

۱) ماوَردی : اگر اهل حلّ و عقد با کسی بیعت کنند ، بر همگان واجب می شود که از او اطاعت کنند .(۲)

۲) قاضی عبدالجبار : اگر شماری از اهل حل و عقد هم با کسی بیعت کنند ، اطاعت او بر همگان واجب می شود .(۳)

۳) قاضی ایجی : با بیعت یک نفر و دو نفر نیز لزوم اطاعت حاصل می شود .(۴)

۴) قرطبی : با بیعت یک نفر اجماعاً لزوم اطاعت ثابت می شود .(۵)

۱- [۱] . سوره احزاب ، آیه ۳۶ .

۲- [۲] . ماوردی ، احکام السّلطانیه ، ص ۷ .

۳- [۳] . قاضی عبدالجبار ، المغنی ، ج ۲۰ ، ص ۳۰۳ .

۴- [۴] . ایجی ، المواقف ، ص ۳۹۹ ؛ جرجانی ، شرح المواقف ، ج ۸ ، ص ۳۵۱ .

۵- [۵] . قرطبی ، الجامع لأحکام القرآن ، ج ۱ ، ص ۲۶۹ .

و اینک شماری از بیعت ها که توسط شخص پیامبر گرفته شده :

۱) بیعت عشیره ، که به هنگام نزول آیه : « وَ أَنْذِرْ عَشِیرَتَکَ الْأَقْرَبِینَ »(۱) برای وصایت امیرمؤمنان علیه السلام اخذ شد .

۲) بیعت عقبه ، در سال ۱۲ بعثت ، از ۱۲ تن اهالی یثرب بیعت گرفت ، که از احکام اسلام پیروی کنند .(۲)

۳) بیعت عقبه دوم ، در سال ۱۳ بعثت ، از ۷۲ نفر از اهل یثرب که از آن حضرت حمایت کنند .(۳)

۴) بیعت برای جنگ در آستانه جنگ بدر .(۴)

۵) بیعت رضوان ، در سال هشتم هجرت ، با ۱۵۰۰ نفر از مهاجران و انصار ، در حدیبیّه ، که در قرآن کریم بیان شده است .(۵)

۶) بیعت فتح ، پس از فتح مکه بر فراز کوه صفا .(۶)

۷) بیعت زنان ، که آن نیز در قرآن آمده است .(۷)

۸) بیعت غدیر ، که ۱۲۰/۰۰۰ نفر با آن حضرت دست داده برای خلافت و وصایت آن حضرت بیعت کردند .(۸)

ص:۸۲

۱- [۱] . فیروزآبادی ، الفضائل الخمسه ، ج ۱ ، ص ۳۳۳ .

۲- [۲] . ابن هشام ، السّیره النبویه ، ج ۱ ، ص ۷۳ .

۳- [۳] . همان ، ص ۹۷ .

۴- [۴] . مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۲۲ ، ص ۲۷۸ .

۵- [۵] . سوره فتح ، آیه ۱۸ .

۶- [۶] . نسائی ، السّنن ، ج ۷ ، ص ۱۴۱ .

۷- [۷] . سوره ممتحنه ، آیه ۱۲ .

۸- [۸] . ابن شهر آشوب ، المناقب ، ج ۳ ، ص ۴۵ .

۹) بیعت زنان ، که طشتی نهادند ، امیرمؤمنان علیه السلام دستش را در آب فروبرد ، طرف دیگر طشت را پوشانیدند ، بانوان می آمدند و از زیر پوشش دست در آب فرو برده اعلام بیعت می کردند . همانگونه که در فتح مکه با پیامبر بیعت کردند و قرآن کریم از آن خبر داده است .(۱)

۱۰) بیعت خصوصی در مورد برخی از اشخاص ، همانند حضرت خدیجه در شب ارتحالش ، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از او برای ولایت امیرمؤمنان بیعت گرفت .(۲)

از دیدگاه شیعیان بیعت تعیین کننده نیست ، ولی اگر کسی بیعت کرد باید آن را نقض نکند و لذا یکی از علل غیبت حضرت بقیه اللّه علیه السلام در احادیث ، نداشتن بیعت ستمگران بر گردن آن حضرت بیان شده است .(۳)

و به همین دلیل در جای جای نهج البلاغه بیعت شکنی نکوهش شده است .(۴)

۲) درگذشت ادیب نیشابوری

شیخ محمّدتقی ادیب ، مشهور به ادیب نیشابوری دوم ، روز ۲۰ ذیحجه الحرام ۱۳۹۶ ق . درگذشت ، در حدود ۶۰ سال کرسی تدریس ادبیات مشهد برعهده ایشان بود ، ایشان پرورش یافته مکتب میرزا عبدالجواد

۱- [۱] . سوره ممتحنه ، آیه ۱۲ .
۲- [۲] . علّامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۱۸ ، ص ۲۳۳ .
۳- [۳] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ص ۴۴ .
۴- [۴] . سید رضی ، نهج البلاغه ، خطبه های : ۳ ، ۷۵ ، ۱۳۷ ، ۱۹۲ و ...

ادیب نیشابوری اول بود . در ادبیات ، نجوم ، فقه ، اصول ، تفسیر ، حدیث ، فلسفه و طب نیز مهارت داشت .

۲۱ ذیحجه الحرام

۱) توطئه « هَرشی ها » بر علیه « عَرشی ها »

روز عید سعید غدیر ، پس از بیعت سران با امیرمؤمنان علیه السلام ، بشیر بن سعید ، اسید بن حضیر و معاذ بن جبل با دو نفر دیگر از سران ، با یکدیگر رایزنی کردند و گفتند :

دیروز پیامبر در مسجد خیف گفت آنچه را که گفت ، امروز نیز آنچه می خواست گفت ، اگر به مدینه برسیم حتماً از همگان بیعت مجدّد خواهد گرفت ، مصلحت آن است که پیش از ورود به مدینه پیامبر را به قتل برسانیم .(۱)

در طول سه روز که در سرزمین غدیرخم بودند ، نه تن دیگر را با خود هم راز کردند و برای قتل پیامبر هم قسم شدند و صحیفه ای را امضا کردند .

اسامی این ۱۴ نفر که در تاریخ به « اصحاب صحیفه » شهرت یافتند ، در

۱- [۱] . سید ابن طاووس ، اقبال الأعمال ، ج ۲ ، ص ۲۴۹ .

دائره المعارف بزرگ بحار الأنوار آمده است .(۱)

روز بیستم ذیحجه الحرام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حجّاج به سوی مدینه حرکت کردند ، این ۱۴ نفر از کاروان جدا شدند و خود را به قلّه کوه « هَرشی » رساندند .

هرشی نام محلّی در عقبه ، در نزدیکی جُحفه بود که دریا از فراز آن دیده می شد .(۲)

حُجّاج مدینه در مسیر خود به مکّه معظمه از این نقطه عبور می کردند و مسیر حُجّاج شام نیز در این نقطه به راه مکّه _ مدینه می پیوست .(۳)

هفت تن از آنها در طرف راست و هفت تن دیگر در طرف چپ گردنه کمین کردند ، تا شتر پیامبر را رم دهند .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر شتر راهواری سوار بود ، چون به گردنه هَرشی رسیدند ، جبرئیل امین فرود آمد و اسامی آن ۱۴ نفر را به پیامبر عرضه داشت و گفت : این افراد بر فراز کوه کمین کرده اند که شما را به قتل برسانند .(۴)

حذیفه پشت سر پیامبر بود ، حضرت او را صدا کردند و امر فرمودند که محکم از افسار شتر بگیرد .

۱- [۱] . علاّمه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۲۸ ، ص ۱۰۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۷ و ۱۲۴ .
۲- [۲] . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۵ ، ص ۳۹۷ .
۳- [۳] . همان ، ص ۳۹۸ .
۴- [۴] . سید ابن طاووس ، اقبال الأعمال ، ج ۲ ، ص ۲۴۹ .

چون به پرتگاه رسیدند برقی زد و سیمای توطئه گران مشاهده شد و پیامبر آنها را با نامشان فراخواندند .(۱)

هَرشـی هـا پس از این کودتای نافرجام ، گروه دیگری را با خود همراه کردنـد و تصـمیم جـدی گرفتنـد که آن حضـرت را به شهادت برسانند ، پس سمّی تهیّه کرده آن را توسّط برخی از همسران به آن حضرت خوراندند .

امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید :

بی گمان آن دو زنْ پیامبر را مسموم کردند .(۲)

امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به برخی از سران فرمود :

من گواهی می دهم که پیامبر به شهادت رسید .(۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی فرمود :

هنگامی که من به شهادت رسیدم ...

امیرمؤمنان اشک ریزان عرضه داشت : پدر و مادرم به فدای شما ، آیا شما به شهادت می رسید ؟ فرمود :

آری من با زهر جفا شهید می شوم و تو با شمشیر کین .(۴)

۱- [۱] . همان ، ص ۲۵۰ .
۲- [۲] . عیّاشی ، التّفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۴۲ .
۳- [۳] . علاّمه مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۲۵ ، ص ۵۱ .
۴- [۴] . همان ، ج ۳۳ ، ص ۲۶۷ .

محقق فرزانه استاد نجاح طائی کتاب ارزشمندی به نام : « هَل اُغتیلَ النَّبی » در این رابطه تألیف و منتشر کرده است .

۲) عزیمت به سوی مدینه

کودتا گران پس از کودتای نافرجام ، شب از کوه سرازیر شدند ، در کنار حُجّاج استراحت نموده ، نماز صبح را پشت سرِ رسول اکرم صلی الله علیه و آله خواندند ، آنگاه پیامبر فرمان کوچ داد .

حُجّاج شامی از کاروان جدا شده ، راه شام را در پیش گرفتند و حُجّاج مدنی در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی مدینه منوّره حرکت نمودند .

۳) ملاقات زُهَیر با امام حسین علیه السلام

از دیگر رخدادهای روز ۲۱ ذیحجه الحرام دیدار امام حسین علیه السلام با زُهَیر بن قین بود .

زهیر بن قین با گروهی از قبیله فزاره و بجیله از مکّه حرکت کرده عازم کوفه بودند ، در روز دوشنبه ۲۱ ذیحجه الحرام در منزلی به نام « زَرُوُد » با امام حسین علیه السلام مصادف شدند ، امام علیه السلام او را به یاری خود دعوت کرد ، او نیز پذیرفت ، به لشکر امام حسین علیه السلام ملحق شد ، پس از موضع گیری های بسیار هوشمندانه در کربلا به شهادت رسید (۱).

ص:۸۸

۱- [۱] . محلّاتی ، فُرسان الهیجا ، ج ۱ ، ص ۱۹۱ _ ۲۰۲ .

۴) درگذشت سبط ابن جوزی

از حوادث ۲۱ ذیحجه الحرام درگذشت یوسف بن قِزاوُغلی بغدادی مشهور به : « سبط ابن جوزی » متولد ۵۸۱ و متوفّای ۶۵۴ ق . می باشد .

او نوه دختری عبدالرحمن جوزی (۵۱۰ _ ۵۹۷) صاحب المنتظم بود و لذا به سبط ابن جوزی مشهور شد .

از او بیش از ۳۰ اثر برجای مانده که مهم ترین آنها « تذکره الخواص » پیرامون شخصیت و ویژگیهای ائمّه علیهم السلام می باشد .

او در شب ۲۱ ذیحجه الحرام در کوه قاسیون ، از کوههای مشرف به دمشق درگذشت .(۱)

۵) ارتحال آیه اللّه آخوند خراسانی

از دیگر حوادث ۲۱ ذیحجه الحرام ارتحال مرجع والامقام مرحوم آیت اللّه آخوند خراسانی ، صاحب کفایه الاصول ، متوفّای ۱۳۲۹ ق . می باشد .

ایشان در شب ۲۱ ذیحجه الحرام در کربلای معلّی به طور ناگهانی و ظاهراً مسموماً درگذشت جنازه اش به نجف اشرف حمل گردید و در صحن مطهر مولی الموالی به خاک سپرده شد .

در سال ۱۳۷۵ ق . به هنگام دفن دخترش دیواره لحد فروریخت

۱- [۱] . ابن جوزی ، تذکره الخواص ، ج ۱ ، ص ۲۸ مقدمه .

و پیکر تر و تازه مرحوم آخوند پس از ۴۶ سال مشاهده گردید .

نگارنده گزارش این واقعه را از شاهدان در کتاب اجساد جاویدان نقل کرده است .(۱)

ص:۹۰

۱- [۱] . نگارنده ، اجساد جاویدان ، ص ۲۸۴ _ ۲۸۶ .

۲۲ ذیحجه الحرام

۱) دیدار حضرت یوسف با برادران

از رخدادهای مهم در تاریخ ، ورود برادران حضرت یوسف به محضـر ایشان و ابراز تنگدستی خود می باشد ، که قرآن کریم از آن خبر داده :

« يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ مُزْجاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنا إِنَّ اللّهَ يَجْزِى الْمُتَصَدِّقِينَ » ؛

ای عزیز ، بر ما و خانـدان ما گرفتاری فروریخته ، با متاعی انـدک آمـده ایم ، پیمانه را بر ما کامل نما و بر ما تصـدّق فرما ، که خداوند تصدّق کنندگان را پاداش می دهد .(۱)

این دیدار سـرنوشت ساز که منجرّ به شـناخت حضرت یوسف و توبه برادران شد و حضرت یوسف آن پیراهن بهشتی را توسّط آنها به

ص:۹۱

۱- [۱] . سوره یوسف ، آیه ۸۸ .

محضر پدر بزرگوارش فرستاد و دیدگانش شفا یافت ، در روز ۲۲ ذیحجه الحرام رخ داد .(۱)

منتظران یوسف زهرا نیز شایسته است امروز در هر کوی و برزن ، محفل و انجمن ، در خلوت و جلوت فریاد برآورند که :

ای یوسف زهرا ، ای عزیز فاطمه ، بر ما و کسان ما بلاها و نگرانی ها فروریخته ، با دست خالی به سویت آمده ایم و به محضرت پناه آورده ایم ، بر ما تصدّق نما و تعجیل در امر فرج خود را از خداوند مسألت فرما .

۲) شهادت میثم تمّار

میثم تمّار غلام آزاده شده امیرمؤمنان علیه السلام ، تربیت شده مکتب پربار آن حضرت ، یار و یاور فداکار ، فانی در ولایتِ مولاـ ، که به جرم عشق وافر به محضر مولاـ بر سر دار رفت و بر فراز دار از مناقب مولاـ گفت و اعلام کرد مولایم به من خبر داده که مرا بر فراز این نخل به دار می زنند ، دست و پا و زبانم را می برند .

ابن زیاد دستور داد که دست ها و پاهایش را ببرند و زبانش را قطع نکنند تا سخن مولایش دروغ از آب درآید !

در همان حال باز از فضایل مولا گفت ، سرانجام ابن زیاد گفت که زبانش را نیز ببرید تا بیش از این بنی امیه را رسوا نکنند .

شرح زندگانی میثم تمّار ، توسّط آیت اللّه شیخ محمّدحسین مظفّر به

۱- [۱] . مرعشی ، حوادث الایام ، ص ۳۰۲ .

رشته تحریر درآمده ، توسّط نگارنده به فارسی برگردان شده است .(۱)

این فاجعه دلخراش و حادثه جانگداز روز ۲۲ ذیحجه الحرام سال ۶۰ ق . دقیقاً ده روز پیش از ورود امام حسین علیه السلام به سرزمین کربلا اتّفاق افتاد .(۲)

۳) خبر شهادت حضرت مسلم

روز سه شنبه ۲۲ ذیحجه الحرام سال ۶۰ ق . امام حسین علیه السلام به منزل « ثعلبیه » رسید .(۳)

در این منزل به محضر مقدس سالار شهیدان خبر دادند که یار وفادارش جناب مسلم و هانی بن عروه در کوفه به شهادت رسیده اند .

مسلم بن عقیل ، برادرزاده و داماد امیرمؤمنان علیه السلام و سفیر امام حسین و نایب خاص آن حضرت بود ، که روز ۱۵ رمضان ۶۰ ق . او را با تعدادی از یاران به سوی کوفه اعزام نمود ، او روز پنجم شوال وارد کوفه شد ، ۱۸۰۰۰ نفر با او بیعت کردند ، پس از ایجاد بحران و خفقان توسّط ابن زیاد ، مردم دچار ترس و لرز شدند و او را تنها گذاشتند ، سرانجام روز نهم ذیحجه ــ روز عرفه ــ به طرز فجیعی به شهادت رسید .

این خبر جانگذاز روز ۲۲ ذیحجه الحرام ، دقیقاً ده روز پیش از ورود امام حسین علیه السلام به سرزمین کربلا ، به آن حضرت ابلاغ شد ، امام به

۱- [۱] . نگارنده ، میثم تمّار سردارِ جان بر کف ، چاپ نشر توحید ، تهران ۱۳۶۶ ش .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۰۰ .

۳- [۳] . شیخ فضلعلی قزوینی ، الامام الحسین واصحابه ، ج ۱ ، ص ۱۶۶ .

شـدت متأثر شد ، اشک فراوان ریخت ، دختر مسـلم را روی زانوانش نشاند و ملاطفت نمود ، او با هوش سـرشار خود دریافت که پدرش شهید شده و این ملاطفت امام حسین علیه السلام از روی یتیم نوازی خواهرزاده اش می باشد .

امام حسـین علیه السـلام خطبه خوانـد و این خبر وحشت انگیز را اعلام کرد ، گروهی از همراهان که سودای شـهادت در سـر نداشتند از همانجا برگشتند .

۴) سروش آسمانی

روز سه شنبه ۲۲ ذیحجه الحرام ۶۰ ق . امام حسـین علیه السلام ، در منزل ثعلبیه سر به بالین نهاد و به خواب رفت ، چون بیدار شد فرمود : هاتفی را دیدم که این گونه ندا می کرد :

شما به سرعت می شتابید و مرگ نیز به سرعت شما را به سوی بهشت می راند .

حضرت علی اکبر علیه السلام عرضه داشت :

پدرجان ! مگر ما بر حق نیستیم ؟

فرمود :

چرا فرزندم ، سوگند به خدایی که بازگشتِ همگان به سوی اوست ، ما بر حق هستیم .

عرضه داشت :

اِذاً لا نُبالی مِنَ الْمَوْتِ ؛

ما دیگر از مرگ پروایی نداریم .

و به نقل شیخ مفید فرمود :

لحظه ای خوابیدم ، سواری بر من نمایان شد و گفت : این کاروان می روند و مرگ نیز به دنبال آنها می رود .(۱)

۵) حرکت ابراهیم اشتر

در ایام مختار ثقفی ابراهیم فرزند مالك اشتر ، در روز ۲۲ ذیحجه الحرام ۶۶ ق . با لشکری جرّار به سوی موصل برای جنگ با ابن زیاد حرکت کرد .(۲)

در پنج فرسخی موصل بر کرانه رود خازَر اردو زد ، ابن زیاد نیز با ۰۰۰/۳۰ لشکر برای مقابله با لشکر ابراهیم آمد و در کنار خازَر اردو زد ، جنگ شدیدی درگرفت ، سپاه ابن زیاد شکست خورد ، پس از آنکه کشته فراوان دادند پا به فرار نهادند ، بیش از تعداد کشته ها در رودخانه به هنگام فرار غرق شدند ، سرانجام ابن زیاد روز عاشورا (دهم محرم الحرام ۶۷ ق .) به دست شریک بن جدیر تغلبی به درک رسید .(۳)

۶) درگذشت علاّمه شیخ مجتبی قزوینی

فقیه ، اصولی ، مجتهد ، از بنیانگذاران مکتب تفکیک ، علاّمه شیخ مجتبی قزوینی روز ۲۲ ذیحجه الحرام ۱۳۸۶ ق . در مشهد مقدس درگذشت

ص:۹۵

۱- [۱] . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۸۲ .
۲- [۲] . طبری ، تاریخ الامم و الملوک ، ج ۵ ، ص ۱۹۵ .
۳- [۳] . همان ، ص ۲۰۳ .

و در جوار بارگاه ملکوتی امام ثامن و ضامن به خاک سپرده شد .

شرح حال جامع و ارزشمندی ، با مقدمه استاد علاّمه محمّدرضا حکیمی چاپ و منتشر شده و ما را از هر گونه تفصیل بی نیاز کرده است .(۱)

ص:۹۶

۱- [۱] . رحیمیان ، متألّه قرآنی ، انتشارات دلیل ما ، قم ، ۱۳۸۲ ش . ۵۴۰ صفحه وزیری .

۲۳ ذیحجه الحرام

۱) نزول آیه مباهله

از حوادث مهم تاریخ اسلام روی دررویی پیامبر عظیم الشّأن اسلام با فرستاده های نصارای نجران بود .

تعداد ۶۰ تن از سران نجران برای ارزیابی وضع مسلمانان به مدینه آمدند .

این جمع که همگی از فرهیختگان مسیحیّت و نماینده نصارای نجران ، مرکز تبشیری و تبلیغی مسیحیّت و اُمّ القُرای ۷۳ روستای مهم آن روز بودند ، در روز ۲۳ ذیحجه الحرام وارد مدینه شدند ، با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دیدار کردند ، آیه شریفه :

« فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَأَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّهِ عَلَی الْکاذِبِینَ » .(۱)

نازل شد .

ص:۹۷

۱- [۱] . سوره آل عمران ، آیه ۶۱ .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را به مباهله فراخواند و آنها یک شب مهلت خواستند و در بامداد روز ۲۴ ذیحجه الحرام برای مباهله مهیّا شدند ، ولی پس از مشاهده چهره های نورانی پنج تن آل عبا ، از مباهله سرباز زدند و به جزیه پناه آوردند .

۲) پراکنده شدن یاران امام حسین علیه السلام

روز چهارشنبه ۲۳ ذیحجه الحرام سال ۶۰ ق . کاروان سالار شهیدان به منزل زباله (بین واقصه و ثعلبیه) رسیدند .

در این منزل خبر شهادت عبداللّه بن یقطر رسید ، امام حسین علیه السلام خطبه ای ایراد کردند و در فرازی از آن فرمودند :

خبر جانگداز کشته شدن مسلم بن عقیل ، هانی بن عروه و عبداللّه بن یقطر به ما رسیده است ، شیعیان ما ، ما را وانهادند ، از شما هر کس بخواهد برگردد ، بدون هیچ دغدغه ای برگردد که هیچ پیمانی برعهده اش نیست .

پس عمده همراهان متفرق شدند و به چپ و راست مسیر خود را عوض کردند ، تنها افرادی که از مدینه با آن حضرت آمده بودند باقی ماندند و شماری از کسانی که در راه به آن حضرت پیوسته بودند .(۱)

امام حسین علیه السلام عمداً سرنوشت خود را به صورت شفّاف بیان فرمودند تا هر کسی که هوای شهادت در سر نداشت برگردد .

۱- [۱] . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۷۵ .

۳) درگذشت یحیی بن مَعین

از رخدادهای روز ۲۳ ذیحجه الحرام ، درگذشت محدّث معروف یحیی بن مَعین به سال ۲۳۳ ق . می باشد .

« مَعین » پدر یحیی ، خراج ری بر دست او بود ، چون درگذشت یک میلیون و پنجاه هزار درهم به یحیی ارث رسید ، یحیی همه آنها را صرف حدیث کرد .

نظیر او در میان اصحاب ما « محمّد بن مسعود عیاشی » صاحب تفسیر عیاشی می باشد که همه ترکه پدرش را که ۳۰۰/۰۰۰ دینار طلای سرخ بود ، بر علم حدیث انفاق کرد ، خانه اش مثل حوزه های علمیّه آکنده از محدّثان بود ، یکی استنساخ می کرد ، دیگری مقابله می نمود ، سومی حاشیه می زد .

بیش از ۲۰۰ جلد کتاب نوشت که تنها تفسیرش برای ما باقی مانده ، آن هم فقط نیمه اول آن .

« کَشّی » صاحب رجال کَشّی یکی از شاگردان او بود .(۱)

۴) وفات مسعودی

از رخدادهای روز ۲۳ ذیحجه الحرام وفات مورّخ بزرگ علی بن حسین مسعودی ، صاحب مروج الذّهب ، در سال ۳۴۶ ق . می باشد .

۱- [۱] . محدث قمی ، فیض العلام ، ص ۱۲۷ .

مسعودی معاصر مرحوم کلینی بود و عمده عمر شریفش در غیبت صغری سپری شده است .

نعمانی صاحب کتاب « الغیبه » یکی از شاگردان او می باشد .

نسب او به عبداللّه بن مسعود ، صحابی معروف می رسد و لذا به مسعودی شهرت یافته است .

مسعودی از جهانگردان نامی جهان است ، به ایران ، هند ، چین ، شامات ، افغانستان ، ترکیه و دیگر بلاد سفر کرده ، علاوه بر تاریخ و حدیث ، آثار ارزشمندی در جغرافیا از خود به یادگار نهاده است .

مسعودی در مروج الذّهب « احراق باب » را به صراحت آورده(۱) جز این که بیماردلان از برخی از چاپها انداخته اند .(۲)

۵) وفات محدّث قمی

از رخدادهای روز ۲۳ ذیحجه الحرام ، وفات محدّث گرانسنگ مرحوم حاج شیخ عباس قمی ، صاحب مفاتیح الجنان و ده ها اثر ارزشمند دیگر به سال ۱۳۵۹ ق . می باشد .

محدّث قمی از شاگردان خاص محدّث نوری و یار و یاور او بود .

وی اسوه تلاش و تحقیق و اسطوره زهد و تقوا بود و مرارتهای فراوان از روزگار ناسازگار در آن دوران رضاخانی دید .

ص:۱۰۰

۱- [۱] . مسعودی ، مروج الذهب ، ج ۲ ، ص ۱۰۰ ، چاپ قاهره ، ۱۳۴۶ ق .
۲- [۲] . همان ، ج ۳ ، ص ۸۷ ، چاپ دارالفکر ، بیروت ، ۱۴۲۶ ق .

۶) شهادت آیه اللّه شیخ مرتضی بروجردی

از رخدادهای روز ۲۳ ذیحجه الحرام شهادت مظلومانه شادروان حاج شیخ مرتضی بروجردی به سال ۱۴۱۸ ق . می باشد .

ایشان از فقهای نامدار نجف اشرف بود ، در حرم مولای متقیان اقامه جماعت می کرد و انتظار می رفت که پس از آیه اللّه خوئی زعامت و مرجعیّت گسترده ای پیدا کند ، ولی توسّط عمال صدام به شهادت رسید .

ص:۱۰۱

۲۴ ذیحجه الحرام

۱) مباهله

مهم ترین حادثه روز ۲۴ ذیحجه الحرام مباهله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نصارای نجران در مدینه منوّره ، روز پیروزی اسلام بر آیین شرک آلود مسیحیّت می باشد ، که در بخش چهارم به تفصیل در این رابطه سخن گفته ایم .

۲) اجتماع اصحاب کساء

یکی از حوادث مهم روز مباهله ، اجتماع پنج تن آل عبا در زیر کساء می باشد .

این اجتماع پرشکوه که یکی از حسّاس ترین اجتماعات بشری بر فراز کره خاکی می باشد ، حدّاقل سه بار تکرار شده است :

۱) در خانه امّ سلمه

۲) در خانه حضرت فاطمه علیهاالسلام

۳) در هنگامه مباهله

امام کاظم علیه السلام خطاب به هارون الرّشید فرمود :

همه امّت از برّ و فاجر اتّفاق کرده اند که در داستان اهل نجران ، هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را به مباهله فراخواند ، در زیر کساء به جز پیامبر ، علی ، فاطمه ، حسن و حسین احدی نبود .(۱)

۳) نزول آیه تطهیر

محدّث قمی می نویسد : روز ۲۴ ذیحجّه الحرام بنابر اشهر روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با نصارای نجران مباهله کرد .

پیش از آنکه مباهله کند ، عبا بر دوش مبارک گرفت ، حضرت امیرمؤمنان ، حضرت فاطمه ، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را در زیر عبا داخل نمود و گفت :

پروردگارا هر پیامبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق خدا بوده اند به او ، خداوندا ! اینها اهل بیت من هستند ، هر گونه شک و پلیدی را از آنها برطرف کن و آنها را پاکیزه گردان .

پس جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر را در شأن ایشان آورد .(۲)

۴) خاتم بخشی

از رخدادهای مهم روز مباهله خاتم بخشی مولای متّقیان امیرمؤمنان علیه السلام

۱- [۱] . شیخ مفید ، الاختصاص ، ص ۵۶ .

۲- [۲] . محدث قمی ، فیض العلام ، ص ۱۲۷ .

در حال رکوع می باشد ، که در بخش چهارم به تفصیل در این رابطه سخن گفته ایم .

۵) نزول آیه ولایت

همزمان با خاتم بخشی مولای متّقیان پیک وحی بر قلب شریف خاتم رسولان نازل شد و این آیه را فرود آورد :

« إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ » .(۱)

در بخش چهارم پیرامون نزول این آیه در حقّ امیرمؤمنان علیه السلام به تفصیل سخن گفته ایم .

۶) مؤاخات

از رخدادهای مهم روز مباهله ایجاد برادری توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهدر میان مهاجران و انصار و گزینش امیرمؤمنان علیه السلام به اخوّت و برادری خویش می باشد که در بخش چهارم در این رابطه به تفصیل گفت وگو شده است .

۷) ولادت حضرت ابوطالب

از رخدادهای مهم روز مباهله میلاد مسعود حضرت ابوطالب پدر بزرگوار امیرمؤمنان ، بزرگ حامی رسول عالمیان ، آخرین وصی

۱- [۱] . سوره مائده ، آیه ۵۵ .

حضرت ابراهیم علیه السلام در دوران فترت می باشد ، که در بخش چهارم به تفصیل در این زمینه سخن گفته ایم .

۸) هلاکت الواثق باللّه عباسی

از حوادث پندآموز روز ۲۴ ذیحجه الحرام ، هلاـکت فلاکت بار نهمین خلیفه عباسـی ، الواثق باللّه ، در سال ۲۳۲ ق . با مرض استسقاء به وضعی دلخراش است ، که برای همگان عبرت و اندرز می باشد .

مشروح این داستان را دمیری به تفصیل نقل کرده است .(۱)

۹) درگذشت شیخ مرتضی آشتیانی

آیه اللّه شـیخ مرتضی آشتیانی ، فقیه ، زاهد ، مدرّس و رئیس حوزه علمیه مشهد مقدس ، روز ۲۴ ذیحجه الحرام ۱۳۶۵ ق . در مشهد مقدّس درگذشت و در پایین پای امام هشتم به خاک سپرده شد .

ایشـان از شـاگردان میرزا حبیب اللّه رشتی و آخونـد خراسـانی بود ، در سـال ۱۳۴۰ ق . به مشـهد مقـدّس رفته ، حوزه درسـی نیرومنـدی دایر نمود و در گسترش فرهنگ اهل بیت کوشا بود ، در همه ایّام موالیـد و وفیات مجلس دایر می کرد و با کهولت سنّ شخصاً پذیرایی می کرد .

۱۰) درگذشت آیه اللّه مدنی

حاج شیخ رضا مدنی کاشانی به سال ۱۳۲۱ ق . در کاشان متولد شد ،

۱- [۱] . دمیری ، حیاه الحیوان ، ج ۱ ، ص ۱۲۲ .

پس از فراگیری مقدّمات در زادگاه خود ، به حوزه علمیه قم مشرف شده ، از خرمن علمی مؤسّس حوزه خوشه چینی نموده ، با حضرات آیات : سید محمّدتقی خوانساری ، سید محمّدرضا گلپایگانی و سید شهاب الدّین مرعشی هم مباحثه بوده ، در سال ۱۳۵۲ ق . به کاشان برگشته مسئولیّت حوزه علمیه کاشان را برعهده گرفته ، در روز ۲۴ ذیحجه الحرام ۱۴۱۲ ق . درگذشت .

آثار علمی فراوانی ، از جمله « براهین الحج » در چهار مجلد از ایشان به یادگار مانده است .

ص:۱۰۷

۲۵ ذیحجه الحرام

۱) نزول سوره هل اتی

از رخدادهای مهم روز ۲۵ ذیحجه الحرام نزول سوره هل أتی می باشد .

سوره : « هَلْ أَتی عَلَی الْاءِنْسانِ حِینٌ مِنَ الـدَّهْرِ » که سوره « انسان » ، « دهر » و « أبرار » نیز نامیده می شود ، در حق امیرمؤمنان ، حضرت فاطمه ، امام حسن ، امام حسین و فضّه خادمه نازل شده است .

در بخش چهارم کتاب به تفصیل در این رابطه سخن گفته ایم .

۲) اوّلین نماز جمعه

روز جمعه هجـدهم ذیحجه الحرام ۳۵ ق . پس از درگـذشت عثمان ، با مولای متّقیان امیرمؤمنان علیه السـلام بیعت نمودنـد و امیرمؤمنان خلافت ظاهری خود را آغاز کردند .

روز جمعه ۲۵ ذیحجه الحرام ۳۵ ق . نخستین جمعه در خلافت ظـاهری آن حضـرت بود و اوّلین نمـاز جمعه را در آن تـاریخ برگزار نمودند .

در فرازی از خطبه آن روز فرمودند :

اِتَّقُوا اللّه ٖعِبادَ اللّه ِفی عِبادِهِ وَبِلادِهِ ، اِنَّکُمْ مَسؤُولُونَ حَتّی عَنِ الْبِقاعِ وَالْبَهائِمِ ؛

ای بندگان خدا ! از خدا پروا کنید در مورد بندگان خدا و سرزمین های خدا ، که شما مسئول هستید حتّی از زمین ها و چهارپایان .(۱)

۳) قتل خلیفه

از حوادث مهم در روز ۲۵ ذیحجه الحرام قتل خلیفه دوّم می باشد ، چنانکه بیرونی می نویسد :

روز ۲۵ ذیحجه الحرام عمر بن خطاب به قتل رسید .(۲)

ولی محدّث قمی آن را در روز ۲۶ ذکر کرده می نویسد :

مقتل او روز چهارشنبه بیست و ششم ذیحجه سال بیست و سوم هجری ، به دست فیروز غلام مغیره بن شعبه ، معروف به « ابولؤلؤه » واقع شد .(۳)

مسعودی می نویسد : خلیفه دوّم در حال جان کندن بود ، پسرش عبداللّه بر او وارد شد و گفت :

حتماً برای امّت محمّد صلی الله علیه و آله جانشین تعیین کن ، اگر شبانی به

ص:۱۱۰

۱- [۱] . مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۲ ، ص ۹ .

۲- [۲] . بیرونی ، الآثار الباقیه ، ص ۴۲۹ .

۳- [۳] . محدث قمی ، تتمّه المنتهی ، ص ۲۵ .

نزد تو آیـد در حالی که گلّه اش را رها کرده باشـد و آنها را بـدون شـبان گذاشـته باشد ، او را ملامت می کنی و می گویی : چرا گذاشتی که امانت تو ضایع گردد ؟ ! .(۱)

انصافاً سخن بسیار متین و نصیحت بسیار به جایی بود ، ای کاش به هنگام شهادت پیامبر اکرم نیز به محضر مقدّس آن حضرت شرفیـاب می شـد و از آن حضـرت نیز تقاضا می کرد که به جای خود ، جانشـینی تعیین کنـد و امّت را بـدون سـرپرست ترک نکند ! !

۴) درگذشت سید ناصر حسین

سید ناصر حسین ، فرزند میرحامد حسین ، روز ۲۵ ذیحجه الحرام ۱۳۶۱ ق . درگذشت .

او فقیهی نامـدار و محـدّثی بزرگوار بود ، بر کتـاب بی نظیر « عبقـات الأنوار » شـرح نوشـته ، آثار ارزشـمند دیگری از خود به یادگار نهاده که از آن جمله است : « افحام الخصوم فی نفی عقدام کلثوم » .

علاّمه تهرانی می نویسد :

سید ناصر حسین مرجع عامّ و مقلَّد در لکهنو بود ، به سال ۱۳۳۹ ق . به عتبات مشرّف شد و من از ایشان اجازه دریافت کردم و به وسیله ایشان از پدرش میرحامد حسین و استادش مفتی میرعباس روایت می کنم .(۲)

۱- [۱] . مسعودی ، مروج الذّهب ، ج ۲ ، ص ۳۲۱ .
۲- [۲] . تهرانی ، نقباء البشر ، ج ۵ ، ص ۴۹۰ .

پدرش صاحب « عبقات الانوار » و جد بزرگوارش صاحب « تشـيید المطاعن » می باشند ، که حق بزرگی بر گردن جهان تشیّع دارند و علّامه امینی در تألیف الغدیر وامدار او می باشد .

ص:۱۱۲

۲۶ ذیحجه الحرام

۱) نزول استغفار بر حضرت داود علیه السلام

ابوریحان بیرونی در حوادث ماه ذیحجه الحرام نوشته :

روز بیست و ششم استغفار بر حضرت داود نازل شد .(۱)

مفسّران عامه در ذیل آیه :

« وَ ظَنَّ داوُدُ أَنَّما فَتَنّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ راكِعاً وَ أَنابَ » ؛

داود دانست که او را آزموده ایم ، پسْ از خدایش طلب مغفرت کرد ، به رکوع رفت و توبه کرد .(۲)

مطالبی نوشته اند که هرگز با مقام نبوّت سازگار نیست .(۳)

۱- [۱] . بیرونی ، الآثار الباقیه ، ص ۴۲۹ .

۲- [۲] . سوره ص ، آیه ۲۴ .

۳- [۳] . طبری ، جامع البیان ، ج ۲۳ ، ص ۸۹ _ ۱۰۶ .

پیشوایان معصوم علیهم السلام به شدّت آن را نفی کرده اند و از عصمت حضرت داود دفاع کرده اند .(۱)

سید مرتضی علم الهدی نیز آن را بررسی کرده و همه شبهات عامّه را پاسخ داده است .(۲)

۲) خاکسپاری خلیفه

در مورد تاریخ به قتل رسیدن خلیفه دوم اختلاف فراوان است ، براساس برخی از روایات اهل بیت علیهم السلام روز نهم ربیع الاول ۲۴ ق . بوده است .(۳)

ولی براساس نقل مورخان اهل سنت اواخر ذیحجه الحرام بوده است .(۴)

برخی در روز بیست و چهارم ، برخی روز بیست و پنجم ، برخی روز بیست و ششم ، برخی روز بیست و هفتم ، برخی روز بیست و نهم ، و برخی دیگر در غرّه محرم الحرام ثبت کرده اند ، که صاحبان هر قول را طبری نام برده است .(۵)

در این میان قول مشهور این است که در روز بیست و پنجم زخمی شده و روز بیست و ششم به خاک سپرده شده است .

در اینجا از کعب الأحبار ، دروغ پرداز بزرگ تاریخ ، نقل کرده اند که

۱- [۱] . بحرانی ، البرهان ، ج ۸ ، ص ۲۸۳ .
۲- [۲] . علم الهدی ، تنزیه الأنبیاء ، ص ۱۲۶ _ ۱۳۲ .
۳- [۳] . مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۹۸ ، ص ۳۵۲ .
۴- [۴] . ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۳ ، ص ۲۵۳ .
۵- [۵] . طبری ، تاریخ الامم والملوک ، ج ۳ ، ص ۵۷۱ _ ۵۷۲ .

به نزد خلیفه آمد و گفت : سه روز دیگر خواهی مرد .

خلیفه پرسید : از کجا ؟ گفت : در تورات آمده است ! !

پرسید : آیا اسم من در تورات آمده است ؟ گفت : نه ، بلکه اوصاف تو در تورات آمده است ! .

روز بعد آمد و گفت : یک روزش رفت و دو روز دیگر باقی است .

روز بعد آمد و گفت : دو روزش رفت و یک روز دیگر باقی است .(۱)

۳) تعیین شورای شش نفری

آنگاه به شورای شش نفره دستور داد و چیدمان آن را طوری تنظیم کرد که حتماً عثمان انتخاب شود و اگر امیرمؤمنان علیه السلام تسلیم نشود ، کشته شود .

۴) تقاضای جای دفن

آنگاه پسرش عبداللّه را به نزد عایشه فرستاد تا اجازه دهد او را در کنار قبر مطهّر رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خاک بسپارند .(۲)

این تقاضا بر این اساس بود که محلّ دفن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حجره عایشه باشد و این حجره را پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان تملیک کرده باشد و یا به عنوان ارث به او منتقل شده باشد .

در حالی که اولاً آن حجره ، حجره عایشه نبود ، ثانیاً هیچ مدرکی در

۱- [۱] . همان ، ص ۵۷۰ .

۲- [۲] . ابن اثیر ، الکامل فی التّاریخ ، ج ۳ ، ص ۵۱ .

دست نیست که پیامبر به ایشان تملیک کرده باشد ، ثالثاً پدرش ادّعا می کرد که از پیامبر شنیده که می فرمود : ما پیامبران ارث نمی گذاریم ، رابعاً اگر ارث می گذاشت ، زن از زمین ارث نمی برد ، خامساً اگر بگوییم که زن از زمین نیز ارث می برد ، به کلّ زوجات یک هشتم می رسید و اگر آن را بین نُه نفر تقسیم می کردند ، به هر کدام یک هفتاد و دوم ، یعنی چیزی در حدود یک وجب در یک وجب می رسید .

اخیراً کتاب بسیار ارزشمندی تألیف شده که با دلایل محکم اثبات کرده که محلّ دفن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حجره حضرت فاطمه علیه السلام بوده است .(۱)

۵) درگذشت مرحوم عصّار

مرحوم سید محمّدکاظم عصّار از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی به مدّت ۱۴ سال در نجف اشرف کرسی تدریس داشت ، از معاصرین میرزا مهدی آشتیانی ، میرزا احمد آشتیانی و فاضل تونی بود ، از ایشان آثار ارزشمندی چون : تفسیر فاتحه الکتاب ، رساله ای در جبر و اختیار ، رساله ای در بدا و کتاب تذکره المتّقین به جای مانده است .

در مدرسه سپهسالار ، دانشکده حقوق و ادبیّات کرسی تدریس داشت و سرانجام در ۲۶ ذیحجه الحرام ۱۳۹۴ ق . در تهران درگذشت و در حرم حضرت عبدالعظیم در جوار ابوالفتوح رازی به خاک سپرده شد .

۱- [۱] . محمّدعلی برو ، این دفن النبی ؟ ، ص ۳۹ .

۲۷ ذیحجه الحرام

۱) میلاد مسعود امام هادی علیه السلام

سال ، ماه و روز تولّد امام هادی علیه السلام مورد اختلاف است .

سال ولادت آن حضرت را ۲۱۲ ، ۲۱۳ و ۲۱۴ ق . نقل کرده اند .(۱)

ماه ولادت آن حضرت را رجب و ذیحجه الحرام ثبت کرده اند .(۲)

روز ولادت آن حضرت را دوم ، سوم و سیزدهم ماه رجب(۳) یا نهم ، پانزدهم ، بیست و هفتم و بیست و نهم ذیحجه الحرام نوشته اند .(۴)

شیخ مفید ولادت باسعادت آن حضرت را روز ۲۷ ذیحجه الحرام ۲۱۲ ق . (بدون نقل خلاف) نوشته(۵) ولی در ارشاد در نیمه آن ثبت کرده است .(۶)

ص:۱۱۷

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۹۷ ؛ ابن خلّکان ، وفیات الأعیان ، ج ۳ ، ص ۲۷۳ .

۲- [۲] . طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۱۰۹ .

۳- [۳] . کفعمی ، المصباح ، ص ۶۷۸ .

۴- [۴] . طبرسی ، تاج الموالید ، ص ۵۵ مجموعه ، ص ۱۳۱ .

۵- [۵] . شیخ مفید ، مسارّ الشیعه ، ص ۲۳ مجموعه ، ص ۵۹ .

۶- [۶] . همو ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۲۹۷ .

شیخ طوسی می فرماید : روایت شده که امام هادی علیه السلام در ۲۷ ذیحجه الحرام متولّد شده است .(۱)

۲) فاجعه حرّه

روز ۲۷ ذیحجه الحرام ۶۳ ق . فجیع ترین حادثه تاریخ به فرمان یزید بن معاویه در مدینه اتّفاق اقتاد .

یزید مسلم بن عُقبه را با ۱۲۰۰۰ سوار به مدینه فرستاد که از مردم مدینه بیعت بگیرد که برده یزید هستند ، هر که را بخواهد آزاد می کند و هر که را بخواهد می فروشد و هر کس امتناع کند گردنش را بزنند !

به او دستور داد که اگر یک نفر از بنی امیّه کشته شود به کسی رحم نکند ، زخمی ها و فراری ها را نیز بکشد و سه شبانه روز مدینه را قتل عام کند .

در این فاجعه ۷۰۰ تن از حاملان قرآن کشته شدند ، به حریم یکهزار دوشیزه تعدّی شد !

ذهبی گزارش مشروحی از این فاجعه داده(۲) و خلیفه بن خیّاط اسامی ۳۰۶ تن از افراد سرشناسی را که در این فاجعه کشته شدند ، آورده است .(۳)

فجیع تر این که این فاجعه به نام دین و به ادّعای قصد قربت انجام شده است .

۱- [۱] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجّد ، ص ۷۶۷ .
۲- [۲] . ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۵ ، ص ۲۳ _ ۳۲ .
۳- [۳] . عَصفَری ، تاریخ خلیفه بن خیاط ، ص ۱۸۴ _ ۱۹۲ .

مسلم بن عُقبه در لحظات سکرات مرگ می گوید :

بارخدایا ! من بعد از شهادتین ، کاری انجام نداده ام که برای من از کشتار اهل مدینه محبوب تر و برای روز رستاخیز امیدوار کننده تر باشد ! !(۱)

این فاجعه دلخراش روز ۲۷ ذیحجه الحرام ۶۳ ق .(۲) برابر ۲۶ اوت ۶۸۳ م . رخ داد .(۳)

۳) وفات علی بن جعفر عُرَیضی

از حوادث تلخ روز ۲۷ ذیحجه الحرام ارتحال حضرت علی بن جعفر فرزند امام جعفر صادق علیه السلام در سال ۲۱۰ ق . است .

او فقیهی نامدار ، محدّثی بزرگوار و شخصیّتی عالی مقدار بود ، که از پدرش امام صادق علیه السلام برادرش امام کاظم ، برادرزاده اش امام رضا و نوه برادرش امام جواد علیهم السلام روایت کرده است .

علی بن جعفر مسائل فراوانی از امام کاظم علیه السلام سؤال کرده و پاسخ گرفته و آنها را در کتابی گرد آورده ، این کتاب به نام « مسائل علی بن جعفر » چاپ و منتشر شده ، در این کتاب تعداد ۸۶۴ مسأله از مسائل ایشان آمده است .(۴)

۱- [۱] . ذهبی ، همان ، ص ۳۳ .

۲- [۲] . ذهبی ، همان ، ص ۲۸ .

۳- [۳] . بیرونی ، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه ، ص ۴۲۹ ، ۷۳۳ .

۴- [۴] . چاپ مؤسّسه آل البیت قم ، ۱۴۰۹ ق . ۴۶۰ صفحه وزیری .

در اواخر عمر شریفش در مسجد النّبی نشسته حدیث می گفت ، شاگردانش می نوشتند ، یک مرتبه امام جواد علیه السلام وارد مسجد شد ، وی از جای پرید ، بدون کفش و عبا به سویش دوید ، دست مبارکش را بوسید و احترام کرد .

شاگردانش او را نکوهش کردند که در مقابل یک نوجوان اینگونه احترام می کند ، در پاسخ فرمود :

اگر خداوند این ریش سفید را لایق ندیده و این نوجوان را شایسته دیده است و او را حجّت خود قرار داده است ، آیا حسد بورزم و حقّش را منکر شوم ؟ ! .(۱)

علی بن جعفر را از این جهت « عُرَیضی » می گفتند ، که در روستای عریض در یک فرسخی مدینه سکونت داشت .

با بزرگ شدن مدینه الآن عُرَیض یکی از محلّات مدینه می باشد .

چند سال پیش (۱۴۲۳ ق .) نگارنده به زیارت قبر مطهرش نایل شدم ، متأسّفانه پس از چند ماه حرم مطهرش را با بلدوزل با خاک یکسان کردند ، جسد مطهّرش تر و تازه کشف شد ، به قبرستان بقیع نقل کرده ، در پشت دیوارِ برجای مانده از حرم امامان به خاک سپردند .

نگارنده سال بعد در ایام حج به عُرَیض رفتم و از دهها نفر از اهالی عریض که همه شیعه و غالباً سید بودند سؤال کردم ، همگی شهادت دادند که پیکر پاک آن بزرگوار را تر و تازه مشاهده کرده اند .

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۲۲ .

علی بن جعفر مدفون در خیابان چهارمردان قم ، یکی از نوادگان آن بزرگوار می باشد .(۱)

امامزاده ، شاه احمد قاسم مدفون در دروازه مالون قم (خیابان سمیّه فعلی) نیز از تبار ایشان می باشد .(۲)

۴) هلاکت مروان حمار

از حوادث ۲۷ ذیحجه الحرام هلاکت مروان حمار آخرین خلیفه از خلفای بنی مروان می باشد .

ابراهیم امام و دیگر هم سنگرهای او به دستور مروان در زندان کشته شدند .

شب ۲۷ ذیحجه الحرام ۱۳۲ ق . لشکریان عبداللّه بن علی فریاد برآوردند که : « یالثارات ابراهیم » .

لشکریان مروان تصوّر کردند که آنها پیروز شده اند و لشکریان مروان را به محاصره درآورده اند ، پس عامر بن اسماعیل مروان را کشت و به مخفیگاه زنان و دختران مروان رفت ، یکی از غلامان مروان را دیدند که با شمشیر برهنه قصد ورود به مخفیگاه زنها دارد ، او را دستگیر کردند و از تصمیمش پرسیدند ، گفت : مروان به من گفته بود اگر من کشته شوم تو برو و همه زنان و دخترانم را گردن بزن .

سپس گفت : مرا نکشید، اگر مرا بکشید میراث پیامبر را از دست می دهید.

۱- [۱] . علی بن حسین بن عیسی بن محمّد بن علی بن جعفر [تاریخ قم قدیم ، ص ۶۱۱] .

۲- [۲] . احمد بن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر [همان ، ص ۶۱۴ ؛ منتقله الطالبیّه ، ص ۲۵۵] .

پس آنها را به جایگاه خاصّی برد ، شنها را کنار زد ، بُرده ، قَضیب و مِخصَر پیامبر را بیرون آورد و گفت : این ها را مروان در اینجا دفن کرده بود که به دست بنی هاشم نیفتد .(۱)

۵) انقراض دولت امویان

از حوادث مهم روز ۲۷ ذیحجه الحرام انقراض دولت امویان با مرگ مروان حمار می باشد .

روز ۲۷ ذیحجه الحرام ۱۳۲ ق . با مرگ آخرین خلیفه غاصب بنی مروان ، روزگار دولت ستمگر اموی به پایان رسید ، صفحات ننگین اموی ورق خورد و طومار شجره ملعونه درهم پیچید .

آیه شریفه : « وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِی الْقُرْآنِ »(۲) به اتّفاق مفسّران شیعه و غالب مفسّران اهل سنّت به بنی امیّه تفسیر شده است .

براساس روایات فراوان منظور از هزار ماه در سوره مبارکه قَدر ، دولت امویان می باشد .(۳)

مسعودی در مروج الذّهب تحقیق گسترده ای کرده ، نتیجه گرفته که کلّ دولت غاصبانه بنی امیّه ۸۳ سال و چهار ماه تمام می باشد و آن دقیقاً معادل یکهزار ماه می باشد .(۴)

۱- [۱] . مسعودی ، مروج الذّهب ، ج ۳ ، ص ۲۵۸ .
۲- [۲] . سوره اسراء ، آیه ۶۰ .
۳- [۳] . ترمذی ، الصحیح ، ج ۵ ، ص ۲۳۱ .
۴- [۴] . مسعودی ، مروج الذّهب ، ج ۳ ، ص ۲۴۵ .

اگرچه دولت بنی العبّاس کمتر از آنها ستم نکردند ، ولی انقراض دولت بنی امیّه فرصتی پیش آورد که امام جعفر صادق علیه السلام معارف حقّه را در سطح گسترده ای مطرح نموده ، بیش از ۵۰۰۰ نفر شاگرد برجسته تربیت نماید و دانشگاه امام صادق را بنیاد نهد .

۶) درگذشت سعدی

یکی از رخدادهای روز ۲۷ ذیحجه الحرام درگذشت شاعر مشهور مصلح الدّین سعدی به سال ۶۹۱ ق . می باشد .

وی مقدمات را در شیراز فراگرفت ، به بغداد رفته در مدرسه نظامیه تحصیل نمود ، در حدود ۳۰ سال به جهانگردی پرداخت ، به زادگاه خود بازگشت ، بوستان را به سال ۶۵۵ ق . و گلستان را به سال ۶۵۶ ق . سامان داد .

وی به همراه فردوسی و حافظ سه شاعر زبردست ادب پارسی شناخته شده ، آثار منظوم و منثور او همواره مورد توجّه ، اقتباس و استقبال بود .

ص:۱۲۳

بخش سوم

اشاره

ره آورد غدیر

ص:۱۲۵

ره توشه سفیران هدایت در روز ولایت

شامل پنج گفتار :

۱) حدیث ثقلین حساس ترین فراز خطبه غدیر

۲) خطبه حضرت امیر در روز غدیر

۳) سیمای غدیر در آیینه سخنان امام رضا علیه السلام

۴) شهادت ثالثه ، شهادت به ولایت در عید ولایت

۵) سیمای غدیر در آیینه تحریر

ص:۱۲۶

۱ _ حدیث ثقلین حساس ترین فراز خطبه غدیر

اشاره

یکی از حساس ترین فرازهای خطبه غدیر به بیان حدیث شریف ثقلین اختصاص دارد .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام بازگشت از حجه الوداع ، در سرزمین غدیر خم به فرمان پروردگار ، طی مراسم باشکوهی مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام را به خلافت و امامت نصب کرد و نغمه روح بخش : « من کنت مولاه فهذا علی مولاه » را با بانگ رسای خود در یک اجتماع یکصد و بیست هزار نفری در خیمه تاریخ نواخت .

افتخار صفحات تاریخ ، علامه امینی قدس سره ، متن گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهرا در دائره المعارف بزرگ « الغدیر » از یکصد و ده تن از اصحاب ، منحصراً از منابع اهل سنت روایت کرده است .(۱)

خطبه رسول گرامی اسلام در روز غدیر بسیار طولانی است ، و در

۱- [۱] . علامه امینی ، الغدیر ، ج ۱ ، صص ۴۱ _ ۱۴۴ ، تحقیق مرکز دائره المعارف فقه اسلامی ، قم ، ۱۴۱۶ ق .

حدود ۳۰ صفحه می باشد ، علاقمندان به منابعی که خطبه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را گرد آورده مراجعه فرمایند (۱).

در کتاب « حدیث الولایه » که بازآفرینی کتاب « الموالاه » ابن عقده می باشد ، تعداد ۱۴۲ مورد از طرق حدیث غدیر از صحابه به نقل ابن عقده بازیابی شده است .(۲)

ابن مغازلی در کتاب مناقب خود پس از نقل خطبه غدیر از طرق مختلف می نویسد :

در حدود یکصد تن از صحابه این حدیث را از رسول اکرم صلی الله علیه و آلهروایت کرده اند که ده تن (عشره مبشّره) نیز در میان آنهاست و این حدیثی صحیح و ثابت است که هیچ ضعفی در آن من سراغ ندارم و این از فضایل ویژه علی علیه السلام است که احدی در این فضیلت با او شریک نمی باشد .(۳)

در طول تاریخ رسالت ، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فقط دو سخنرانی داشتند که بیش از یکصد هزار مستمع داشتند ، یکی در روز عرفه ، در عرفات ، در حجّه الوداع (نهم ذیحجه الحرام سال ۱۰ ق) دیگری در سرزمین غدیر خم روز عید غدیر (۱۸ ذیحجه الحرام سال ۱۰ ق) که در هر دو مورد خطبه بسیار حسّاس و باعظمتی ایراد کرده ، در هر یک « حدیث ثقلین » را بیان فرمودند .

۱- [۱] . شیخ موسی زنجانی ، مدینه البلاغه ، ج ۱ ، صص ۲۱۳ _ ۲۴۱ ، تحقیق ابراهیم انصاری ، انتشارات کعبه ، تهران ، ۱۴۰۵ ق .

۲- [۲] . حافظ ابن عقده ، حدیث الولایه ، تحقیق امیر تقدمی ، دلیل ما ، قم ، ۱۴۲۲ ق ، صص ۳۹ _ ۱۴۷ .

۳- [۳] . ابن مغازلی ، مناقب اهل البیت ، تحقیق محمّد کاظم محمودی ، مجمع جهانی ، قم ، ۱۴۲۷ ق ، ص ۸۴ .

صـدور حـدیث ثقلین از زبـان دُرر بار پیامبر گرانقـدر به دو مورد یاد شـده اختصاص نـدارد ، بلکه حـداقل در شـش مورد این حدیث از بیان آن حضرت ثبت شده است :

۱ . به هنگام بازگشت از طائف ، در سال هشتم هجری .

۲ . روز عرفه ، نهم ذیحجه الحرام سال دهم هجرت در عرفات .

۳ . روز دوازدهم ذیحجه الحرام(۱) سال دهم در مسجد خیف در منی.

۴ . روز عید غدیر در سرزمین غدیر خم ، هجدهم ذیحجه الحرام سال دهم هجری .

۵ . در آستانه ارتحال در مسجد النبی ، در اواخر ماه صفر سال یازدهم هجری .

۶ . در بستر مرگ ، روز ۲۸ صفر سال یازدهم ، در حجره شریفه .(۲)

راویان حدیث ثقلین از صحابه

با توجه به تکرار حدیث ثقلین حداقل در شش مورد و ایراد خطابه از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حجه الوداع در روز عرفه و به هنگام بازگشت در سـرزمین غـدیر در اجتماعی متجاوز از یکصـد هزار نفر ، این حـدیث در تمام طبقات به حدّ تواتر رسیده و اینک اسامی چهل تن از صحابه که متن روایت آنان در دست می باشد :

۱- [۱] . ابن کثیر ، البدایه والنّهایه ، مکتبه المعارف ، بیروت ، ج ۵ ، ص ۲۰۲ .
۲- [۲] . آیه اللّه خوئی ، علیّ امـام البرره ، شـرح آیه اللّه سـید محمّدمهـدی خرسـان ، دارالهـادی ، بیروت ، ۱۴۲۴ ق ، ج ۱ ، صص ۲۹۲ _ ۳۰۴ .

۱) ابوایوب انصاری ؛ ۲) ابوذر غفاری ؛ ۳) ابورافع ؛ ۴) ابوسعید خدری ؛ ۵) ابوشریح خزاعی ؛ ۶) ابوقدامه انصاری ؛ ۷) ابولیلی انصاری ؛ ۸) ابوهریره ؛ ۹) ابوالهیثم بن تیّهان ؛ ۱۰) انس بن مالک ؛ ۱۱) براء بن عازب ؛ ۱۲) جابر بن عبداللّه انصاری ؛ ۱۳) جبیر بن مطعم ؛ ۱۴) جریر بن عبداللّه ؛ ۱۵) حبشی بن جناده ؛ ۱۶) حذیفه بن اسید ؛ ۱۷) حذیفه بن ثابت ؛ ۱۸) حذیفه بن یمان ؛ ۱۹) حسن بن علی علیهماالسلام ؛ ۲۰) خزیمه بن ثابت ؛ ۲۱) زید بن ارقم ؛ ۲۲) زید بن اسلم ؛ ۲۳) زید بن ثابت ؛ ۲۴) سعد بن ابی وقّاص ؛ ۲۵) سلمان ؛ ۲۶) سهل بن سعد ؛ ۲۷) ضمره اسلمی ؛ ۲۸) طلحه بن عبداللّه تیمی ؛ ۲۹) عامر بن لیلی ؛ ۳۰) عبدالرحمن بن عوف ؛ ۳۱) عبداللّه بن حنطب ؛ ۳۲) عبداللّه بن عباس ؛ ۳۳) عبداللّه بن عمر ؛ ۳۴) عدی بن حاتم ؛ ۳۵) عقبه بن عامر ؛ ۳۶) علی بن ابی طالب علیه السلام ؛ ۳۷) عمار یاسر ؛ ۳۸) عمر بن خطاب ؛ ۳۹) عمروعاص ؛ ۴۰) مقداد بن اسود .

حدیث ثقلین گذشته از افراد یاد شده ، از سه تن از صحابیّات نیز روایت شده ، و آنها عبارتند از :

۱) فاطمه زهرا علیهاالسلام ؛

۲) امّ سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله ؛

۳) امّ ایمن ، از بانوان بهشتی .(۱)

ابن حجر می نویسد : این حدیث از بیش از بیست تن از صحابه در

۱-[۱] . همان ، ج ۱ ، ص ۳۱۱ .

موارد مختلف از جمله : روز عرفه در حجه الوداع ، روز غدیر خم ، به هنگام بازگشت از حجّ ، پس از بازگشت از طائف و در دوران بیماری حضرت در حجره شریفه هنگامی که پر از صحابه بود .

سپس اضافه می کند : پیامبر اکرم این حدیث را در این موارد و در مواردی دیگر به جهت اهتمام خاص به شأن قرآن کریم و عترت طاهره تکرار فرموده است .

آنگاه از طبرانی نقل کرده که آخرین چیزی که پیامبر اکرم در لحظات آخر حیات خود بر زبان راند سفارش اهل بیت خود بود .(۱)

کتابنامه حدیث ثقلین

کثرت راویان حدیث ثقلین موجب شده که برخی از محدثان ، متکلمان و تراجم نگاران به گردآوری اسامی راویان آن پرداخته و برخی نیز کتاب مستقلی در همین رابطه تألیف کرده اند ، که از آن جمله است :

۱ . حافظ ابوالفضل محمّد بن طاهر شیبانی مقدسی (۴۴۸ _ ۵۰۷ ق) کتاب مستقلی به نام : « طرق حدیث إنی تارک فیکم الثّقلین » به رشته تحریر در آورده است .(۲)

۱- [۱] . ابن حجر هیتمی ، الصواعق المحرقه ، تحقیق عبدالوهاب عبداللّطیف ، مکتبه القاهره ، مصر ، ۱۳۸۵ ق ، ص ۱۵۰ .

۲- [۲] . اسماعیل پاشا بغدادی ، هدیه العارفین ، مکتبه اسلامیه ، تهران ، چاپ سوّم ، ۱۳۸۷ ق ، افست چاپ استانبول ، ۱۹۵۵ م ، ج ۲ ، ص ۸۲ .

۲ . علامه میرحامد حسین هندی (۱۲۴۶ _ ۱۳۰۶ ق) جلد دوازدهم « عبقات الانوار » را به بررسی سندی و محتوایی حدیث ثقلین اختصاص داده ، شبهات عبدالعزیز دهلوی (۱۱۵۹ _ ۱۲۳۹ ق) را پاسخ داد .

۳ . شادروان شیخ قوام الدین محمّد وشنوه ای (۱۳۲۵ _ ۱۴۱۸ ق) کتابی در همین رابطه تألیف کرده ، آن را « حدیث ثقلین » نام نهاد .

این کتاب به سال ۱۳۷۰ ق . تألیف شده ، سپس از سوی « دار التّقریب بین المذاهب الاسلامیّه » به سال ۱۳۷۴ ق . در قاهره به چاپ رسید .

۴ . محقق فرزانه علامه سید علی میلانی (معاصر) عبقات الانوار را به عربی برگردانده ، آن را « نفحات الأزهار » نام نهاده ، در ۲۰ مجلد منتشر کرد ، جلد اول ، دوم و سوم آن پیرامون حدیث ثقلین می باشد .

۵ . دانشمند فرزانه دکتر سید حسن افتخارزاده (معاصر) از کتاب « نفحات الازهار » جلدهای اول تا سوم را به فارسی ترجمه کرده ، تحت عنوان : « خلاصه عبقات الانوار ، حدیث ثقلین » در ۱۰۲۴ صفحه منتشر نموده است .

۶ . پژوهشگر پر توان ، استاد زکریّا برکات علی درویش ، کتاب ارزشمندی در این رابطه تألیف کرده و آن را « قرّه العین بحدیث الثقلین » نام نهاده است .(۱)

* * *

۱- [۱] . چاپ مؤسّسه کوثر ، ۱۴۲۲ ق . ۱۳۶ صفحه وزیری .

حدیث ثقلین در مجامع حدیثی

اشاره

به جهت گستردگی طرق حدیث ثقلین ، متن آن با الفاظ مختلف ، ولی به یک مضمون ، در کتابهای : صحاح ، سنن ، معاجم ، منابع حدیثی ، تفاسیر ، کتب سیره ، تاریخ ، لغت و تراجم به تفصیل آمده که استقصای آن چندین مجلّد بزرگ را می طلبد .

ما در اینجا برای تبرّک ، فقط از چند منبع حدیثی ، فراز کوتاهی از حدیث شریف ثقلین را نقل کرده ، تفصیل آن را به فرصتی دیگر موکول می کنیم .

در ترتیب نقل حدیث ، به جهت اهمیت خاصّ کتب صحاح ، نخست از « صحیح مسلم » حدیثی نقل کرده ، سپس به دلیل اهمیت کتب سنن ، به نقل دو حدیث از « سنن ترمذی » بسنده می کنیم .

آنگاه به نقل حدیث ثقلین از دیگر مجموعه های حدیثی ، به ترتیب تسلسل زمانی ، آنهم فقط در محدوده قرن سوم و چهارم می پردازیم :

۱ _ صحیح مسلم

مسلم بن حجّاج نیشابوری ، متوفّای ۲۶۱ ق . در صحیح خود با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » روایت کرده که گفت :

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در میان مکّه و مدینه ، در کنار برکه آبی که « خُمّ » نامیده می شد ، برای ایراد خطابه در میان ما به پا خاست ، حمد و ثنای خدا به جای آورد ، مردم را موعظه کرد ، پند و اندرز داد ، سپس فرمود :

أمّا بعدُ ، ألا أيّها النّاسُ ! فَإنّما أنا بشرٌ يوشِكُ أن يأتي

رسولُ ربّی فأجیبُ . وأنا تاركٌ فیكم ثقلین :

أوّلهما كتابُ اللّه ِ، فیه الهدی والنّور ، فخذوا بكتاب اللّه واستمسكوا به .

فحثَّ علی كتاب اللّه ورغَّب فیه ، ثمَّ قال :

وأهلُ بیتی . أذكّركم اللّه فی أهل بیتی ، أذكّركم اللّه فی أهل بیتی ، أذكّركم اللّه فی أهل بیتی ؛

امّا بعد ، هان ای مردمان ! من نیز انسانی هستم كه نزدیک است پیک الهی به سراغم بیاید و من نیز اجابت كنم .

من در میان شما دو چیز گرانبها می گذارم :

نخستین آنها كتاب خداست كه در آن نور و هدایت است ، پس كتاب خدا را محكم بگیرید و به آن چنگ بزنید .

[پس كتاب خدا را به مردم سفارش كرد و مردم را بر عمل به آن تشویق نمود ، سپس فرمود :]

و اهل بیت من ، كه در مورد اهل بیتم [به شما هشدار می دهم و] خدا را به یاد شما می آورم و آنها را به شما توصیه می كنم .

[این جمله را سه بار تكرار فرمود] .(۱)

۲ _ سنن ترمذی

محمّد بن عیسی بن سوره ترمذی ، متوفّای ۲۹۷ ق . در سنن خود حدیث ثقلین را از دو طریق روایت كرده است :

۱- [۱] . مسلم ، الصحیح ، ج ۴ ، ص ۱۸۷۳ ، فضائل الصّحابه ، ح ۳۶ ، تحقیق محمّدفؤاد عبدالباقی ، دار احیاء التّراث العربی ، بیروت ، چاپ دوم ، ۱۹۷۲ م .

۱ . با سلسله اسنادش از جابر بن عبداللّه انصاری که گفت :

رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در روز عرفه در موسم حجّ دیدم که بر فراز شتر خود « قَصْوا » خطبه می خواند و شنیدم که در خطبه اش می فرمود :

یا ایّها النّاسُ ! إنّی قد ترکتُ فیکم ما إن أخذتم به لن تضلّوا : کتاب اللّه وعترتی أهل بیتی ؛

هان ای مردمان ! من درمیان شما چیزی وانهادم که اگر آن را محکم بگیرید هرگز گمراه نمی شوید :

کتاب خدا و عترت من ، که همان اهل بیت من می باشند .(۱)

ترمذی پس از نقل حدیث فوق گوید :

در همین باب از ابوذر ، ابوسعید ، زید بن ارقم و حذیفه بن أسید نیز روایت هست .

۲ . با سلسله اسنادش از ابوسعید خدری و زید بن ارقم روایت کرده که گفته اند :

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

إنّی تارکٌ فیکم ما إن تمسّکتم به لن تضلّوا بعدی ، أحدهما أعظم من الآخر :

کتابَ اللّه ِ ، حبلٌ ممدودٌ من السّماءِ إلی الأرض وعترتی أهل بیتی ولن یتفرّقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ، فانظروا

۱- [۱] . ترمذی ، الجامع الصّحیح سنن ترمذی ، ج ۵ ، ص ۶۶۲ ، باب مناقب أهل بیت النّبی ، ح ۳۷۸۶ ، تحقیق ابراهیم عطوه عوض ، دار احیاء التّراث العربی ، بیروت .

كيف تخلُفونى فيهما ؛

من در ميان شما چيزى مى گذارم كه اگر به آن چنگ بزنيد هرگز بعد از من گمراه نمى شويد ، يكى از آنها از ديگرى بزرگتر است :

۱) كتاب خدا كه ريسمانى كشيده شده از آسمان به سوى زمين است .

۲) عترت من ، كه همان اهل بيت من مى باشند .

اين دو هرگز از يكديگر جدا نمى شوند تا در حوض كوثر بر من وارد شوند . پس نيك بنگريد كه چگونه جانشين من در مورد آن دو خواهيد بود .(۱)

۳ _ طبقات ابن سعد

محمّد بن سعد ، كاتب واقدى ، متوفّاى ۲۳۰ ق . در كتاب « طبقات الصّحابه والتّابعين » حديث ثقلين را با سلسله اسنادش ، از ابوسعيد خدرى ، از پيامبر اكرم صلى الله عليه و آلهروايت كرده كه فرمود :

إنّى أوشك أن أدعى فأجيب ، وإنّى تاركٌ فيكم الثَّقلين : كتابَ اللّه وعترتى ، كتابُ اللّه حبلٌ ممدودٌ من السَّماءِ إلى الأرض ، وعترتى أهل بيتى ، وإنّ اللّطيف الخبير أخبرنى أنّهما لن يفترقا حتّى يردا علىَّ الحوضَ ، فانظروا كيف تخلُفونى فيهما ؛

۱- [۱] . همان ، ص ۶۶۳ ، ح ۳۷۸۸ .

زود است که فراخوانـده شوم ، پس دعوت حق را لبّیـک گویم ، من در میـان شـما دو چیز گرانبهـا می گـذارم : کتاب خـدای عزّوجلّ و عترت من .

کتاب خدا ریسمانی کشیده شده از آسمان به سوی زمین است .

و عترت من که همان اهل بیت من می باشند .

خدای دانای مهربان مرا خبر داده که آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .

پس نیک بنگرید که چگونه جانشین من در مورد آن دو خواهید بود .(۱)

۴ _ المصنَّف ابن أبی شیبه

عبداللّه بن محمّد بن ابی شـیبه ، متوفّای ۲۳۵ ق . در کتاب « المصـنَّف » خود ، حدیث ثقلین را با سلسـله اسـنادش از « زید بن ثابت » روایت کرده ، که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

إنّی تارِکٌ فیکم الخلیفتین من بعدی : کتاب اللّه وعترتی ، أهل بیتی ، وانّهما لن یتفرّقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ؛

برای پس از خود دو جانشـین برای شـما برجـای نهـادم : کتاب خـدا و عترت من ، که همان اهل بیت من می باشـند ، و آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۲)

۱- [۱] . ابن سعد ، الطّبقات الکبری ، ج ۲ ، ص ۱۹۴ ، تحقیق احسان عبّاس ، دار بیروت ، بیروت ، ۱۴۰۵ ق .

۲- [۲] . ابن أبی شیبه ، المصنَّف ، ج ۷ ، ص ۴۱۸ ، تحقیق سعید محمّد لحّام ، دار الفکر ، بیروت ، ۱۴۰۹ ق .

۵ _ مسند احمد حنبل

امام احمد بن حنبل ، متوفّای ۲۴۱ ق . پیشوای حنابله ، در مسند خود حدیث ثقلین را به چندین طریق روایت کرده است :

۱ . با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » دقیقاً همانند روایت « صحیح مسلم » .(۱)

۲ . با سلسله اسنادش از « ابوسعید خُدری » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إنّی تاركٌ فیكم الثَّقلین ، أحدهما أكبرُ من الآخر :

كتابُ اللّه حبلٌ ممدودٌ من السَّماءِ إلی الأرض وعترتی اهل بیتی .

وإنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ؛

من در میان شما دو چیز گرانبها وانهادم كه یكی از آنها از دیگری بزرگ تر است :

۱) كتاب خدا كه ریسمانی كشیده شده از آسمان به سوی زمین است .

۲) عترت من ، كه همان اهلبیت من می باشند .

این دو هرگز از یكدیگر جدا نشوند تا در حوض كوثر بر من وارد شوند .(۲)

۱- [۱] . احمد ، المسند ، ج ۷ ، ص ۷۵ ، مسند كوفیّین ، حدیث زید بن ارقم ، ح ۱۹۲۸۵ ، تحقیق صدقی محمّد جمیل عطار ، دارالفكر ، بیروت ، چاپ دوّم ، ۱۴۱۴ ق .

۲- [۲] . همان ، ج ۴ ، ص ۳۰ ؛ مسند ابوسعید خدری ، ح ۱۱۱۰۴ .

۳ . با سلسله اسنادش از طریقی دیگر از « ابوسعید خدری » قریب به همین مضمون ، با اندکی تغییر در تعبیر .(۱)

۴ . با سلسله اسنادش از طریقی دیگر از « ابوسعید خدری » دقیقاً مطابق متنی که از « طبقات ابن سعد » روایت کردیم .(۲)

۵ . با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إنّی تـارکٌ فیکم خلیفتین : کتـابُ اللّه حبـلٌ ممـدودٌ مابین السَّماءِ والأرض ــ او ما بینَ السّـماء إلی الأرض ــ وعترتی أهلَ بیتی وإنّهما لن یتفرّقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ؛

من در میان شما دو جانشین گذاشتم :

۱) کتاب خدا که ریسمانی کشیده شده در میان آسمان و زمین [یا از آسمان به سوی زمین] است .

۲) عترت من ، که همان اهل بیت من می باشند .

این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۳)

۶ . نزدیک به همین مضمون از طریق ابوسعید خدری .(۴)

۶ ــ سنن دارمی

عبداللّه بن عبدالرّحمن دارمی ، متوفّای ۲۵۵ ق . حدیث ثقلین را با

ص:۱۳۹

۱- [۱] . همان ، ص ۵۴ ، ح ۱۱۲۱۱ .
۲- [۲] . همان ، ص ۳۷ ، ح ۱۱۱۳۱ .
۳- [۳] . همان ، ج ۸ ، ص ۱۳۸ ، حدیث زید بن ثابت ، ح ۲۱۶۳۴ .
۴- [۴] . همان ، ج ۴ ، ص ۱۱۸ ، مسند ابی سعید خدری ، ح ۱۱۵۶۱ .

سلسله اسنادش ، از طریق زید بن ارقم روایت کرده که دقیقاً با حدیث اوّل که از صحیح مسلم نقل کردیم مطابق است .(۱)

۷ _ خصائص نسائی

احمـد بن شـعیب نسائی ، صاحب کتاب « سـنن نسائی » متوفّای ۳۰۳ ق . در کتـاب خصائص خود ، حـدیث ثقلین را با سلسـله اسـنادش از زید بن ارقم در فرازی از خطبه غدیر ، که به هنگام بازگشت از « حجّه الوداع » پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سرزمین « غدیرخُم » ایراد فرموده است ، نقل کرده :

کأنّی قد دُعیتُ فأجبتُ ، إنّی ترکت فیکم الثَّقلین ، أحدهما أکبر من الآخر :

کتابَ اللّه وعترتی ، فانظروا کیف تخلُفونی فیهما ، فإنّهما لن یتفرّقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ؛

گویی اجلم فرارسیده ، دعوت حق را لبّیـک خواهم گفت ، من در میان شـما دو چیز گرانبها وانهادم ، که یکی از آنها بزرگتر از دیگری است : کتاب خدا و عترت من .

پس نیک بنگریـد که چگونه جانشـین من خواهید بود در مورد آن دو . که آنها هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۲)

سنن نسائی گزیده ای از کتاب « السّنن الکبری » نسائی می باشد و

۱- [۱] . دارمی ، السّنن ، ج ۲ ، ص ۴۳۱ ، به اهتمام محمّداحمد دهمان ، دارالکتب العلمیه ، بیروت .

۲- [۲] . نسائی ، خصائص امیرالمؤمنین ، ص ۷۱ ، ح ۷۹ ، تحقیق ابوعبداللّه دانی ، المکتبه العصریّه ، بیروت ، ۱۴۲۲ ق .

کتاب « خصائص » نیز بخشی از کتاب « سنن کبری » می باشد .(۱)

۸ _ الذّریه الطّاهره

ابوبشر محمّد بن احمد دولابی ، متوفّای ۳۱۰ ق . در کتاب « الذّریه الطّاهره » حدیث ثقلین را با سلسله اسنادش از حضرت علی علیه السلامروایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از خطبه معروفش در سرزمین « غدیر خم » فرمود :

إنّی ترکت فیکم ما إن أخذتم به لم تضلّوا ، کتاب اللّه وأهل بیتی ؛

من در میان شما چیزی وانهادم که اگر آن را محکم بگیرید گمراه نمی شوید : کتاب خدا و اهل بیت من .(۲)

۹ _ معجم طبرانی

ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی ، متوفّای ۳۶۰ ق . در کتاب « معجم کبیر » خود حدیث ثقلین را از طرق مختلف نقل کرده ، از جمله :

۱ . با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إنّی قد ترکتُ فیکم خلیفتین : کتابَ اللّه وأهلَ بیتی ،

۱- [۱] . ذهبی ، سیر أعلام النّبلاء ، ج ۱۴ ، ص ۱۳۳ ، تحقیق شعیب ارنؤط ، مؤسّسه الرّساله ، بیروت ، چاپ هشتم ، ۱۴۱۲ ق .

۲- [۲] . ابوبشر دولابی ، الذّریه الطّاهره ، ص ۱۶۸ ، ح ۲۲۸ ، تحقیق سید محمّدجواد جلالی ، النّشر الاسلامی ، قم ، ۱۴۰۷ ق .

وإنّهما لم يفترقا حتّى يردا عليَّ الحوضَ ؛

من در میان شما دو جانشین برجای نهادم : کتاب خدا و اهلبیت من ، که از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۱)

۲ . همین حدیث را از طریق دیگر روایت کرده ، که در آن به جای : « أهل بیتی » تعبیر : « عترتی » آمده است .(۲)

۳ . با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إنّی تارکٌ فیکم الثَّقلین من بعدی : کتابَ اللّه عزّ وجلّ وعترتی أهلَ بیتی، وإنّهما لم یتفرّقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ؛

من در میان شما برای پس از خود دو چیز گرانبها می گذارم : کتاب خدای عزّوجلّ و اهل بیت خودم ، که هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۳)

۴ . عین همین حدیث را با دو طریق دیگر از « زید بن ارقم » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است .(۴)

۵ . با سلسله اسنادش متن دیگری را از « زید بن ارقم » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

۱- [۱] . طبرانی ، معجم کبیر ، ج ۵ ، ص ۱۵۳ ، ح ۴۹۲۱ ، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی ، دار احیاء التّراث العربی ، بیروت ، چاپ دوم ، ۱۴۰۵ ق .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۵۴ ، ح ۴۹۲۲ .

۳- [۳] . همان ، ح ۴۹۲۳ .

۴- [۴] . همان ، ص ۱۷۰ ، ح ۴۹۸۰ و ۴۹۸۱ .

إنّی تاركٌ فیكم الثّقلین : كتاب اللّه وعترتی ، فانظروا كیف تخلُفونی فیهما ؛

من در میان شما دو چیز گرانبها نهادم : كتاب خدا و عترت من ، پس خوب بنگرید كه چگونه جانشین من برای آن دو خواهید بود .(۱)

۶ . دو متن دیگر با سلسله اسنادش مطابق حدیث اوّل كه از صحیح مسلم نقل كردیم ، روایت كرده است .(۲)

طبرانی علاوه بر معجم كبیر در « معجم صغیر » نیز حدیث ثقلین را به دو طریق روایت كرده :

۱ . با سلسله اسنادش از ابوسعید خُدری ، مطابق دوّمین حدیث احمد حنبل .(۳)

۲ . با سلسله اسنادش از ابوسعید خُدری از رسول اكرم صلی الله علیه و آله كه فرمود :

إنّی تارك فیكم الثَّقلین ، ما إن تمسّكتم به لن تضلّوا : كتاب اللّه وعترتی، وانّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض؛

من در میان شما دو چیز گرانبها گذاشتم ، كه اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه نمی شوید ، كتاب خدا و عترت من . كه آنها هرگز از یكدیگر جدا نشوند تا در حوض كوثر بر من وارد شوند .(۴)

۱- [۱] . همان ، ص ۱۸۲ ، ح ۵۰۲۵ .
۲- [۲] . همان ، ح ۵۰۲۶ و ۵۰۲۸ .
۳- [۳] . طبرانی ، معجم صغیر ، ص ۱۵۸ ، ح ۳۶۴ ، تحقیق محمّدسلیم ابراهیم سماره ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت .
۴- [۴] . همان ، ص ۱۶۳ ، ح ۳۷۷ .

۱۰ _ مستدرک حاکم

حاکم نیشابوری متوفّای ۴۰۵ ق . در مستدرک خود بر صحیحین حدیث ثقلین را از چند طریق روایت کرده است :

۱ . با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام بازگشت از « حجّه الوداع » در سرزمین « غدیر خُم » فرود آمده ، فرمان داد که آنجا را تمیز کنند ، سایبانی بزنند ، آنگاه خطبه معروف خود را ایراد نمود .

متن خطبه غدیر بسیار طولانی است ، فرازی از آن را در ضمن « خصائص نسائی » آوردیم .

حاکم نیز این فراز را دقیقاً مطابق روایت خصائص نسائی آورده است.(۱)

۲ . با سلسله اسنادش متن دیگری را از « زید بن ارقم » نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان مکه و مدینه ، در سرزمینی که پنج درخت بزرگ بود فرود آمد ، فرمان داد مردم زیر درختان را تمیز کردند ، پس از اقامه نماز مغرب به ایراد خطابه پرداخته ، بعد از حمد و ثنای پروردگار و پند و اندرز مردمان ، مطالب فراوانی بیان کردند ، آنگاه فرمودند :

أیّها النّاس ! إنّی تارک فیکم أمرین لن تضلّوا إن اتّبعتموهما ، وهما : کتابُ اللّه واهلُ بیتی عترتی ؛

۱- [۱] . حاکم نیشابوری ، المستدرک علی الصّحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۰۹ ، تحقیق سید هاشم ندوی ، دارالفکر ، بیروت ، ۱۳۹۸ ق . افست چاپ حیدرآبد دکن ، ۱۳۳۵ ق .

هـان ای مردمـان ، من در میان شـما دو چیز وانهادم که اگر از آنها پیروی کنیـد هرگز گمراه نمی شویـد ، آن دو عبارتنـد از : کتاب خدا و اهل بیت من ، که همان عترت من می باشند .(۱)

حاکم پس از نقل هر دو متن تأکید کرده که سند این دو روایت براساس معیار بخاری و مسلم صحیح می باشد .

۳ . با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

إنّی تاركٌ فیكم الثَّقلین ، كتابَ اللّه وأهلَ بیتی ، وإنّهما لن یتفرّقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ؛

من در میان شـما دو چیز گرانبها گذاشـتم : کتاب خدا و اهل بیتم ، که هرگز از یکدیگر جدا نشوند ، تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۲)

* * *

این بود قطره ای از دریا ، اندکی از بسیار و مشتی از خروار ، که در کتب صـحاح، سـنن ، مسانید ، معاجم و دیگر کتب پایه و مرجع اهل تسـنّن ؛ قرائت مشهور ، مقبول ، مستفیض ، بلکه متواتر « حدیث ثقلین » که در آن « عترت » و « اهل بیت » همسنگ قرآن کریم بیـان شـده ، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در موقف های حسّاس ، از جمله به هنگام بازگشت از طائف در سال هشتم هجرت ،

۱- [۱] . همان ، ص ۱۱۰ .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۴۸ .

در روز عرفه در حجّه الوداع ، در روز عید غدیر در سرزمین غدیر خم ، در آستانه ارتحال در مسجدالنّبی و در بستر مرگ ، در حضور هزاران تن از اصحاب و یاران بیان فرموده و نوید داده که آنها هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر آن حضرت وارد شوند .

آنچه تقدیم گردید فقط به عنوان تبرّک و نمونه بود ، و اگر بخواهیم در منابع حدیثی ، تفسیری ، رجالی ، تاریخی و کتب سیره و تراجم دنبال کنیم به دهها برابر افزایش یافته ، به تدوین چندین مجلّد نیازمند خواهیم بود .

در کتاب شریف « نفحات الأزهار » حدیث شریف ثقلین مطابق قرائت صحیح و مشهور از ۱۸۷ طریق ، از منابع مورد اعتماد و استناد اهل سنت نقل شده و بررسی سندی شده است .(۱)

در بخش الحاقی آن که به قلم نادره زمان حضرت آیه اللّه حاج سید عبدالعزیز طباطبائی قدس سره نگاشته شده، از ۱۲۶ طریق دیگر روایت شده است.(۲)

محقّق طباطبائی در این بخش الحاقی اسامی راویان حدیث ثقلین را قرن به قرن آورده و تواتر آن را از عهد صحابه تا عصر حاضر در جمیع طبقات اثبات نموده است .(۳)

این بود اشاره ای کوتاه به سیر تاریخی « حدیث ثقلین » براساس قرائت مشهور : « کتاب اللّه وعترتی » .

۱- [۱] . سید علی میلانی ، نفحات الأزهار فی خلاصه العبقات الأنوار ، نشر آلاء ، قم ، ۱۴۲۳ ق . ج ۱ ، صص ۲۱۰ _ ۴۹۶ .
۲- [۲] . همان ، ج ۲ ، صص ۹۸ _ ۲۲۱ .
۳- [۳] . همان ، ج ۲ ، صص ۸۷ _ ۹۷ .

در برابر قرائت مشـهور ، مستفیض و متواتر : « کتاب اللّه وعترتی » قرائت شاذ ، نادر ، بدلی و تقلّبی : « کتاب اللّه وسنتی » نیز به بازار آمده ، موجب انحراف بیماردلان شده است .

نگارنده آن قرائت را نیز بررسـی کرده ، ریشه یابی نموده ، در کتاب مسـتقلی به نام : « حدیث ثقلین با دو قرائت » منتشر نموده است ، علاقمندان را به مطالعه و بررسی دقیق آن دعوت می کنیم .(1)

ص:147

1- [1] . چاپ قم ، انتشارات رسالت ، 1389 ش .

۲ _ خطبه حضرت امیر در روز عید غدیر

اشاره

شیخ طوسی رحمه الله با سلسله اسنادش از فیّاض بن محمّد بن عمر طوسی نقل فرموده که ایشان در سال ۲۵۹ ق . در طوس ، در سنّ نود سالگی روایت کرد که در روز عید غدیر به محضر ابوالحسن علی بن موسی الرّضا علیه السلام مشرّف شدم ، شماری از یاران خاصّ آن حضرت در خدمت ایشان بودند ، آنها را برای صرف افطار نگه داشته بود و به خانه های آنها خوراک ، پوشاک ، گندم و هدایایی چون انگشتر و کفش فرستاده بود ، اوضاع و احوال آنها را با عطایا و هدایای خود تغییر داده ، برای آنها پیرامون فضیلت عید غدیر و پیشینه آن سخن می گفت .

از جمله از پدرش امام کاظم ، از نیایش امام صادق ، از امام باقر ، از امام سجاد ، از امام حسین علیهم السلام روایت نمود که در ایّام خلافت ظاهری امیرمؤمنان علیه السلام روز غدیر با روز جمعه مصادف شد ، پس آن حضرت پنج ساعت پس از بامداد آن روز بر فراز منبر قرار گرفتند ، خدای را سپاس گفتند و ستایش کردند ، به گونه ای که نظیر آن از احدی شنیده نشده بود .

ص:۱۴۹

برخی از فرازهای آن چنین بود :

سپاس بیکران خدایی را که آن را بدون اینکه نیازی به ستایشگران داشته باشد ، راهی از راه های اعتراف به خداوندی و بی نیازی و پروردگاری و یکتایی خود ، و وسیله ای برای افزایش رحمت اش ، و راهی برای خواهان فضل و احسانش قرار داد .

خداوندی که در سویدای واژه حمد ، اعتراف به مُنعِم بودن خودش را نهان ساخت ، که او بر هر ستایشگری در برابر گلواژه حمد احسان می کند ، اگرچه بسیار بزرگ باشد .

من گواهی می دهم که خداوندی جز او نیست که یکتا و بی انباز است . این گواهی من از اخلاص درون نشأت گرفته ، بر زبانم روان گشته ، از باور درونم حکایت می کند که معتقدم او خداوندی خالق ، پدید آورنده و صورت آفرین است ، نامهای نیکو دارد و چیزی همانند او نیست ، که هر چیزی از مشیّت او پدید آمده و هیچ شباهتی با پدید آورنده اش ندارد .

من گواهی می دهم که حضرت محمّد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست ، پیش از آفرینش موجودات از روی آگاهی او را بر همه امّت ها برگزید . او با هیچ فردی از افراد انسان ها مشابهت ندارد و کسی نظیر او نمی باشد . تنها او را به مقام امر و نهی از سوی پروردگار اختصاص داد .

تنها او را در تمام عوالم برای ابلاغ احکامش قائم مقام خود نمود . زیرا که دیدگان هرگز او را نمی بینند و اندیشه ها به او راه ندارند ، گمانهای پوشیده در اسرار و پیچیده در پندار نمی توانند برای او نظیری تصویر نمایند ، که معبودی جز او نیست ، که خداوندی یکتا و پادشاهی بی همتاست .

خداوند اعتراف به نبوت آن حضرت را با اعتراف به الوهیّت خود مقرون ساخت و او را آنچنان گرامی داشت که هرگز احدی از بندگان به جایگاه او نرسد ، او شایسته چنان جایگاه بلندی است که به مقام خُلّت و دوستی ویژه نایل گشته ، که هرگز کسی که دچار دگرگونی باشد و گرفتار وهم و خیال شود ، به چنین جایگاهی راه نیابد .

آنگاه به همگان فرمان داد که به او درود بفرستند ، تا جایگاه رفیع او را بالاتر ببرد و راهی به اجابت دعوتش بگشاید ، پس درود بیکران خداوند بر او باد ، که موجب شرافتی پایدار و عظمتی استوار باشد ، که آن را زوال نباشد و تا ابد تداوم یابد .

خداوند منّان پس از پیامبر بزرگوارش ، گروهی را به خود اختصاص داد ، آنان را به برتری خود برتری داد و تا جایگاه رفیع پیامبرش بالا برد و آنها را دعوت کننده راستین و راهنمایان هدایتگر به سوی خود در طول قرون و اعصار قرار داد . خداوند آنان را از روز ازل ، پیش از هر آفریده

ص:۱۵۱

و مخلوقی دیگر ، به صورت انواری درخشان ، ثناگویان و ستایشگرانِ خویش بیافرید ، راه سپاس و ستایش خویش را به آنان تعلیم فرمود و آنـان را بر همه کسانی که به ربوبیّت پروردگار و عبودیّت خود اعتراف دارنـد ، حجّت قرار داد و به وسیله آنها موجودات گنگ و لال را که یارای سخن گفتن نداشتند ، با انواع لهجه ها و گویش ها آشنا ساخت ، تا در برابرش کرنش کنند و اعتراف نمایند که او آفریدگار آسمان ها و زمین ها می باشد .

آنها را شاهد بر خلق و سرپرست اموری که می خواست قرار داد و آنها را ترجمان مشیّت و زبانِ گویای خواسته های خود نمود ، زیرا آنها بندگانی هستند که : « هرگز در گفتار بر او پیشی نگیرند و تنها به فرمان او رفتار نمایند ، که خداوند بر گذشته و آینده آنان آگاهی دارد ، آنان جز به کسانی که او بپسندد شفاعت نکنند و ایشان از ترس او بیمناکند » .(۱)

به احکام او حکم می کنند و از سنّت او پیروی می نمایند ، حدود شریعت را برپا می دارند و واجبات او را انجام می دهند .

خداوند منّان مردمان را همانند کوران و کران در تاریکی رها نکرده ، بلکه برای آنها خردهایی به ودیعت نهاده ، که با اندامهای آنها بیامیخته و در سراسر وجودشان پخش گردیده ، در اعماق جانشان نهادینه کرده و در همه حواسّ شان حاکم نموده است .

۱- [۱] . سوره انبیاء ، آیه های ۲۷ و ۲۸ .

با استوار نمودن خرد در گوش و چشم و اندیشه و اعماق جانشان ، حجّت را بر آنان تمام نموده ، راه راست را بر آنها آشکار کرده ، با منطقی گویا و زبانی رسا ، حقایق را بر آنان گوشزد نموده ، تا با قدرت و حکمت پروردگار آشنا گردند : « تا کسی که هلاک می شود از روی دلیل و حجّت هلاک شود و آنکه زنده و هدایت می شود ، از روی دلیل و برهان زنده گردد ، که به راستی خدا دانا و شنواست » .(۱)

آری او دانا و بینا و گواه و آگاه است .

هان ای مؤمنان ! خداوند امروز برای شما دو عید بزرگ قرار داده است ، که هیچکدام بدون دیگری استوار نمی گردد ، تا الطاف نیکویش را برای شما کامل نماید و شما را به راه رشد و کمال آگاه سازد و شما را دنباله روِ کسانی قرار دهد که وجودشان با نور هدایتش منوّر گشته است ، تا راه راستْ شما را در بر گیرد و الطاف بیکرانش بر شما افزون گردد .

آن دو عید عبارتند از :

۱) روز جمعه

پس روز جمعه را میعادگاه شما قرار داد و شما را به تجمّع در آن فراخواند ، تا به شستشوی آثار اعمال دیگر روزهای هفته بپردازید و آنچه خلاف و اشتباه از جمعه پیشین تا آن روز

۱- [۱] . سوره انفال ، آیه ۴۲ .

مرتکب شده اید را بزدایید .

خداوند روز جمعه را یادآور باورداران و بیانگر بیم پروا پیشگان قرار داده و پاداش نیکوکاران را چند برابر اعمال دیگر روزها مقرّر فرموده است .

این پاداش نیکو منحصراً برای کسانی است که از اوامر او اطاعت کنند و از آنچه نهی فرموده اجتناب نمایند و نسبت به آنچه تشویق نموده و ترغیب کرده گردن نهند .

خداوند ایمان به یکتایی اش را از کسی نمی پذیرد مگر هنگامی که با اعتراف به نبوّت پیامبرش مقرون باشد .

خداوند دین و ایمان کسی را نمی پذیرد ، جز هنگامی که به ولایت کسی که خداوند به ولایتش فرمان داده مقرون باشد . اسباب اطاعت او برای کسی فراهم نمی شود جز با چنگ زدن به دست آویزهای خداوند و دست آویزهای اهل ولایت او .

۲) عید غدیر

اشاره

خداوند در روز غدیر اراده و مشیّت خود را درباره اولیای مخلص و برگزیده اش بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل فرمود و به او فرمان داد که آن را بر مردمان ابلاغ نماید و از منحرفان و منافقان بیمی به خود راه ندهد و تضمین کرد که شرّی از آنها به آن حضرت نرسد .

از اهل شک و ارتداد ، آنچه در نهانخانه دل مخفی کرده

ص:۱۵۴

بودنـد ، پرده برداشت ، پس هر فرد مؤمن و منـافق آن را فهميـد ، پس سـر كشان سـر برتافتنـد ، ثـابت قـدمان پـا برجا ماندنـد ، منافقان بر جهالت و خيره سرى خود افزودند ، افراد متعصّب و متمرّد چنگ و دندان تيز كردند و مشت هاى خود را فشردند .

يكى سـخن گفت ، ديگرى فريـاد زد ، سوّمى آهى پر از كينه از سـينه بركشـيد ، اهل ارتـداد بر تمرّد و ارتـداد خود ادامه داد ، گروهى با زبان اعتراف كردنـد ، بدون اينكه از اعماق دل آن را باور نمايند ، ولى گروهى آن را از اعماق دل باور كردند و با زبان راستين اعتراف نمودند .

خداونـد ــ در آن روز ــ دين خود را كامـل گردانيـد و ديـدگان پيـامبر اكرم صـلى الله عليه و آله ، مؤمنـان و پيروان راسـتين حضرتش را روشن نمود و اتّفاق افتاد آنچه برخى از شما گواه آن بود و گزارش آن به برخى ديگر رسيده است .

حجّت نيكوى خـدا بر شـكيبايان كامل گرديـد و خداونـد ساخته ها و پرداخته هاى فرعون ، هامان ، قارون و لشـكريانش را از ريشه و بن برانداخت و واژگون ساخت .

تنها عـدّه اى پست و فرومايه ، از تفاله هاى ضـلالت و گمراهى باقى ماندنـد كه در گمراه كردن مردمان از هيـچ تلاشـى دريغ نمى كنند ، خداوند آنها را در ديار خودشان به آتش قهر خود مبتلا مى سازد و آثارشان را نابود مى كند و نشانه هايشان را

محو می نماید و حسرت تلاشهایشان را بر دل آنها می گذارد و آنها را به کسانی ملحق می کند که دست آنها را باز گذاشتند و گردنهایشان برافراشتند و به آنها تمکّن دادند که دین خدا را تغییر دهند و احکام خدا را دگرگون سازند . به زودی نصرت و غلبه پروردگار به سود حبیبش و به ضرر دشمنانش فرامی رسد ، که خداوند الطاف بیکران دارد و اعمال بندگانش را زیر نظر دارد .

کمتر از آنچه گفتم شما را بس است و حجّت را بر شما تمام می کند .

پس نیک بیندیشید و در آنچه خداوند شما را به سوی آن فراخوانده و ترغیب نموده درنگ کنید ــ که خداوند شما را مورد رحمت خود قرار دهد ــ راه او را در پیش بگیرید و از طریق او حرکت کنید « و از راه های دیگر پیروی نکنید که شما را از راهِ او پراکنده سازد » .(1)

ویژگیهای عید غدیر

۱) امروز روزی بلند جایگاه است .

۲) در آن گشایش حاصل گردید .

۳) مراتب شایستگان مرتفع گردید .

۴) براهین الهی آشکار شد .

۵) امروز روزِ آشکار شدن حق و پرده برداری از مقام امامت است .

۱- [۱] . سوره انعام ، آیه ۱۵۳ .

۶) امروز روزِ اکمال دین است .

۷) امروز روزِ عهد و پیمان است .

۸) امروز روزِ گواهی و گواه گرفتگی است .

۹) امروز روزِ رونمایی پیمانهایی است که در زیر پرده کفر و نفاق مستور مانده بود .

۱۰) امروز روزِ بیان حقایق ایمان است .

۱۱) امروز روزِ راندن شیطان است .

۱۲) امروز روزِ اقامه برهان است .

۱۳) امروز روزِ جدایی حق و باطل است که شما وعده داده می شدید .

۱۴) امروز روزِ بلند جایگاههایی است که شما در آن مخاصمه می نمودید .

۱۵) امروز روزِ نبأ عظیمی است که شما از آن روی گردان بودید .

۱۶) امروز روزِ ارشاد و هدایت است .

۱۷) امروز روزِ آزمایش بندگان است .

۱۸) امروز روزِ راهنمایی راهپویان است .

۱۹) امروز روزِ آشکار شدن اسرار درون و رازهای اشرار دون است .

۲۰) امروز روزِ نصِّ صریح خداوند بر بندگان شایسته و اولیای ویژه خداست .

۲۱) امروز روزِ حضرت شیث است .

ص:۱۵۷

۲۲) امروز روزِ حضرت ادریس است .

۲۳) امروز روزِ حضرت هود است .

۲۴) امروز روزِ حضرت یوشع است .

۲۵) امروز روزِ حضرت شمعون است .

۲۶) امروز روزِ امنیّت کامل است .

۲۷) امروز روزِ اظهار سرِّ مکنون است .

۲۸) امروز روزِ آشکار شدن اسرار درون و آزمایش دلهاست .

همه اش می فرمود : امروز روزِ ... امروز روزِ ... تا فرمود :

پس خـدا را شاهـد و ناظر بر اعمال خود بدانیـد ، از او پروا کنید ، به فرمانش گوش دهید ، از اوامرش اطاعت کنید ، از مکر و حیله دور باشید ، درون خود را وارسی کنید ، شکّ و تردید به خود راه ندهید ، از راه یکتاپرستی و اطاعت کسانی که خداوند به اطاعت آنها فرمان داده به او تقرّب بجویید « و به دست آویزهای کافران تمسّک نجویید » .(۱)

ضلالت و گمراهی شما را به سوی خود متمایل نسازد که با پیروی از افراد ضالّ و مُضِلّ از راه رشد و هدایت گمراه شوید .

خداوند متعال گروهی را در قرآن کریم نکوهش کرده که آنها می گویند :

« إِنّا أَطَعْنا سادَتَنا وَ کُبراءَنا فَأَضَلُّونَا السَّبِیلاَ * رَبَّنا آتِهِمْ ضِعْفَیْنِ

ص:۱۵۸

۱- [۱] . سوره ممتحنه ، آیه ۱۰ .

مِنَ الْعَذابِ وَ الْعَنْهُمْ لَعْناً كَبِيراً » ؛

ما از بزرگان و سروران خود اطاعت كرديم ، پس آنها ما را گمراه ساختند . بار پروردگارا ! پس به آنها دو چندان عذاب كن و آنها را به لعن و غضب شديد خود گرفتار كن .(۱)

و در آيه اى ديگر مى فرمايد :

« وَ إِذْ يَتَحاجُّونَ فِى النّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنّا كُنّا لَكُمْ تَبَعاً » ؛

هنگامى كه در ميان آتش با يكديگر محاجّه مى كنند ، اشخاص ناتوان به مستكبران و زورگويان گويند : ما پيرو شما بوديم .(۲)

« فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنّا مِنْ عَذابِ اللّهِ مِنْ شَيْءٍ قالُوا لَوْ هَدانَا اللّهُ لَهَدَيْناكُمْ » ؛

آيا شما مى توانيد چيزى از عذاب خدا را از ما دور كنيد ؟ گويند : اگر خداوند ما را هدايت مى كرد ، ما نيز شما را هدايت مى كرديم .(۳)

آيا مى دانيد كه استكبار چيست ؟

استكبار عبارت است از ترك اطاعت كسى كه به اطاعت او فرمان داده شده اند .

استكبار عبارت است از گردن فرازى در برابر كسى كه به پيروى از او فراخوانده شده اند .

۱- [۱] . سوره احزاب ، آيه هاى ۶۷ و ۶۸ .
۲- [۲] . سوره غافر ، آيه ۴۷ .
۳- [۳] . سوره ابراهيم ، آيه ۲۱ .

قرآن در این رابطه سخن فراوان گفته ، اگر کسی در آن تدبّر کند و از آن پند بگیرد ، قرآن او را از راه خلاف بازمی دارد .

هان ای مؤمنان ! خداوند منّان می فرماید :

« إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ » ؛

خداوند کسانی را دوست دارد که در صفهای فشرده ، چون بنیانی آهنین در راه او پیکار نمایند .(۱)

آیا می دانید که راه خدا چیست ؟ راه خدا ، صراط خدا و طریق خدا کیست ؟

من صراط خدا هستم ، که هر کس به فرمان خدا از آن نرود ، در آتش جهنم سقوط می کند .

من راه خدا هستم ، که خداوند بعد از پیامبرش مرا برای پیروی نصب کرده است .

من تقسیم کننده بهشت و دوزخ هستم .

من حجّت خدا بر فاسقان و فاجران و نوربخش نیکوکارانم .

پسْ از خواب غفلت بیدار شوید و پیش از فرارسیدن اجل در عمل بکوشید و به سوی آمرزش پروردگار سبقت بجویید ، پیش از آنکه دیواری کشیده شود که درون آن رحمت پروردگار و بیرون آن عذاب باشد ، که هر چه فریاد برآورید ، پاسخ نشنوید و هر چه ناله کنید به ناله هایتان اعتنا نشود .

۱- [۱] . سوره صف ، آیه ۴ .

و پیش از آنکه هر چه استغاثه کنید کسی به دادتان نرسد .

به عبادت و اطاعت پروردگار بشتابید پیش از آنکه فرصت ها را از دست بدهید و مرگی که از بین برنده لذّت ها می باشد به سراغتان بیاید ، که دیگر راه نجات و چاره رهایی وجود نخواهد داشت .

پس از پایان یافتن این اجتماع ، به خانه های خود بازگردید ، بر خانواده های خود توسعه دهید ، به برادران ایمانی خود نیکی کنید و خدای را در برابر نعمت هایش که بر شما ارزانی داشته سپاس گویید ، خداوند شما را مورد مغفرت خود قرار دهد .

با یکدیگر متّحد شوید ، که خداوند پراکندگی شما را برطرف کند ، با یکدیگر نیکی و خوشرفتاری کنید ، که خداوند دوستی شما را پایدار نماید .

از نعمتهای خداوند به یکدیگر هدیه کنید همانگونه که به شما عطا فرموده است .

پاداش عمل در این روز چندین برابر اعیاد پیشین و پسین است ، جز عملی که در مثل این روز (عید غدیر) انجام شده باشد .

نیکی در این روز موجب ازدیاد مال و طول عمر می شود و عطوفت و مهربانی در آن ، رحمت و الطاف خداوند را جلب می کند .

پس شادمان باشید و برادران ایمانی خود را با اهدای لباس نیکو ، عطر خوشبو و غذای خوشگوار شادمان سازید .

ص:۱۶۱

از آنچه خداوند به شما تفضّل کرده ، در حدّ توان و استطاعت خود به برادران و خانواده هایتان بخشش کنید .

در برخوردها گشاده رو باشید و در دیدارها گشاده رویی را آشکار سازید و خدای را در برابر این همه نعمت ها که به شما ارزانی داشته سپاس بگویید .

به کسانی که چشم امیدشان به سوی شما دوخته است ، بیشتر احسان و انفاق کنید .

خوردنی های خود را در حدّ توان بین خود و بی نوایان به طور مساوی تقسیم کنید ، در حدّ توان و به مقدار امکانات خود با آنها همیاری کنید ، که پاداش یک درهم در این روز معادل یکصد هزار درهم ، بلکه افزون تر است .

روزه عید غدیر

روزه امروز از اعمالی است که خداوند به آن ترغیب نموده و پاداش بزرگی برای آن ضمانت نموده است .

اگر بنده ای از بندگان خدا ، از آغاز این جهان تا پایان آن ، روزها روزه باشد و شب ها را با شب زنده داری سپری کند ، پاداش او به پای کسی که روز غدیر را مخلصانه روزه بدارد نمی رسد .

آری اگر کسی با اخلاص آن را روزه بگیرد ، روزهای این جهان از آغاز تا انجام با آن برابری نمی کند .

اگر کسی مؤمنی را پیش از آنکه تقاضای کمک کند ، یاری

نماید و از روی رغبت به او نیکی کند ، همانند کسی است که آن روز را روزه بگیرد و شبش را با عبادت سپری کند .

اگر کسی مؤمنی را در شبِ آن افطاری دهد ، همانند کسی است که « فئامی » را افطاری داده باشد .

لفظ « فئام » را ده بار با دست خود شمرد .

پس کسی برخاست و عرضه داشت : یا امیرالمؤمنین « فئام » چیست ؟ فرمود :

یکصد هزار پیامبر و صدّیق و شهید .

پس چگونه خواهد بود حال کسی که گروهی مؤمنین و مؤمنات را تحت کفالت خود درآورد ؟

من برای چنین شخصی ضامن هستم که خداوند او را از کفر و فقر امان دهد .

اگر کسی در شب غدیر ، یا روز غدیر ، یا پس از غدیر تا غدیر سال بعد بمیرد ـ به شرط این که گناه کبیره ای انجام نداده باشد ـ اجر او با خداوند متعال خواهد بود .

کسی که برای برادران ایمانی اش وام بگیرد و آنها را یاری نماید ، من ضامن هستم که اگر زنده بماند آن را پرداخت نماید و اگر پیش از ادای دَین از دنیا برود ، خداوند منّان آنرا جبران نماید .

چون با یکدیگر دیدار کردید ، سلام بگویید ، مصافحه بنمایید و نعمت امروز (اکمال دین و اتمام نعمت) را به

یکدیگر تبریک و تهنیت بگویید .

این پیام را حاضران به غایبان و نزدیکان به دوردستان برسانند .

ثروتمندان حتماً به بی نوایان کمک کنند ، توانمندان به افراد ناتوان یاری رسانند .

که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سوی خداوند منّان مرا به آن فرمان داد .

* * *

آنگاه مولای متّقیان به خطبه های نماز جمعه پرداخت و نماز جمعه را نماز عید قرار داد و پس از اتمام نماز با فرزندان و شیعیانش به خانه امام حسن مجتبی علیه السلام تشریف فرما شدند و از طعامی که برای آن حضرت تهیّه شده بود افطار نمودند .

آنگاه همگان از فقیر و غنی با هدایا و عطایای آن حضرت به سوی خانواده های خود بازگشتند .(۱)

۱- [۱] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجّد ، ص ۷۵۲ _ ۷۵۸ ؛ سید ابن طاووس ، اقبال الأعمال ، ج ۲ ، ص ۲۵۴ _ ۲۶۰ ؛ نگارنده ، نبراس الفائزین بزیاره امیرالمؤمنین ، ص ۲۱۸ _ ۲۲۶ .

۳ _ سیمای غدیر در آیینه سخنان امام رضا علیه السلام

سید ابن طاووس در کتاب شریف « اقبال » از کتاب « النّشر والطّیّ » نقل کرده و مؤلّف آن را توثیق نموده(۱) و فرموده است :

مؤلّف کتاب « النّشر والطّیّ » از امام رضا علیه السلام در فضیلت عید غدیر روایت کرده که فرمود :

در روز قیامت چهار روز به سوی خداوند با فخر و مباهات برده می شوند ، همانگونه که عروس با فخر و مباهات به سوی حجله برده می شود .

پرسیدند : آن چهار روز چه روزهایی می باشند ؟

فرمود : عید قربان ، عید فطر ، روز جمعه و عید غدیر .

[آنگاه به ویژگیهای عید غدیر پرداخت و فرمود :]

۱) عید غدیر در میان اعیاد قربان ، فطر و جمعه ، همانند ماه تابان در میان ستارگان می باشد .

۲) غدیر روزی است که خداوند حضرت ابراهیم را از آتش نجات

ص:۱۶۵

۱- [۱] . سید ابن طاووس ، اقبال الأعمال ، ج ۲ ، ص ۲۴۰ .

داد ، پس آن روز را به عنوان شکرانه روزه گرفت .

۳) غـدیر روزی است که خداونـد با نصب علی علیه السـلام به جای پیامبر دین را به کمال رسانیـد ، پس او را مشـعل هدایت قرار داد ، جایگـاه رفیع او را آشـکار نمود و جانشـینی اش را به جـای پیامبر صـلی الله علیه و آله اعلام فرمود ، پس آن روز را روزه گرفت .

۴) غدیر روز اکمال دین و به خاک مالیده شدن دماغ شیطان است .

۵) غدیر روز پذیرش اعمال شیعیان و دوستداران آل محمّد صلی الله علیه و آلهاست .

۶) غدیر روز تعرّض خداوند به اعمال دشمنان و پراکنده ساختن اعمال آنهاست .

۷) غـدیر روزی است که جبرئیـل امین فرمان می دهـد تختی در مقابل بیت المعمور نصب می شود و خود بر فراز آن قرار می گیرد ، فرشـته های آسمانها در اطراف او گرد می آیند ، بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله درود می فرستند ، برای شیعیان امیرمؤمنان و دوستداران آن حضرت و دیگر امامان استغفار می کنند .

۸) غـدیر روزی است که خداوند منّان به فرشـتگانِ ثبت اعمال فرمان می دهد که از روز غدیر به مدّت سه روز قلم را بردارند و لغزشهای دوستان و شیعیان اهلبیت را به احترام پیامبر اکرم ، امیرمؤمنان و دیگر امامان علیهم السلام ثبت نکنند .

۹) غدیر روزی است که خداوند آن را برای پیامبر اکرم و خویشاوندان (عترت) آن حضرت قرار داده است .

۱۰) غدیر روزی است که خداوند پاداش عبادت کنندگان و

توسعه دهندگان به اهل و عیال و دوستان را افزون نموده ، آنها را از آتش جهنم نجات می دهد .

۱۱) غدیر روزی است که خداوند تلاش شیعیان را سپاس گفته ، گناهانشان را می آمرزد و اعمالشان را می پذیرد .

۱۲) غدیر روز رهائی از غم و اندوه است .

۱۳) غدیر روز ریزش گناهان است .

۱۴) غدیر روز بخشش و عطایا است .

۱۵) غدیر روز گسترش دانش و فضیلت است .

۱۶) غدیر روز بشارت و نوید است .

۱۷) غدیر روز عید اکبر است .

۱۸) غدیر روز اجابت دعاهاست .

۱۹) غدیر روز مَوقفِ بزرگ است .

۲۰) غدیر روز پوشیدن لباس نو و بیرون آوردن لباس غم و اندوه است .

۲۱) غدیر روز عهد و پیمان است .

۲۲) غدیر روز زدودن غم و اندوه است .

۲۳) غدیر روز گذشت از گنهکاران شیعه امیرمؤمنان علیه السلام است .

۲۴) غدیر روز پیشی گرفتن _ در اعمال خیر _ است .

۲۵) غدیر روز فزون طلبی در صلوات بر محمّد و آل محمّد است .

۲۶) غدیر روز خشنودی است .

۲۷) غدیر روز عید اهل بیت پیامبر است .

۲۸) غدیر روز قبولی اعمال است .

۲۹) غدیر روز فزون طلبی در رزق و روزی است .

۳۰) غدیر روز آسایش و آرامش مؤمنان است .

۳۱) غدیر روز تجارت و بهره وری است .

۳۲) غدیر روز محبّت و مودّت است .

۳۳) غدیر روز دست رسی به رحمت پروردگار است .

۳۴) غدیر روز تزکیه و تهذیب نفس است .

۳۵) غدیر روز ترک گناهان و معصیتهاست .

۳۶) غدیر روز عبادت و بندگی است .

۳۷) غدیر روز افطاری دادن به روزه داران است .

هر کس روزه دار مؤمنی را در آن روز افطاری بدهد ، همانند کسی است که فئامی را افطاری دهد .

پس آن را ده بار تکرار کرد و فرمود :

آیا می دانید که فئام چیست ؟

راوی گفت : نه .

فرمود : یکصد هزار می باشد .

۳۸) غدیر روز تبریک و تهنیت است ، هنگامی که برادر مؤمن خود را دیدار کردید بگویید : « اَلْحَمْدُ للّه ِ الَّذی جَعَلَنا مِنَ الْمُتَمَسِّکِینَ بِوِلایَهِ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ وَالْأَئِمَّهِ علیهم السلام » .

۳۹) غدیر روز لبخند زدن در چهره اهل ایمان است .

کسی که در روز غدیر به روی برادر ایمانی اش لبخند بزند ، خداوند روز قیامت نظر رحمتش را به سوی او معطوف کند ، هزار حاجتش را

برآورده نماید ، قصری در بهشت از دُرّ سفید برایش بنا کند و چهره اش را نورانی سازد .

۴۰) غدیر روز آرایش است ، هر کس برای خدا خودش را در روز غدیر بیاراید ، خداوند لغزشهای بزرگ و کوچکش را می آمرزد و فرشتگانی را مأمور کند که برای او حسنه بنویسند و تا سال آینده بر درجاتش بیفزایند .

پس اگر بمیرد پاداش شهید دارد و اگر زنده بماند سعادتمند است .

کسی که مؤمنی را در روز غدیر اطعام دهد همانند کسی است که همه پیامبران و صدّیقان را اطعام کند .

کسی که به دیدار مؤمنی برود خداوند هفتاد نور به قبرش وارد کند ، قبرش را گسترش دهد و هر روز هفتاد هزار فرشته ، قبر او را زیارت کرده ، او را با بهشت بشارت دهند .

خداوند در روز غدیر ولایت را بر اهل هفت آسمان عرضه نمود ، اهل آسمان هفتم در پذیرش آن پیشی گرفتند ، پس آن را با عرش تزیین نمود .

سپس اهل آسمان چهارم سبقت نمودند ، پس آن را با بیت المعمور مزیّن ساخت .

آنگاه اهل آسمان اوّل پیشی گرفتند ، پس آن را با ستارگان بیاراست .

سپس آن را بر زمینیان عرضه کرد ، زمین مکّه پیشی گرفت ، آن را با کعبه مزیّن نمود .

آنگاه مدینه سبقت جست ، پس آن را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زینت داد . سپس کوفه پیشی گرفت و آن را با امیرمؤمنان علیه السلام بیاراست .

سپس آن را بر کوه ها عرضه نمود ، سه کوه در پذیرش آن سبقت جستند : ۱) عقیق ؛ ۲) فیروزه ؛ ۳) یاقوت ، پس آنها برترین جواهرات را در برگرفتند . سپس کوههای دیگری سبقت نمودند و آنها معدن طلا و نقره شدند . ولی هر زمینی که آن را نپذیرفت زمین بی حاصلی شد .

سپس آن را بر آبها عرضه کرد ، هر آبی که پذیرفت شیرین شد و هر کدام امتناع نمود تلخ و شور شد .

سپس آن را بر گیاهان عرضه کرد ، هر کدام پذیرفت شیرین و پاکیزه شد و هر کدام نپذیرفت تلخ گردید .

سپس آن را بر پرندگان عرضه کرد ، هر کدام پذیرفت گویا و خوش آواز شد ، هر کدام نپذیرفت لال و درمانده شد .

مثل مؤمنان در پذیرش ولایت امیرمؤمنان علیه السلام در روز غدیر خم همانند سجده فرشتگان بر حضرت آدم می باشد ، هر کس در روز غدیر ولایت آن حضرت را نپذیرفت ، مثلش مثل ابلیس است .

در روز غدیر این آیه شریفه نازل گردید :

« الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ » ؛

امروز دین شما را کامل نمودم .(۱)

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد ، جز این که روز بعثت او در نزد او همانند روز غدیر بود و همه پیامبران حرمت روز غدیر را شناختند ، وصی و جانشین خود را در همان روز نصب کردند .(۲)

۱- [۱] . سوره مائده ، آیه ۳ .

۲- [۲] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۶۰ _ ۲۶۲ .

۴ _ شهادت ثالثه

شهادت به ولایت در عید ولایت

خطبه غدیر به پایان رسید ، وقت نماز شد ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمان داد که اذان نماز را بگوید .

ابوذر با یک شور و شعف وصف ناشدنی بانگ برآورد :

اللّه اکبر

أشهد أن لا إله الاّ اللّه

أشهد أنّ محمّداً رسول اللّه

أشهد أنّ عليّاً وليُّ اللّه (۱)

ص:۱۷۱

۱- [۱] . مرعشی ، حوادث الایام ، ص ۲۹۲ ؛ ربیعی ، السیاسه الحسینیه ، ص ۱۸۰ .

شهادت به ولایت مولای متّقیان پیشینه ای بسیار طولانی دارد و به نخستین روز آفرینش آسمانها و زمین می رسد :

رئیس مذهب ، امام به حق ناطق ، حضرت جعفر صادق علیه السلاممی فرماید :

هنگامی که خداوند آسمان ها و زمین را بیافرید ، به منادی امر فرمود که بانگ برآورد :

أشهد أن لا إله الاّ اللّه _ سه بار _

أشهد أنّ محمّداً رسول اللّه _ سه بار _

أشهد أنّ عليّاً وليُّ اللّه حقاً _ سه بار _

این حدیث شریف را پیشوای محدّثان ، محمّد بن یعقوب کلینی ، در معتبرترین کتاب حدیثی شیعیان ، کتاب شریف اصول کافی ، با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده است .(۱)

آنگاه سلمان و ابوذر در عهد پیامبر در اذان و اقامه خود پس از شهادت به رسالت ، شهادت به ولایت مولای متّقیان را سر داده اند ، برخی از اصحاب به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده ، اظهار شگفتی کرده اند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را تقریر فرموده اند ، چنانکه متن حدیث در همین بخش تقدیم خواهد شد .(۲)

در حدود ۳۰ سال پیش بحث گسترده ای پیرامون اذان و آوای :

۱) حی علی خیر العمل (رکن اذان)

۲) اشهد أنّ عليّا وليّ اللّه (رکن ایمان)

تقدیم نموده ایم و اینک فشرده آن را در این بخش تقدیم می کنیم و علاقمندان به تحقیق بیشتر را به آنجا ارجاع می دهیم (۳):

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۴۱ .
۲- [۲] . عبداللّه مراغی ، السلافه فی امر الخلافه _ مخطوط _ .
۳- [۳] . نگارنده ، جزیره خضراء ، چاپ چهاردهم ، ص ۱۹۷ _ ۲۱۶ .

گلواژه اذان

اَذان در لغت به معنای « اِعلام » از ماده « أَذْن » می باشد .

« اَذان » بر وزن سَلام ، از تَأذين بر وزن تَسْليم است .(۱)

در اصطلاح اعلام فرارسیدن وقت نماز با مجموعه ای از اذکار مشخّص می باشد .

تشریع اذان

بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام اذان از طریق وحی دریافت شده است .

امام باقر علیه السلام فرمود :

در شب معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آسمان برده شد ، چون به بیت المعمور رسید ، وقت نماز فرارسید ، جبرئیل اذان و اقامه گفت ، پیامبر جلو ایستاد ، پیامبران و فرشتگان پشت سر آن حضرت صف کشیدند .(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود :

هنگامی که جبرئیل اذان را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورد ، سرِ مبارکش روی زانوی علی علیه السلام بود ، جبرئیل اذان و اقامه را گفت ، چون پیامبر برخاست ، فرمود : علی جان شنیدی ؟ گفت : آری ، فرمود : به خاطر سپردی ؟ گفت : آری . فرمود : پس بلال را بخوان و به او بیاموز .

ص:۱۷۳

۱- [۱] . ابن فارس ، معجم مقاییس اللّغه ، ج ۱ ، ص ۷۷ .
۲- [۲] . کلینی ، الکافی ، ج ۳ ، ص ۳۰۲ .

پس امیرمؤمنان علیه السلام بلال را فراخواند و آن را به او بیاموخت .(۱)

از امام باقر علیه السـلام کیفیّت آن را پرسـیدند ، امام علیه السـلام آن را بیان کرد ، سپس فرمود : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بلال امر فرمود که اذان را همانگونه بگوید ، او نیز تا پایان عمر پیامبر ، آن را ادامه داد .(۲)

ولی بر اساس روایات اهل سنّت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله با اصحاب رایزنی کرد که وقت نماز را چگونه به مردم اعلام کنیم ؟ برخی گفتنـد : پرچمی برافراشـته کنیم ، برخی گفتنـد : بـا بوق و کرنا اعلام کنیم ، برخی گفتنـد : ناقوس بزنیم ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچکدام را نپسندید ، زیرا بوق از آنِ یهود و ناقوس از آنِ نصاری بود .

عبـداللّه بن زیـد بن عبـد ربّه غمزده به خانه رفت ، در خواب دید که اذان را به او آموختند ، فردا که به مسـجد آمد خوابش را بیان کرد ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمان داد که آن را به بلال بیاموزد و بلال به آن طریق اذان بگوید .(۳)

در محضر امام حسن مجتبی علیه السلام گفته شد که اذان با خواب عبداللّه بن زید آغاز گردید ، فرمود :

شأن اذان بالاتر از آن است که با یک خواب سامان پذیرد.(۴)

در محضر امام حسین علیه السلام نیز همین گفت وگو پیش آمد ، امام حسین علیه السلام

۱- [۱] . شیخ طوسی ، تهذیب الأحکام ، ج ۲ ، ص ۲۷۷ .

۲- [۲] . همو ، الإستبصار ، ج ۱ ، ص ۳۰۶ .

۳- [۳] . ابوداود ، السّنن ، ج ۱ ، ص ۱۹۸ .

۴- [۴] . حاکم ، مستدرک الصّحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۷۱ .

برآشفت و فرمود :

وحی بر پیامبر شما نازل می شود ، شما خیال می کنید که پیامبر اذان را از عبداللّه بن زید گرفته است ، در حالی که اذان سیمای دین شماست .

آنگاه داستان اذان گفتن جبرئیل در آسمان در شب معراج را به تفصیل از پدر بزرگوارش امیرمؤمنان علیه السلام نقل فرمود (۱).

پیشینه اذان

اشاره

ابن عساکر ، ابونعیم و سیوطی با سلسله اسنادشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که چون حضرت آدم در هند فرود آمد ، وحشت زده شد ، پس جبرئیل علیه السلام نازل شد و اذان گفت :

اللّه اکبر ، اللّه اکبر

أشهد أن لا إله الاّ اللّه ــ دو بار ــ

أشهد أنّ محمّداً رسول اللّه ــ دو بار ــ

حضرت آدم پرسید : این محمّد کیست ؟

جبرئیل گفت : آخرین پیامبر از تبار تو .(۲)

سیوطی در کتاب خصائص بابی را به عنوان : « یاد نام آن حضرت در اذان در عهد آدم و در ملکوت اعلی » باز کرده ، حدیث فوق را از

۱- [۱] . قاضی نعمان ، دعائم الاسلام ، ج ۱ ، ص ۱۴۲ .

۲- [۲] . ابونعیم اصفهانی ، حلیه الأولیاء ، ج ۵ ، ص ۱۰۷ ؛ ابن عساکر ، تاریخ دمشق ، ج ۷ ، ص ۳۰۹ .

ابن عساکر و ابونعیم نقل کرده ، سپس از مسند بزّار اذان گفتن جبرئیل را در شب معراج از امیرمؤمنان علیه السلام به تفصیل روایت کرده است .(۱)

حدیث اذان جبرئیل در شب معراج را طبرانی و هیثمی نیز نقل کرده اند(۲) ولی بسیار جالب توجّه است که قول رایج در میان اهل سنت استناد به خواب عبداللّه بن زید است ، به عنوان یک نمونه :

حلبی پس از نقل حدیث معراج ، از ذهبی و حافظ ابن رجب نقل کرده که آن مجعول است ، آنگاه از چندین طریق خواب عبداللّه بن زید را نقل کرده و پایه های اذان را بر شالوده خواب بنیاد نهاده است .(۳)

این تلاشها همه اش برای کم رنگ کردن اذان جبرئیل است که اذان او همراه با یک سلسله نکات ظریف و حسّاس پیرامون ولایت امیرمؤمنان علیه السلام بود و به همین دلیل با تمام قدرت تلاش کردند که « حیَّ علی خیرالعمل » را از اذان حذف کنند و اینک فرازهایی از یک حدیث بسیار طولانی از رئیس مذهب امام صادق علیه السلام :

فراخوانِ ولایت

اذان به معنای اعلام است ، اعلام ولایت امیرمؤمنان علیه السلام . اگر اذان را فراخوانِ ولایت تعبیر کنیم ، سخن به گزاف نگفته ایم . درنگی در روایات تشریع اذان این واقعیّت را قوّت می بخشد .

ص:۱۷۶

۱- [۱] . سیوطی ، الخصائص الکبری ، ج ۱ ، ص ۱۵ .
۲- [۲] . هیثمی ، مجمع الزّوائد ، ج ۱ ، ص ۳۲۸ ؛ طبرانی ، معجم أوسط ، ج ۱۰ ، ص ۱۱۴ .
۳- [۳] . حلبی ، سیره حلبیّه ، ج ۲ ، ص ۹۳ _ ۹۷ .

امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی که پیرامون تشریع و علل آن بیان فرموده ، می فرماید :

چون جبرئیل گفت : اللّه اکبر ، اللّه اکبر ، فرشته ها فوج فوج به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شتافتند ، درود گفتند ، سپس پرسیدند .

یا رسول اللّه ! برادرت در چه حالی است ؟

فرمود : به خیر می باشد .

چون جبرئیل گفت : اشهد ان لا اله الاّ اللّه ، فرشته ها بر پیامبر درود فرستادند و عرضه داشتند :

برادرت را از سوی ما سلام برسان .

چون جبرئیل گفت : اشهد انّ محمّداً رسول اللّه ، فرشته ها جمع شدند و عرض کردند :

درود بر نخستین و درود بر واپسین ، بر محمّد که خاتم پیامبران و بر علی که بهترین اوصیاء می باشند ، درود باد .

هنگامی که جبرئیل گفت : حیّ علی الصّلاه ، حیّ علی الفلاح ، فرشتگان گفتند :

دو بانگ مرتبط به هم ، که به وسیله محمّد صلی الله علیه و آله نماز برپا می شود و به وسیله علی علیه السلام رستگاری حاصل می شود .

چون جبرئیل گفت : قد قامت الصّلاه ، فرشتگان گفت :

آن برای شیعیان اوست ، که تا روز قیامت آن را به پا می دارند .(۱)

با بررسی این فرازها از سخنان فرشتگان به دنبال هر فراز از اذان که

۱- [۱] . شیخ صدوق ، علل الشرائع ، ج ۲ ، ص ۳۱۴ .

جبرئیل می گفت ، به این نتیجه می رسیم که اجزای اذان ارتباط تناتنگ با ولایت مولا دارد و به تعبیر ما : اذان فراخوان ولایت است .

امام باقر علیه السلام به محمّد بن مروان فرمود :

آیا می دانی که تفسیر « حیَّ علی خیر العمل » چیست ؟

گفتم : نه ، فرمود :

تو را به سوی نیکی و نیکوکاری فرامی خواند .

سپس فرمود :

آیا می دانی که نیکوکاری برای چه کسی ؟

گفتم : نه ، فرمود :

نیکی و نیکوکاری بر حضرت فاطمه و فرزندان فاطمه .(۱)

ابن ابی عمیر از امام کاظم علیه السلام پرسید : چرا « حیَّ علی خیر العمل » را از اذان حذف کردند ؟

فرمود : آیا علّت ظاهری آن را می خواهی یا علّت واقعی آن را ؟

گفتم : هر دو را .

فرمود : علّت ظاهری آن ، این بود که مردم با اعتماد بر نماز ، از جهاد غفلت نکنند .

اما علّت باطنی آن ، این بود که « خیر العمل » یعنی : « ولایت » .

کسی که از گفتن آن در اذان نهی کرد ، خواست مردم به امر ولایت تشویق نشوند و فراخوانی به سوی ولایت انجام نپذیرد .(۲)

۱- [۱] . همان ، ص ۳۶۸ .

۲- [۲] . شیخ صدوق ، علل الشرایع ، ج ۲ ، ص ۳۱۲ _ ۳۱۶ .

راز اصرار بر ترک حیَّ علی خیر العمل

بـدون تردید در عهد پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله ، خلیفه اوّل و قسـمتی از عهد خلیفه دوم ، در همه اقطار و اکناف بعد از حیّ علی الفلاح ، دو بار : حیّ علی خیرالعمل گفته می شد : تا از سوی خلیفه بخشنامه ای به این تعبیر صادر شد :

ایّها النّاس ثلاث کن علی عهد رسول اللّه ، انا انهی عنهن واحرمهن واعاقب علیهن ، وهی :

۱) متعه النّساء

۲) ومتعه الحجّ

۳) وحیّ علی خیر العمل ؛

هـان ای مردم ! سه چیز در زمان پیامبر خـدا بود ، که من از آنها نهی می کنم و آنها را حرام می کنم و بر آنها کیفر می دهم ، آنها عبارتند از :

۱) متعه زنان

۲) تمتّع در حجّ

۳) گفتن : « حیّ علی خیرالعمل » .(۱)

فضل بن شاذان در کتاب گرانسنگ « ایضاح » خطاب به علمای عامّه می نویسد :

شما از ابوحنیفه و ابویوسف قاضی روایت کرده اید که در زمان پیامبر

۱- [۱] . قوشجی ، شرح التّجرید ، ص ۳۷۴ .

و ابوبکر و اوایل خلافت عمر در اذان « حیّ علی خیرالعمل » گفته می شد ، پس عمر گفت :

من می ترسم که مردم به نماز متّکی شوند و جهاد را رها کنند . پس دستور داد که آن را از اذان بیندازند .(۱)

قاضی نعمان پس از نقل این سخن می گوید :

همه اهل سنّت تا به امروز اصرار دارند که از خلیفه پیروی کنند و پیروی از پیامبر اکرم را رها کنند ، در حالی که خداوند تنها به پیروی از پیامبر فرمان داده و فرموده :

« ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا » ؛

آنچه پیامبر برای شما آورده آن را اخذ کنید و از آنچه نهی کرده دوری کنید .(۲)

آنگاه چند آیه دیگر در این رابطه برشمرده و گفته :

ظاهر این سخن ما را از احتجاج و استدلال در برابر عامّه بی نیاز می کند .(۳)

قوشجی از طرف خلیفه عذر می آورد که او فقیه بود و فقیه می تواند بر اساس اجتهاد خود عمل کند ، اگرچه با اجتهاد دیگران مخالف باشد .(۴)

اوّلاً فقیه بودن خلیفه برای ما ثابت نشده ،

ثانیاً فقیه حق ندارد اجتهاد در مقابل نصّ نماید .

۱- [۱] . فضل بن شاذان ، الایضاح ، ص ۲۰۱ .
۲- [۲] . سوره حشر ، آیه ۷ .
۳- [۳] . قاضی نعمان ، دعائم الاسلام ، ج ۱ ، ص ۱۴۳ .
۴- [۴] . قوشجی ، شرح التّجرید ، ص ۳۷۴ .

پس باید انگیزه این کار را در جای دیگری جستجو کرد :

مردم مشاهده می کردند که خلیفه و جانشین واقعی پیامبر خانه نشین شده و افرادی بر مسند خلافت تکیه کرده اند که اهل آن مقام نیستند ، از این رو به دعوتهای حکومت به جنگ و جهاد ترتیب اثر نمی دادند و آن را نوعی کشورگشایی به حساب می آوردند .

لذا خلیفه می کوشید به هر وسیله ممکن مردم را به سوی جهاد بسیج کند . از دیگر سو می دانستند که منظور از « خیر العمل » ولایت امیرمؤمنان علیه السلام می باشد و هر گونه فراخوانی به ولایت آن حضرت ، مشروعیّت نظام را زیر سؤال می برد .

آنچه مسلّم است این است که بلال ، مؤذّن رسمی پیامبر در اذان دو بار « حیّ علی خیر العمل » می گفت .(۱)

عبدالرزّاق در ضمن حدیث معراج گفته : جبرئیل در آسمان اذان گفت ، هر فصلی را دو بار گفت ، « حیّ علی خیر العمل » را نیز دو بار گفت .(۲)

سید مرتضی علم الهدی می فرماید :

اهل سنّت معترفند که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اذان حیّ علی خیرالعمل گفته می شد، ولی برخی ادّعا کرده اند که در عهد پیامبر نسخ شد.(۳)

علیرغم آن همه تلاش خلیفه و حامیان او ، باز هم جمعی از اصحاب آن را رها نکردند و در اذان و اقامه بر آن مداومت داشتند ، از آن جمله

۱- [۱] . متّقی هندی ، کنز العمال ، ج ۸ ، ص ۳۴۵ .
۲- [۲] . سید ابن طاووس ، سعد السّعود ، ص ۱۰۰ .
۳- [۳] . علم الهدی ، الانتصار ، ص ۳۹ .

است : « عبداللّه بن عمر » که همواره در اذان و اقامه حی علی خیرالعمل را می گفت .(۱)

بیهقی از « سهل بن حُنَیف » نقل کرده که او نیز به حی علی خیرالعمل مداومت داشت .(۲)

تنوخی از ابوالفرج نقل می کند که در عهد او حیّ علی خیرالعمل را در اذان می گفتند .(۳)

هنگامی که صلاح الدّین ایوبی در نزدیکی حلب اردو زد و قصد تسخیر شامات را داشت ، استاندار حلب از مردم یاری خواست ، آنها شرط کردند که ما با تو همراهی می کنیم و با صلاح الدّین نبرد می کنیم ، به شرط اینکه اجازه بدهید در اذان « حیّ علی خیرالعمل » را بگوییم ، او نیز پذیرفت .(۴)

جالب توجّه و شایان دقّت است که بیهقی با سلسله اسنادش از امام سجّاد علیه السلام نقل کرده که آن حضرت بعد از حیّ علی الفلاح ، « حیّ علی خیرالعمل » را می گفت و می فرمود :

این اذانِ اوّل است .(۵)

یعنی این اذان صدر اسلام ، عصر پیامبر ، اذان صحیح و تحریف نشده می باشد . پس چرا تحریف کردند ؟

۱- [۱] . قوشجی ، شرح تجرید ، ص ۴۸۴ .
۲- [۲] . بیهقی ، السّنن الکبری ، ج ۱ ، ص ۴۲۵ .
۳- [۳] . تنوخی ، نشوار المحاضرات ، ج ۲ ، ص ۱۳۳۰ .
۴- [۴] . ابن کثیر ، البدایه والنّهایه ، ج ۱۲ ، ص ۳۸۹ .
۵- [۵] . بیهقی ، السنن الکبری ، ج ۱ ، ص ۴۲۵ .

زیرا « حیّ علی خیر العمل » فراخوان ولایت است .

از امام صادق علیه السلام معنایِ « خیر العمل » را پرسیدند ، فرمود :

خیر العمل ولایت است .(۱)

تثویب در اذان

پیروان مکتب خلفا پس از نهی عمر از گفتن حیّ علی خیر العمل ، بدعت تازه ای نهاده ، در اذان نماز صبح به جای آن گفتند :

« الصّلاه خیر من النّوم » ؛

نماز بهتر از خواب است ! !

این عمل را در اصطلاح فقهی « تثویب » گویند .

صاحب جواهر از نهایه ، وسیله ، سرائر ، بیان ، موجز ، مسالک ، جامع المقاصد ، مجمع البرهان و ... نقل کرده که این عمل مطلقا حرام است و از صاحب سرائر نقل کرده که بر حرمت آن ادّعای اجماع نموده است .(۲)

به جهت محدود بودن صفحات کتاب این موضوع را دنبال نمی کنیم ، علاقمندان را به کتاب « جزیره خضراء » ارجاع می دهیم که در آنجا به طور فشرده بحث کرده ایم .(۳)

در این رابطه کتاب بسیار ارزشمندی اخیراً تألیف شده و اهل تحقیق را

۱- [۱] . شیخ صدوق ، کتاب التوحید ، ص ۲۴۱ .
۲- [۲] . نجفی ، جواهر الکلام ، ج ۹ ، ص ۱۱۲ _ ۱۱۶ .
۳- [۳] . نگارنده ، جزیره خضراء ، ص ۲۰۱ _ ۲۰۴ .

از مراجعه به هر کتاب دیگری بی نیاز کرده است(۱) و خوشبختانه به فارسی هم ترجمه شده است .(۲)

شهادت ثالثه

در اصطلاح فقهی شهادت به ولایت مولای متّقیان در اذان و اقامه « شهادت ثالثه » نامیده می شود .

براساس نقل شیخ عبداللّه مراغی از علمای قرن هفتم ، روز غدیر خم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از اتمام خطبه غدیر به ابوذر امر فرمودند که اذان بگوید .

جناب ابوذ پس از شهادت به رسالت پیامبر دو بار گفت :

« أشهد أنّ عليًا وليّ اللّه » .

یکی از اصحاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشت : یا رسول اللّه ابوذر را دیدم که پس از شهادت به رسالت ، به ولایت علی بن ابی طالب شهادت داد .

پیامبر اکرم فرمود : مگر نگفتم که : « من كنت مولاه فهذا علی مولاه » .(۳)

شیخ عبداللّه مراغی در همین کتاب می نویسد :

سلمان فارسی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اذان و اقامه بعد از شهادت به رسالت ، به ولایت امیرمؤمنان علیه السلام نیز شهادت می داد .

۱- [۱] . سید علی شهرستانی ، الأذان بين الأصاله والتّحريف ، چاپ بیروت .
۲- [۲] . سید هادی حسینی ، پژوهشی درباره اذان ، چاپ دلیل ما .
۳- [۳] . مراغی ، السُّلافه فی أمر الخلافه ــ مخطوط ــ .

یکی از اصحاب به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرّف شده عرضه داشت :

من از سلمان چیز عجیبی شنیدم !

فرمود : چه شنیدی ؟

گفت : سلمان را دیدم که بعد از شهادت به رسالت ، به ولایت علی بن ابی طالب نیز شهادت می داد .

پیامبر اکرم فرمود : چه چیز خوبی شنیدی .(۱)

این دو حدیث را عبداللّه مراغی در کتاب « السُّلافه » نقل کرده است .

کتاب « السُّلافه فی أمر الخلافه » چاپ نشده ، تنها نسخه خطّی آن در کتابخانه ظاهریّه دمشق بود .

نگارنده برای نخستین بار گزارش آن را در کتاب « الهدایه » از مرحوم آیه اللّه شیخ عبدالنّبی عراقی ، متوفّای ۱۳۸۵ ق . دیدم ، در اوّلین سفر خود به دمشق (در حدود سال ۱۳۵۵ ش) به کتابخانه ظاهریّه در مجاورت مسجد جامع اموی رفتم و نسخه را مشاهده کردم ، جز این که در آن ایّام کتابخانه مجهّز به دستگاه فیلم برداری نبود .

سالها بعد یکی از عزیزان عازم سوریّه بود از ایشان خواستم که از این کتاب فیلم یا زیراکس تهیّه کند .

مسئولین کتابخانه گفته بودند :

در قفسه جای کتاب خالی است ، احتمالاً به صحّافی برده شده است .

چند سال بعد در محضر آیت اللّه شیخ محمّدحسین کلباسی (۱۳۲۳ _ ۱۴۱۸ ق .) به سوریّه مشرف شدیم و به مدّت ۱۵ روز اقامت داشتیم.

۱- [۱] . عبداللّه مراغی ، السّلافه فی أمر الخلافه _ مخطوط _ .

ایشان با سرپرست کتابخانه بسیار مأنوس بود و مقدار زیادی هدایا برای او برده بود .

پس از اینکه چند روز به کتابخانه رفتیم و از نسخه های خطّی بهره بردیم ، عنوان کتاب را از برگه دانها درآورده ، شماره نسخه و محلّ نسخه را ثبت کردیم و به او تقدیم نمودیم .

او از مسئول مخزن کتب خطی خواست که نسخه را در اختیار ما قرار دهد .

او نیز به مخزن رفته ، دست خالی برگشت و گفت :

در قفسه جای کتاب خالی است ، احتمالاً به صحّافی برده شده است. معلوم شد که یکی از دشمنان اهل بیت نسخه را از آنجا دزدیده و از بین برده است .

دشمنان اهل بیت علیهم السلام به دنبال کینه های بدر و حنین از هر فرصتی استفاده کرده، کتب شیعه را طعمه حریق نمودند، چنانکه کتابخانه شیخ طوسی، آل بویه، فاطمیون، جنوب لبنان، عارف حکمت مدینه در میان شعله های آتش سوخت.

در مواردی که دسترسی به چنین کاری نداشتند ، نسخه های نادر و منحصر به فرد را دزدیده نابود کردند ، چنانکه نسخه منحصر به فرد « کشف اللئالی » ابن عرندس را از کتابخانه شوشتریهای نجف اشرف دزدیدند و نابود کردند .

شهادت ثالثه در گذر زمان

همانگونه که اشاره شد ، شهادت ثالثه پیشینه ای به بلندای زمان دارد :

۱) به هنگام آفرینش آسمانها و زمین ، منادی آسمانی به فرمان پروردگار

پس از شهادت به رسالت ، بانگ شهادت به ولایت سر داده است .(۱)

۲) آدم ابوالبشر پس از استقرار بر فراز کره خاکی جمله علی ولی اللّه را به دنبال محمّد رسول اللّه ، بر فراز عرش الهی مشاهده کرده است .(۲)

۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج مشاهده فرمود که روی درهای بهشت بعد از نام ایشان « علیّ ولیّ اللّه » ثبت است .(۳)

۴) ابوذر در روز غدیر در اذان نماز آن را ذکر کرد .(۴)

۵) سلمان آن را در اذان خود می گفت .(۵)

۶) امام سجاد علیه السلام آن را در اذان می گفت و می فرمود :

این اذان اول است .(۶)

یعنی : اذان تحریف نشده و رایج در صدر اسلام .

۷) زید شهید از پدرش امام سجاد علیه السلام روایت کرده که فرمود :

نقش نگین پیامبر عبارت بود از :

لا اله الاّ اللّه

محمّد رسول اللّه

علیّ ولیّ اللّه .(۷)

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۴۱ .
۲- [۲] . مرعشی ، احقاق الحق ، ج ۴ ، ص ۱۴۴ .
۳- [۳] . همان ، ج ۴ ، ص ۱۲۸ .
۴- [۴] . مرعشی ، حوادث الأیام ، ص ۲۹۲ .
۵- [۵] . مراغی ، السّلافه فی أمر الخلافه _ مخطوط _ .
۶- [۶] . بیهقی ، السّنن الکبری ، ج ۱ ، ص ۴۲۵ .
۷- [۷] . شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۱ ، ص ۲۹۹ .

۸) شیخ حرّ عاملی داستان جالبی در این رابطه نقل کرده که براساس آن جمله : « علی ولیّ اللّه » با قلم تکوین بر آن حکّ شده است .(۱)

۹) شیخ صدوق از مفوّضه نقل کرده که آنها در اذان بعد از شهادت به رسالت می گفتند :

أُشهد أنّ عليّاً وليّ اللّه _ دو بار _

و برخی از آنها به جای آن می گفتند :

أشهد أنّ عليّاً أمير المؤمنين حقّاً _ دو بار _(۲)

۱۰) شیخ طوسی در مبسوط می فرماید :

گفتن أشهد أنّ عليّاً أمير المؤمنين وآل محمّد خير البريّه ، که در روایات « شاذّ » وارد شده ، در اذان مورد عمل واقع نشده و اگر کسی بگوید گناه نکرده است .(۳)

روایت شاذّ به روایتی گفته می شود که راوی آن ثقه باشد ، ولی متن آن برخلاف مشهور باشد .(۴)

پس شاذّ در مقابل مشهور است ، اگرچه راویانش ثقه باشند .(۵) و لذا شیخ طوسی در مواردی حدیثی نقل کرده و فرمود :

این حدیث قطعی السند است ، ولی شاذ است .(۶)

۱- [۱] . همان .
۲- [۲] . شیخ صدوق ، من لا یحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۱۸۸ .
۳- [۳] . شیخ طوسی ، المبسوط ، ج ۱ ، ص ۱۴۸ .
۴- [۴] . شهید ثانی ، البدایه فی علم الدرایه ، ص ۳۹ .
۵- [۵] . ابن فهد ، المهذّب البارع ، ج ۱ ، ص ۶۶ .
۶- [۶] . شیخ طوسی ، الإستبصار ، ج ۱ ، ص ۳۸ .

روی این بیان شاذّ بودن به معنای ضعیف بودن نیست .

۱۱) در مقابل ، مرحوم طبرسی حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در آن به طور عموم (اذان یا غیراذان) فرمان داده و فرموده :

هر وقت یکی از شما بگوید : لا اله الاّ اللّه ، محمّد رسول اللّه ، باید بگوید : « عليٌّ أميرُ المؤمنين » .(۱)

این حدیث شامل اذان ، اقامه و دیگر موارد می باشد .

۱۲) ابن مسعود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

هر کس بخواهد به « عُروه الوُثقی » چنگ بزند باید بگوید : لا إله الاّ اللّه ، محمّد رسول اللّه ، عليّ وليّ اللّه .(۲)

شهادت ثالثه در آیینه فتاوی

در طول قرون و اعصار هیچ فقیهی از فقهای شیعه در جواز گفتن « أشهد أنّ عليّاً وليُّ اللّه » در اذان و اقامه تردید نکرده ، مگر اینکه جزم به جزئیّت بکنند ، ولی گروهی از فقها آن را از اجزای مستحبّی اذان دانسته اند ، که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم :

۱ . مرحوم آیت اللّه شیخ عبدالنّبی عراقی ، متوفّای ۱۳۸۵ ق . در کتاب « الهدايه فى كون الشّهاده بالولايه فى الأذان والإقامه جزءاً كسائر الأجزاء » که تقریرات درس خارج ایشان به قلم یکی از شاگردانش به رشته تحریر درآمده ، با استناد به بیش از ۱۰ دلیل فقهی ، آن را همانند دیگر

۱- [۱] . طبرسی ، الإحتجاج ، ج ۱ ، ص ۱۵۸ .

۲- [۲] . مرعشی ، احقاق الحق ، ج ۴ ، ص ۱۲۹ .

اجزای اذان و اقامه دانسته است .(۱)

۲ . مرحوم آیه اللّه میرزا آقا اصطهباناتی ، متوفّای ۱۳۸۰ ق . شهادت به ولایت را جزء اذان و اقامه دانسته ، می فرماید :

اوضاع مساعد نشد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را به امّت اسلامی اعلام فرماید .(۲)

۳ . مولی محمّدتقی مجلسی ، متوفّای ۱۰۷۰ ق . فرموده :

ظاهر این است که روایات وارده در مورد شهادت ثالثه در کتب اصول و مرجع بوده و از نظر سند صحیح بوده ، زیرا آنها را به شذوذ نسبت داده اند و شاذّ به حدیث صحیح غیر مشهور گفته می شود.(۳)

در ادامه می فرماید :

اولی این است که آن را به عنوان جزئی از ایمان بگوید ، نه به عنوان جزئی از اذان ، اگرچه ممکن است در واقع جزء باشد و از روی تقیّه ترک شده باشد .(۴)

۴ . علاّمه مجلسی ، متوفّای ۱۱۱۰ ق . می فرماید :

بعید نیست که شهادت به ولایت از اجزای مستحبه اذان باشد ، زیرا شیخ طوسی ، علامه حلی و شهید اوّل تصریح کرده اند که احادیث در این باره وارد شده است .(۵)

۱- [۱] . عراقی ، الهدایه ، چاپ قم ، ۱۳۷۸ ق .
۲- [۲] . قپانچی ، شرح رساله الحقوق ، ج ۲ ، ص ۱۰۳ .
۳- [۳] . مجلسی اول ، روضه المتقین ، ج ۲ ، ص ۲۴۵ .
۴- [۴] . همان ، ص ۲۴۶ .
۵- [۵] . علاّمه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۸۴، ص ۱۱۱ .

۵ . شیخ یوسف بحرانی ، متوفّای ۱۱۸۴ ق . پس از نقل بیانات علاّمه مجلسی آن را می پسندد و تأیید می کند .(۱)

۶ . مرحوم کاشف الغطاء متوفّای ۱۳۷۳ ق . در حاشیه خود بر عروه می فرماید :

ممکن است از عمومات ادلّه استفاده کنیم که شهادت بر ولایت و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله از اجزاء مستحبّه اذان و اقامه است .(۲)

۷ . مرحوم صاحب جواهر ، متوفّای ۱۲۶۶ ق . به جزئیّت آن تمایل کرده ، ولی به این دلیل که علمای سلف به آن فتوا نداده اند ، فتوا نداده است .(۳)

۸ . مرحوم آیت اللّه حکیم ، متوفّای ۱۳۹۰ ق . می فرماید :

در عصر ما شهادت ثالثه از شعائر ایمان و رمز تشیّع است و از این جهت هم رجحان شرعی دارد و گاهی گفتن آن واجب می شود ، ولی نه به قصد جزئیّت . و از اینجا معلوم می شود که چرا مجلسی در بحار شهادت به ولایت را جزء مستحبّی اذان دانسته است ، زیرا شیخ طوسی ، علاّمه و شهید و غیر آنها شهادت داده اند که احادیثی در این زمینه وارد شده و حدیث احتجاج آن را تأیید می کند .(۴)

۱- [۱] . بحرانی ، حدائق ، ج ۷ ، ص ۴۰۳ .

۲- [۲] . استادی ، کلمات الأعلام ، ص ۳۲ .

۳- [۳] . نجفی ، جواهر الکلام ، ج ۹ ، ص ۸۷ .

۴- [۴] . سید محسن حکیم ، مستمسک عروه ، ج ۵ ، ص ۵۴۵ .

۹ . صدها نفر از فقهای شیعه در طول قرون و اعصار به استحباب آن در اذان و اقامه فتوا داده اند به شرط اینکه به قصد جزئیت نباشد ، به عنوان یک مثال : صاحب جواهر در رساله عملیه اش فرموده :

مستحب است به هنگام بردن نام پیامبر صلوات گفتن بر پیامبر و آل پیامبر ، و مستحب است اکمال شهادتین با شهادت به ولایت حضرت علی و امیرالمؤمنین بودن آن حضرت ، در اذان و اقامه .(۱)

آنگاه همه مراجعی که بر آن حاشیه زده اند آن را امضا کرده اند ، از قبیل : شیخ مرتضی انصاری ، میرزای شیرازی ، سید اسماعیل صدر ، صاحب عروه و میرزا محمّدمهدی شهرستانی .(۲)

۱۰ . برخی دیگر فرموده اند :

بهتر است شهادت به ولایت دیگر امامان معصوم نیز به آن ضمیمه شود .(۳)

در اینجا به همین مقدار بسنده کرده ، کتاب شناختی آثاری که به طور مستقل در این رابطه منتشر شده است را به صورت فشرده می آوریم :

کتابنامه

برای استفاده و بهره وری محقّقان و پژوهشگران ، پیرامون اذان

۱- [۱] . صاحب جواهر ، نجاه العباد ، ص ۱۰۱ .

۲- [۲] . همو ، مجمع الرسائل ، ج ۱ ، ص ۳۳۴ .

۳- [۳] . تبریزی ، هدایه العباد ، ص ۵۲ .

شیعی و شهادت ثالثه ، عناوین آثاری که مستقلاًّ در این رابطه تألیف و منتشر شده است را تقدیم می کنیم :

۱ . الأذان بحیّ علی خیر العمل ، حافظ ابو عبداللّه محمّد بن علی بن حسن علوی (۳۶۷ _ ۴۴۵ ق .) تحقیق محمّد یحیی سالم عزان ، چاپ مراکز البدر العلمی ، صنعاء ، یمن ، ۱۴۱۸ ق . ۲۷۹ صفحه وزیری .

۲ . الأذان بین الأصاله والتّحریف ، سید علی شهرستانی ، چاپ اعلمی ، بیروت ، ۱۴۲۴ ق . ۴۹۶ صفحه وزیری .

۳ . أشهد أن علیا ولی اللّه فی الاذان بین الشّرعیه والابتداع ، سید علی شهرستانی ، منشورات الاجتهاد ، ۱۳۳۰ ق . ۵۹۲ صفحه وزیری .

۴ . پژوهشی درباره اذان ، ترجمه کتاب الأذان ، سید علی شهرستانی ، برگردان سید هادی حسینی، چاپ دلیل ما، قم، ۱۳۸۵ ش. ۴۷۲ صفحه وزیری.

۵ . سرّ الایمان ، الشّهاده الثّالثه فی القران ، سید عبدالرزاق مقرم ، متوفّای ۱۳۹۱ ق . چاپ الغری الحدیثه ، نجف اشرف ، ۱۳۷۴ ق . ۷۲ صفحه جیبی (چاپ دوم : دار الفردوس ، ۱۴۰۶ ق . ۸۰ صفحه جیبی) .

۶ . الشّهادات الثّالثه فی القرآن ، علی محمدی زنجانی ، چاپ دار النّشر اسلامی ، قم ، ۱۳۷۷ ش . در دو مجلد ، ۱۸۸ + ۱۳۰ صفحه وزیری .

۷ . الشّهاده بالولایه فی الأذان ، سید علی میلانی ، چاپ مرکز الابحاث العقائدیّه ، قم ، ۱۴۲۱ ق . ۴۷ صفحه رقعی .

۸ . شهادت ثالثه ، محمّد حسنین سابقی ، چاپ پاکستان ، به زبان اردو .

۹ . شهادت ثالثه ، عبدالرضا ابراهیمی ، چاپ سعادت ، کرمان ، ۱۹۷۷ م . ۸۸ صفحه .

۱۰ . شهادت ثالثه در اذان و اقامه ، محمّد مظفری ، متوفّای ۱۴۲۳ ق . چاپ نور ، ۱۳۹۹ ق . ۵۲ صفحه رقعی .

۱۱ . الشّهاده الثّالثه سبب للایمان ام جزو الأذان ، محمّد سند ، چاپ امیر ، قم ، ۱۴۱۸ ق . ۶۴ صفحه رقعی .

۱۲ . الشّهاده الثّالثه فی الأذان والاقامه ، سید جعفر مرتضی عاملی ، چاپ مرکز اسلامی ، بیروت ، ۱۴۲۳ ق . ۸۶ صفحه رقعی .

۱۳ . الشّهاده الثّالثه ، مسأله فقهیه ، سید مظهر علی شیرازی ، چاپ جوادالأئمّه ، قم ، ۱۴۲۲ ق . ۱۶ صفحه جیبی .

۱۴ . الشّهاده الثّالثه المقدّسه ، عبدالحلیم العزّی ، چاپ هیئت قمر بنی هاشم ، قم ، ۱۴۱۴ ق . ۴۷۵ صفحه وزیری .

۱۵ . صراط مستقیم ، شهادت ثالثه ، شیخ ابراهیم اسکندری _ مهدوی _ متوفّای ۱۴۱۹ ق . با نام مستعار : حسین حسینی ، چاپ قلم ، قم ، ۱۳۷۵ ش . ۱۵۸ صفحه رقعی .

۱۶ . کلمات الأعلام حول جواز الشّهاده بالولایه فی الاذان والاقامه ، رضا استادی ، چاپ قم ، ۱۳۹۵ ق . ۳۷ صفحه وزیری .

۱۷ . ندای حق یا شهادت ثالثه ، محبّ الاسلام موسوی ، چاپ منیر ، تهران ، ۱۳۸۱ ش . ۲۴۰ صفحه وزیری .

۱۸ . الهدایه فی کون الشّهاده بالولایه فی الأذان والإقامه جزءاً کسائر الأجزاء ، تقریرات درس آیه اللّه شیخ عبدالنّبی عراقی ، متوفّای ۱۳۸۵ ق . به قلم : محمّدحسین آل طاهر خمینی ، چاپ حکمت ، قم ، ۱۳۷۸ ق .

در پایان یک بار دیگر یادآور می شویم که بحث شهادت ثالثه بسیار گسترده است ، ما در حدود ۳۰ سال پیش بحث فشرده ای در این رابطه نوشتیم(۱) ولی اینک با انتشار کتاب ارزشمند « اشهد ان علیا ولی اللّه » از محقق والامقام ، علاّمه سید علی شهرستانی به هیچ منبع دیگری نیاز نیست .

* * *

۱- [۱] . نگارنده ، جزیره خضراء ، ص ۱۹۷ _ ۲۱۶ .

۵ _ غدیر در آیینه تحریر

فضائل و مناقب امیرمؤمنان چون اقیانوس بی کرانی است که هرگز احدی توان ورود به اعماق آن را ندارد و اگر محقق توانمندی در کرانه آن بایستد ، چاره ای جز این ندارد که بگوید من نیز دستخوش امواج شده ام .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که سخنانش از سوی پروردگار تضمین شده که هرگز مبالغه نمی کند و متن واقع را بیان می کند ، در این رابطه می فرماید :

خداوند به برادرم (علی علیه السلام) آنقدر فضیلت عطا فرموده که به جهت کثرت قابل شمارش نیست .(۱)

و در حدیث دیگری فرمود :

اگر درختان قلم ، دریاها مرکّب ، پریان شمارشگر و آدمیان نگارشگر باشند ، هرگز نتوانند که فضائل علی بن ابی طالب را شمارش کنند .(۲)

۱- [۱] . اخطب خوارزم ، المناقب ، ص ۲ .

۲- [۲] . حموینی ، فرائد السمطین ، ج ۱ ، ص ۱۶ .

علاّمه طبرسی از سید مرتضی علم الهدی نقل می کند که از یک شیخ بزرگوار که پیشتاز در علم حدیث و از اصحاب حدیث بود و « عمر بن شاهین » نام داشت(۱) شنیدم که می گفت :

من در مورد فضایل ویژه علی علیه السلام یک هزار جزء کتاب نوشته ام .(۲)

از این کتاب هیچ گزارشی در دست نیست ، این کتاب نیز همانند هزاران کتاب دیگر در اثر عوامل طبیعی از قبیل : سیل و زلزله یا به دست بی فرهنگهای دانش ستیز ، طعمه حریق شده و از بین رفته است .

براساس تلاش گسترده ای که اخیراً انجام شده ، ۸۴۲۳ عنوان کتاب و

ص:۱۹۸

۱- [۱] . ابوحفص عمر بن احمد بن عثمان بن احمد بغدادی ، مشهور به : « ابن شاهین » در سال ۲۹۷ ق . متولد شده ، به سال ۳۸۵ ق . در گذشته ، از ۱۱ سالگی به نوشتن حدیث پرداخته ، ۳۳۰ عنوان کتاب نوشته که از آن جمله است :   ۱) تفسیر کبیر ، در ۱۰۰۰ جزء   ۲) المسند ، در ۱۳۰۰ جزء   ۳) تاریخ کبیر ، در ۱۵۰ جزء   ۴) کتاب زهد ، در ۱۰۰ جزء [خطیب ، تاریخ بغداد : ۱۱ / ۲۶۷] .   از سفری بازگشت دید همه نوشته هایش از بین رفته ، ۲۰/۰۰۰ حدیث از حفظ نوشت . [همان ، ص ۲۶۸] .   ذهبی گوید : در زمانی که هر چهار رطل مرکّب به یک درهم بود ، ابن شاهین ۷۰۰ درهم برای مرکّب هزینه کرده ، یعنی : ۲۸۰۰ رطل مرکّب مصرف کرده است . [ذهبی : سیر أعلام النّبلاء : ۱۶ / ۴۳۳] .   اخیراً کتاب جالبی در شرح زندگی اش به نام : « الامام ابن شاهین » به قلم دکتر منذر عبسلی در ۲۶۷ صفحه وزیری ، به عنوان رساله دکترای مؤلف ، از سوی دانشگاه بغداد چاپ و منتشر شده است .

۲- [۲] . طبرسی ، إعلام الوری ، ج ۱ ، ص ۳۵۸ .

رساله پیرامون فضائل و مناقب و دیگر ابعاد وجود مولای متّقیان در دست می باشد .(۱)

اگر ۲۳۱۱ عنوان مقاله ای که شناسایی شده است ،(۲) را به آن اضافه کنیم ، به ۱۰۷۳۴ عنوان بالغ می گردد .

اگر این کارها در جهان امروز کار محسوب شود ، در مورد امیرمؤمنان علیه السلام کار شایسته ای نمی باشد ، زیرا ما در دنیایی زندگی می کنیم که برای یک کشورگشای اروپایی « ناپلئون بناپارت » (۱۷۶۹ _ ۱۸۲۱ م .) یکصد هزار عنوان کتاب ، جزوه و مقاله تألیف شده است ، در حالی که این شخص تاریخ مصرف دارد و در حدود یک قرن از تاریخ مصرف او گذشته است ، ولی امیرمؤمنان تا پایان جهان امام ، پیشوا ، اسوه و الگو می باشد و تاریخ مصرف ندارد ، و جهان در انتظار پیدایش دولت علوی در عالم رجعت می باشد .(۳)

یکی از فضائل ویژه امیرمؤمنان علیه السلام حادثه تاریخی غدیر خم است که در تاریخ آفرینش هرگز تکرار نشده است .

صدها کتاب مستقل در این رابطه تألیف شده که کتاب شناختی آنها به چندین مجلد نیاز دارد ، فقط یادآور می شویم که :

علّامه مجلسی از قاضی نوراللّه شوشتری نقل می کند که ابوالمعالی

ص:۱۹۹

۱- [۱] . امام علی در آیینه قلم ، چاپ اطلاع رسانی پارسا ، قم ، ۱۳۸۳ ش .

۲- [۲] . مقاله شناسی امام علی ، چاپ اطلاع رسانی پارسا ، قم ، ۱۳۸۳ ش .

۳- [۳] . براساس اعتقاد قطعی ما بعد از حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام رجعت شروع می شود ، نخست امام حسین علیه السلام ، سپس امیرمؤمنان علیه السلام رجعت نموده ، هزاران سال حکومت می کنند .

جوینی از علمای قرن پنجم شگفت زده می گفت :

کتابی در بغداد در دست صحّاف دیدم که روی جلد آن نوشته بود : جلد بیست و هشتم از طرق حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه .

و در آخرش نوشته بود : دنباله آن در جلد بیست و نهم .(۱)

و از دو کتاب بی نظیر نام می بریم :

۱) عبقات الأنوار ، از علّامه میرحامد حسین ، که جلد غدیر آن با تحقیقات استاد شیخ غلامرضا مولانا بروجردی در ۱۰ مجلد چاپ شده است .(۲)

۲) الغدیر ، از افتخار صفحات تاریخ علّامه امینی ، که ۱۱ جلد آن در عصر مؤلف به چاپ رسیده ، چندین بار چاپ شده و به چندین زبان ترجمه شده است .

محقق طباطبائی کتاب شناختی ۱۶۶ عنوان از آثار مستقل پیرامون غدیر خم را در کتابی به نام « الغدیر فی التراث الاسلامی » آورده است .(۳)

و در کتاب « غدیر در آیینه کتاب » ۵۱۱ کتاب مستقل در این رابطه معرفی شده است .(۴)

۱- [۱] . مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۳۷ ، ص ۲۳۶ ؛ قاضی نوراللّه ، احقاق الحق ، ج ۲ ، ص ۴۸۶ .
۲- [۲] . چاپ سید الشهداء ، قم ، ۱۴۰۴ ق .
۳- [۳] . طباطبائی ، الغدیر فی التراث الاسلامی ، چاپ دار المؤرخ عربی ، بیروت ، ۱۴۱۴ ق .
۴- [۴] . انصاری ، غدیر در آیینه کتاب ، چاپ دلیل ما ، قم ، ۱۴۲۲ ق .

بخش چهارم

اشاره

ره آورد دهه غدیر

ص:۲۰۱

ره توشه سفیران هدایت در دهه ولایت

الف : روز ۲۴ ذیحجه الحرام

شامل چهار گفتار :

۱) مباهله

۲) خاتم بخشی

۳) مؤاخات

۴) میلاد مسعود حضرت ابوطالب علیه السلام

ب : روز ۲۵ ذیحجه الحرام

نزول سوره هل أتی

ص:۲۰۲

۱ _ مباهله

گلواژه مباهله

مباهله از ریشه « بهل » می باشد و « بهل » در اصل به معنای رها کردن ، وانهادن و ترک نمودن است .(۱)

« بُهْلَه » و « بَهْلَه » به معنای لعنت کردن است . ، بَهَلَهُ : لَعَنَهُ ، بَهْلَهُ اللّه ِ : لَعْنَهُ اللّه ِ .(۲)

« إبْتِهال » از باب افتعال به معنای تضرّع و تلاش در دعا .(۳)

« مُباهَلَه » از باب مفاعله به معنای « مُلاعَنَه » یعنی : دو نفر ، یا دو گروه در یک موضوع مورد اختلاف ، با یکدیگر اجتماع کنند و از خدا بخواهند که لعنت خود را بر شخص یا گروه ستمگر قرار دهد .(۴)

نیایشگری که جز خدا همه چیز را فرونهاده ، با یک اخلاص فقط به

ص:۲۰۳

۱- [۱] . ابن فارس ، معجم مقاییس اللّغه ، ج ۱ ، ص ۳۱۱ .
۲- [۲] . ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۱ ، ص ۵۲۲ .
۳- [۳] . خلیل ، کتاب العین ، مادّه : بهل .
۴- [۴] . ابن الأثیر ، النّهایه ، ج ۱ ، ص ۱۶۷ .

خدا توجه می کند ، نیایشِ او را « ابتهال » گویند .

دو طرف متخاصم پس از مباهله یکدیگر را یله و رها کرده در معرض لعنت خدا قرار می دهند .

شخصی که از کسی بیزاری جسته او را مورد لعن قرار می دهد ، او را وانهاده ، به حال خود ترک می کند .(۱)

آیه مباهله

آیه ۶۱ سوره مبارکه آل عمران ، به « آیه مباهله » معروف است ، زیرا در این آیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأموریّت یافته که با نصارای نجران مباهله کند :

« فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَأَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَأَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّهِ عَلَی الْکاذِبِینَ » ؛

پس از آنچه از دانش به تو داده شده ، اگر کسی در مورد او ــ حضرت عیسی ــ با توجه به محاجّه و ستیز برخیزد ، پس بگو : بیایید ما فرزندان خود و شما فرزندان خود را فراخوانیم ، ما زنان خود و شما زنان خود را فراخوانیم ، ما خویشتن خود و شما خویشتن خود را دعوت کنیم ، آنگاه « مباهله » کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم .(۲)

۱- [۱] . راغب اصفهانی ، المفردات ، ص ۶۳ .

۲- [۲] . سوره آل عمران ۳ ، آیه ۶۱ .

جایگاه نجران

سرزمین نجران در نقطه مرزی حجاز و یمن ، تنها پایگاه نصارا در منطقه حجاز بود .

یـک مبلغ راستین مسـیحیت به نام : « عبـدالّله تامر » اهالی نجران را به آیین مسـیحیت دعوت کرد ، در طول زمان اکثریت اهل نجران به کیش مسیحیت درآمدند و نجران با ۷۳ دهکده تابع خود به صورت پایگاه مسیحیت درآمد .

پادشاه سـتمگر نجران آنان را به رها کردن آیین مسیحیت و بازگشت به آیین یهود دعوت کرد ، نصارای نجران از پذیرش آن امتناع کردند و در آیین خود پا برجا ماندند .

پادشـاه سـتم پیشه گودالی کنـده ، در آن آتش افروخته ، پـایمردان در آیین مسـیحیت را در آن گودال انـداخته ، طعمه حریق نمود .

تعداد این افراد را یاقوت ۲۰/۰۰۰ نفر ثبت کرده است .(۱)

از این واقعه دلخراش در قرآن کریم به عنوان « أصحاب اُخدُود » یعنی : شکنجه گران گودال آتش ، یاد شده است .(۲)

مشروح این جنایت در همه کتب تفسیری آمده است .(۳)

نصارای نجران در آیین خود محکم و پایدار ، و در معارف خود بینا

۱- [۱] . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۵ ، ص ۲۶۸ .

۲- [۲] . سوره بروج ۸۵ ، آیه ۴ .

۳- [۳] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۱۰ ، ص ۷۰۷ .

و هشیار بودند ، از این رهگذر نشانه های خوبی از روح انتظار پیامبر گرامی اسلام در تاریخ حوزه نجران در صفحات تاریخ ثبت شده ، که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم :

۱ . پیش از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از اسقف های نجران به مکه آمده ، با جناب عبدالمطلب پیرامون اوصاف پیامبر اسلام سخن می گفت که ناگهان رسول گرامی صلی الله علیه و آله به نزد عبدالمطلب آمد ، آن اسقف با دیدن آن حضرت در آن سنین کودکی او را شناخت و گفت : ایشان همان پیامبر موعود است .

آنگاه در مورد حفاظت و حراست از آن حضرت سفارش نمود .(۱)

۲ . در آستانه بعثت آن حضرت ، عروه بن مسعود در یک سفر تجارتی به نجران رفته بود ، یک اسقف نجرانی که با او رفاقت داشت به او گفت :

زمان بعثت پیامبری در حرم شما ــ مکه ــ فرارسیده ، او آخرین پیامبر از پیامبران الهی است ، تا مبعوث شده به سوی خدا فراخواند به او ایمان بیاور .(۲)

۳ . یک گروه ۲۰ نفری از نصارای نجران قبل از هجرت در مکه معظّمه به محضر مقدس آن حضرت شرفیاب شده به شرف اسلام مشرف شدند .(۳)

۴ . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که کسری ، قیصر و دیگر سران دول جهان نامه می نوشتند ، نامه ای نیز به اسقف نجران نوشتند و آنها را به

۱- [۱] . ابونعیم ، دلائل النبوّه ، ج ۱ ، ص ۱۶۵ ، ح ۱۰۰ .
۲- [۲] . همان ، ج ۲ ، ص ۵۳۳ ، ح ۴۶۱ .
۳- [۳] . ابن اسحاق ، السیره ، ص ۲۱۸ .

آیین اسلام دعوت کردند .(۱)

۵ . هنگامی که نامه پیامبر به اسقف رسید ، اسقف آن را به « شرحبیل » ارایه داد ، وی گفت : این از محدوده معلومات من بیرون است ، من فقط می دانم که خداوند به حضرت ابراهیم وعده داده که نبوت را در نسل حضرت اسماعیل قرار دهد ، و من مطمئن نیستم که این شخص همان پیامبر موعود نباشد .

آنگاه دیگر بزرگان نجران و ۷۳ روستای تابع آن را گرد آوردند و رایزنی کردند ، قرار بر این شد که عده ای را به مدینه بفرستند و در مورد آن حضرت تحقیق نمایند .(۲)

۶ . تعداد ۶۰ تن از سران نجران برای ارزیابی اوضاع مسلمانان و تحقیق در مورد پیامبر اکرم از نجران به سوی مدینه عزیمت کردند ، ۱۴ تن از این ها اشراف و رجال برجسته نجران بودند ، که اسامی آنها در کتب سیره و تراجم آمده است .(۳)

۷ . سرپرست این هیئت « أیهم » نام داشت که به « سید » معروف بود ، او مردی مدیر و مدبّر بود که هیچ کاری بدون صلاحدید ایشان انجام نمی پذیرفت .

زمامدار نجران در آن زمان « عبدالمسیح » نام داشت ، که به : « عاقب » معروف بود .

۱- [۱] . یعقوبی ، التّاریخ ، ج ۲ ، ص ۵۶ .
۲- [۲] . ابن کثیر ، التّفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۲۴ .
۳- [۳] . ابن کثیر ، البدایه والنّهایه ، ج ۵ ، ص ۵۶ .

اسقف اعظم آنها نیز « ابوحارثه بن علقمه » بود ، که نماینده رسمی کلیساهای روم در حجاز بود .

۸ . ابوحارثه برادری داشت به نام « کوز » که همراه او در حرکت بود ، استرِ وی در مسیر مدینه آسیب دید ، کوز گفت : دور باد .

ابوحارثه گفت : خودت دور باشی و هلاک شوی .

کوز گفت : چرا برادرجان ؟

گفت : او همان پیامبری است که سالها منتظرش بودیم .

کوز گفت : پس چرا در ایمان آوردن به او تعلّل می ورزی .

ابوحارثه گفت : نمی بینی که نصارای نجران چقدر به ما احترام می کنند ، ما را عزیز می دارند و چقدر در حق ما فداکاری می کنند ، اگر من به او ایمان بیاورم باید از همه این جاه و مقام و مال و منال بگذرم .

کوز اعترافات برادر را آویزه گوش کرده ، به آن حضرت ایمان آورد و سخنان برادرش را انگیزه اسلام خود بیان می کرد (۱).

۹) پس از استماع سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شب را مهلت گرفتند و به رایزنی پرداختند ، عاقب گفت : ای ملّت نصارا شما به خوبی می دانید که محمّد پیامبر است و از سوی خدا مبعوث شده است ، هر گروهی با پیامبری مباهله کند ، کوچک و بزرگشان هلاک می شود ، اگر نمی خواهید از آیین خود دست بردارید تن به جزیه بدهید .(۲)

۱- [۱] . ابن هشام ، السیره النبویه ، ج ۳ ، ص ۱۱۳ .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۲۵ .

۱۰ . پس از مشاهده چهره نورانی و ملکوتی پنج تن آل عبا علیهم السلام ، بزرگ هیئت اعزامی نجران گفت :

ای گروه نصارا من چهره هایی را می بینم که اگر به سوی پروردگار توجه کنند و از خدا بخواهند که کوهی را از زمین برکند ، حتماً آن را برمی کند .

هرگز با اینها مباهله نکنید که هلاک می شوید و یک تن نصرانی تا روز قیامت در روی زمین برنمی ماند ، پس تن به جزیه بدهید و برگردید .

پس جزیه را پذیرفتند و مدینه را به قصد نجران ترک کردند .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

سوگند به خدایی که جان محمّد در دست قدرت اوست ، اگر اینها مباهله می کردند خداوند اینها را به خوک و بوزینه مسخ می کرد و بر همه صحرا آتش می بارید و همه اهل نجران را از روی زمین برمی داشت .(۱)

در حدیث فوق و ده ها حدیث دیگر به صراحت آمده است که منظور از آن چهره های نورانی وجود مقدس پیامبر اکرم ، امیرمؤمنان ، امام حسن ، امام حسین و حضرت فاطمه زهرا _ صلوات اللّه علیهم اجمعین _ بودند ،(۲) که در ضمن احادیث همین فصل خواهد آمد .

* * *

۱- [۱] . ابن صباغ مالکی ، الفصول المهمه ، ص ۲۵ .

۲- [۲] . ر .ک : حسکانی ، شواهد التنزیل ، ج ۱ ، ص ۱۵۵ _ ۱۶۷ .

جلوه هایی از اصحاب کساء در آیه مباهله

اشاره

زمخشری پس از نقل داستان مباهله می نویسد :

در این واقعه دلیل بسیار محکمی بر فضیلت اصحاب کساء هست که هرگز چیزی استوارتر از آن یافت نمی شود .(۱)

از این رهگذر ما فرازهایی از احادیث پیشوایان را در ذیل آیه مباهله در دو بخش جداگانه تقدیم می کنیم :

۱) اصحاب کساء در احادیث اهل سنت

اشاره

ده ها تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در صحنه مباهله حضور داشتند ، تشریف فرمایی پیامبر اکرم را در معیّت نزدیک ترین اهل بیت خود مشاهده نموده ، برای نسل های بعدی روایت کرده اند ، که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم :

۱ . واقعه مباهله به روایت حذیفه

حافظ عبیداللّه حسکانی با سلسله اسنادش از حذیفه بن یمان روایت کرده که عاقب و سید ، دو اسقف نجران ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به مباهله فراخواندند ، عاقب به سید گفت :

اگر با یارانش مباهله کند او پیامبر نیست ، ولی اگر با اهل بیت خود مباهله کند او پیامبر است .

ص:۲۱۰

۱- [۱] . زمخشری ، الکشّاف ، ج ۱ ، ص ۳۷۰ .

رسول خدا برخاست ، علی را فراخواند و در دست راست خود قرار داد ، سپس حسن را فراخواند و از دست چپ خود قرار داد ، آنگاه حسین را فراخواند و از سمت راست علی قرار داد ، سپس فاطمه را فراخواند و پشت سر خود قرار داد .

عاقب به سید گفت :

نه هرگز مباهله نکن ، اگر با او مباهله کنی ، هرگز نه خودمان و نه فرزندانمان روی سعادت نخواهیم دید .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

اگر با من مباهله می کردند ، حتی یک چشم نضاره گر در نجران باقی نمی ماند .(۱)

۲ . واقعه مباهله به روایت جابر

حافظ ابن مغازلی با سلسله اسنادش از جابر بن عبداللّه انصاری روایت کرده که چون عاقب و طیب از کاروان نجران بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدند ، رسول خدا آنها را به اسلام دعوت فرمود .

آنها گفتند : ما پیش از شما مسلمان شده ایم .

پیامبر فرمود : اگر بخواهید به شما خبر می دهم که چه چیز از مسلمان شدن شما را مانع می شود ؟

گفتند : بفرمایید ، فرمود :

۱) علاقه به صلیب

۱- [۱] . حسکانی ، شواهد التّنزیل ، ج ۱ ، ص ۱۶۳ ، ح ۱۷۴ .

۲) میگساری

۳) گوشت فدک .

پس آنها را به مباهله دعوت نمود ، آنها برای روز بعد وعده گذاشتند .

فردا بامدادان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی ، فاطمه ، حسن و حسین علیهم السلام را گرفت ، آمد و کسی را به سراغ آنها فرستاد .

آنها از مباهله سر باز زدند و به خراج اعتراف کردند .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : به خدا سوگند اگر مباهله می کردند از همه دشت و صحرا به آنها آتش می بارید .

جابر گفت : پس این آیه در حق آنها نازل شد .

شعبی گوید : منظور از : « أَبْناءَنا » حسن و حسین ، منظور از « نِساءَنا » فاطمه، و منظور از: « أَنْفُسَنا » علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.(۱)

۳ . واقعه مباهله به روایت ابن عباس

اخطب خوارزم از ابن عباس روایت کرده که کاروان نجران وارد مدینه شده به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند .

اسقف جلو آمد و گفت : ای ابوالقاسم !

پدر موسی کیست ؟ فرمود : عمران .

پدر یوسف کیست ؟ فرمود : یعقوب .

پدر شما کیست ؟ فرمود : عبداللّه بن عبدالمطلب .

پس پدر عیسی کیست ؟

۱- [۱] . ابن مغازلی ، مناقب علی بن أبی طالب ، ص ۲۶۳ ، ح ۳۰ .

پیامبر اکرم چیزی نگفت و منتظر وحی شد ، جبرئیل امین فرود آمد و این آیه را آورد :

« إِنَّ مَثَلَ عِیسی عِنْدَ اللّهِ کَمَثَلِ آدَمَ ... » ؛

مثل عیسی در نزد خدا همانند مثل آدم است که او را از خاک آفرید و گفت : موجود باش ، او نیز موجود شد .(۱)

اسقف گفت : ما چنین مطلبی در آنچه بر ما نازل شده نمی یابیم ، پس آیه مباهله نازل شد .

اسقف گفت : با انصاف رفتار کردی ، کی مباهله کنیم ؟ فرمود : ان شاء اللّه فردا .

آنها برگشتند و به یکدیگر گفتند : اگر با یارانش مباهله کند ، پس مباهله کنید و بدانید که دروغگو می باشد ، ولی اگر با نزدیک ترین اهلش مباهله کند، مباهله نکنید و بدانید که او پیامبر است و اگر مباهله کنیم هلاک می شویم .

نصارا گفتند : ما به راستی می دانیم که او همان پیامبر موعود است و اگر مباهله کنیم هلاک می شویم و به خانه و کاشانه خود برنمی گردیم .

یهود و نصارا گفتند : پس چه کنیم ؟ ابوحارث اسقف گفت : او مرد بزرگواری هست ، بامدادان می رویم و از پیمان خود پوزش می طلبیم .

بامدادان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اهالی مدینه و حومه پیک فرستاد ، پس همگان گرد آمدند ، دختر سراپرده نشینی نماند ، جز اینکه بیرون آمد .

آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که علی در پیشاپیش او ، حسن را با

۱- [۱] . سوره آل عمران ۳ ، آیه ۵۹ .

دست راست و حسین را با دست چپ گرفته بود و فاطمه پشت سر ایشان بود ، بیرون آمدند و خطاب به کاروان نجران فرمودند :

هان بیایید که اینها فرزندانمان حسن و حسین ، اینک من و علی خویشتن ما ، و این فاطمه بانوی ما می باشند .

پس نمایندگان نجران پشت ستونها و در پشت یکدیگر مخفی می شدند ، از ترس اینکه پیامبر مباهله را آغاز کند .

آنگاه گامی به پیش نهاده ، در برابر پیامبر زانوی ادب بر زمین نهاده ، عرضه داشتند :

عذر ما را بپذیر ، خداوند عذر تو را بپذیرد .

پس عذر آنها را پذیرفت و بر ۲۰۰۰ حُلّه مصالحه نمودند .(۱)

حسکانی با سلسله اسنادش از ابن عباس روایت کرده که این آیه در حقِ : پیامبر خدا و علی « أَنْفُسَنا » و فاطمه « نِساءَنا » و حسن و حسین « أَبْناءَنا » نازل شده است .(۲)

۴ . واقعه مباهله به روایت سعد

مسلم در صحیح خود با سلسله اسنادش از سعد وقاص روایت کرده که روزی معاویه به او گفت :

تو را چه می شود که از لعن ابوتراب سر باز می زنی ؟

۱- [۱] . خوارزمی ، المناقب ، ص ۱۵۹ ، ح ۱۸۹ .

۲- [۲] . حسکانی ، شواهد التنزیل ، ج ۱ ، ص ۱۶۰ ، ح ۱۷۱ .

سعد در پاسخ گفت :

من از رسول خدا صلی الله علیه و آله سه چیز در حق او شنیدم ، تا این سه گفتار پیامبر را به خاطر داشته باشم هرگز او را لعن نخواهم کرد . اگر یکی از آنها برای من بود از اشتران سرخ موی برایم بهتر بود .

آنگاه حدیث منزلت و حدیث رایت را شرح داد ، سپس گفت :

هنگامی که آیه : « فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَأَبْناءَكُمْ ... » نازل شد ، رسول خدا صلی الله علیه و آله علی ، فاطمه ، حسن و حسین را فراخواند و گفت :

اللّهم هؤلاء أهلی ؛

بار خدایا اینها اهل من هستند .(۱)

ترمذی این حدیث را با سلسله اسنادش از سعد وقاص نقل کرده ، در پایان می افزاید :

این حدیثی نیکو ، شگفت و صحیح است .(۲)

حاکم نیشابوری نیز آن را در مستدرک با سلسله اسنادش از سعد وقاص روایت کرده ، در پایان افزوده :

این حدیث براساس معیارهای بخاری و مسلم صحیح است ، جز اینکه آن را روایت نکرده اند .(۳)

۱- [۱] . مسلم ، الصحیح ، ج ۴ ، ص ۱۸۷۱ ، باب فضائل الصحابه ، ب ۴ ، ح ۳۲ .
۲- [۲] . ترمذی ، الجامع الصحیح ، ج ۵ ، ص ۲۲۵ ، ب ۴۸ ، ح ۲۹۹۹ .
۳- [۳] . حاکم ، مستدرک الصّحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۵۰ .

ذهبی نیز در تلخیص مستدرک روایت کرده و بر صحّت آن صحّه گذاشته است .(۱)

۵ . واقعه مباهله به روایت ابن جریج

حموینی از طریق ابن جریح واقعه مباهله را به تفصیل نقل کرده ، در فرازی آورده : پیامبر اکرم دست علی ، حسن و حسین را گرفته ، فاطمه را پشت سرشان قرار داد ، آنگاه فرمود :

اینها فرزندان ، بانوان و خویشتن ما می باشد ، پس شما نیز فرزندان ، زنان و خویشتنِ خود را بیاورید ، تا لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم .

پس آنها از مباهله امتناع ورزیده ، به یک هزار حُلّه در هر ماه رجب [و یک هزار در ماه صفر] مصالحه کردند .

پیامبر فرمود : اگر مباهله می کردند یک سال بر آنها نمی گذشت جز اینکه همه دروغگویان هلاک می شدند .(۲)

در اینجا به پنج فراز یاد شده بسنده می کنیم و یادآور می شویم که این احادیث در کتب حدیثی ، تفسیری ، تاریخی ، کلامی ، سیره و تراجم اهل سنت به بیش از ۲۰ طریق روایت شده ، که برای رعایت اختصار به همین فرازهای یاد شده اکتفا نمودیم .

ص:۲۱۶

۱- [۱] . همان .

۲- [۲] . حموینی ، فرائد السّمطین ، ج ۲ ، ص ۲۰۶ .

پیمان پیامبر آخرالزّمان با نصارای نجران :

برای استفاده خوانندگان گرامی یادآور می شویم که متن کامل صلح نامه ای را که رسول گرامی اسلام با نصارای نجران نوشتند ، ابن سعد در طبقات آورده است .(۱) و یادآور می شویم که بلاذری پس از نقل متن کامل آن ، از شاهدان عینی روایت کرده که این متن را در دست برخی از نصارای نجران دیده و در پایین آن آمده بود :

وَكَتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبی طالِبٍ ؛

علی بن ابی طالب آن را نوشت .(۲)

* * *

۲) اصحاب کساء در احادیث اهل بیت علیهم السلام

اشاره

یکی از شفاف ترین جلوه های سیمای تابناک اصحاب کساء در آیه شریفه « مباهله » می باشد ، که چند فرازی از منابع اهل سنت نقل کردیم و اینک چند فراز دیگر از احادیث اهل بیت عصمت و طهارت را در این زمینه از منابع شیعه نقل می کنیم .

۱ . واقعه مباهله به روایت مولای متقیان

پیشوای پارسایان ، مولای پرواپیشگان امیرمؤمنان علیه السلام قدوم نصارای

۱- [۱] . ابن سعد ، الطبقات الكبرى ، ج ۱ ، ص ۲۸۷ _ ۲۸۸ .

۲- [۲] . بلاذری ، فتوح البلدان ، ص ۴۷ ، در چاپ دیگر : ص ۷۶ .

نجران را به تفصیل نقل فرموده که به اختصار در اینجا می آوریم :

اسقف نجران عرضه داشت :

پدر موسی چه کسی بود ؟ فرمود : عمران .

پدر یوسف که بود ؟ فرمود : یعقوب .

پدر شما چه کسی بود ؟ فرمود : عبداللّه بن عبدالمطلب .

پس پدر عیسی چه کسی بود ؟

پیامبر خدا لحظه ای سکوت کرد ، پیک وحی آمد و گفت : روح خدا و کلمه خدا .

اسقف پرسید : آیا ممکن است که روح بدون جسم باشد ؟ خداوند وحی فرمود :

« إِنَّ مَثَلَ عِیسی عِنْدَ اللّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ » ؛

مثل عیسی در نزد خدا همانند مثل آدم است که او را از خاک آفرید و گفت موجود باش ، پس موجود شد .(۱)

اسقف از اینکه عیسی علیه السلام از خاک باشد آشفته گردید و گفت :

ما در تورات ، انجیل و زبور چنین مطلبی نداریم ، فقط در نزد شما آن را می یابیم .

پس خداوند به او وحی فرمود :

« فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ

۱- [۱] . سوره آل عمران ۳ ، آیه ۵۹ .

أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكَمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّهِ عَلَی الْکاذِبِینَ » ؛

بگو بیایید فرزندانمان و فرزندانتان را فراخوانیم، زنانمان و زنانتان را فراخوانیم ، خویشتن خویش و خویشتن خویشتان را فراخوانیم ، پس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم .(۱)

گفتند : سخن به انصاف گفتید ، ای ابوالقاسم ، وعده ما کی می باشد ؟

فرمود : فردا صبح انشاء اللّه .

یهود رفتند و با یکدیگر می گفتند :

برای ما چه فرق می کند ، فردا نصارا هلاک شوند یا حنفاء ! !

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود :

فردا صبح پس از اقامه نماز صبح پیامبر دست مرا گرفت و پیشاپیش خود قرار داد ، فاطمه را پشت سر خود ، حسن و حسین را نیز طرف راست و چپ خود قرار داد ، آنگاه در برابر آنها بر زمین نشست .

چون نمایندگان نجران این صحنه را دیدند از کرده خود پشیمان شدند و با یکدیگر رایزنی کردند و گفتند : او به خدا پیامبر است و اگر دعا کند خدا اجابت می کند و ما را هلاک می سازد .

پشت تخته ای خود را مخفی می کردند ، آنگاه در برابر حضرت زانو زدند و پوزش طلبیدند ، حضرت فرمود : من عذر شما را پذیرفتم ، اگر مباهله می کردید هیچ زن و مرد نصرانی در روی زمین نمی ماند جز

۱- [۱] . سوره آل عمران ۳ ، آیه ۶۱ .

اینکه هلاک می شد .(۱)

در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علیه السلام روایت است که چون این آیه نازل شد ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی ، فاطمه و دو فرزندشان را گرفت ، پس مردی از یهود به آنها گفت : مباهله نکنید که هلاک می شوید .(۲)

در حدیث دیگری فرمود :

رسول خدا برای مباهله نصارا با من ، فاطمه ، حسن و حسین بیرون آمد .(۳)

و در حدیث مناشده به اصحاب شورا فرمود :

آیا در میان شما به جز من کسی هست که خداوند آیه مباهله را در حق او و همسرش و دو فرزندش نازل کند و او را نفس پیامبر قرار دهد ؟

همگی گفتند : نه .(۴)

۲ . واقعه مباهله به روایت امام حسن علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام در فرازی از یک خطبه بسیار طولانی که در حضور معاویه ایراد نموده ، فرمود :

هنگامی که کافران از اهل کتاب آن حضرت را انکار نموده، محاجه کردند، خداوند فرمود :

« فَقُلْ تَعالَوْا ... » ؛

۱- [۱] . فرات کوفی ، تفسیر فرات ، ج ۱ ، ص ۸۸ ، ح ۶۶ .

۲- [۲] . عیّاشی ، التّفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۱۲ ، ح ۶۹۷ .

۳- [۳] . شیخ طوسی ، امالی ، ص ۲۵۹ ، ح ۴۶۹ مجلس ۱۰ ، ح ۷ .

۴- [۴] . شیخ طوسی ، امالی ، ص ۵۵۱ ، ح ۱۱۶۸ مجلس ۲۰ ، ح ۴ .

پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از میان همگان ، از نفوس پدرم را ، از فرزندان من و برادرم را ، و از زنان مادرم فاطمه را با خود بیرون برد .

پس ما اهل او ، گوشت او ، خون او و جان او هستیم ، ما از او هستیم و او از ماست .(۱)

۳ . واقعه مباهله به روایت امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مباهله فرمود :

« أَبْناءَنا » ؛ حسن و حسین علیهماالسلام

« أَنْفُسَنا » ؛ پیامبر و علی صلوات اللّه علیها

« نِساءَنا » ؛ فاطمه زهرا علیهاالسلام می باشد .(۲)

۴ . واقعه مباهله به روایت امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام واقعه مباهله را نقل کرده در پایان فرمود :

پس پیامبر اکرم وارد منزل شده ، دست علی ، حسن ، حسین و فاطمه را گرفته ، از خانه بیرون آمد ، دستش را به سوی آسمان برافراشت و میان انگشتان خود را گشود و آنها را به مباهله فراخواند .

امام باقر علیه السلام فرمود : در مباهله انگشتان را باز کرده ، دستش را در دست طرف مقابل قفل کرده ، به سوی آسمان بلند می کند .

۱- [۱] . همان ، ص ۵۶۴ ، ح ۱۱۷۴ مجلس ۲۱ ، ح ۱ .

۲- [۲] . فرات کوفی ، تفسیر فرات ، ج ۱ ، ص ۸۶ ، ح ۶۱ و ۶۲ .

هنگامی که آن دو اسقف این صحنه را دیدند به یکدیگر گفتند :

به خدا سوگند اگر او پیامبر باشد ما هلاک می شویم و اگر پیامبر نباشد قوم او برای او بس است .

پسْ از مباهله امتناع ورزیدند و بازگشتند .(۱)

به امام صادق علیه السلام گفته شد : قریش می گویند : « اولی القربی » ما هستیم و غنایم از آنِ ما می باشد . امام صادق علیه السلام فرمود :

در جنگ بدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها اهل بیتش را برای مبارزه فراخواند ، و به هنگام مباهله تنها علی ، حسن ، حسین و فاطمه را آورد ، چگونه می شود که همه تلخی ها از آنِ ما و شیرینی ها از آنِ آنها باشد ؟ !(۲)

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری آمدن نصارای نجران را شرح داده ، از قول آنها نقل فرموده که آنها با یکدیگر گفتند :

اگر با قوم خود با ما مباهله کند ، مباهله می کنیم ، زیرا او پیامبر نمی باشد ، ولی اگر فقط خواص اهل بیتش را بیاورد ، مباهله نمی کنیم ، زیرا معلوم می شود که او پیامبر است ، که هرگز کسی اهل بیت خودش را به خطر نمی اندازد .

چون صبح شد ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با امیرمؤمنان ، فاطمه ، حسن و حسین صلوات اللّه علیهم آمد ، نصارا پرسیدند : اینها چه کسانی هستند ؟ به آنها گفته شد : این پسر عمویش ، دامادش و وصی اش

۱- [۱] . عیاشی ، التّفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۱۰ ، ح ۶۹۳ .

۲- [۲] . همان ، ص ۳۱۱ ، ح ۶۹۶ .

علی بن ابی طالب است ، این دخترش فاطمه و اینان فرزندانش حسن و حسین علیهم السلام می باشند .

پس به رسول خـدا عرضه داشـتند ؛ ما را از مباهله معـذور بـدار ، ما رضایت شـما را تأمین می کنیم . پس به جزیه تن دادنـد و باز گشتند .(۱)

۵ . واقعه مباهله به روایت امام کاظم علیه السلام

حضـرت موسـی بن جعفر علیه السـلام در یـک گفتمـان بسـیار طولانـی در پاسـخ هـارون الرّشـید در مقـام اثبـات اینکه اولاـد امیرمؤمنان علیه السلامذریّه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می باشند ، به آیه مباهله استشهاد کرد و فرمود :

احـدی ادّعـا نکرده که پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به هنگـام مبـاهله بـا نصـارا به جز علی بن ابی طالب ، فاطمه ، حسن و حسین شخص دیگری را زیر کساء وارد کرده باشد .

پس تفسیر : « أَبْناءَنا » ؛ حسن و حسین ، « نِساءَنا » ؛ فاطمه ، و « أَنْفُسَنا » ؛ علی بن ابی طالب علیهم السلام می باشد .(۲)

براساس روایت شیخ مفید امام کاظم علیه السلام به هارون فرمود :

همه امّت از برّ و فاجر اتّفاق کرده اند که در داسـتان اهالی نجران هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنان را به مباهله فراخواند ، در زیر کساء به جز پیامبر ، علی ، فاطمه ، حسن و حسین علیهم السلام احدی نبود .(۳)

۱- [۱] . علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج ۱ ، ص ۱۰۴ .
۲- [۲] . شیخ صدوق ، عیون الاخبار ، ج ۱ ، ص ۶۹ ، ب ۷ ، ح ۹ .
۳- [۳] . شیخ مفید ، اختصاص ، ص ۵۶ .

۶ . واقعه مباهله به روایت امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون در مرو در پاسخ پرسشهای مأمون « اصطفاء » و گزینه های الهی را در ۱۲ آیه از آیات قرآن کریم شرح دادند و در فراز سوّم فرمودند :

سومین موردی که خداوند منّان پاکان مخلوقات را از دیگران جدا ساخته واقعه مباهله است که خداوند به پیامبرش « تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا » را نازل فرمود ، پس آن حضرت علی ، حسن ، حسین و فاطمه را بیرون آورد و آنان را به خود مقرون ساخت .

آیا می دانید که منظور از « أَنْفُسَنا » چیست ؟

عالمان گفتند : منظور شخص رسول خدا می باشد .

امام رضا علیه السلام فرمود : دچار خطا شدید ، منظور علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد .

شاهد این تفسیر ، گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که فرمود :

یا باید « بنی ولیعه » برحذر باشند و یا کسی را به سوی آنها می فرستم که همانند نفس خودم می باشد ، یعنی : علی بن ابی طالب علیه السلام .

این یک فضیلت ویژه ای می باشد که احدی به آن مرتبت نمی رسد و یک شرف و امتیازی است که از وی سبقت نجوید ، که نفس علی را همانند نفس خود قرار داده است .(۱)

۱- [۱] . شیخ صدوق ، امالی ، ص ۴۲۳ ، مجلس ۷۹ ، ح ۱ .

۷ . واقعه مباهله به روایت ابورافع

ابورافع واقعه مباهله را آنگونه که مشاهده کرده نقل می کند و در فرازی از آن می گوید :

رسول خدا علی علیه السلام را فراخواند ، دستش را گرفته ، بر او تکیه نمود ، و دو فرزندش : حسن و حسین را به همراه خود برد ، فاطمه را نیز پشت سر خود قرار داد .

چون نصارا آنها را مشاهده کردند ، کسی از آنها گفت : من صلاح نمی بینم که با آنها مباهله کنید .

پس با آن حضرت مصالحه کردند .(۱)

۸ . واقعه مباهله به روایت ابن عباس

ابن عباس در تفسیر آیه مباهله گفت :

این آیه در حق پیامبر خدا و علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده که نفس پیامبر می باشد .

« نِساءَنا » ؛ فاطمه « أَبْناءَنا » ؛ حسن و حسین « أَنْفُسَنا » ، علی که نفس پیامبر اکرم و وصی او می باشد .(۲)

۹ . واقعه مباهله به روایت سعد وقاص

سعد وقاص گوید :

سه مطلب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که به علی علیه السلام فرمود ، اگر

۱- [۱] . فرات کوفی ، تفسیر فرات ، ص ۸۶ ، ح ۶۳ .

۲- [۲] . همان ، ص ۸۹ ، ح ۶۹ .

یکی از آنها را من می داشتم ، از اشتران سرخ موی بهتر بود .

چون آیه « نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ » نازل شد ، رسول خدا ، علی ، فاطمه ، حسن و حسین را فراخواند و عرضه داشت : خدایا اینان اهل من هستند .(۱)

۱۰ . واقعه مباهله به روایت محمّد بن منکدر

محمّد بن منکدر ، از پدرش ، از پدر بزرگش روایت می کند که هنگامی که سید و عاقب دو اسقف نجران با ۷۰ تن از نصارای نجران به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عازم بودند ، من نیز همراه آنان بودم .

آنگاه جالب ترین و جامع ترین گزارش سفر آنان را از نجران تا مدینه به فرزندش منکدر نقل کرده ، سپس واقعه مباهله را با دقت گزارش داده است .

شیخ مفید با سلسله اسنادش این روایت را از محمّد بن منکدر ، از پدرش ، از پدربزرگش در کتاب « اختصاص » نقل فرموده است .(۲)

پس از پیشنهاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنها که مباهله کنند ، آنها به رایزنی پرداختند ، برخی از آنها به برخی دیگر گفت :

فردا ببینیم با چه کسانی با ما مباهله می کند ، آیا با اوباش مردم یا با اهل بیت طیّب و طاهرش ، که آنان از خاندان نبوّت و مرغزار رسالت هستند .

فردا پیامبر را مشاهده کردند که علی علیه السلام را در طرف راست خود ، حسن و حسین علیهماالسلام را در دست چپ و فاطمه را در پشت سر خود قرار

۱- [۱] . شیخ طوسی ، امالی ، ص ۳۰۷ مجلس ۱۱ ، ح ۶۳ .

۲- [۲] . شیخ مفید ، اختصاص ، ص ۱۱۲ _ ۱۱۶ .

داده و یـک بالاـپوش خـط دار نجرانی بر آنهـا پوشانیـده و بر دوش آن حضـرت یک کساء قطوانی نازک ــ نه خیلی نرم و نه خیلی خشن ــ بود .

دو تا درخت بود ، فرمان داد که وسط آن دو درخت را تمیز کنند ، آنگاه کساء قطوانی را بر روی آن دو درخت افکند و آنها را زیر کسـاء قرار داد ، شـانه چپ خود را در زیر کسـاء برد و در حالی که بر کمان چوبین خود تکیه کرده بود ، دست راسـت خود را برای مباهله به سوی آسمان برافراشت .

همگان با دقت و اضطراب تماشا می کردند ، رنگ از رخسار سید و عاقب پریده بود ، نزدیک بود قالب تهی کنند .

یکی به دیگری گفت :

آیـا بـا وی مبـاهله کنیم ؟ مگر نمی دانی که هرگز احـدی بـا پیامبری مباهله نکرده ، جز اینکه کودکانشان بزرگ نشـده انـد و سالمندانشان هلاک شده اند .

سرانجام جزیه را پذیرفتند و پیمان بسته شد .

پیامبر اکرم پس از امضای قرارداد فرمود :

سوگند به خدایی که مرا بزرگوارانه برانگیخته است ، اگر با این افرادی که در زیر کساء گرد آمده اند با من مباهله می کردید ، همه صحرا پر از آتش می شد و در یک چشم به هم زدن طعمه حریق می شدید .

پیک وحی فرود آمد و عرضه داشت : خدایت سلام می رساند و می فرماید :

به عزت و جلال خود سوگند ، اگر با این افرادی که در زیر کساء هسـتند با اهل آسـمان و زمین مباهله کنی ، آسمان پاره پاره شده فرومی ریزد

و زمین قطعه قطعه می شود و احدی بر فراز آن باقی نمی ماند .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستهایش را به سوی آسمان برافراشت و گفت : لعنت خدا بر کسانی که بر شما ستم روا دارند و اجر رسالتی که خداوند برای من مقرر نموده در حق شما فروگزاری کنند ، تا روز رستاخیز .(۱)

سید ابن طاووس متن کامل این حدیث را از کتاب « تأویل ما نزل من القرآن فی النبی وآله »(۲) از محمّد بن منکدر ، از پدرش ، از پدربزرگش روایت کرده است .(۳)

براساس نقل سید ابن طاووس ، ابن حجّام حدیث مباهله را از ۵۱ طریق روایت کرده است .(۴)

ما برای رعایت اختصار به ۱۰ مورد یاد شده بسنده می کنیم و یادآور می شویم که علاوه بر موارد یاد شده ، حدیث مباهله از طرق راویان دیگری چون :

ابوادریس مدنی ، ابوقیس مدنی ، انس بن مالک ، براء بن عازب ، بکر بن مسمار (سمال) ، جریر بن عبدالملک ، حسن بصری ، زبیر بن عوام ، شهر بن حوشب ، طلحه بن عبداللّه ، عامر بن شراحیل ، عامر بن واثله ، علباء بن احمر یشکری ، عثمان بن عفان ، مجاهد و یحیی بن نعمان نیز روایت شده است .(۵)

۱- [۱] . همان ، ص ۱۱۵ .
۲- [۲] . تألیف : محمّد بن عباس بن علی ، مشهور به « ابن حجام » متوفّای بعد از ۳۲۸ ق .
۳- [۳] . سید ابن طاووس ، سعد السعود ، ص ۹۱ _ ۹۴ .
۴- [۴] . همان ، ص ۹۱ .
۵- [۵] . همان .

همه راویان واقعه مباهله ، ده نفری که حدیثشان را نقل کردیم و چهارده نفری که نامشان را بردیم ، متّفق القول هستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز مباهله : علی ، فاطمه ، حسن و حسین علیهم السلام را برای مباهله با نصارای نجران آورد ، چنانکه امام کاظم علیه السلام در حضور هارون بر آن ادعای اجماع نموده است .(۱)

۱- [۱] . شیخ مفید ، اختصاص ، ص ۵۶ .

۲ _ خاتم بخشی

اشاره

یکی از رخدادهای مهم روز ۲۴ ذیحجه الحرام خاتم بخشی امیرمؤمنان علیه السلام در حال رکوع و نزول آیه ۵۵ از سوره مائده می باشد .

ابوریحان بیرونی ، متوفّای ۴۴۰ ق . می نویسد :

در بیست و چهارم ذی الحجّه امیرمؤمنان علیه السلام در حال رکوع انگشتری اش را تصدّق نمود .(۱)

ثعلبی در ذیل آیه ۵۵ سوره مائده می نویسد :

روزی ابن عباس در کنار زمزم نشسته حدیث می گفت ، ابوذر غفاری آمد و گفت : من با این دو گوشم شنیدم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وگرنه کَر باد ، با این دو چشمم دیدم وگرنه کور باد ، که می فرمود :

عَلِیٌّ قائِدُ الْبَرَرَهِ ، وَقاتِلُ الْکَفَرَهِ ، مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ ، مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ ؛

علی پیشوای انسانها و کشنده کافران است ، هر کس او را

۱- [۱] . ابوریحان بیرونی ، الآثار الباقیه ، ص ۴۲۹ .

یاری کند نصرت یافته است و هر کس او را فرونهد خوار و ذلیل است .

آگاه باشید که من روزی در مسجد نماز ظهر را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواندم ، پس سائلی آمد و کسی چیزی به او نداد ، دستهایش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت : خدایا تو گواه باش که من در مسجد پیامبر خدا سؤال کردم و کسی چیزی به من نداد .

علی علیه السلام در حال رکوع بود ، به سائل اشاره کرد که از انگشت خنصر دست راستش انگشتری را درآورد ، که همواره در انگشت خنصر (انگشت کوچک) دست راستش انگشتری می پوشید .

پس سائل آمد و انگشتری را از دست راستش درآورد .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شاهد این ماجرا بود .

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نماز بپرداخت دستهایش را به سوی آسمان برافراشت و عرضه داشت : برادرم موسی از تو مسألت کرد و گفت :

« رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی * وَ یَسِّرْ لِی أَمْرِی ... * وَ اجْعَلْ لِی وَزِیراً مِنْ أَهْلِی * هارُونَ أَخِی * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِی » ؛

بار پروردگارا به من شرح صدر عنایت کن ، کارم را آسان بگردان ، ... از خاندانم یار و یاوری عطا فرما ، برادرم هارون را ، به وسیله او پشتم را محکم کن .(۱)

۱- [۱] . سوره طه ، آیه های : ۲۵ _ ۳۱ .

پس خدایا برای او آیه ای نازل کردی و فرمودی :

« سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِأَخِیکَ وَ نَجْعَلُ لَکُما سُلْطاناً » ؛

به زودی بازوانت را با برادرت استوار می سازیم و برای شما سیطره و سلطنت قرار می دهیم .(۱)

خدایا ! من پیامبر برگزیده ات محمّد هستم ، خدایا به من نیز شرح صدر عنایت کن ، کارم را آسان بگردان ، برای من یار و یاوری از خاندانم عطا فرما ، علی را ، خدایا به وسیله او پشتم را استوار کن .

ابوذر گفت : به خدا سوگند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخنانش به پایان نرسید ، جز اینکه جبرئیل از سوی خداوند فرود آمد و عرض کرد :

ای محمّد بخوان .

فرمود : چه بخوانم ؟

گفت : بخوان :

« إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ » ؛(۲)

سرپرست و ولی شما منحصراً خدا ، پیامبر خدا و آنهایی هستند که ایمان آورده ، نماز را به پا می دارند و زکات را می پردازند در حالی که در رکوع هستند .(۳)

همه محدثان ، مورخان ، مفسران و سیره نویسان متفق القول هستند

۱- [۱] . سوره قصص ، آیه ۳۵ .

۲- [۲] . سوره مائده ، آیه ۵۵ .

۳- [۳] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۴ ، ص ۸۰ .

که این آیه در حق امیرمؤمنان علیه السلام نازل گردید .(۱)

۱) طبری متوفّای ۳۱۰ ق . از مجاهد و عتبه بن ابی حکیم نقل کرده که این آیه در حق امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است (۲).

۲) ثعلبی متوفّای ۴۲۷ ق . از ابوذر ، ابن عباس ، سدی ، عتبه بن حکیم و ثابت بن عبداللّه روایت کرده که این آیه در حق امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است .(۳)

۳) واحدی متوفّای ۴۶۸ ق . پس از نقل نزول آیه شریفه در حق امیرمؤمنان علیه السلام می نویسد :(۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد مسجد شده از سائل پرسید که آیا کسی چیزی به تو داد ؟ گفت : آری این شخص نمازگزار ، فرمود : در چه حالی ؟ گفت : در حال رکوع ، پیامبر اکرم تکبیر گفت و این آیه را تلاوت نمود :

« وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْغالِبُونَ » ؛

کسی که ولایت و سرپرستی خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرد به راستی حزب خدا پیروز است .(۵)

۱- [۱] . واحدی ، اسباب النزول ، ص ۱۳۳ ؛ سبط ابن جوزی ، تذکره الخواص ، ج ۱ ، ص ۱۸۰ ؛ طبری ، جامع البیان ، ج ۶ ، ص ۱۸۶ ؛ زمخشری ، الکشاف ، ج ۱ ، ص ۶۴۹ ؛ قرطبی ، الجامع لأحکام القرآن ، ج ۶ ، ص ۲۲۱ ؛ حسکانی ، شواهد التنزیل ، ج ۱ ، ص ۲۰۹ _ ۲۴۵ ؛ سیوطی ، الدر المنثور ، ج ۲ ، ص ۲۹۳ .

۲- [۲] . طبری ، جامع البیان ، ج ۶ ، ص ۱۸۶ .

۳- [۳] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۴ ، ص ۸۰ .

۴- [۴] . واحدی ، اسباب النزول ، ص ۱۳۳ . ۵ . سوره مائده ، آیه ۵۶ .

۴) حسکانی از شخصیت های برجسته اهل سنت در قرن پنجم هجری پس از اثبات نزول آیه شریفه « إِنَّما وَلِیُّکَمُ اللّهُ » در حق امیرمؤمنان علیه السلام به استناد ۲۵ حدیث از مفسران و محدثان(۱) در مورد امیرمؤمنان علیه السلام ، در مورد آیه : « وَ مَنْ یَتَوَلَّ اللّهَ » از ابن عباس روایت کرده که گفت :

خداوند این آیه را با ولایت خود آغاز کرده : « وَ مَنْ یَتَوَلَّ اللّهَ » ، ولایت پیامبرش را دومیِ آن قرار داده : « وَ رَسُولَهُ » ، ولایت علی علیه السلام را سومی قرار داده : « وَالَّذِینَ آمَنُوا » .

سپس فرمود :

هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

رَحِمَ اللّه ُعَلِیّاً ، اَللّهمَّ أَدِرِ الحَقَّ مَعَهُ حَیْثُ دارَ ؛

خدای رحمت کند علی را ، خدایا ! حق را همراه او بچرخان هر جای که بچرخد .(۲)

آنگاه حسکانی از « ابن مؤمن » نقل کرده که گفته :

در میان مفسّران هیچ اختلافی نیست که این آیه در حق امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است .(۳)

۱- [۱] . حسکانی ، شواهد التنزیل ، ج ۱ ، ص ۲۰۹ _ ۲۴۵ ، ح ۲۱۶ _ ۲۴۰ .
۲- [۲] . همان ، ص ۲۴۶ ، ح ۲۴۱ .
۳- [۳] . همان .

۵) زمخشری متوفّای ۵۲۸ ق . پس از بیان نزول آیه در حق امیرمؤمنان علیه السلام می نویسد :

این که به صیغه جمع آمده برای تشویق همگان به چنین اعمال شایسته در حق فقرا می باشد و در این موارد شتاب کنند ، حتی به بعد از فراغت از نماز موکول نکنند .(۱)

۶) قرطبی متوفّای ۶۷۱ ق . از ابن عباس ، سُدّی و مجاهد نقل کرده که این آیه در حق امیرمؤمنان علیه السلام است و انگیزه این سخن تقارن نزول آیه با عمل آن حضرت بوده ، که در حال رکوع انگشتری اش را به سائل عطا کرد .

آنگاه با این عمل مولی استدلال کرده بر این که چنین اعمالی نماز را باطل نمی کند و صدقه مستحبی نیز زکات نامیده می شود .(۲)

۷) سیوطی متوفّای ۹۱۱ ق . از ابن عباس ، عمار یاسر ، سلمه بن کهیل ، مجاهد ، سُدّی ، عتبه بن حکیم و از خود امیرمؤمنان علیه السلام با سلسله اسنادش روایت کرده که این آیه در حق آن حضرت نازل شده است .(۳)

از آنچه بیان شد روشن می شود که همه مفسّران اهل سنت در طول قرون و اعصار بر نزول این آیه در حق مولای متّقیان علیه السلام اتّفاق نظر داشتند .

فخر رازی پس از آنکه نقل کرده که ادای زکات در حال رکوع برای احدی جز امیرمؤمنان اتّفاق نیفتاده ، پس آیه شریفه در حق آن حضرت

ص:۲۳۶

۱- [۱] . زمخشری ، الکشّاف ، ج ۴ ، ص ۶۴۹ .
۲- [۲] . قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، ج ۶ ، ص ۲۲۱ .
۳- [۳] . سیوطی ، الدر المنثور ، ج ۲ ، ص ۲۹۳ .

خواهد بود و به امامت آن حضرت دلالت خواهد کرد(۱) آن را نقد کرده و گفته :

حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بی گمان از این رافضی ها به تفسیر قرآن آشناتر بود ، اگر این آیه به امامت آن حضرت دلالت داشت ، در محفلی از محافل به آن استشهاد می کرد .

رافضی ها نمی توانند بگویند که آن حضرت به جهت تقیّه به آن استشهاد نکرده است ، زیرا آنها خود نقل می کنند که آن حضرت در روز شورا به روایت غدیر ، مباهله و دیگر فضائل و مناقب خود استشهاد کرده ، ولی هرگز با این به اثبات امامت خود استشهاد نکرده است .(۲)

امام المشکّکین فخر رازی این مطلب را به قدری محکم گفته که خواننده خیال می کند او همه استدلالهای حضرت را بررسی کرده و چنین مطلبی مشاهده نکرده است ، در حالی که در همان مناشده روز شورا که فخر رازی از آن نام برده ، در حضور اعضای شورا امیرمؤمنان علیه السلامفرمود :

شما را به خدا سوگند می دهم ، آیا در میان شما ــ به جز من ــ کسی هست که زکات را در حال رکوع داده باشد و آیه : « إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ ... » در حق او نازل شده باشد ؟ !

همگی گفتند : نه .(۳)

۱- [۱] . فخر رازی ، التفسیر الکبیر ، ج ۱۲ ، ص ۲۷ .
۲- [۲] . همان ، ص ۲۸ .
۳- [۳] . شیخ طوسی ، الامالی ، ص ۵۴۹ مجلس ۲۰ ، ح ۴ ؛ طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۱ ، ص ۱۳۹ ؛ قندوزی ، ینابیع الموده ، ج ۱ ، ص ۳۴۶ .

خاتم بخشی در آیینه مناقب

اشاره

پس از نقل اقوال مفسران پیرامون نزول آیه شریفه « إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللّه » در مورد امیرمؤمنان علیه السلام ، اشاره ای کوتاه به شماری از کتب فضائل و مناقب مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام می نماییم که همه آنها متّفق القول هستند که این آیه شریفه در حقّ آن حضرت و به هنگام خاتم بخشی نازل شده است :

۱ . ابوبکر احمد بن موسی ابن مردویه ، متوفّای ۴۱۰ ق . با نقل ده حدیث از طریق ابن عباس ، عمّار یاسر و امیرمؤمنان علیه السلام اثبات کرده که این آیه در مورد خاتم بخشی امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است .(۱)

۲ . ابوالحسن علی بن محمّد شافعی ، مشهور به : ابن مغازلی ، متوفّای ۴۸۳ ق . با نقل پنج حدیث از طریق ابن عباس ، عبداللّه بن عطا و امیرمؤمنان علیه السلام نزول این آیه را در حق آن حضرت اثبات کرده است .(۲)

۳ . موفق بن احمد خوارزمی ، متوفّای ۵۶۸ ق . از طریق ابن عباس نزول این آیه را در حق آن حضرت و اشعار حسّان بن ثابت را در این زمینه روایت کرده است .(۳)

۴ . محمّد بن یوسف گنجی ، متوفّای ۶۵۸ ق . از طریق انس بن مالک نزول این آیه را در این رابطه ، با اشعار حسّان نقل کرده است .(۴)

ص:۲۳۸

۱- [۱] . ابن مردویه ، مناقب علی بن ابی طالب ، ص ۲۳۳ _ ۲۳۸ .
۲- [۲] . ابن مغازلی ، مناقب علی بن ابی طالب ، ص ۳۱۱ _ ۳۱۴ چاپ دیگر ص ۳۶۹ _ ۳۷۵ .
۳- [۳] . خوارزمی ، المناقب ، ص ۲۶۴ .
۴- [۴] . گنجی ، کفایه الطالب ، ص ۲۲۸ .

۵ . سبط ابن جوزی ، متوفّای ۶۵۴ ق . از ابوذر ، سدّی ، عتبه بن ابی حکیم و غالب بن عبداللّه روایت کرده که این آیه در حق امیرمؤمنان و در مورد خاتم بخشی نازل شده ، آنگاه اشعار حسّان را نقل کرده ، در پایان یک بحث فقهی نموده که آیا دادن انگشتری در حال نماز فعل کثیر به شمار می آید تا در نماز خلل ایجاد شود یا نه ؟ و از دو طریق پاسخ داده است .(۱)

۶ . محب الدین طبری ، متوفّای ۶۹۴ ق . از واحدی نقل کرده که این آیه در حق مولای متقیان نازل شده است .(۲)

۷ . عمر بن شجاع الدین موصلی شافعی ، از بزرگان قرن هفتم هجری ، نزول این آیه را در حق مولی در مورد خاتم بخشی نقل کرده ، اشعار حسان را آورده ، پیرامون گلواژه « ولی » و « مولی » بحث کرده و اثبات کرده که استعمال این واژه در حق امیرمؤمنان علیه السلام نصّ می باشد و منکر آن کافر می شود و این نصّ است نه تأویل .(۳)

۸ . ابراهیم بن محمّد جُوَینی ، متوفّای ۷۳۰ ق . از پنج طریق از انس بن مالك ، ابن عباس ، ابوذر و عمار یاسر روایت کرده که این حدیث در حق مولی و در مورد خاتم بخشی نازل شده است .(۴)

۹ . شهاب الدین ایجی شافعی ، متوفّای ۸۲۰ ق . از ابن عباس ، ابوذر

۱- [۱] . سبط ابن جوزی ، تذکره الخواص ، ج ۱ ، ص ۱۷۸ _ ۱۸۲ .

۲- [۲] . طبری ، ذخائر العقبی ، ج ۱ ، ص ۴۲۱ .

۳- [۳] . موصلی ، النعیم المقیم ، ص ۵۷۴ _ ۵۷۶ .

۴- [۴] . حموینی ، فرائد السّمطین ، ج ۱ ، ص ۱۸۷ _ ۱۹۵ .

و ابورافع روایت کرده که این آیه در حق مولی و در مورد خاتم بخشی نازل شده ، آنگاه اشعار حسّان را نقل کرده است .(۱)

۱۰ . سلیمان بن ابراهیم قندوزی ، متوفّای ۱۲۹۴ ق . از عبداللّه بن سلام روایت کرده که این آیه در حق مولی و در مورد خاتم بخشی نازل شده است .(۲)

در این رابطه به ده منبع یاد شده از منابع اهل سنت اکتفاء نمودیم ، و اگر بخواهیم منابع تاریخی ، تفسیری ، حدیثی ، فضائل ، مناقب ، سیر و تراجم علمای شیعه را نقل کنیم ، بیش از یکصد منبع خواهد بود .

در پایان این مقال به چند نکته اشاره می کنیم :

۱ . نقد ابن تیمیه

ابن تیمیه ، بنیانگذار مکتب ضال و مضلّی که بعدها توسط محمّد بن عبدالوهاب گسترش یافت و به عنوان : « فرقه وهابی » شناخته شد ، همه فضایل مولی را انکار کرده و در مورد خاتم بخشی نوشته :

دروغگویان حدیثی جعل کرده ، گفته اند که علی علیه السلام انگشتری خود را در حال نماز تصدّق نمود و این آیه در حق او نازل شد .

به اجماع آگاهان به حدیث این روایت دروغ است(۳) و جمهور امّت چنین حدیثی را نشنیده است .(۴)

۱- [۱] . ایجی ، فضائل الثقلین ، ص ۱۷۰ _ ۱۷۳ .
۲- [۲] . قندوزی ، ینابیع الموده ، ج ۲ ، ص ۱۹۲ ، ح ۵۵۹ .
۳- [۳] . ابن تیمیه ، منهاج السّنه ، ج ۲ ، ص ۳۰ .
۴- [۴] . همان ، ج ۷، ص ۱۱ و ۱۷ .

علاّمه امینی ، این سخن پوچ و بی اساس او را نقل کرده ، آنگاه منبع این حدیث شریف را از ۶۶ منبع از کتب تفسیری ، حدیثی ، کلامی و تاریخی اهل سنت نقل کرده است .(۱) اهل تحقیق و پژوهش به آنها مراجعه فرمایند .

۲ . خاتم بخشی در آیینه ادبیات

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجّه به تأثیر خاصّ شعر و نقش آن در ماندگاری رخدادها ، شاعران را تشویق می فرمود که رخدادهای مهم را به نظم درآورند ، چنانکه در روز عید غدیر به حسّان بن ثابت امر فرمود که واقعه غدیر را به نظم درآورد .

یکی از حوادث مهم تاریخی که در همان روز وقوع آن ، توسّط حسّان بن ثابت به نظم درآمده ، حادثه خاتم بخشی امیرمؤمنان علیه السلامی باشد .

در همان روز خاتم بخشی حسّان بن ثابت دو قطعه شعر سرود و داستان خاتم بخشی و نزول آیه شریفه « إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللّه » را جاودانه ساخت .

یکی با مطلعِ : أبا حَسَنٍ تَفْديكَ رُوحى وَمُهْجَتى .(۲)

دیگری با مطلعِ : مَنْ ذا بِخاتَمِهِ تَصَدَّقَ راكِعاً .(۳)

۱- [۱] . امینی ، الغدیر ، ج ۳ ، ص ۲۲۰ _ ۲۳۰ .

۲- [۲] . خوارزمی ، المناقب ، ص ۲۶۵ ؛ گنجی شافعی ، کفایه الطالب ، ص ۲۲۹ ؛ حموینی ، فرائد السّمطین ، ج ۱ ، ص ۱۹۰ .

۳- [۳] . ابن مردویه ، المناقب ، ص ۲۳۸ ؛ سبط ابن جوزی ، تذکره الخواص ، ج ۱ ، ص ۱۸۱ ، ایجی ، فضائل الثقلین ، ص ۱۷۱ .

از دیگر شاعرانی که در این رابطه شعری ماندگار سرود ، دِعبل خُزاعی است با مطلعِ : نَطَقَ الْقُرْآنُ بِفَضْلِ آلِ مُحَمَّدٍ .(۱)

۳ . زمان خاتم بخشی

اکثریت قاطع محدثان و مورخان روز خاتم بخشی را روز ۲۴ ذیحجه الحرام ثبت کرده اند ، که از آن جمله است :

۱ . شیخ مفید ، متوفّای ۴۱۳ ق .(۲)

۲ . ابوریحان بیرونی ، متوفّای ۴۴۰ ق .(۳)

۳ . شیخ طوسی ، متوفّای ۴۶۰ ق .(۴)

۴ . ابن ادریس حلی ، متوفّای ۵۹۸ ق .(۵)

۵ . سید ابن طاووس ، متوفّای ۶۶۴ ق .(۶)

۶ . علی بن یوسف بن مطهر حلی ، متوفّای حدود ۷۰۵ ق .(۷)

۷ . شیخ بهائی ، متوفّای ۱۰۳۰ ق .(۸)

۸ . شیخ عباس قمی ، متوفّای ۱۳۵۹ ق .(۹)

۱- [۱] . علاّمه امینی ، الغدیر ، ج ۲ ، ص ۵۳۹ .

۲- [۲] . شیخ مفید ، مسار الشیعه ، ص ۲۳ در ضمن مجموعه ، ص ۵۹ .

۳- [۳] . بیرونی ، الآثار الباقیه ، ص ۴۲۹ .

۴- [۴] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجد ، ص ۷۵۸ .

۵- [۵] . ابن ادریس ، السرائر ، ج ۱ ، ص ۴۱۸ .

۶- [۶] . سید ابن طاووس ، الاقبال ، ج ۲ ، ص ۳۶۸ .

۷- [۷] . علی بن یوسف حلی ، العدد القویه ، ص ۳۰۸ .

۸- [۸] . شیخ بهائی ، توضیح المقاصد ، ص ۳۲ در ضمن مجموعه ، ص ۵۴۵ .

۹- [۹] . محدث قمی ، فیض العلام ، ص ۱۲۸ .

۹ . شیخ جعفر نقدی ، متوفّای ۱۳۷۰ ق .(۱)

۱۰ . شیخ ذبیح اللّه محلاتی ، متوفّای ۱۴۰۵ ق .(۲)

۴ . مکان خاتم بخشی

روایات صریح هستند که خاتم بخشی در مدینه منورّه ، در مسجد النّبی اتّفاق افتاده است ، چنانکه در بخش آغازین این بخش از ابوذر غفاری نقل کردیم(۳) ولی سید ابن طاووس از کتاب « النَّشر والطَّیّ » به نقل از حذیفه روایت کرده که این واقعه در مسجد الحرام اتفاق افتاده است(۴) اگر این نقل درست باشد ، باید در نیمه اول ذیحجه الحرام اتفاق افتاده باشد ، زیرا در ۲۴ ذیحجه بی گمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام در مدینه بودند و حادثه تاریخی مباهله در آن روز در مدینه رخ داده بود .

۵ . کتابنامه خاتم بخشی

علاوه بر صدها منبع تفسیری و حدیثی که در موضوع خاتم بخشی سخن گفته ، آثار مستقلی نیز در این رابطه تألیف شده ، که از آن جمله است :

۱ . بغیه الطالب فی سبب نزول : « إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ » ، از ابن ابی الرجال ، قاضی احمد بن صالح صنعانی ، متوفّای ۱۱۹۲ ق . ـ مخطوط ـ .

۱- [۱] . نقدی ، الانوار العلویه ، ص ۱۲۵ .

۲- [۲] . محلاتی ، قلائد النحور ، ص ۴۲۶ .

۳- [۳] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۴ ، ص ۸۰ .

۴- [۴] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۲۴۱ .

۲ . رساله فی قوله تعالی : « إِنَّما وَلِیُّکَمُ اللّهُ » ، از محمّد بن احمد بن محمّد بن احمد ابراهیم ، آل عصفور بحرانی ، متوفّای ۱۲۵۷ ق . _ مخطوط _ .

۳ . الهدایه فی تفسیر آیه : « إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ » ، از عبداللّه بن نجم الدین قندهاری ، متوفّای ۱۳۱۱ ق . _ مخطوط _ .

۴ . تحفه الاخوان فی اثبات الولایه وتفسیر آیه : « إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ » ، از مصطفی بن مرتضی خوئی ، چاپ ۱۳۵۰ ق .

۵ . تفسیر آیه : « إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ » ، از سید عبدالحسین شرف الدین ، متوفّای ۱۳۷۷ ق . _ مخطوط _ .

۶ . تفسیر آیه : « إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ » ، از سید محمّدسعید عبقاتی ، متوفّای ۱۳۸۷ ق . _ مخطوط _ .

۷ . آیه الولایه « إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ » ، از سید علی میلانی ، چاپ ۱۴۲۱ ق . قم .

۸ . بحث و تحقیق در آیات ولایت و خلافت ، از ابوالفضل داورپناه ، رساله دکترای دانشکده الهیات ، دانشگاه تهران ، ۱۳۴۳ ش . ۲۴۵ صفحه .

۶ . ارزش مالی انگشتری

بدون تردید مقبول واقع شدن خاتم بخشی و نزول آیه در مورد آن ، به عظمت معنوی ، جایگاه روحی و اخلاص درونی امیرمؤمنان علیه السلام مربوط می شود ، ولی گفته می شود که این انگشتری از نظر ارزش ریالی نیز بسیار ارزشمند بود .

البته با توجّه به زهد خاص و قناعت ذاتی آن حضرت استفاده از یک چنین انگشترِی گران قیمت صحیح به نظر نمی رسد ، جز این که حدیثی از امام صادق علیه السلام رسیده که آن را توجیه می کند .

عمار ساباطی از آن حضرت روایت کرده که فرمود :

آن انگشتری که امیرمؤمنان علیه السلام آن را تصدّق نمود ، چهار مثقال نقره بود و نگین آن پنج مثقال وزن داشت و یاقوت سرخ بود و ارزش آن با خراج شام برابری می کرد .

این انگشتری از آنِ مروانِ بن طَوق بود ، هنگامی که وی در یکی از جنگها به دست آن حضرت کشته شد ، آن را از دست وی در آورد و به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورد ، حضرت دستور داد که آن را در انگشت خود قرار دهد . پس انگشتری در دست مبارک آن حضرت بود که سائل آمد و اظهار حاجت کرد و امیرمؤمنان در حال رکوع آن را به سائل تصدّق نمود .(۱)

از غزالی نقل شده که در کتاب « سِرّ العالمین » گفته :

آن انگشتری که امیرمؤمنان علیه السلام در حال رکوع تصدّق نمود ، انگشترِی حضرت سلیمان بن داود بود .(۲)

این سخن نمی تواند درست باشد ، زیرا انگشتری حضرت سلیمان جزء ودایع انبیاست و اینک در دست حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه می باشد .

ص:۲۴۵

۱- [۱] . بحرانی ، تفسیر البرهان ، ج ۴ ، ص ۴۳۴ .
۲- [۲] . همان ، ص ۴۳۵ .

۷ . خطبه روز خاتم بخشی

شهاب الدین احمد بن جلال الدین ایجی شافعی ، از علمای قرن نهم در کتاب ارزشمند : « توضیح الدلائل علی ترجیح الفضائل »(۱) خطبه بسیار فصیح و بلیغی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده ، که آن را به هنگام تصدّق امیرمؤمنان و نزول آیه : « إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ » ایراد فرموده است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از حمد و ثنای پروردگار پس از استناد به آیاتی از قرآن کریم ، از فضایل امیرمؤمنان و خاندان عصمت و طهارت ، وجوب مودّت ذوی القربی و حوادث جانگدازی که در انتظار اهل بیت علیهم السلام است خبر داد ، به ده منقبت از مناقب ویژه آنها اشاره فرمود .(۲)

ص:۲۴۶

۱- [۱] . بخش عظیمی از این کتاب اخیراً تحت عنوان : « فضائل الثّقلین » در تهران چاپ و منتشر شده است .

۲- [۲] . ایجی ، فضائل الثّقلین ، ص ۲۴۸ .

۳ _ مؤاخات

اشاره

قرآن کریم مؤمنان را برادر یکدیگر قرار داده ، فرموده :

« إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ » ؛

به راستی مؤمنان برادر _ یکدیگر _ هستند .(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چندین بار در میان مسلمانان برادری ایجاد کرد : یکبار در مکّه در میان مهاجران

یکبار در مدینه در میان مهاجران و انصار

و یکبار دیگر در میان خواصّ اصحاب .(۲)

در این مورد افراد را بـا افراد متنـاسب با شخصـیّت خود برادر نمود ، مثلاً ابوبکر را با عمر ،(۳) سـلمان را با ابودرداء ، زبیر را با کعب بن مالک ، حمزه را با زید ، ابوطلحه را با ابوعبیده ، عوف بن مالک را با صعب بن

۱- [۱] . سوره حجرات ، آیه ۱۰ .

۲- [۲] . تلمسانی ، الجوهره ، ص ۶۴ .

۳- [۳] . ابن صبّاغ ، الفصول المهمّه ، ص ۳۸ .

جثامه و عبدالرّحمن بن عَوف را با سعد بن ربیع .(۱)

ولی هرگز علی علیه السلام را با احدی برادر نکرد ، بلکه خطاب به او فرمود :

أَنْتَ أخی وَصاحِبی ؛

تو برادر و یار من هستی .(۲)

تاریخ مؤاخات

اشاره

با توجّه به تکرار این واقعه ، دو تاریخ برای روز وقوع آن در منابع یاد شده است :

۱) عید غدیر

۲) روز مباهله

محدّث قمی در ضمن شمارش رخدادهای روز غدیر ، به هنگام شمردن حوادثی که در آن روز رخ داد می نویسد :

و رسول خدا صلی الله علیه و آله مابین اصحاب برادری افکند .(۳)

در دائره المعارف تشیّع نیز آمده است :

در این روز پیامبر صلی الله علیه و آله بین اصحاب خود عقد اخوّت بست .(۴)

محدّث قمی در آخرین فراز از اعمال روز غدیر می نویسد :

جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مابین اصحاب خود برادری افکنده و لهذا شایسته است در این روز عقد اخوّت با اخوان مؤمنین .

۱- [۱] . ابن أبی شیبه ، المصنَّف ، ج ۶، ص ۲۶۵ .

۲- [۲] . همان ، ج ۷، ص ۵۰۷ .

۳- [۳] . محدّث قمّی ، فیض العلاّم ، ص ۱۲۵ .

۴- [۴] . بوترابی ، دائره المعارف تشیّع ، ج ۱۱ ، ص ۵۲۸ .

سپس می نویسد :

و کیفیّت آن به نحوی که شیخ ما (محدّث نوری) در مستدرک وسائل از کتاب « زاد الفردوس » نقل کرده چنین است که بگذارد دست راست خود را بر دست راست برادر مؤمن خود و بگوید : « واخَیْتُکَ فِی اللّه ِ ... » .

پس از نقل صیغه عقد اخوّت می افزاید :

محدّث فیض نیز در خلاصه الأذکار صیغه اخوّت را قریب به همین نحو ذکر کرده است .(۱)

نقل دیگر این است که این واقعه شکوهمند در روز مباهله اتّفاق افتاده است .

علاّمه مجلسی در دائره المعارف بحار الانوار ، از مناقب ابن مغازلی به نقل از انس نقل کرده که گفت :

چون روز مباهله فرارسید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان مهاجران و انصار برادری بست .

علی علیه السلام در برابر دیدگان آن حضرت ایستاده بود ، او را با کسی برادر نکرد .

پس علی علیه السلام با دیدگان اشک آلود بازگشت ...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بلال را به دنبال او فرستاد ، چون به حضور رسید ، پرسید : چرا اشک ریختی ؟ عرضه داشت :

۱- [۱] . محدّث قمی ، مفاتیح الجنان ، آخرین فراز از اعمال عید غدیر .

در میان مهاجران و انصار عقد برادری بستی ، من در برابر دیدگان شما ایستاده بودم ، مرا با کسی برادر نکردی .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

من تو را برای خودم نگهداشتم ، آیا خرسند نیستی که برادر پیامبر خود باشی ؟

عرضه داشت : چرا یا رسول اللّه ، چه شرفی بالاتر از این برای من . آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و او را به فراز منبر برد و فرمود :

اَللّهُمَّ هذا مِنّی وَأَنَا مِنْهُ ،

اَلا إِنَّهُ مِنّی بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ مُوسی ،

اَلا مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَوْلاهُ ؛

خدایا او از من است و من از اویم .

او نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی است .

هر کسی را که من مولی (سرپرست و اولی به نفس) باشم این علی نیز مولای اوست .

پس علی علیه السلام شادان و خرامان بازگشت ، عمر بن خطاب به دنبالش رفت و گفت : به به ، ای ابوالحسن ، مولای من و هر فرد مسلمان شدی .(۱)

این حدیث شریف را به همین تعبیر ابن بِطریق نیز از کتاب مناقب ابن المغازلی نقل کرده است(۲) جز این که در نسخه چاپی مناقب ، این

۱- [۱] . مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۳۸ ، ص ۳۴۳ .
۲- [۲] . ابن بِطریق ، العمده ، ح ۲۶۲ .

حدیث سقط شده ، در چاپ جدید آن ، این حدیث شریف را از عمده ابن بِطریق استدراک نموده اند .(۱)

منابع احادیث مؤاخات

سید هاشم بحرانی ، صاحب غایه المرام در مورد احادیث مؤاخات می نویسد :

احادیث مؤاخات در منابع فریقین _ شیعه و سنی _ متواتر است .(۲)

و لذا نیازی به نقل منابع فراوان نیست ، فقط به شماری از منابع اهل سنت اشاره می کنیم :

۱ . المصنَّف ابن أبی شیبه ، متوفّای ۲۳۵ ق . ج ۷ ، ص ۵۰۷ .

۲ . فضائل الصّحابه ، احمد حنبل ، متوفّای ۲۴۱ ق . ج ۲ ، ص ۸۲۴ .

۳ . الإستیعاب ، ابن عبد البرّ ، متوفّای ۴۲۶ ق . ج ۳ ، ص ۲۰۲ .

۴ . مناقب علی بن ابی طالب ، ابن المغازلی ، متوفّای ۴۸۳ ق . ص ۳۷ (چاپ جدید ص ۹۹) .

۵ . مناقب خوارزمی ، اخطب خوارزم ، متوفّای ۵۶۸ ق . ص ۱۴۰ .

۶ . العمده ، ابن بطریق ، متوفّای ۶۰۰ ق . ح ۲۶۲ .

۷ . الجوهره فی نسب الامام علی وآله ، تلمسانی ، متوفّای بعد از ۶۴۵ ق . ص ۶۴ .

۸ . تذکره الخواصّ ، سبط ابن جوزی ، متوفّای ۶۵۴ ق . ج ۱ ، ص ۲۱۸ .

۱- [۱] . ابن مغازلی ، مناقب أهل البیت ، ص ۹۹ .

۲- [۲] . بحرانی ، البرهان ، ج ۹ ،ص ۱۴۵ .

۹ . کفایه الطّالب ، گنجی شافعی ، متوفّای ۶۵۸ ق . ص ۱۹۳ .

۱۰ . ذخائر العقبی ، محبّ الدّین طبری ، متوفّای ۶۹۴ ق . ج ۱ ، ص ۳۰۳ .

۱۱ . الفصول المهمّه ، ابن صبّاغ مالکی ، متوفّای ۸۵۵ ق . ص ۳۸ .

۱۲ . فضائل الثّقلین ، شهاب الدّین أیجی ــ قرن نهم ــ ص ۲۶۰ .

پیشینه مؤاخات

برادری امیرمؤمنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشینه بس دراز دارد و به خلقت نورانی آنان برمی گردد و لذا جابر بن عبداللّه انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهروایت می کند که در شب معراج مشاهده فرمودند که بر درِ بهشت نوشته شده :

لا اله الاّ اللّه ، محمّد رسول اللّه ، علی أخو رسول اللّه .(۱)

در حدیث دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

این جمله ۲۰۰۰ سال پیش از خلقت آدم نوشته شده است .(۲)

ادامه مؤاخات

بسیاری از دوستی ها تبدیل به دشمنی و خصومت می شود ، چنانکه خداوند می فرماید :

« الْأَخِلاّءُ یَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ » ؛

دوستان در آن روز برخی دشمن برخی هستند .(۳)

۱- [۱] . احمد بن حنبل ، فضائل الصّحابه ، ج ۲ ، ص ۸۲۷ ، ح ۱۱۳۴ .
۲- [۲] . همان ، ص ۸۳۲ ، ح ۱۱۴۰ .
۳- [۳] . سوره زخرف ، آیه ۶۷ .

ولی اخوّت و برادری امیرمؤمنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از عالم اَلَست آغاز شده ، در جهان آفرینش ادامه یافته ، در عالم برزخ ، روز رستاخیز و در بهشت برین نیز تداوم خواهد داشت .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یک حدیث هنگامه رستاخیز را ترسیم نموده ، در پایان می فرماید :

ثُمَّ يُنادِی الْمُنادی مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ : نِعْمَ الْأَبُ أَبُوكَ اِبْراهيمُ ، وَنِعْمَ الْأَخُ أخُوكَ عَلِيٌّ ؛

آنگاه منادی از زیر عرش بانگ برمی آورد که پدرت ابراهیم چه پدر خوبی و برادرت علی چه برادر خوبی می باشند .(۱)

و در حدیث دیگری می فرماید :

وَأَنْتَ مَعی فی قَصْری مَعَ فاطِمَهَ اِبْنَتی وَأَنْتَ أخی وَرَفيقی؛

تو نیز همراه دخترم فاطمه در قصر من با من هستی ، تو برادر و دوست من هستی .(۲)

آسمانی بودن مؤاخات

اگرچه همه افعال و اقوال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخاسته از منبع وحی می باشد ، ولی در اینجا نصّ صریح داریم که این برادری را خداوند منّان بین امیرمؤمنان و خاتم پیامبران ایجاد فرموده است :

۱- [۱] . احمد حنبل ، فضائل الصّحابه ، ج ۲ ، ص ۸۲۵، ح ۱۱۳۱ .
۲- [۲] . همان ، ص ۸۲۹، ح ۱۱۳۷ .

در لیله المبیت ، یعنی آن شبی که امیرمؤمنان در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خوابید که اگر دشمن بریزد و جانِ پیامبر را نشانه برود ، جان او سپر جان پیامبر باشد ، در همان شب خداوند منّان به جبرائیل و میکائیل فرمود :

من در میان شما برادری ایجاد کردم و عمر یکی را طولانی تر از دیگری قرار دادم ، کدامیک از شما حاضر است عمر اضافی خودش را به دیگری ایثار کند .

هر دو عمر طولانی را برای خود برگزیدند .

آنگاه خطاب شد :

اَفَلا کُنْتُما مِثْلَ عَلِیٍّ بْنِ أَبی طالِبٍ ؟ آخَیْتُ بَیْنَهُ وَبَیْنَ مُحَمَّدٍ ، فَباتَ عَلی فِراشِهِ یَفْدیهِ بِنَفْسِهِ وَیُؤْثِرُهُ بِالْحَیاهِ ؛

چرا همانند علی بن ابی طالب نشدید ، که من میان او و محمّد صلی الله علیه و آله برادری قرار دادم ، پس او به جای پیامبر در بسترش خوابید تا خود را فدای او سازد و حیات خود را به او ایثار نماید .

آنگاه به آنها فرمان داد که روی زمین فرود آیند و از آن حضرت در برابر دشمنان محافظت نمایند .(۱)

انحصاری بودن مؤاخات

از نکات مهم در این مؤاخات انحصاری بودن آن است ، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جز امیرمؤمنان با هیچ شخص دیگری عقد اخوّت نبست ، و لذا

۱- [۱] . گنجی شافعی ، کفایه الطّالب ، ص ۲۳۹ .

امیرمؤمنان در مناشده خود در روز شورا به اصحاب شورا فرمود :

اُنْشِدُکُمْ بِاللّه ِ ، هَلْ فیکُمْ اَحَدٌ آخی رَسُولُ اللّه ِ بینه وبینه _ اذ آخی بین المسلمین _ غیری ؟

قالوا : اللهم لا ؛

شما را به خدا سوگند می دهم : آیا به جز من در میان شما کسی هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بین او و خودش برادری قرار داده باشد ، در آن روزی که در میان مسلمانان عقد برادری بست ؟

همه گفتند : به خدا سوگند نه .(۱)

ابن عبدالبرّ به دنبال این حدیث می نویسد :

از طُرُق مختلف برای ما روایت شده که علی علیه السلام همواره می فرمود :

اَنَا عَبْدُ اللّه ِ وَأَخُو رَسُولِ اللّه ِ ، لا یَقُولُها أَحَدٌ اِلّا کَذّابٌ ؛

من بنده خدا و برادر رسول خدا هستم ، به جز من کسی این ادّعا را نمی کند ، جز اینکه دروغگو باشد .(۲)

تعدّد مؤاخات

در بخش آغازین این سخن گفتیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حدّاقل سه بار در میان مهاجران ، مهاجران و انصار و خواصّ اصحاب عقد اخوّت بسته است .(۳)

۱- [۱] . ابن عبد البرّ ، الاستیعاب ، ج ۳ ، ص ۲۰۲ .

۲- [۲] . همان .

۳- [۳] . تلمسانی ، الجوهره ، ص ۶۴ .

یکی از شواهد تعدّد و تکرار این واقعه ، نوع چینش افراد در این عقد اخوّت ها می باشد ، مثلاً در یک واقعه چینش افراد اینگونه بود :

۱) ابوبکر با عمر ؛ ۲) عثمان با عبدالرّحمن بن عَوف ؛ ۳) طلحه با زبیر ؛ ۴) ابوذر با مقداد ؛ ۵) حضرت علی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله .(۱)

در واقعه ای دیگر به شرح زیر بود :

۱) سلمان با ابودرداء ؛ ۲) زبیر با کعب بن مالك ؛ ۳) حمزه با زید ؛ ۴) ابوطلحه با عبیده ؛ ۵) عوف بن مالك با صعب بن جثامه ؛ ۶) عبدالرّحمن بن عَوف با سعد بن ربیع ؛ ۷) امیرمؤمنان با خاتم رسولان .(۲)

بر این اساس مشکل اختلاف زمانی نیز حلّ می شود ، به این معنی که یکی در عید غدیر و دیگری در روز مباهله اتّفاق افتاده است .

بدل سازی

اشاره

معاویه برای مقابله با فضائل امیرمؤمنان علیه السلام چند راه برگزید :

۱) به همه والیان خود بخشنامه نوشت که هر کس فضیلتی در مورد ابوتراب نقل کند ذمّه ام از او بری می باشد .

زیاد بن ابیه را به ولایت کوفه نصب کرد ، شیعیان را زیر هر سنگی پیدا کردند بیرون کشیدند ، دست و پایشان را قطع کردند ، بر دیدگانشان میل کشیدند و به دار آویختند .

۲) به همه فرمانداران بخشنامه نوشت که شهادت پیروان حضرت

۱- [۱] . ابن صبّاغ مالکی ، الفصول المهمّه ، ص ۳۸ .

۲- [۲] . ابن أبی شیبه ، المصنَّف ، ج ۶ ، ص ۲۶۵ .

علی و اهل بیت او را در هیچ محکمه ای قبول نکنید .

۳) به همه والیان بخشنامه نوشت که هر کس چیزی در فضایل و مناقب عثمان روایت کند ، او را به خود نزدیک کنید ، به او صله بدهید و نامش را در دفتری ثبت کنید .

پس هر فرد بی سر و پایی در فضایل عثمان چیزی نقل می کرد مقرّب درگاه می شد ، عطایا و هدایای معاویه به سویش سرازیر می شد .

۴) چون فضایل عثمان در هر کوی و برزن شایع شد ، بخشنامه دیگری نوشت که فضایل او از حدّ گذشت ، بعد از این در مورد دو خلیفه اوّلی و دوّمی فضیلت نقل کنید ، هیچ فضیلتی را در مورد ابوتراب فرونگذارید جز اینکه همانند آن را در مورد خلفا جعل کنید ، که این برای من محبوب تر و برای دیدگانم روشنایی بخش تر و در برابر استدلالهای شیعیان شکننده تر و از نقل فضایل عثمان بر آنها سخت تر است .

پس روایات فراوان در فضایل اصحاب جعل شد ، در منبرها برای مردم نقل شد ، کتاب ها و دفترها تدوین گردید ، به مکتب دارها داده شد تا در مکتب به کودکان بیاموزند .

پس این روایات جعلی ، همانند آیات قرآن در مکتب ها تعلیم می شد ، به کودکان ، نوباوگان ، غلامان ، کنیزان ، زنان و مردان آموزش داده می شد .

این شیوه سالیان متمادی در تمام بلاد اسلامی رواج داشت .(۱)

ابن ابی الحدید معتزلی پس از نقل این مطالب از کتاب « الأحداث »

۱- [۱] . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۱ ، ص ۴۴ .

مداینی ، چند نمونه از این فضایل جعلی ، مناقب بدلی و روایات تقلّبی را نقل کرده ، که از آن جمله است : حدیث مجعول :

لَوْ کُنْتُ مُتَّخِذاً خَلیلاً لاَتَّخَذْتُ أبابَکْرٍ خَلیلاً وَلکِنْ أخی وَصاحِبی ؛

اگر قرار بود من کسی را دوست خود اخذ کنم ، حتماً ابوبکر را به عنوان دوست برمی گزیدم ، ولی او برادر و یار من می باشد .(۱)

اینک یکی از پیروان معاویه که به این حدیث جعلی و تقلّبی استناد کرده است :

نقد ابن حَزم

ابن حزم اندلسی ، متوفّای ۴۵۶ ق . حدیث تقلّبی فوق را در کتاب خود آورده ، سپس می گوید :

این حدیث تنها حدیثِ صحیح می باشد و به جز آن حدیث دیگری صحیح نمی باشد ! !

امّا داستان برادری علی جز از طریق سهل بن حنیف صحیح نمی باشد .(۲)

علاّمه امینی حدیث مؤاخات امیرمؤمنان با خاتم پیامبران را از ۵۰ منبع مورد اعتماد و استناد اهل سنّت روایت کرده ، اسناد آن را تا امیرمؤمنان ، انس بن مالک ، ابوذر غفاری ، جابر بن عبداللّه انصاری ، زید بن ارقم ، سعید بن

۱- [۱] . همان ، ص ۴۹ .

۲- [۲] . ابن حزم ، الفِصَل فی الملل والنحل ، ج ۴ ، ص ۱۴۷ .

مسیب ، زیـد بن ابی أوفی ، عبـداللّه بن أبی أوفی ، عبـداللّه بن عمر ، عـامر بن ربیعه ، محـدوج بن زیـد ، عمر بن خطاب ، ابن عباس و ابو أمامه نقل کرده ، تصریح بسیاری از مفسّران، محدّثان، مورّخان و سیره نویسان را آورده است .(۱)

بیانات شفاف او هیچ نیازی به توضیح ندارد ، ولی نکته مهمّی در سخنان ابن حزم هست که احتیاج به توضیح دارد :

ابن حزم بـا تضـعیف احادیث مؤاخات دشـمنی دیرینه اش را با خانـدان عصـمت و طهارت ابراز کرده ، ولی توجّه نکرده که با ادّعـای حـدیث تقلّبی خـود در حـقّ ابوبکر ، مورد تکـذیب پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله قرار گرفته است ، زیرا علاـوه بر حدیث مولای متّقیان که فرمود :

من بنده خدا و برادر رسول خدا هستم ، پس از من هر کس چنین ادّعایی کند دروغگو می باشد .(۲)

پیامبر اکرم نیز پس از تعبیر :

« أَنْتَ أخی وَأَنَا أخُوکَ » فرمود :

اِنْ ذاکَرَکَ أحَدٌ فَقُلْ : أَنَا عَبْدُ اللّه ِ وَأخُو رَسُولِهِ ، وَلا یَدَّعیها بَعْدی اِلّا کَذّابٌ مُفْتَرٍ ؛

اگر کسی با تو مذاکره کند پس بگو :

من بنده خدا و برادر رسول خدا هستم ، پس از من هر کس چنین ادّعایی بکند دروغگو و افتراپرداز می باشد .(۳)

ص:۲۵۹

۱- [۱] . امینی ، الغدیر ، ج ۳ ، ص ۱۶۱ _ ۱۸۱ .
۲- [۲] . ابن عبدالبرّ ، الاستیعاب ، ج ۳ ، ص ۲۰۲ .
۳- [۳] . أیجی ، فضائل الثّقلین ، ص ۲۶۱ .

خِتامُهُ مِسْکٌ

این سخن را با نقل فرازی از سبط ابن جوزی حُسن خِتام می بخشیم :

سبط ابن جوزی از دار قُطنی نقل کرده که یکی از روایات اخوّت را تضعیف کرده و گفته : میسره بن حبیب و حَکَم ضعیف هستند .

سبط در نقد آن می گوید :

حدیث که احمد حنبل در کتاب « فضائل الصّحابه » آورده نه میسره در سند آن هست و نه حکم .

سپس گفته :

احمد حنبل پیشوای این فنّ است ، هر کجا که حدیثی نقل کند باید آن را پذیرفت ، زیرا او پیشوای زمان و یگانه دوران بوده ، برای همه همگِنان خود برتری داشت .

او تک سوار این میدان است و کسی نمی تواند با او برابری کند .(۱)

آنگاه از کتاب فضائل الصحابه نقل می کند که احمد حنبل از جابر بن عبداللّه از پیامبر اکرم روایت کرده که فرمود :

یا علی ! سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست ، بر در بهشت نوشته شده :

لا إله الاّ اللّه ، محمّد رسول اللّه ، علیّ بن ابی طالب أخو رسول اللّه .

۱- [۱] . سبط ابن جوزی ، تذکره الخواصّ ، ج ۱ ، ص ۲۲۲ .

سپس فرمود :

این سخن ۲۰۰۰ سال پیش از آفرینش آسمانها و زمین ها نوشته شده است .(۱) .

ص:۲۶۱

۱- [۱] . همان ؛ احمد حنبل ، فضائل الصّحابه ، ج ۲ ، ص ۸۳۲ ، ح ۱۱۴۰ .

۴ _ میلاد مسعود حضرت ابوطالب علیه السلام

اشاره

جمعی از شیعیان شیفته و ارادتمندان دلباخته حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در اسلام آباد پاکستان ، تقویم مهدویِ ارزشمندی به زبان اردو منتشر می کنند ، که با همه تقویم های رایج دنیا متفاوت است ، زیرا همه تقویمهای دنیا براساس آغاز سال شمسی ، قمری و یا میلادی می باشد ، ولی این تقویم براساس میلاد مسعود حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه سامان یافته است .

این تقویم : « نور دطائری » نام دارد .

یکی از عزیزان ، یک نسخه از این تقویم را که از نیمه شعبان ۱۴۲۹ تا نیمه شعبان ۱۴۳۰ ق . تنظیم شده بود ،(۱) برای اینجانب هدیّه آورد .

ص:۲۶۳

۱- [۱] . چه ابتکار جالبی ، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید : در شب نیمه شعبان خوابیده بودم ، جبرئیل آمد و گفت : یا محمّد ! آیا در چنین شبی می خوابی ؟ گفتم : مگر امشب چه شبی است ؟ گفت : امشب شب نیمه شعبان است ، برخیز . پس مرا به بقیع برد و گفت : سرت را بالا بگیر ، که امشب درهای آسمان باز می شود ، درهای رحمت ، رضوان ، مغفرت ، فضل ، توبه ، نعمت ، جود و احسان امشب گشوده می شود . امشب خداوند به تعداد پشمهای چهارپایان از آتش جهنم آزاد می کند ، اجل ها امشب نوشته می شود ، ارزاق تا یک سال تقسیم می شود و حوادث یک سال در آن نازل می گردد . [سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال : ۳ / ۳۲۰] .

هنگـامی که آن را ورق می زدم ، بـا روز میلاـد مسـعود حضـرت ابوطـالب علیه السـلام مصادف شـدم ، که آن را در روز ۲۴ ذیحجه ، همزمان با روز مباهله ثبت کرده بود . به این بهانه بحثی فشـرده پیرامون فضایل و مناقب آن شخصیّت بی نظیر تاریخ ، بزرگ حامی پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله ، آخرین وصـی حضـرت ابراهیم خلیل علیه السلام ، پدر والامقام مولای متّقیان امیرمؤمنان علیه السلام ، به خوانندگان گرامی تقدیم نموده ، صفحه زرّینی بر صفحات درخشانِ روز مباهله می افزاییم .

ص:۲۶۴

سیمای درخشان حضرت ابوطالب علیه السلام

نام ابوطالب علیه السلام

حضرت ابوطالب با کنیه ، معروف و نام نامی اش « عبدمناف » بود .(۱) نقل دیگر ، « عمران » است که صاحب عمـده ، آن را تضعیف کرده است .(۲)

آخرین حجت در عهد فترت

علاّمه مجلسـی می فرماید : « شـیعیان درباره حضرت ابوطالب اجماع کرده اند که وی در آغاز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وی ایمان آورد ، هرگز بتی را نپرستید ؛ بلکه از اوصیای حضرت ابراهیم علیه السلام بود .(۳)

شیخ صدوق می فرماید : روایت شده که عبدالمطّلب حجّت بود و ابوطالب وصیِّ او بود .(۴)

ص:۲۶۷

۱- [۱] . بلاذری ، انساب الاشراف ، ج ۲ ، ص ۲۸۸ .

۲- [۲] . ابن عنبه ، عمده الطالب ، ص ۲۰ .

۳- [۳] . علاّمه مجلسی ، مرآت العقول ، ج ۵ ، ص ۲۳۵ .

۴- [۴] . شیخ صدوق ، العقاید ، ص ۱۱۶ .

علاّمه امینی می نویسد که از امیرمؤمنان علیه السلام پرسیدند : آخرین وصی پیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه کسی بود ؟ فرمود : پدرم .(۱)

اصبغ بن نباته گوید که از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم : پدرم (ابوطالب) و نیاکانم : عبدالمطّلب ، هاشم و عبدمناف ، هرگز بت نپرستیدند . گفته شد : پس چه چیزی را می پرستیدند ؟ فرمود :

کانُوا یُصَلُّونَ اِلَی البَیْتِ ، عَلَی دِینِ اِبْرَاهِیمَ علیه السلام ، مُتَمَسِّکِینَ بِهِ ؛(۲)

به سوی کعبه نماز می خواندند ، بر دین حضرت ابراهیم علیه السلام و متمسّک به آن بودند .

از امام کاظم علیه السلام پرسیدند : آیا حضرت ابوطالب بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز حجّت بود ؟ فرمود :

لاَ ، وَلکِنَّهُ کانَ مُسْتَوْدَعاً لِلْوَصایا ، فَدَفَعَها اِلَیْهِ ؛(۳)

نه ، بلکه امانتدارِ وصایا بود ، پس آنها را به آن حضرت تسلیم کرد .

علاّمه مجلسی در شرح این حدیث شریف می فرماید : منظور از « وصایا » کتابهای پیامبران ، عصای حضرت موسی علیه السلام ، انگشتریِ حضرت سلیمان علیه السلام و امثال آنهاست .(۴)

۱- [۱] . علاّمه امینی ، الغدیر ، ج ۷ ، ص ۵۲۴ .
۲- [۲] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۱۷۴ .
۳- [۳] . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۴۴۵ .
۴- [۴] . علاّمه مجلسی ، مرآت العقول ، ج ۵ ، ص ۲۲۵ .

حضرت ابوطالب فصل مفصّلی در مدح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن گفته ، در پایان می افزاید :

وَلَقَدْ کانَ اَبی یَقْرَأُ الْکُتُبَ جَمِیعاً ، وَلَقدْ قالَ : إِنَّ مِنْ صُلْبِی لَنَبِیّاً وَلَودَدْتُ اَنّی اَدْرَکْتُ ذلِکَ الزَّمانَ فَآمَنْتُ بِهِ ، فَمَنْ اَدْرَکَهُ مِنْ وُلْدِی فَلْیُؤْمِنْ بِهِ ؛(۱)

پدرم (عبدالمطّلب) همه کتابها [ی آسمانی] را می خواند و می گفت که پیامبری از صلب من خواهد بود . چقدر مشتاقم که زمان او را درک کنم ، پس به او ایمان آورم ، هر کس از فرزندانم او را درک کند ، حتماً به او ایمان بیاورد .

هنوز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۰ ساله بود که ابوطالب علیه السلام فرمود :

وَلَقَدْ أَنْبَأَنی أَبی : عَبْدُ المُطَّلِبُ بِاَنَّهُ النَّبِیُّ المَبْعُوثُ ، وَاَمَرَنی اَنْ اَسْتُرَ ذلِکَ لِئَلّا یَغْرِیَ بِهِ الْأَعْداءُ ؛(۲)

پدرم عبدالمطّلب به من خبر داده بود که او همان پیامبر است که مبعوث خواهد شد ، و به من امر فرمود که آن را پوشیده بدارم تا به این سبب ، دشمنان ، علیه او شورش نکنند .

حضرت ابوطالب در فرازی از خطبه عقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با خدیجه کبری علیهاالسلام فرمود :

وَهُوَ وَاللّه ِبَعْدَ هذا لَهُ نَبَأٌ عَظِیمٌ وَخَطَرٌ جَلِیلٌ ؛(۳)

۱- [۱] . سید محمّد بن حیدر عاملی ، بغیه الطالب ، ص ۹۰ .

۲- [۲] . ابن واضح ، تاریخ الیعقوبی ، ج ۲ ، ص ۱۱ .

۳- [۳] . حلبی ، سیره حلبیّه ، ج ۱ ، ص ۱۳۹ .

به خدا سوگند بعد از این برای او [برادر زاده من] ، خبر بزرگ و جایگاه بسیار رفیعی هست .

گذشته از بیان صریح امیرمؤمنان علیه السلام ، پیشگوییهای صریحی که از حضرت ابوطالب و حضرت عبدالمطّلب نقل کردیم ، دلیل روشنی بر این است که آنها مقام وصایت را داشتند و از منطق وحی بهره برده بودند که این گونه با قاطعیت از رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر می دادند .

جالب تر اینکه این پیشگوییها فقط به رسالت خلاصه نمی شد ؛ بلکه درباره ولایت و وصایت امیرمؤمنان علیه السلام نیز نویدهای بسیار شفّافی از حضرت ابوطالب علیه السلام رسیده است :

روز میلاد مسعود حضرت ختمی مرتبت ، حضرت فاطمه بنت اسد به خدمت حضرت ابوطالب رسیده تا ولادت فرخنده آن حضرت را بشارت دهد ، حضرت ابوطالب خطاب به دخت اسد فرمود :

« اِصْبِرِی سَبْتاً أُبَشِّرُكِ بِمِثْلِهِ اِلاَّ النُّبُوَّةَ ؛(۱) سی سال صبر کن تا بشارت نظیر او را به تو بدهم ، به جز نبوّت » .

امام صادق علیه السلام پس از بیان این سخن اضافه می کند که « سبت » به معنای ۳۰ سال است و میان میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با میلاد امیرمؤمنان علیه السلام ۳۰ سال فاصله بود .(۲)

۱- [۱] . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۴۵۲ .

۲- [۲] . همان .

بسیار جالب است که ایشان در یک جمله کوتاه ، از نبوت پیامبر ، تاریخ تولد حضرت علی و همتایی علی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جز در نبوت خبر داده است .

حضرت ابوطالب علیه السلام در شب میلاد مسعود مولود کعبه در کوچه و بازار مکه قدم می زد و می فرمود :

اَیُّهَا النَّاسُ ! وُلِدَ اللَّیْلَهَ فِی الْکَعْبَهِ حُجَّهُ اللّه ِ تَعَالَی وَوَلِیُّ اللّه ِ ... ؛(۱)

هان ، ای مردم ، امشب در کعبه ، حجّت خدا و ولیّ خدا دیده به جهان گشود ... .

مردم جمع شدند و پرسیدند : چه شده ؟ ! فرمود : امشب ولیّی از اولیای الهی متولد شده که همه خیرها به دست او به پایان می رسد و همه شرها به دست او از بین می رود .

حضرت رضا علیه السلام می فرماید : بر نگین انگشتریِ حضرت ابوطالب علیه السلام چنین حک شده بود :

رَضِیتُ بِاللّه ِ رَبّاً ، وَبِابْنِ اَخِی مُحَمَّدٍ نَبِیّاً ، وَبِابْنِی عَلِیٍّ لَهُ وَصِیّاً ؛(۲)

من خدای را به خداوندی ، برادرزاده ام محمّد را به پیامبری ، و پسرم علی را به جانشینی او پسندیدم .

۱- [۱] . ابن شاذان ، الفضائل ، ص ۱۳۳ .

۲- [۲] . سید علیخان کبیر ، الدرجات الرفیعه ، ص ۶۰ .

سیمای ابوطالب در کلام قدسی

امین وحی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت که ای محمّد ! پروردگارت سلامت می رساند و می فرماید :

اِنِّی قَدْ حَرَّمْتُ النَّارَ عَلَی صُلْبٍ اَنْزَلَکَ ، وَبَطْنٍ حَمَلَکَ ، وَحِجْرٍ کَفَلَکَ ؛(۱)

من آتش را حرام کردم بر : صلبی که تو را فرود آورد و بطنی که تو را حمل کرد و آغوشی که تو را کفالت کرد .

فرمود : ای جبرئیل برای من آن را توضیح بده ، پس عرض کرد : منظور از صُلبی که تو را فرود آورد ، صُلب پدرت ، عبداللّه بن عبدالمطّلب است .

منظور از بطنی که تو را حمل کرد ، آمنه بنت وهب است .

منظور از آغوشی که تو را کفالت کرد ، آغوش ابوطالب است .(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جابر بن عبداللّه انصاری فرمود که در شب معراج به عرش رسیدم و چهار نور مشاهده کردم ؛ پرسیدم : خداوندا ! اینها چه نورهایی هستند ؟ خطاب شد : این عبدالمطّلب ؛ این عمویت ابوطالب ؛ این پدرت عبداللّه و این برادرت طالب است .

عرض کردم : خدایا با چه عملی به این مقام رسیده اند ؟ خطاب شد :

بِکِتْمَانِهِمُ الاِیمَانَ ، وَاِظْهَارِهِمُ الکُفْرَ ، وَصَبْرِهِمْ عَلَی ذَلِکَ

۱- [۱] . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۴۴۶ .
۲- [۲] . شیخ صدوق ، معانی الاخبار ، ص ۱۳۷ .

حَتَّی مَاتُوا عَلَیْهِ سَلاَمُ اللّه عَلَیْهِم اَجْمَعِینَ ؛(۱)

با کتمان ایمان ، اظهار کفر و شکیبایی بر آن تا هنگامی که بر آن شیوه درگذشتند . درود خدا بر همه شان باد .

پیک وحی بر قلب شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمد و عرضه داشت : یا محمّد ! پروردگارت سلام می رساند و می فرماید که اصحاب کهف ، ایمان خود را کتمان و اظهار شرک کردند . خداوند به آنها دو بار پاداش عطا کرد .

ابوطالب نیز ایمانش را مکتوم داشت و اظهار شرک کرد . پس خداوند او را دو بار پاداش داد .(۲)

خداونـد منان به خاتم پیامبران چنین وحی فرمود : من تو را با دو گروه از شیعیان یاری می کنم ، یکی تو را مخفیانه و دیگری آشکارا یاری می کند :

۱ . آن که تو را به طور مخفی یاری می کند ، سرور و سالار و برترین آنها ، عمویت ابوطالب است ؛

۲ . آن که تو را آشکار یاری می کند ، سرور و سالارشان ، پسرش علی بن ابی طالب است .(۳)

وقتی حضرت ابوطالب رحلت کرد ، جبرئیل نازل شد و عرضه داشت :

یَا مُحَمَّدُ ! أُخْرُجْ مِنْ مَکَّهَ فَلَیْسَ لَکَ فِیهَا نَاصِرٌ ؛(۴)

ای محمّد ! از مکّه خارج شو ، که دیگر در این شهر یاوری نداری .

۱- [۱] . ابن فتّال نیشابوری ، روضه الواعظین ، ج ۱ ، ص ۱۹۹ .

۲- [۲] . ابن معد ، الحجه علی الذاهب ، ص ۱۰۶ .

۳- [۳] . علاّمه امینی ، الغدیر ، ج ۷ ، ص ۵۳۲ .

۴- [۴] . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۴۴۹ .

شیخ مفید رحمه الله در همین باره می نویسد به طور مستفیض روایت شده است که هنگام ارتحال ابوطالب علیه السلام جبرئیل امین بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و عرضه داشت :

یَا مُحَمَّدُ ! اِنَّ رَبَّکَ یُقْرِءُکَ السَّلاَمَ وَیَقُولُ لَکَ : أُخْرُجْ مِنْ مَکَّهَ فَقَدْ مَاتَ نَاصِرُکَ ؛(۱)

ای محمّد ! پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید : از مکه بیرون رو که یاورت از دنیا رفت .

ابوطالب از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سیمای حضرت ابوطالب را این گونه ترسیم فرمود :

یُحْشَرُ اَبُوطَالِبٍ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فِی زِیِّ الْمُلُوکِ وَسِیمَاءِ الاْنْبِیَاءِ ؛(۲)

روز قیامت ابوطالب در زیّ پادشاهان و به سیمای پیامبران محشور می شود .

درباره شفاعتش در روز رستاخیز فرمود : خداوند درباره چهار نفر به من وعده شفاعت داد : ۱ . پدرم ؛ ۲ . مادرم ؛ ۳ . عمویم ؛ ۴ . و برادری که در عهد جاهلی داشتم .(۳)

۱- [۱] . سید رضی ، الفصول المختاره ، ص ۲۸۲ .
۲- [۲] . شیخ موسی زنجانی ، مدینه البلاغه ، ج ۲ ، ص ۵۷۴ .
۳- [۳] . ابن واضح ، تاریخ الیعقوبی ، ج ۲ ، ص ۲۹ .

و در بیـان دیگری فرمود : اگر در مقام محمود قرار بگیرم ، برای پـدرم ، مادرم ، عمویم و برادری که در زمان جاهلیت داشـتم شفاعت می کنم .(۱)

در حدیث دیگری فرمود : جبرئیل بر من نازل شد و گفت : ای محمّد ! خداوند شفاعت تو را درباره شش تن پذیرفت :

۱ . بطنی که تو را حمل کرد : آمنه بنت وهب .

۲ . صُلبی که تو را فرود آورد : عبد اللّه بن عبدالمطّلب .

۳ . آغوشی که تو را کفالت کرد : ابوطالب .

۴ . خانه ای که تو را پناه داد : عبدالمطّلب .

۵ . برادری که در عهد جاهلی داشتی .

پرسیدند : چه ویژگی داشت ؟ فرمود : آدم سخاوتمندی بود که طعام می داد و عطایا نثار می کرد .

۶ . سینه ای که تو را شیر داد : حلیمه دخت ابی ذؤیب .(۲)

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله هنگام ارتحال حضـرت ابوطالب ، به شدت اندوهگین شد و به امیرمؤمنان علیه السـلام دستور تجهیز داد ؛ چون پیکر مقدسـش بر فراز تابوت قرار گرفت ، خطاب به وی که بر دوش تشییع کنندگان بود ، فرمود : عمو جان ! پیونـد خویشاونـدی با تو گره خورد ، خداونـد به تو جزای خیر دهد ، در کودکی تربیت و کفالت کردی و هنگام بزرگسالی یاری و حمایت کردی ؛ آن گاه دنبال جنازه حرکت کرد

۱- [۱] . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۲۵ .

۲- [۲] . علاّمه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۵ ، ص ۱۰۸ .

و چون به محل دفن رسیدند ، فرمود :

اَمَا وَاللّه ِ لَاَسْتَغْفِرَنَّ لَکَ ، وَلَاَشْفَعَنَّ فِیکَ شَفَاعَهً یَعْجَبُ لَهَا الثَّقَلَانِ ؛(۱)

به خدا سوگند برای تو طلب مغفرت می کنم و در حقّ تو آن گونه شفاعت می کنم که جن و انس از آن دچار شگفتی شوند .

آن جناب درباره تجهیز ابوطالب علیه السلام به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود :

اِذْهَبْ فَغَسِّلْهُ وَکَفِّنْهُ وَوَارِهِ ، غَفَرَ اللّه ُلَهُ وَرَحِمَهُ ؛(۲)

برو غسلش بده ، کفنش کن و دفنش کن ، خداوند او را بیامرزد و رحمت کند .

عباس بن عبدالمطّلب پرسید : ای رسول خدا ! برای ابوطالب چه امید داری ؟ فرمود :

کُلَّ الْخَیْرِ اَرْجُو مِنْ رَبِّی ؛(۳)

برای او امید هر خیری را از پروردگارم دارم .

آن گاه آن حضرت ، وفات او را این گونه ارزیابی کردند :

مَا زَالَتْ قُرَیْشٌ کَاعَّهٌ عَنِّی حَتَّی تُوُفِّیَ اَبُوطَالِبِ ؛(۴)

همیشه قریش از من واهمه داشت ، تا وقتی ابوطالب از دنیا رفت .

۱- [۱] . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۷ ، ص ۷۶ .

۲- [۲] . ابن جوزی ، تذکره الخواص ، ج ۱ ، ص ۱۴۵ .

۳- [۳] . ابن عساکر ، تاریخ دمشق ، ج ۷۰ ، ص ۲۴۹ .

۴- [۴] . همان ، ص ۲۵۱ .

آن گاه درباره جای خالی او می فرمایند :

مَا اَسْرَعَ مَا وَجَدْتُ فَقْدَکَ یَا عَمِّ ؛(۱)

عموجان ! چه زود جای خالی تو را احساس کردم .

و در همین رابطه فرمودند :

مَا نَالَتْ قُرَیْشٌ شَیْئاً اَکْرَهُهُ حَتَّی مَاتَ اَبُوطَالِبٍ ، ثُمَّ شَرَعُوا ؛(۲)

چیزی که دوست نداشتم ، [تـا ابوطـالب زنـده بود ،] قریش نتوانست در حقّ من انجـام دهـد ، پس از وفات او بود که شـروع کردند .

سه روز بعـد از وفات حضرت ابوطالب ، حضـرت خدیجه نیز دار فانی را وداع گفت و بدین سان پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله دو پشتوانه مهمّ خود را از دست داد و آن قدر متأثّر شد که آن سال را « عام الحزن » نامید .(۳)

محبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حدّی بود که به عقیل فرمود :

اِنِّی لَأُحِبُّکَ یَا عَقِیلُ حُبَّیْنِ ، حُبّاً لَکَ وَحُبّاً لِحُبِّ اَبِی طَالِبٍ لَکَ ؛(۴)

ای عقیل ! من تو را به دو جهت دوست دارم : یکی برای خودت ، دیگری برای اینکه ابوطالب تو را دوست می داشت .

۱- [۱] . همان .

۲- [۲] . ابن کثیر ، البدایه والنهایه ، ج ۳ ، ص۱۳۴ .

۳- [۳] . ابن معد ، الحجّه علی الذاهب ، ص ۲۹۲ .

۴- [۴] . شیخ صدوق ، علل الشرایع ، ج ۱ ، ص ۱۳۳ .

از فرازهای نقل شده به خوبی روشن می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره به یاد حمایتهای بی دریغ حضرت ابوطالب بود ، هرگز خوبیهای او را به فراموشی نسپرد ، و از اینرو ، وقتی در مدینه خشکسالی شد و پیامبر ، دعای طلب باران خواند و باران سیل آسا از آسمان فروریخت ، تبسمی کرد و فرمود :

للّه ِ دَرُّ اَبِی طَالِبٍ ، لَوْ کَانَ حَیّاً لَقَرَّتْ عَیْنُهُ ، مَنْ یُنْشِدُنا قَوْلَهُ ؛

خیر کثیر ابوطالب از آن خداست ، اگر زنده بود دیدگانش روشن می شد . کیست که اشعار او را برای ما بخواند ؟

امیرمؤمنان علیه السلام برخاست و اشعار معروف وَاَبْیَضُ یُسْتَسْقَی الْغَمَامُ بِوَجْهِهِ ؛(۱) و انسان رو سفیدی که به وسیله او و از ابر ، طلب باران می شود را انشاد کرد .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر فراز منبر این اشعار را استماع کرد و برای حضرت ابوطالب ، مغفرت طلب کرد . پس مردی از « کنانه » برخاست و قصیده ای در مدح ابوطالب انشاد کرد و مورد تأیید پیامبر قرار گرفت .(۲)

ابوطالب از دیدگاه علی علیه السلام

مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام بیاناتی کافی و شافی در حقّ پدر

۱- [۱] . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۴ ، ص ۸۱ .

۲- [۲] . همان .

بزرگوارشان فرموده اند که به چند فراز از آنها اشاره می کنیم :

اِنَّ نُورَ اَبِی طَالِبٍ یَوْمَ القِیَامَهِ لَیُطْفِی ءُ اَنْوَارَ الْخَلاَیِقِ ، اِلَّا خَمْسَهَ اَنْوَارٍ ؛

روز قیامت نور ابوطالب ، به جز انوار پنج تن ، بر انوار همه مخلوقات چیره می شود .

و در پایان همین حدیث فرمود :

اَلَا اِنَّ نُورَهُ مِنْ نُورِنَا ، خَلَقَهُ اللّه ُمِنْ قَبْلِ خَلْقِ آدَمَ بِأَلْفَیْ عَامٍ ؛(۱)

آگاه باشید که نور ابوطالب از نور ماست ، خداوند دو هزار سال پیش از خلقت حضرت آدم ، آن را آفریده است .

آن حضرت در این باره به اصبغ بن نباته فرمود : پدرم (ابوطالب) و نیاکانم : عبدالمطّلب ، هاشم و عبدمناف ، هرگز بت نپرستیدند ؛ به سوی کعبه نماز می گذاردند ، بر دین ابراهیم و متمسّک به آیین او بودند .(۲)

و در حدیث دیگری فرمود : به خدا سوگند ! ابوطالب (عبد مناف بن عبدالمطّلب) مؤمن و مسلمان بود و از ترس اینکه قریش ، بنی هاشم را نابود کنند ، ایمانش را مخفی می داشت .(۳)

۱- [۱] . کراجکی ، کنز الفوائد ، ج ۱ ، ص ۱۸۳ .
۲- [۲] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۱۷۴ .
۳- [۳] . شیخ حرّ عاملی ، وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۳۱ .

و در حدیث دیگری فرمود :

قَالَ لِی اَبی : یَا بُنَیَّ اِلْزَمْ اِبْنَ عَمِّکَ ، فَإِنَّکَ تَسْلَمُ بِهِ مِنْ کُلِّ بَأْسٍ عَاجِلٍ وَآجِلٍ ؛(۱)

پدرم به من گفت : پسرم ! از پسر عمویت جدا مشو ، که به این وسیله (ملازمت پیامبر) از هر مشکلی در دنیا و آخرت محفوظ می مانی .

و درباره ابراز ایمانش فرمود :

مَا مَاتَ اَبُوطَالِبٍ حَتَّی اَعْطَی رَسُولَ اللّه ِ صلی الله علیه و آله مِنْ نَفْسِهِ الرِّضَا ؛(۲)

ابوطالب از دنیا نرفت ، جز اینکه پیامبر خدا را از خودش خشنود کرد .

معاویه در نامه ای به خدمت مولای متقیان نوشت که ما همگی از تبار عبدمناف هستیم ، یکی بر دیگری برتری ندارد .

مولای متقیان در پاسخ ، نامه پر نکته ای به وی نوشت که به چند فرازش اشاره می کنیم :

۱ . امیّه ، همانند هاشم نبود .

۲ . حرب ، چون عبدالمطّلب نبود .

۳ . ابوسفیان ، چون ابوطالب نبود .

۱- [۱] . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۴ ، ص ۷۵ .

۲- [۲] . همان ، ص ۷۱ .

۴ . مهاجر ، چون طلیق نیست .

۵ . صاحب نسب روشن همانند دخیل در نسب نیست .

۶ . اهل حق ، چون اهل باطل نیست .

۷ . شخص با ایمان ، همانند فرد دغل باز نیست .

۸ . پس از همه اینها ، برتری نبوّت نیز از آنِ ماست که عزیزان را با آن خوار و زبون ، و زبونها را با آن به عزّت رساندیم .(۱)

مولای متقیان ، امیرمؤمنان علیه السلام در سوگ پدر بزرگوارش ، چکامه هایی سروده ، از آن جمله است ، چکامه ای به مطلع ذیل : « اَرِقْتُ لِنُوحٍ آخِرَ اللَّیْلِ غَرَّدَا » .(۲)

و چکامه ای با این مطلع : « اَبَا طَالِبٍ عِصْمَةُ الْاَرَامِلِ » .(۳)

و چکامه دیگری در سوگ ابوطالب و خدیجه با مطلع زیر سروده است : « اَعَیْنَیَّ جُودَا بَارَکَ اللّه ُفِیکُمَا » .(۴)

امیرمؤمنان علیه السلام خوشوقت می شد از اینکه اشعار ابوطالب تدوین و انشاد شود . آن حضرت در این باره می فرمود :

تَعَلَّمُوهُ وَعَلِّمُوهُ اَوْلَادَکُمْ ، فَاِنَّهُ کَانَ عَلَی دِینِ اللّه ِ وَفِیهِ عِلْمٌ کَثِیرٌ ؛(۵)

۱- [۱] . نصر بن مزاحم ، وقعه صفّین ، ص ۴۷۱ .
۲- [۲] . ابن عساکر ، تاریخ دمشق ، ج ۷۰ ، ص ۲۵۵ .
۳- [۳] . ابن جوزی ، تذکره الخواص ، ج ۱ ، ص ۱۴۹ .
۴- [۴] . علاّمه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۵ ، ص ۱۴۳ .
۵- [۵] . همان ، ص ۱۱۵ .

آن را یاد بگیرید و به فرزندان خود بیاموزید که او بر آیین خدا بود و در اشعار وی ، دانش فراوان است .

مولای متقیان می فرماید : چون پدرم به حال احتضار افتاد ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضور پیدا کرد و درباره او بشارتی به من داد که از همه دنیا و آنچه در دنیاست برای من محبوب تر است .(۱)

از دیدگاه امام سجاد علیه السلام

از امام زین العابدین علیه السلام درباره ایمان ابوطالب پرسیدند ، فرمود :

بسیار جای شگفت است [که از ایمان او سؤال شود] ؛ زیرا خداوند ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نهی فرموده بود که اجازه دهد ، زن مسلمانی در حباله نکاح شخص کافر بماند . حضرت فاطمه بنت اسد از سبقت جویان در اسلام بود و تا پایان زندگی ابوطالب در حباله نکاح او بود .(۲)

از دیدگاه امام باقر علیه السلام

از امام باقر علیه السلام درباره حدیث مجعول « ضحضاح » پرسیدند ، فرمود :

لَوْ وُضِعَ اِيمَانُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فِی كَفَّةٍ وَاِيمَانُ هَذَا الْخَلْقِ فِی الْكَفَّهِ الْاُخْرَى ، لَرَجَحَ اِيمَانُهُ ؛(۳)

۱- [۱] . همان ، ص ۱۱۳ .

۲- [۲] . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۴ ، ص ۶۹ .

۳- [۳] . سید علیخان ، الدرجات الرفیعه ، ص ۴۹ .

اگر ایمان ابوطالب علیه السلام را در یک کفّه ترازو بگذارند و ایمان این مردم را در کفّه دیگر ، ایمان ابوطالب بر ایمان همه آنها برتری می یابد .

و در حدیثی دیگر فرمود :

مَاتَ اَبُوطَالِبِ بْنِ عَبْدُ الْمُطَّلِبُ مُسْلِماً مُؤْمِناً وَشِعْرُهِ فِی دِیوَانِهِ یَدُلُّ عَلَی اِیمَانِهِ ؛

ابوطالب در حال اسلام و ایمان از دنیا رفت و اشعار او در دیوانش بر ایمان او دلالت می کند .

آن گاه بیش از ۱۰ دلیل برای ایمان او اقامه می کند .(۱)

از این تعبیر امام باقر علیه السلام استفاده می شود که دیوان آن حضرت در عصر امام باقر علیه السلام تدوین شده بود .

از دیدگاه امام صادق علیه السلام

کشّاف الحقایق ، امام جعفر صادق علیه السلام بیانات شافیه ای درباره ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام فرموده اند که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم :

مَثَلُ اَبِی طَالِبٍ مَثَلُ اَصْحَابِ الْکَهْفِ ، اَسَرُّوا الاِیمَانَ وَاَظْهَرُوا الشِّرْکَ ، فَآجَرَهُمُ اللّه ُمَرَّتَیْنِ ؛(۲)

مثل ابوطالب ، مثل اصحاب کهف است که ایمان خود را پنهان و اظهار شرک کردند ؛ پس خداوند به آنها دو پاداش داد .

۱- [۱] . ابن معد ، الحجّه علی الذّاهب ، ص ۱۶۲ .
۲- [۲] . شیخ مفید ، الاختصاص ، ص ۲۴۱ .

وَاِنَّ اَبَا طَالِبٍ اَسَرَّ الاِیمَانَ وَاَظْهَرَ الشِّرْکَ ، فَآتَاهُ اللّه ُاَجرَهُ مَرَّتَیْنِ ؛(۱)

ابوطالب نیز ایمانش را مکتوم داشت و اظهار شرک کرد ؛ پس خداوند به او دو پاداش داد .

وَمَا خَرَجَ مِنَ الدُّنْیَا حَتَّی أَتَتْهُ الْبِشَارَهُ مِنَ اللّه ِ تَعَالَی بِالْجَنَّهِ ؛(۲)

ابوطالب از دنیا نرفت تا بشارت بهشت از سوی پروردگار در حقّ او فرود آمد .

امام صادق علیه السلام به یونس بن نباته فرمود : مردم درباره ایمان ابوطالب چه می گویند ؟ عرضه داشت که می گویند : در آب کم عمقی از آتش (ضحضاح) است که تا مغز سرش به جوش می آید ! ! فرمود :

کَذِبَ اَعْدَاءُ اللّه ِ ، اِنَّ اَبَا طَالِبٍ مِنْ رُفَقَاءِ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِینَ وَحَسُنَ اُولَئِکَ رَفِیقاً ؛(۳)

دشمنان خدا دروغ می گویند ، ابوطالب از همنشینان پیامبران ، صدّیقان ، شهیدان و صالحان است ، و آنها چه همنشینان خوبی هستند .

به امام صادق علیه السلام گفته شد : آنها می پندارند که ابوطالب کافر از دنیا

۱- [۱] . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۴ ، ص ۷۰ .

۲- [۲] . ابن معد ، الحجّه علی الذاهب ، ص ۱۰۶ .

۳- [۳] . کراجکی ، کنز الفوائد ، ج ۱ ، ص ۱۸۳ .

رفت ! ! فرمود دروغ می گویند ، چگونه ممکن است او کافر باشد ؛ در حالی که می گوید :

اَلَمْ تَعْلَمُوا اَنَّا وَجَدْنَا مُحَمَّداً

نَبِیّاً کَمُوسَی خُطَّ فِی اَوَّلِ الْکُتُبِ(۱)

آیا نمی دانید که ما محمّد صلی الله علیه و آله را پیامبری یافته ایم همانند موسی علیه السلام که در سر لوحه کتب آسمانی ثبت شده است .

و در حدیث دیگر دو بیت از قصیده لامیّه آن حضرت را شاهد آورد .(۲)

از دیدگاه امام رضا علیه السلام

حضرت عبدالعظیم حسنی به محضر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نامه نوشت و از حدیث « ضحضاح » پرسید . آن حضرت در پاسخ نوشت :

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم ، اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّکَ اِنْ شَکَکْتَ فِی اِیمَانِ اَبِی طَالِبٍ کَانَ مَصِیرُکَ اِلَی النَّارِ ؛(۳)

اگر در ایمان ابوطالب شک و تردید داشته باشی ، بازگشت تو به سوی آتش خواهد بود .

ابان بن محمّد به محضر امام هشتم نوشت : « جانم به فدایت ، من

۱- [۱] . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۴۴۸ .
۲- [۲] . همان ، ص ۴۴۹ .
۳- [۳] . علّامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۵ ، ص ۱۱۱ .

درباره ایمان ابوطالب به شک افتاده ام » . آن حضرت در پاسخ شبیه نامه فوق را نوشت .(۱)

تعبیر سختی که امام رضا علیه السلام در نامه های خود به کار برده است ، از آن حکایت دارد که شبهه افکنی در ایمان ابوطالب فقط برای دشمنی با خاندان عصمت و طهارت بود ، و از اینرو ، امام علیه السلام چنین موضع قاطعی را اتّخاذ کرده است .

از دیدگاه حضرت بقیّه اللّه علیه السلام

تشرّفی بسیار جالب و شنیدنی از مرحوم آیت اللّهی ، مشهور به « علاّمه بم » در مسجد النّبی نقل شده است که من توفیق دیدار ایشان را نداشتم ، ولی از یک مسافر بم تقاضا کردم که متن این دیدار را از ایشان سؤال کنند و ایشان محبّت کردند ، آن را پرسیدند و ضبط کردند ، اکنون فقط به یک فراز از آن اشاره می کنم :

در حدود ۱۳۴۳ ش . یکی از علمای وَهّابی در مسجد النّبی ، فصلی درباره حضرت ابوطالب و اظهار کفر درباره ایشان سخن گفت . ایشان به همراهان دستور داد ، روز استراحت کنند ، شب تا به سحر بیدار بمانند و از حضرت بقیه اللّه علیه السلام برای ردّ سخنان آن فرد مدد بجویند .

فردا صبح ، بعد از نماز ، شخص بزرگواری به ستون ابو لبابه تکیه داده و یک ساعت تمام درباره اثبات ایمان ابوطالب سخنرانی کرد . کسی

۱- [۱] . کراجکی ، کنز الفوائد ، ج ۱ ، ص ۱۸۳ .

متعرّض نشد . صدا همه جا یکنواخت شـنیده شده ؛ حتی در بیرون مسجد ؛ بدون بلندگو . ایشان که عربی می دانست به عربی شنیده و همراهانش به فارسـی . مرحوم آیت اللّهی با دیدن این صـحنه شگفت انگیز و دیگر نشانه ها اطمینان پیدا کرده که آن سخنران ، شخص بقیّه اللّه الاعظم علیه السلامبود . پس از اتمام سخنرانی ، آن شخص از مقابل دیدگانش ناپدید شده است .

آن بزرگوار ، همه اش می فرمود : « جـدّم ابوطـالب » . آن حضـرت ، به تعـدادی از اشـعار آن حضـرت اسـتناد کرد و در پایان فرمود : مادرم فاطمه بنت اسد از سـبقت گیرندگان (سابقات) در اسلام بود ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأموریّت داشت که هیچ زن مسلمانی را در حباله نکاح شخص مشرک باقی نگذارد و حضرت فاطمه بنت اسد تا روز ارتحال حضرت ابوطالب در حباله نکاح وی بود .(۱)

سیمای ابوطالب در آیینه کتاب

بزرگان شـیعه و سـنّی ، بیش از یکصـد جلـد کتاب مسـتقل ، درباره ایمان حضـرت ابوطالب علیه السـلام تألیف کرده انـد که صفحات کتاب ، اجازه کتاب شناسی آنها را به ما نمی دهد و فقط به یک نمونه اشاره می کنیم :

در سال ۱۳۸۱ ق . یکی از دانشـمندان قطیف به نام « عبداللّه خنیزی » کتاب ارزشـمندی به نام « ابوطالب مؤمن قریش » منتشـر کرد . دادگاه قطیف او را به جرم اثبات ایمان ابوطالب به مدت ۱۱ ماه در سیاه چال

۱- [۱] . فرازهایی از این تشرّف را دکتر محمّدحسن ضرّابی ، در کتاب « دیدار با امام زمان در مکه و مدینه » ص ۱۸۴ ـ ۱۸۷ آورده است .

زندان در قطیف زندانی کرد و پس از ۱۱ ماه برای او ، حکم اعدام صادر کرد . مرحوم آیت اللّه حکیم از نجف اشرف و یکی از مراجع بزرگ از قم به محاکم بین المللی شکایت کردند و سرانجام ایشان آزاد شد و اکنون ، وی یکی از علمای بزرگ قطیف است .

بولس سلامه شاعر بلندآوازه جهان مسیحیت ، تقریظ بسیار جالبی بر این کتاب نوشته است .

بولس سلامه متوفّای ۱۹۷۹ م در دیوان معروف خود فصل پرباری را به فضایل و مناقب حضرت ابوطالب اختصاص داده ، دیدار تاریخی ابوطالب را با « سرجیس » معروف به « بُحَیرا » ، در بُصری در ۲۷ بیت به نظم درآورده است .(۱)

وفات

درباره سال وفات حضرت ابوطالب ، مشهور آن است که در سال دهم بعثت رخ داده است و اختلاف چندانی نیست ؛ ولی درباره روز و ماهِ آن ، اقوال مختلفی وجود دارد و جمعی از مورخان شیعه ، وفات آن حضرت را روز ۲۶ رجب سال دهم بعثت ثبت کرده اند .(۲)

عذر تقصیر

این بود نمی از یم ، اندکی از بسیار و مشتی از خروارها فضایل و

ص:۲۸۸

۱- [۱] . بولس سلامه ، ملحمه عیدالغدیر ، ص ۲۴ .

۲- [۲] . محدّث قمی ، فیض العلاّم ، ص ۳۲۶ ؛ خاتون آبادی ، جنّات الخلود ، ص ۱۶ .

مناقب بزرگ حامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که تقدیم شد ؛ ولی به سبب محدود بودن صفحات کتاب باید در فرصت دیگری از دیگر ابعادِ مقامات آن حضرت ، به ویژه از پدر و مادر ، همسر بزرگوار ، فرزندان والامقام ، دلایل ایمان ، نمونه اشعار ، کتاب شناسی آثار تدوین شده ، چهره تابناکش در ادبیات فارسی و عربی ، گفتار خاورشناسان و شخصیّتهای برجسته اسلام و دیگر ادیان در حقّ او ، حمایتهای بی دریغش از پیامبر ، نقش او در پیشرفت اسلام ، جایگاه بلندش نزد پیشوایان معصوم ، حقد و حسد امویان ، عباسیان و قلمهای مزدور در طول تاریخ و سرانجام درباره راز مظلومیت آن حضرت سخن گفت .

ص:۲۸۹

ب : روز ۲۵ ذیحجه الحرام

نزول سوره هل أتی

مهم ترین حادثه روز ۲۵ ذیحجه الحرام نزول سوره مبـارکه « هَلْ أَتی » در حق امیرمؤمنان، فاطمه زهرا، امام حسن، امام حسـین و فضه خادمه می باشد.

سوره هل أتی که سوره : « انسان » ، سوره « دهر » و سوره « أبرار » نیز نام دارد(۱) در چنین روزی نازل شده است .

شیخ طوسی قدس سره می نویسد :

در شب ۲۵ ماه ذیحجه الحرام امیرمؤمنان و فاطمه زهرا علیهماالسـلام تصدّق نمودند و در روز ۲۵ آن ، سوره هل أتی در حق آنان ، امام حسن و امام حسین علیهماالسلام نازل گردید .(۲)

سید ابن طاووس نیز همین متن را از شیخ طوسی نقل کرده است .(۳)

۱- [۱] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۱۰ ، ص ۶۰۸ .
۲- [۲] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجّد ، ص ۷۶۷ .
۳- [۳] . سید ابن طاووس ، اقبال الاعمال ، ج ۲ ، ص ۳۷۴ .

شیخ مفید ، حلّی ، کفعمی ، شیخ بهائی ، علاّمهٔ مجلسی و محدّث قمی نیز بر آن اتّفاق نظر دارند .(۱)

شأن نزول سوره هل أتی

بسیاری از مفسّران ، محدّثان ، سیره نویسان و تراجم نگاران در مورد شأن نزول این سوره نوشته اند که امام حسن و امام حسین علیهماالسلام مریض شدند ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عیادت آنها تشریف فرما شدند ، به امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند : ای کاش برای بهبودی فرزندان خود نذر می کردی !

امیرمؤمنان عرضه داشت :

من نذر کردم اگر پسرانم بهبودی پیدا کنند ، سه روز روزه بگیرم .

حضرت فاطمه علیهاالسلام نیز عرضه داشت :

من نیز نذر کردم که اگر پسرانم از این بیماری بهبودی پیدا کنند به شکرانه آن ، سه روز روزه بگیرم .

طولی نکشید که امام حسن و امام حسین علیهماالسلام بهبودی یافتند .

در خانه امامت چیزی نبود ، علی علیه السلام از شمعون بن جابا ــ از یهود خیبر ــ سه صاع جو قرض گرفت ، حضرت فاطمه علیهاالسلام یک صاع آن را آسیاب کرد و خمیر نمود و پنج گرده نان پخت و آن را در سفره نهاد .

۱- [۱] . شیخ مفید ، مسار الشّیعه ، ص ۲۳ مجموعه ۵۹ ؛ علی بن یوسف حلّی ، العدد القویّه ، ص ۳۱۵؛ شیخ بهائی ، توضیح المقاصد ، ص ۳۲ (مجموعه ۵۴۴) ؛ علاّمه مجلسی ، زاد المعاد ، ص ۳۰۱؛ محدّث قمی ، فیض العلاّم ، ص ۱۲۸ .

در آن هنگام سائلی آمد و گفت : من مسکین هستم ، به من طعام بدهید ، خداوند از طعام بهشتی به شما عنایت کند .

حضرت علی علیه السلام سهم خود را به سائل داد ، حضرت فاطمه ، امام حسن ، امام حسین و فضّه نیز سهم خود را به سائل دادند و با آب افطار کردند .

روز دوم نیز یک صاع آن را آرد کرده ، پنج گرده نان پختند ، سائلی آمد و گفت : من یتیم هستم ، پدرم در روز عقبه کشته شده ، هر کدام سهم خود را به یتیم دادند و با آب افطار کردند .

روز سوم آخرین قسمت آن را آرد کرده ، پنج گرده نان پختند و در سفره نهادند ، سائلی آمد و گفت : من اسیر هستم ، مرا طعام بدهید ، خداوند از طعام های بهشتی به شما عنایت کند ، هر کدام سهم خود را به اسیر دادند ، آن شب نیز با آب افطار کردند .

روز چهارم که روز ۲۵ ذیحجه الحرام بود ، پیک وحی نازل شد و سوره مبارکه « هَلْ أَتی » را بر قلب شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرود آورد .

غالب مفسّران ، محدّثان ، سیره نویسان و تراجم نگاران متن فوق را در ذیل آیات مبارکه این سوره نقل کرده ، بر نزول آن در حقّ امیرمؤمنان ، حضرت فاطمه ، امام حسن ، امام حسین علیهم السلام و فضّه خادمه تأکید کرده اند ، که از آن جمله است :

۱ . ابواسحاق ثعلبی ، متوفّای ۴۲۷ ق .(۱)

۲ . عبیداللّه حسکانی ، از حافظان بزرگ قرن پنجم .(۲)

۱- [۱] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۱۰ ، ص ۹۸ _ ۱۰۲ .

۲- [۲] . حسکانی ، شواهد التّنزیل ، ج ۲ ، ص ۳۹۴ _ ۴۱۴ .

۳ . محمود بن عمر زمخشری ، متوفّای ۵۲۸ ق .(۱)

۴ . موفّق بن احمد خوارزمی ، متوفّای ۵۶۸ ق .(۲)

۵ . فخر رازی ، متوفّای ۶۰۶ ق .(۳)

۶ . ابن اثیر ، متوفّای ۶۳۰ ق .(۴)

۷ . گنجی شافعی ، متوفّای ۶۵۸ ق .(۵)

۸ . حموینی ، متوفّای ۷۳۰ ق .(۶)

۹ . قاضی بیضاوی ، متوفّای ۷۹۱ ق .(۷)

۱۰ . اسماعیل حقی ، متوفّای ۱۱۳۷ ق .(۸)

این بود مشتی از خروار ، اندکی از بسیار و نمی از یَمِ کتب تفسیری ، حدیثی و عقیدتی اهل سنت که اگر منابع شیعه را بر آن اضافه کنیم به چند صد منبع افزایش می یابد .

سوره هل أتی مکّی است یا مدنی ؟

برخی از بیماردلان درصدد برآمده اند که نزول سوره هل اتی را در حق

۱- [۱] . زمخشری ، الکشّاف ، ج ۴ ، ص ۶۷۰ .

۲- [۲] . اخطب خوارزم ، المناقب ، ص ۲۶۷ _ ۲۷۴ .

۳- [۳] . فخر رازی ، التّفسیر الکبیر ، ج ۳۰ ، ص ۲۴۴ .

۴- [۴] . ابن اثیر ، اُسد الغابه ، ج ۵ ، ص ۵۳۰ .

۵- [۵] . گنجی ، کفایه الطّالب ، ص ۳۴۵ _ ۳۴۹ .

۶- [۶] . حموینی ، فرائد السّمطین ، ج ۲ ، ص ۵۳ _ ۵۶ .

۷- [۷] . بیضاوی ، انوار التّنزیل ، ج ۳ ، ص ۴۷۸ .

۸- [۸] . اسماعیل حقّی ، روح البیان ، ج ۱۰ ، ص ۳۰۵ _ ۳۱۲ .

خانـدان عصـمت و طهـارت زیر سؤال ببرنـد و لـذا گفته انـد که این سوره در مکه نـازل شـده و در آن زمان امام حسن و امام حسین علیهماالسلام متولد نشده بودند .

ثعلبی در این رابطه می نویسد :

مجاهـد و قتاده گفته انـد که این سوره همه اش در مدینه نازل شده ، عکرمه و حسن بصـری گفته اند که آیه : « وَ لا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِماً أَوْ کَفُوراً »(۱) در مکّه ، بقیّه در مدینه نازل شده است و دیگران گفته اند همه اش در مکّه نازل شده است .(۲)

کتابنامه هل أتی

اشاره

در اینجا برای اهل تحقیق عناوین کتابهایی را که مستقلاًّ پیرامون سوره مبارکه « هل أتی » و نزول آن در شأن خاندان عصـمت و طهارت تألیف شده است ، می آوریم :

۱ . زین الفتی فی تفسیر سوره هل أتی ، احمد بن محمّد عاصمی ــ قرن پنجم ــ چاپ ۱۴۱۸ ق . در دو مجلّد .

۲ . نزول سوره هل أتی وما فی فضلهم أتی ، سید محمّد بن ابی طالب کرکی حائری ، زنده به سال ۹۲۱ ق . ــ مخطوط ــ .

۳ . تفسـیر سوره هل أتی ، سـید منصور حسـینی دشـتکی ، متوفّای ۹۴۸ ق . نسـخه هـای خطی ان در کتابخانه مرکزی دانشـگاه تهران ، ملّی تبریز و برنستون آمریکا موجود است .

۱- [۱] . سوره انسان ، آیه ۲۴ .

۲- [۲] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۱۰ ، ص ۱۰۲ .

۴ . تفسیر سوره هل أتی ، سید محمّد بن محمّد لویزان حسینی ، متوفّای ۱۰۵۸ ق . نسخه خطّی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۲۵۷ موجود است .

۵ . تفسیر سوره هل أتی ، شمس الدّین محمّد گیلانی ، مشهور به مولی شمسا ، متوفّای ۱۰۹۸ ق ، نسخه خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و مرکزی دانشگاه تهران موجود است .

۶ . تفسیر سوره هل أتی ، شیخ محمّدعلی حزین ، متوفّای ۱۱۰۸ ق . ـ مخطوط ـ .

۷ . کشف الغطاء فی تفسیر سوره هل أتی ، سید رجب علی خان پنجابی ، متوفّای ۱۲۸۶ ق . چاپ لاهور ۱۲۶۶ ق . و پنجاب هند ۱۲۸۵ ق .

۸ . تفسیر سوره هل أتی ، سید حسین نقوی لکهنوی ، فرزند سید دلدار علی ، متوفّای ۱۲۷۳ ق . ـ مخطوط ـ .

۹ . حسناء غالیه المهر فی تفسیر سوره الدّهر ، سید محمّدعباس موسوی جزایری ، متوفّای ۱۳۰۶ ق . ـ مخطوط ـ .

۱۰ . تفسیر سوره هل أتی والقیامه ، سید احمد میرخانی حسینی ، متوفّای ۱۴۱۴ ق . ـ مخطوط ـ .

نقد ابن حزم

در برابر صدها مفسّر ، محدّث و مورّخ که بر نزول سوره « هَلْ أَتی » در حق مولای متّقیان ، حضرت فاطمه ، امام حسن ، امام حسین علیهم السلام و فضّه خادمه تأکید کرده اند ، برخی از بیماردلان ، که با اهل بیت پیامبر رسماً عناد

و دشـمنی دارنـد ، درصـدد برآمدنـد که بـا دهان کوچک خود خورشـید فروزان جهان آفرینش را پُف کرده ، از نورافشانی و پرتوافکنی آن جلوگیری کنند .

ابن حَزم اندلسی ، متوفّای ۴۵۶ ق . یکی از این خفّاش صـفتان می باشـد که چشم دیـدن خورشـید امامت را نـدارد و لـذا در کتاب معروف خود : « الفِصَل » می نویسد :

مـا پیرو دروغ پردازی هـای رافضـی هـا نیستیم ، که آیه : « وَ یُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَ یَتِیماً وَ أَسِیراً » را به علی علیه السلام تأویل کرده اند و گویند : در حق او نازل شده است .

این هرگز درست نیست ، این آیه به عمومی بودن خود باقی است و هر کس که چنین کاری انجام دهد را شامل می شود .(۱)

علّامه امینی در دائره المعارف گرانسنگ « الغدیر » ۱۱ مورد از تهمتهای ایشان را نقل کرده و نقد نموده است .(۲)

از جمله فراز بالا را نقل کرده ، آنگاه با آوردن ۳۴ منبع از منابع پایه و اساس اهل سنّت ، بی پایه بودن سخنان او را ثابت کرده است .(۳)

بسیار جـای تـأسّف است که ابن حزم این مطـالب پوچ را در کتـاب کلامی خود : « الفِصَل فی المِلَل والنِّحَل » آورده که برای همه حق پویان سند و حجت باشد .

۱- [۱] . ابن حزم ، الفِصَل فی الملل والنحل ، ج ۴ ، ص ۱۴۶ .
۲- [۲] . امینی ، الغدیر ، ج ۳ ، ص ۱۳۴ _ ۲۰۳ .
۳- [۳] . همان ، ص ۱۵۴ _ ۱۶۱ .

هر چه بگندد نمکش می زنند

وای به روزی که بگندد نمک

ص:۲۹۸

نقل دیگر

بیشتر منابع داستانِ آمدن مسکین ، یتیم و اسیر را به در خانه مولی همانگونه نقل کرده اند که ما در قسمت آغازین این بخش آوردیم ، در مقابل براساس نقلی دیگر هر سه مورد در یک روز اتفاق افتاده است ، به این معنی که در خانه مولی مقداری آرد بوده ، حضرت فاطمه علیهاالسلام آن را به صورت گرده نانی پخته و مقداری روغن به آن زده ، منتظر وقت افطار بوده که مسکینی آمد و افطاری خود را به او دادند .

آنگاه بازمانده آرد را حریره درست کرده مهیّای افطار نمود ، پس یتیمی آمد و آن را نیز به او دادند .

آنگاه تعدادی خرما در منزل بوده ، هسته های آنها را در آورده ، مقداری کشک بر آن افزوده ، حیس درست کرده ، مهیّای افطار شدند ، پس اسیری آمد و اظهار گرسنگی کرد ، آن را نیز به او دادند و دیگر چیزی در خانه نبود ، با آب افطار کردند .

برخی از بزرگانی که این واقعه را در یک روز ثبت کرده اند ، عبارتند از :

۱ . ابن مردویه ، متوفّای ۴۱۰ ق .(۱)

۲ . واحدی ، متوفّای ۴۶۸ ق .(۲)

۳ . ابن مغازلی ، متوفّای ۴۸۳ ق .(۳)

۱- [۱] . ابن مردویه ، المناقب ، ص ۳۴۱ .

۲- [۲] . واحدی ، اسباب النّزول ، ص ۲۹۶ .

۳- [۳] . ابن مغازلی ، المناقب ، ص ۲۷۳ چاپ جدید : ۳۳۹ .

هویّت سائلان

از تعبیر اقوال مفسّران و محدّثان استفاده می شود که مسکین و یتیم و اسیر ، سه تن فرد محتاج و نیازمند از مردم عادی بودند ، ولی گنجی شافعی در کتاب ارزشمند خود « کفایه الطّالب » می نویسد :

از علاّمه حافظ ابوعَمرو ، عثمان بن عبدالرحمن ، مشهور به « ابن الصّلاح »(۱) شنیدم که در درس تفسیر خود ، در تفسیر سوره هل اتی گفت :

سؤال کننده ها سه تن فرشته بودند که از سوی خداوند منّان برای امتحان خاندان پیامبر آمده بودند .(۲)

سپس اضافه می کند :

در مکّه معظّمه ، از شیخ حرم ، شیخ بشیر تبریزی(۳) شنیدم که در درس تفسیر خود گفت :

سائل اوّلی جبرئیل ، سائل دوّمی میکائیل و سائل سومی اسرافیل بود .(۴)

ص:۳۰۰

۱- [۱] . ابن الصّلاح ، عثمان بن عبدالرحمن اربلی شهرزوری دمشقی شافعی ، ملقب به : تقی الدّین و مشهور به : ابن الصّلاح ، از فقهای بزرگ شافعی ۵۷۷ _ ۶۴۳ ق و از اساتید قاضی ابن خلّکان بود [ریحانه الأدب : ۸ / ۶۹] .

۲- [۲] . گنجی شافعی ، کفایه الطّالب ، ص ۳۴۸ .

۳- [۳] . بشیر تبریزی ، ابونعمان ، بشیر بن حامد بن سلیمان شافعی ۵۷۰ _ ۶۴۶ ق در اردبیل متولد شده ، در بغداد تحصیل کرده ، در نظامیّه صاحب کرسی بود . [طبقات المفسّرین : ۱ / ۱۱۵] .

۴- [۴] . گنجی شافعی ، همان .

کتابنامه قرآن کریم نهج البلاغه

۱ . الآثار الباقیه عن القرون الخالیه ، ابوریحان محمّد بن احمد بیرونی ، متوفّای ۴۴۰ ه . چاپ میراث مکتوب ، ۱۳۸۰ ش . تهران .

۲ . اثبات الهداه ، شیخ حرّ عاملی ، متوفّای ۱۱۰۴ ه . بی نا ، چاپ ۱۳۹۹ ه . قم.

۳ . اجساد جاویدان ، علی اکبر مهدی پور ، نشر حاذق ، چاپ دوّم ۱۳۷۷ ش . قم .

۴ . الإحتجاج ، ابومنصور احمد بن علی طبرسی ، اعلمی ، ۱۴۰۱ ه . بیروت.

۵ . احقاق الحق ، قاضی نوراللّه شوشتری ، مستشهد ۱۱۰۹ ه . مرعشی ، قم ، ۱۳۷۷ ه . قم.

۶ . الاختصاص ، شیخ مفید ، متوفّای ۴۱۳ ه . جامعه مدرسین ، بی تا ، قم.

۷ . الأذان بحیّ علی خیر العمل ، حافظ ابوعبداللّه ، محمّد بن علی بن حسن علوی (۳۶۷ _ ۴۴۵ ق) البدر العلمی ، ۱۴۱۸ ق . صنعاء ، یمن .

۸ . الأذان بین الأصاله والتّحریف ، سید علی شهرستانی ، اعلمی ، ۱۴۲۴ ق . بیروت .

ص:۳۰۲

۹ . الارشاد ، ابوعبداللّه محمّد بن محمّد ، شیخ مفید ، متوفّای ۴۱۳ ق . چاپ کنگره ، ۱۴۱۳ ق . قم .

۱۰ . اساس ایمان ، عبدالرّضا مهدوی ، بی تا ، بی نا .

۱۱ . أسباب النّزول ، ابوالحسن ، علی بن احمد واحدی ، متوفّای ۴۶۸ ق . دارالکتب العلمیه ، ۱۳۹۸ ق . بیروت .

۱۲ . الاستبصار ، شیخ طوسی ، متوفّای ۴۶۰ ق . دارالأضواء ، ۱۴۰۶ ق. بیروت .

۱۳ . الإستیعاب فی معرفه الأصحاب ، ابوعمر ، یوسف بن عبداللّه بن محمّد بن عبدالبرّ قرطبی ، متوفّای ۴۶۳ ق . دارالکتب العلمیه ، ۱۴۲۲ ق . بیروت .

۱۴ . اُسد الغابه فی معرفه الصّحابه ، ابوالحسن ، علی بن ابی الکرم ، ابن أثیر ، متوفّای ۶۳۰ ق .

۱۵ . أشهد أنّ علیّاً ولیّ اللّه ، سید علی شهرستانی ، اجتهاد ، ۱۴۳۰ ق .

۱۶ . الاعتقادات ، شیخ صدوق ، متوفّای ۳۸۱ ق . امام هادی ، ۱۳۸۹ ش . قم .

۱۷ . إعلام الوری بأعلام الهدی ، امین الاسلام طبرسی ، آل البیت ، ۱۴۱۷ ق . قم .

۱۸ . افضل الأعمال : الصّلاه علی النّبیّ والآل ، سید محمّدرضا حسینی حائری ، نهاوندی ، ۱۴۲۰ ق . قم .

۱۹ . إقبال الأعمال ، سیّد ابن طاووس ، (۵۸۹ _ ۶۶۴ ق .) ، دفتر تبلیغات ، ۱۴۱۸ ق . قم .

۲۰ . الأمالی ، شیخ صدوق ، متوفّای ۳۸۱ ه . اعلمی ، ۱۴۰۰ ه . بیروت.

۲۱ . الأمالی ، شیخ طوسی ، متوفّای ۴۶۰ ق . بنیاد بعثت ، ۱۴۱۴ ق . قم .

۲۲ . الامام الحسین وأصحابه ، شیخ فضلعلی قزوینی .

۲۳ . امام علی در آیینه قلم ، خانه پژوهش قم ، اطلاع رسانی اسلامی مرجع ، ۱۳۸۳ ش . قم .

ص:۳۰۳

۲۴ . الانتصار ، سید مرتضی علم الهدی ، متوفّای ۴۳۶ ق . حیدریّه ، ۱۳۹۱ ق . نجف اشرف .

۲۵ . أنساب الأشراف ، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری ، متوفّای ۲۷۹ ق . دارالفکر ، ۱۴۲۰ ق . بیروت .

۲۶ . أنوار التّنزیل ، ناصرالدّین ابوسعید بیضاوی ، متوفّای ۷۹۱ ق . دار الرّشید ، ۱۴۲۱ ق . بیروت .

۲۷ . الأنوار العلویه ، شیخ جعفر نقدی ، متوفّای ۱۳۷۰ ق . حیدریّه ، ۱۳۸۲ ق . نجف اشرف .

۲۸ . اوائل المقالات ، شیخ مفید ، متوفّای ۴۱۳ ق . دانشگاه تهران ، ۱۳۸۲ ش .

۲۹ . الایضاح ، فضل بن شاذان ، متوفّای ۲۶۰ ق . دانشگاه تهران ، ۱۳۶۳ ش .

۳۰ . أین دفن النّبی ، محمّدعلی برّو ، جامعه مدرّسین ، ۱۴۰۶ ق . قم .

۳۱ . بحار الأنوار ، علّامه ی مجلسی ، مولی محمّدباقر ، متوفّای ۱۱۱۰ ه . اسلامیه ، تهران .

۳۲ . البدایه فی علم الدّرایه ، شهید ثانی ، زین الدّین بن علی عاملی (۹۱۱ _ ۹۶۵ ق) چهل ستون ، ۱۴۰۲ ق . تهران .

۳۳ . البدایه والنّهایه ، ابن کثیر ، متوفّای ۷۷۴ ق . المعارف ، بی تا ، بیروت .

۳۴ . البرهان فی تفسیر القرآن ، سید هاشم بحرینی ، متوفّای ۱۱۰۷ ق . بنیاد بعثت ، ۱۴۱۹ ق . بیروت .

۳۵ . بغیه الطّالب ، سید محمّد بن حیدر عاملی ، تألیف : ۱۰۹۶ ق . حیدریّه ، ۱۴۲۸ ق . قم .

۳۶ . پژوهشی درباره اذان ، سید علی شهرستانی ، ترجمه سید هادی حسینی ، دلیل ما ، ۱۳۸۷ ش . قم .

۳۷ . تاج المواليد ، أمين الاسلام طبرسی ، متوفّای ۵۴۸ ق . بصیرتی ، ۱۳۹۶ ق . قم .

۳۸ . تاريخ الاسلام ، شمس الدّين ذهبی ، متوفّای ۷۴۸ ق . دارالکتب العربی ، ۱۴۰۹ ق . بيروت .

۳۹ . تاريخ الامم والملوك ، ابوجعفر ، محمّد بن جرير طبری (۲۲۴ _ ۳۱۰ ق) اعلمی ، ۱۴۱۸ ق . بيروت .

۴۰ . تاريخ بغداد ، خطيب بغدادی ، متوفّای ۴۶۳ ق . دارالکتب العلميه ، بی تا ، بيروت .

۴۱ . تاريخ خليفه بن خيّاط ، متوفّای ۲۴۰ ق . دارالفکر ، ۱۴۱۴ ق . بيروت .

۴۲ . تاريخ دمشق ، ابن عساکر ، متوفّای ۵۷۱ ق . دار احياء التّراث ، ۱۴۲۱ ق . بيروت .

۴۳ . تاريخ قم ، حسن بن محمّد بن حسن اشعری قمی ، تأليف : ۳۷۸ ق . ترجمه حسن بن بهاء الدّين علی ، مرعشی ، ۱۳۸۵ ش . قم .

۴۴ . تاريخ اليعقوبی ، ابن واضح ، احمد بن ابی يعقوب ، متوفّای بعد از ۲۹۲ ق . حيدريه ، ۱۳۸۴ ق . نجف اشرف .

۴۵ . تتمّه المنتهی ، شيخ عباس قمی ، متوفّای ۱۳۵۹ ق . مؤمنين ، ۱۳۸۳ ش . قم .

۴۶ . تذکره الخواصّ ، يوسف بن قِزاُغلی ، سبط ابن جوزی (۵۸۱ _ ۶۵۴ ق .) مجمع جهانی ، ۱۴۲۶ ق . قم .

۴۷ . تشييد المطاعن ، سيد محمّدقلی کنتوری لکهنوی (۱۱۸۸ _ ۱۲۶۰ ق .) بی نا ، بی تا .

۴۸ . تفسير صافی ، فيض کاشانی (۱۰۰۷ _ ۱۰۹۱ ق) اسلاميه ، ۱۴۱۹ ق . تهران .

۴۹ . تفسير عيّاشی ، ابوالنّضر ، محمّد بن مسعود عيّاشی ، متوفّای حدود ۳۲۰ ق . بنياد بعثت ، ۱۴۲۱ ق . قم .

۵۰ . تفسیر فرات ، ابوالقاسم ، فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی ، معاصر کلینی ، نعمان ، ۱۴۱۲ ق . بیروت .

۵۱ . تفسیر القرآن العظیم ، ابوالفداء ، اسماعیل بن کثیر ، متوفّای ۷۷۴ ق . عصریّه ، ۱۴۲۲ ق . بیروت .

۵۲ . تفسیر قمی ، ابوالحسن ، علی بن ابراهیم قمی ، متوفّای حدود ۳۰۷ ق . دارالکتب ، ۱۴۰۴ ق . قم .

۵۳ . تفسیر کبیر ، فخر رازی ، متوفّای ۶۰۶ ق . بی تا ، بی نا .

۵۴ . تقویم نور دطائری ، محسن علی نجفی ، ۲۰۰۹ م . اسلام آباد ، پاکستان .

۵۵ . التّنبیه و الاشراف ، ابوالحسن ، علی بن حسین مسعودی ، متوفّای ۳۴۵ ه . الصّاوی ، ۱۳۵۷ ق . قاهره .

۵۶ . تنزیه الأنبیاء ، سید مرتضی علم الهدی ، متوفّای ۴۳۶ ق . دار الأضواء ، ۱۴۰۹ ق . بیروت .

۵۷ . التّوحید ، شیخ صدوق ، ابوجعفر محمّد بن علی بن الحسین بن بابویه ، متوفّای ۳۸۱ ق . دارالتّعارف ، بی تا ، بیروت .

۵۸ . توضیح المقاصد ، شیخ بهائی ، بهاءالدّین محمّد بن حسین عاملی ، متوفّای ۱۰۳۰ ق . بصیرتی ، ۱۳۹۶ ق . قم .

۵۹ . تهذیب الأحکام ، شیخ طوسی ، ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی ، متوفّای ۴۶۰ ق . دارالأضواء ، ۱۴۰۶ ق . بیروت .

۶۰ . جامع البیان فی تفسیر القرآن ، ابوجعفر ، محمّد بن جریر طبری ، متوفّای ۳۱۰ ق . دارالمعرفه ، ۱۴۱۲ ق . بیروت .

۶۱ . الجامع الصّحیح ، ابوعیسی ، محمّد بن عیسی بن سوره (سنن ترمذی) (۲۰۹ _ ۲۷۹ ق) ، دار احیاء التّراث العربی ، بی تا ، بیروت .

۶۲ . الجامع لأحکام القرآن ، ابوعبـدالله ، محمّـد بن احمد انصاری قرطبی ، متوفّای ۶۷۱ ق . دار احیـاء التّراث العربی ، بی تا ، بیروت .

۶۳ . جزیره خضراء ، نگارنده ، رسالت ، ۱۳۸۶ ش . قم .

۶۴ . جنّات الخلود ، محمّدرضا امامی خاتون آبادی (۱۰۸۶ _ ۱۱۲۷ ق) مصطفوی ، ۱۳۶۳ ش . قم .

۶۵ . جواهر الکلام ، شیخ محمّدحسن نجفی ، متوفّای ۱۲۶۶ ق . اسلامیه ، ۱۳۹۲ ق . تهران .

۶۶ . الجوهره فی نسب الامام علی وآله ، محمّد بن ابی بکر انصاری تلمسانی ، قرن هفتم ، اعلمی ، ۱۴۰۲ ق . بیروت .

۶۷ . حبیب السّیر ، خواندمیر ، غیاث الدّین بن همام الدّین حسینی ، متوفّای ۹۴۲ ق. خیام ، ۱۳۶۲ ش . تهران .

۶۸ . الحجّه علی الذّاهب الی تکفیر أبی طالب ، سید فخّار بن معد ، سید الشّهداء ، ۱۴۰۱ ق . قم .

۶۹ . الحدائق النّاضره ، محقّق بحرانی ، متوفّای ۱۱۸۶ ق . جامعه مدرّسین ، بی تا ، قم .

۷۰ . حدیث الثقلین ، شیخ قوام الدّین وشنوه ای (۱۳۲۵ _ ۱۴۱۸ ق) دارالتّقریب ، ۱۳۷۴ ق . قاهره .

۷۱ . حدیث ثقلین با دو قرائت ، نگارنده ، رسالت ، ۱۳۸۹ ش . قم .

۷۲ . حدیث الولایه ، ابن عقده ، ابوالعبّاس ، احمد بن محمّد بن سعید همدانی ، متوفّای ۳۳۳ ق . دلیل ما ، ۱۴۲۲ ق . قم .

۷۳ . حلیه الأولیاء ، ابونعیم ، احمد بن عبدالله اصفهانی (۳۳۰ _ ۴۳۰ ق) دارالفکر ، بی تا ، بیروت .

ص:۳۰۷

۷۴ . حوادث الايّام ، سيد مهدی مرعشی ، متوفّای ۱۴۳۲ ق . تولّی ، ۱۳۸۵ ش . قم .

۷۵ . حياه الحيوان ، كمال الدّين محمّد بن موسی دميری ، (۷۴۲ _ ۸۰۸ ق) رضی ، ۱۳۶۴ ش . قم .

۷۶ . خصائص الأئمّه ، سيد مرتضی علم الهدی (۳۵۹ _ ۴۰۶ ق) آستانه مقدسه ، ۱۴۰۶ ق . مشهد مقدس .

۷۷ . خصائص امير المؤمنين ، ابوعبدالرّحمن ، احمد بن شعيب نسائی (۲۱۵ _ ۳۰۳ ق) عصريّه ، ۱۴۲۲ ق . بيروت .

۷۸ . الخصائص الكبری ، جلال الدّين سيوطی ، متوفّای ۹۱۱ ق . دارالكتب العلميّه ، ۱۴۲۴ ق . بيروت .

۷۹ . الخطط المقريزيّه ، تقی الدّين احمد بن علی مقريزی ، متوفّای ۸۴۵ ق . مدبولی ، ۱۹۹۸ م . قاهره .

۸۰ . خلاصه عبقات الأنوار ، ميرحامد حسين (۱۲۴۶ _ ۱۳۰۶ ق) ، ترجمه سيد حسن افتخارزاده _ جلد حديث ثقلين _ نبأ ، ۱۳۷۲ ش . تهران .

۸۱ . دائره المعارف تشيّع ، گروه نويسندگان ، محبّی ، ۱۳۸۱ ش . تهران .

۸۲ . الدّرجات الرّفيعه فی طبقات الشّيعه ، سيد علی خان كبير ، متوفّای ۱۱۲۰ ق . بصيرتی ، ۱۳۹۷ ق . قم .

۸۳ . الدرّ المنثور ، جلال الدّين سيوطی ، متوفّای ۹۱۱ ق . مرعشی ، ۱۴۰۴ ق . قم .

۸۴ . دعائم الاسلام ، قاضی ابوحنيفه ، نعمان بن محمّد تميمی ، متوفّای ۳۶۳ ق . دارالمعارف ، ۱۳۸۳ ق . قاهره .

۸۵ . دلائل النبوّه ، ابونعيم اصفهانی (۳۳۰ _ ۴۳۰ ق) دارالنّفائس، ۱۴۱۹ ق. بيروت.

۸۶ . ديدار با امام زمان در مكّه و مدينه ، دكتر محمّد حسن ضرّابی ، هاتف ، ۱۳۷۵ ش . مشهد مقدس .

ص:۳۰۸

۸۷ . الذرّیه الطّاهره ، ابوبِشر ، محمّد بن احمد بن حمّاد انصاری دولابی (۲۲۴ ـ ۳۱۰ ق) جامعه مدرّسین ، ۱۴۰۷ ق . قم .

۸۸ . ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی ، محبّ الدّین طبری ، (۶۱۵ ـ ۶۹۴ ق) دارالکتب الإسلامی ، ۱۴۲۸ ق . قم .

۸۹ . روح البیان ، اسماعیل حقّی بروسوی ، متوفّای ۱۱۳۷ ق . دارالفکر ، ۱۴۲۶ ق . بیروت .

۹۰ . روضه المتّقین ، محمّدتقی مجلسی (۱۰۰۳ ـ ۱۰۷۰ ق) کوشانپور ، ۱۴۰۶ ق . تهران .

۹۱ . روضه الواعظین ، ابن فتّال نیشابوری ، مستشهد ۵۰۸ ق . دلیل ما ، ۱۴۲۳ ق . ق_م .

۹۲ . روی دست آسمان ، گروهی ، دارالصّادق ، ۱۴۳۰ ق . اصفهان .

۹۳ . ریحانه الأدب ، محمّد علی مدرّس ، متوفّای ۱۳۷۳ ق . شفق ، ۱۳۴۶ ش . تبریز .

۹۴ . زاد المعاد ، علاّمه مجلسی ، مولی محمّدباقر ، متوفّای ۱۱۱۰ ق . سنگی ، ۱۳۰۱ ق . تبریز .

۹۵ . سرائر ، ابن ادریس حلّی (۵۹۳ ـ ۵۹۸ ق) جامعه مدرسین ، ۱۴۱۰ ق . قم .

۹۶ . سرّ الایمان ، سید عبدالرّزاق مقرّم ، متوفّای ۱۳۹۱ ق . دار الفردوس ، ۱۴۰۶ ق . بیروت .

۹۷ . سعد السّعود ، سید ابن طاووس ، متوفّای ۶۶۴ ق . رضی ، ۱۳۶۳ ش . قم .

۹۸ . السّلافه فی أمر الخلافه ، عبداللّه مراغی ـ مخطوط ـ ظاهریّه ، دمشق .

۹۹ . سنن أبی داود ، سلیمان بن أشعث سجستانی ، متوفّای ۲۷۵ ق . دارالفکر ، ۱۴۲۷ ق . بیروت .

ص:۳۰۹

۱۰۰ . سنن دارمی ، ابومحمّد ، عبداللّه بن عبدالرّحمن بن فضل بن بهرام دارمی ، متوفّای ۲۵۵ ق. دارالکتب العربیّه ، بی تا ، بیروت .

۱۰۱ . السّنن الکبری ، ابوبکر ، احمد بن حسین بن علی بیهقی ، دارالفکر ، بی تا ، بیروت .

۱۰۲ . سنن نسائی ، احمد بن شعیب نسائی (۲۱۵ ـ ۳۰۳ ق) داراحیاء التّراث العربی ، بی تا ، بیروت .

۱۰۳ . سیاسه الحسین ، عبدالعظیم ربیعی ، رشدیّه ، ۱۳۷۸ ق . تهران .

۱۰۴ . سیر أعلام النّبلاء ، شمس الدّین محمّد بن احمد ذهبی ، متوفّای ۷۴۸ ق . الرّساله ، ۱۴۱۲ ق . بیروت .

۱۰۵ . سیره ابن اسحاق ، محمّد بن اسحاق بن یسار (۸۵ ـ ۱۵۱ ق) اسماعیلیان ، ۱۳۶۸ ش . قم .

۱۰۶ . السّیره الحلبیّه ، علی بن برهان الدّین حلبی ، متوفّای ۱۰۴۴ ق . دارالمعرفه ، ۱۴۰۰ ق . بیروت .

۱۰۷ . السّیره النبویّه ، ابومحمّد ، عبدالملک بن هشام بن ایّوب حمیری ، متوفّای ۲۱۳ ق . دارالجیل ، بی تا ، بیروت .

۱۰۸ . شرح تجرید ، علی بن محمّد قوشجی ، متوفّای ۸۷۹ ق . بر کتاب تجرید الکلام خواجه نصیرالدّین طوسی ، متوفّای ۶۷۲ ق .

۱۰۹ . شرح رساله الحقوق ، سید حسن بن سید علی قپانچی ، بر رساله الحقوق امام زین العابدین علیه السلام ، اسماعیلیان ، ۱۴۰۶ ق . قم .

۱۱۰ . شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید معتزلی ، متوفّای ۶۵۶ ق . عیسی البابی الحلبی ، ۱۳۷۸ ق . قاهره .

۱۱۱ . شرح و فضائل صلوات ، احمد بن محمّد حسینی اردکانی ، متوفّای بعد از ۱۲۳۸ ق . میقات ، ۱۳۷۵ ش . تهران .

۱۱۲ . الشّهادات الثّالثه فی القرآن ، علی محمّدی زنجانی ، دارالنّشر اسلامی ، ۱۳۷۷ ش . قم .

۱۱۳ . الشّهاده بالولایه فی الأذان ، سید علی میلانی ، مرکز الأبحاث العقائدیّه ، ۱۴۲۱ ق . قم .

۱۱۴ . شهادت ثالثه ، محمّد حسنین سابقی ، چاپ پاکستان _ به اردو _ .

۱۱۵ . شهادت ثالثه ، عبدالرّضا ابراهیمی ، سعادت ، ۱۹۷۷ م . کرمان .

۱۱۶ . شهادت ثالثه در اذان و اقامه ، محمّد مظفّری قزوینی ، متوفّای ۱۴۲۳ ق . نور ، ۱۳۹۹ ق . قم .

۱۱۷ . الشّهاده الثّالثه سبب للایمان ، محمّد سند ، امیر ، ۱۴۱۸ ق . قم .

۱۱۸ . الشّهاده الثّالثه فی الأذان والاقامه ، سید جعفر مرتضی عاملی ، مرکز اسلامی ، ۱۴۲۳ ق . بیروت .

۱۱۹ . الشّهاده الثّالثه مسأله فقهیّه ، سید مظهر علی شیرازی ، جوادالأئمّه ، ۱۴۲۲ ق . قم .

۱۲۰ . الشّهاده الثّالثه المقدّسه ، عبدالحلیم العزّی ، هیئت قمر بنی هاشم ، ۱۴۱۴ ق . قم .

۱۲۱ . شواهد التّنزیل ، حافظ عبیداللّه حسکانی ، قرن پنجم ، ارشاد ، ۱۴۱۱ ق . تهران .

۱۲۲ . صاحب الغار أبو بکر أم رجل آخر ، نجاح طائی ، دار الهدی ، ۱۴۲۵ق . لندن .

۱۲۳ . صحیح مسلم ، ابوالحسین ، مسلم بن حجّاج قشیری نیشابوری (۲۰۶ _ ۲۶۱ ق) دار إحیاء التّراث العربی ، بی تا ، بیروت .

۱۲۴ . صراط مستقیم ، شیخ ابراهیم اسکندی ، متوفّای ۱۴۱۹ ق . مؤلّف ، ۱۳۷۵ ش . قم .

۱۲۵ . الصّراط المستقیم ، علی بن یونس عاملی بیاضی ، متوفّای ۸۷۷ ق . مرتضویّه ، ۱۳۸۴ ق . تهران .

۱۲۶ . الصّوارم المهرقه ، قاضی نوراللّه شوشتری ، مستشهد ۱۰۱۹ ق . دارمشعر ، ۱۴۲۷ ق . تهران .

۱۲۷ . الصّواعق المحرقه ، احمد بن حجر هیتمی مکّی (۸۹۹ _ ۹۷۴ ق) مکتبه القاهره ، بی تا ، مصر .

۱۲۸ . الطّبقات الکبری ، محمّد بن سعد ، کاتب الواقدی ، متوفّای ۲۳۰ ق . دار بیروت ، ۱۴۰۵ ق . بیروت .

۱۲۹ . عبقات الأنوار ، میرحامد حسین لکهنوی (۱۲۴۶ _ ۱۳۰۶ ق) حدیث الغدیر ، در ۱۰ مجلد ، تحقیق شیخ غلامرضا مولانا بروجردی ، سید الشّهداء ، ۱۴۰۴ ق . قم .

۱۳۰ . العدد القویّه ، علی بن یوسف حلّی ، متوفّای حدود ۷۰۵ ق . مرعشی ، ۱۴۰۸ ق . قم .

۱۳۱ . علل الشّرایع ، شیخ صدوق ، متوفّای ۳۸۱ ق . داوری ، بی تا ، قم ، افست حیدریّه ، ۱۳۸۵ ق . نجف اشرف .

۱۳۲ . علی امام البرره ، اثر طبع آیه اللّه سید ابوالقاسم خوئی ، متوفّای ۱۴۱۳ ق . شرح سید محمّدمهدی خرسان ، دارالهادی ۱۴۲۴ ق . بیروت .

۱۳۳ . عمده الطّالب ، احمد بن علی بن حسین بن علی بن مهنّا ، متوفّای ۸۲۸ ق . حیدریّه ، ۱۳۸۰ ق . نجف اشرف .

۱۳۴ . عمده عیون صحاح الأخبار ، یحیی بن حسن اسدی ، ابن بطریق حلّی (۵۳۳ _ ۶۰۰ ق) جامعه مدرّسین ، ۱۴۰۷ ق . قم .

۱۳۵ . عوالم العلوم ، شیخ عبداللّه بحرانی ، جلد حدیث غدیر ، ج ۱۵ ، قسمت سوّم ، مؤسّسه امام مهدی ، ۱۴۱۳ ق . قم .

۱۳۶ . عید الغدیر فی عهد الفاطمیّین ، دکتر محمّدهادی امینی ، متوفّای ۱۴۲۱ ق . آفاق ، ۱۴۱۷ ق . تهران .

۱۳۷ . العین ، خلیل بن احمد ، متوفّای ۱۷۰ ق . ترتیب محمّدحسن بکائی ، جامعه مدرّسین ، ۱۴۱۴ ق . قم .

۱۳۸ . عیون أخبار الرّضا ، شیخ صدوق ، متوفّای ۳۸۱ ق . اعلمی ، ۱۳۹۰ ق . تهران .

۱۳۹ . غایه المرام ، سید هاشم بحرانی ، متوفّای ۱۱۰۷ ق . التاریخ العربی ، ۱۴۲۲ ق . بیروت .

۱۴۰ . الغدیر فی الکتاب والسّـنه والأدب ، علّامه شیخ عبدالحسین امینی تبریزی ، متوفّای ۱۳۹۰ ق . مرکز الغدیر ، ۱۴۲۱ ق . قم .

۱۴۱ . الغدیر فی التّراث الاسلامی ، سید عبدالعزیز طباطبائی ، متوفّای ۱۴۱۶ ق. دار المورخ العربی ، ۱۴۱۴ ق . بیروت .

۱۴۲ . غدیر در آیینه کتاب ، محمّد انصاری زنجانی ، دلیل ما ، ۱۳۷۹ ش . قم .

۱۴۳ . فتوح البلدان ، ابوالحسن ، احمد بن یحیی بلاذری ، متوفّای ۲۷۹ ق . دارالکتب العلمیه ، ۱۴۲۰ ق . بیروت .

۱۴۴ . فرائد السّمطین ، ابراهیم بن محمّد جوینی (۶۴۴ _ ۷۲۲ ق) محمودی ، ۱۳۹۸ ق . بیروت .

۱۴۵ . الفردوس بمأثور الخطاب ، ابوشجاع ، شیرویه بن شهردار دیلمی (۴۴۵ _ ۵۰۹ ق) دارالکتب العلمیه ، ۱۴۰۶ ق . بیروت .

۱۴۶ . فرسان الهیجاء ، ذبیح اللّه محلّاتی (۱۳۱۰ _ ۱۴۰۵) مرکز نشر کتاب ، ۱۳۹۰ ق . تهران ؛ ترجمه عربی : تعریب : محمّد شعاع فاخر ، حیدریّه ، ۱۴۲۸ ق . قم .

۱۴۷ . الفِصَل فی الملل والنّحل ، علی بن احمد بن سعید بن حزم اندلسی (۳۸۴ _ ۴۵۶ ق) خانجی ، بی تا ، قاهره .

۱۴۸ . الفصول المهمّه ، ابن صبّاغ مالکی ، علی بن محمّد بن احمد ، متوفّای ۸۵۵ ق . اعلمی ، بی تا ، تهران ، افست کتبی ، نجف اشرف .

۱۴۹ . الفضائل ، شاذان بن جبرائیل ، قرن ششم ، ولیّ عصر ، ۱۴۲۲ ق . قم .

۱۵۰ . فضائل الخمسه من الصّحاح السّته ، سید مرتضی فیروزآبادی (۱۳۲۹ _ ۱۴۱۰ ق) اسلامیه ، ۱۳۹۲ ق . تهران .

۱۵۱ . فضائل الثّقلین ، شهاب الدّین احمد بن جلال الدّین إیجی ، قرن نهم ، مجمع جهانی ، ۱۴۲۸ ق . تهران .

۱۵۲ . فضائل الصّحابه ، ابوعبداللّه ، احمد بن محمّد بن حنبل (۱۶۴ _ ۲۴۱ ق) ابن جوزی ، ۱۴۳۰ ق . بیروت .

۱۵۳ . فیض العلاّم فی عمل الشّهور ووقایع الأیّام ، شیخ عباس قمی ، متوفّای ۱۳۵۹ ق . نوید ، ۱۳۶۵ ش . تهران .

۱۵۴ . قرّه العین بحدیث الثّقلین ، زکریّا برکات درویش ، کوثر ، ۱۴۲۲ ق .

۱۵۵ . قلائد النّحور فی وقایع الأیّام والشّهور ، شیخ ذبیح اللّه محلاّتی ، متوفّای ۱۴۰۵ ق . صدر ، تهران .

۱۵۶ . الکافی ، محمّد بن یعقوب کلینی ، متوفّای ۳۲۹ ق . دارالأضواء ، ۱۴۰۵ ق . بیروت .

۱۵۷ . الکامل فی التّاریخ ، عزّ الدّین ، ابوالحسن ، علی بن ابی الکرم ، ابن أثیر شیبانی ، متوفّای ۶۳۰ ق . دار صادر ، ۱۳۸۵ ق . بیروت .

۱۵۸ . الکشّاف عن حقائق التّنزیل ، محمود بن عمر زمخشری ، متوفّای ۵۳۸ ق . مصطفی البابی ، ۱۳۸۵ ق . قاهره .

۱۵۹ . الکشف والبیان ، ابواسحاق ثعلبی ، متوفّای ۴۲۷ ق . داراحیاء التّراث ، ۱۴۲۲ ق . بیروت .

۱۶۰ . کفایه الطّالب ، محمّد بن یوسف گنجی شافعی ، متوفّای ۶۵۸ ق . دار إحیاء تراث أهل البیت ، ۱۴۰۴ ق . تهران .

۱۶۱ . کلمات الأعلام حول جواز الشّهاده بالولایه ، رضا استادی ، بی نا ، ۱۳۹۵ ق . قم .

۱۶۲ . کمال الدّین و تمام النّعمه ، شیخ صدوق ، متوفّای ۳۸۱ ق . جامعه مدرّسین ، ۱۴۰۵ ق . قم .

۱۶۳ . کنز العمّال ، علاء الدّین بن حسام الدّین متّقی هندی ، متوفّای ۹۷۵ ق . الرّساله ، ۱۴۰۹ ق . بیروت .

۱۶۴ . کنز الفوائد ، ابوالفتح ، محمّد بن علی بن عثمان کراجکی ، متوفّای ۴۴۹ ق . دارالأضواء ، ۱۴۰۵ ق . بیروت .

۱۶۵ . لسان العرب ، ابن منظور ، محمّد بن مکرّم بن علی بن احمد انصاری (۶۳۰ _ ۷۱۱ ق) دار احیاء التّراث ، ۱۴۰۸ ق . بیروت .

۱۶۶ . المبسوط ، شیخ طوسی ، متوفّای ۴۶۰ ق . حیدریّه ، ۱۳۸۷ ق . تهران .

۱۶۷ . متألّه قرآنی ، (شیخ مجتبی قزوینی) ، محمّد علی رحیمیان ، دلیل ما ، ۱۳۸۲ ش . قم .

۱۶۸ . مجمع البحرین ، فخر الدّین طریحی ، متوفّای ۱۰۸۵ ق . مرتضویّه ، ۱۳۶۵ ش . تهران .

۱۶۹ . مجمع البیان ، امین الاسلام طبرسی ، متوفّای ۵۴۸ ق . دارالمعرفه ، ۱۴۰۸ ق . بیروت .

۱۷۰ . مجمع الزّوائد ، نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی ، متوفّای ۸۰۷ ق . دارالکتب العربی ، ۱۴۰۲ ق . بیروت .

۱۷۱ . مدینه البلاغه ، شیخ موسی زنجانی ، متوفّای ۱۳۹۸ ق . نشر کعبه ، ۱۴۰۵ ق . تهران .

۱۷۲ . مرآت العقول ، علاّمه محمّدباقر مجلسی ، متوفّای ۱۱۱۰ ق . اسلامیّه ، ۱۴۰۸ ق . تهران .

۱۷۳ . مروج الذّهب ، ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی ، متوفّای ۳۴۶ ق . چاپ سنگی ، ۱۳۴۶ ق . قاهره ، چاپ حروفی : دارالفکر ، ۱۴۲۵ ق . بیروت .

۱۷۴ . مسائل علی بن جعفر ، آل البیت ، کنگره امام رضا علیه السلام ، ۱۴۰۹ ق . مشهد مقدس .

۱۷۵ . مسارّ الشّیعه ، شیخ مفید ، متوفّای ۴۱۳ ق . بصیرتی ، ۱۳۹۶ ق .

۱۷۶ . المستدرک علی الصّحیحین ، ابوعبدالله ، محمّد بن عبدالله حاکم نیشابوری ، متوفّای ۴۰۵ ق . حیدرآباد دکن ، ۱۳۲۴ ق . هند .

۱۷۷ . مستمسک العروه الوثقی ، سید محسن حکیم ، متوفّای ۱۳۹۰ ق . مرعشی ، بی تا ، افست آداب ، ۱۳۹۱ ق . نجف اشرف .

۱۷۸ . المسند ، احمد بن حنبل ، متوفّای ۲۴۱ ق . دارالفکر ، ۱۴۱۴ ق . بیروت .

۱۷۹ . المصباح ، تقی الدین ، ابراهیم بن علی بن حسن بن محمّد بن صالح عاملی کفعمی ، متوفّای ۹۰۵ ق . درالمعرفه ، بی تا ، بیروت .

۱۸۰ . مصباح المتهجّد ، شیخ طوسی، متوفّای ۴۶۰ ق . فقه شیعه، ۱۴۱۱ ق . بیروت.

۱۸۱ . المصنَّف ، ابوبکر ، عبدالرزّاق بن همّام صنعانی ، متوفّای ۲۱۱ ق . دارالکتب العلمیّه ، ۱۴۲۱ ق . بیروت .

۱۸۲ . المصنَّف ، عبدالله بن محمّد بن ابی شیبه ، متوفّای ۲۳۵ ق . دارالفکر ، ۱۴۰۹ ق . بیروت .

۱۸۳ . معانی الأخبار ، شیخ صدوق ، متوفّای ۳۸۱ ق . جامعه مدرّسین ، ۱۳۶۱ ش . قم .

۱۸۴ . معجم البلدان ، شهاب الدّین ، ابوعبداللّه ، یاقوت بن عبداللّه حموی ، متوفّای ۶۲۶ ق . دارإحیاء التّراث العربی ، ۱۳۹۹ ق . بیروت .

۱۸۵ . المعجم الصّغیر ، ابوالقاسم ، سلیمان بن احمد طبرانی (۲۶۰ _ ۳۶۰ ق) داراحیاء التّراث ، ۱۴۰۴ ق . بیروت .

۱۸۶ . المعجم الکبیر ، ابوالقاسم ، سلیمان بن احمد طبرانی (۲۶۰ _ ۳۶۰ ق) داراحیاء التّراث ، ۱۴۰۴ ق . بیروت .

۱۸۷ . معجم مقاییس اللّغه ، ابوالحسین ، احمد بن فارس بن زکریّا ، متوفّای ۳۹۵ ق . اسماعیلیان ، بی تا ، قم .

۱۸۸ . مفتاح الکرامه ، سید محمّدجواد حسینی عاملی ، متوفّای حدود ۱۲۲۶ ق . آل البیت ، بی تا ، قم .

۱۸۹ . المفردات فی غریب القرآن ، ابوالقاسم ، حسین بن محمّد ، راغب اصفهانی ، متوفّای ۵۰۲ ق . مرتضوی ، بی تا ، تهران .

۱۹۰ . مقاله شناسی امام علی علیه السلام ، خانه پژوهش قم ، نشر اطلاع رسانی مرجع ، ۱۳۸۳ ش . قم .

۱۹۱ . ملحمه عید الغدیر ، بولس سلامه ، متوفّای ۱۹۷۹ م . عالمیّه ، ۱۹۹۹ م . بیروت .

۱۹۲ . من لایحضره الفقیه ، شیخ صدوق ، متوفّای ۳۸۱ ق . دارالأضواء ، ۱۴۰۵ ق . بیروت .

۱۹۳ . المناقب ، موفّق بن احمد بن محمّد خوارزمی ، متوفّای ۵۶۸ ق . جامعه مدرّسین ، ۱۴۲۱ ق . قم .

۱۹۴ . مناقب آل ابی طالب ، ابوجعفر محمّد بن علی بن شهر آشوب ، متوفّای ۵۸۸ ق . دارالأضواء ، ۱۴۱۲ ق . بیروت .

۱۹۵ . مناقب علی بن ابی طالب ، ابوبکر ، احمد بن موسی بن مردویه ، متوفّای ۴۱۰ ق . دارالحدیث ، ۱۴۲۲ ق . قم .

۱۹۶ . مناقب علی بن ابی طالب ، ابوالحسن علی بن محمّد بن محمّد واسطی ، ابن مغازلی ، متوفّای ۴۸۳ ق . اسلامیّه ، ۱۴۰۲ ق . تهران .

۱۹۷ . منتقله الطالبیه ، ابواسماعیل ، ابراهیم بن ناصر بن طباطبا ، قرن پنجم ، حیدریّه ، ۱۳۷۷ ش . قم .

۱۹۸ . منهاج السّنه ، ابن تیمیّه ، احمد بن عبدالحلیم حرّانی ، متوفّای ۷۲۸ ق . دارالکتب العلمیّه ، بی تا ، بیروت .

۱۹۹ . موسوعه عبداللّه بن عباس ، علاّمه سیّد محمّد مهدی خرسان ، مرکز أبحاث عقائدیّه ، ۱۴۲۸ ق . قم .

۲۰۰ . میثم تمّار ، سردار جان بر کف ، شیخ محمّدحسین مظفر (۱۳۱۲ _ ۱۳۸۱ ق) ترجمه نگارنده ، نشر توحید ، ۱۳۶۶ ش . تهران .

۲۰۱ . المیزان فی تفسیر القرآن ، علاّمه سید محمّدحسین طباطبائی (۱۳۲۱ _ ۱۴۰۲ ق) اعلمی ، ۱۳۹۳ ق . بیروت .

۲۰۲ . نبراس الزّائر فی زیاره الحائر ، نگارنده ، رسالت ، ۱۴۲۹ ق . قم .

۲۰۳ . نبراس الفائزین بزیاره امیرالمؤمنین علیه السلام ، نگارنده ، رسالت ، ۱۴۳۱ ق . قم .

۲۰۴ . ندای حق ، محبّ الاسلام موسوی ، منیر ، ۱۳۸۱ ش . تهران .

۲۰۵ . النّعیم المقیم ، عمر بن شجاع الدّین محمّد بن عبدالواحد موصلی شافعی ، قرن هفتم ، دارالکتاب الاسلامی ، ۱۴۲۶ ق . قم .

۲۰۶ . نفحات اللاّهوت ، محقق کرکی ، علی بن حسین بن عبدالعالی ، متوفّای ۹۴۰ ق . ترجمه ابوتراب هدائی ، بی تا ، بی نا ، مشهد مقدس .

۲۰۷ . نقباء البشر ، شیخ آغابزرگ تهرانی ، متوفّای ۱۳۸۹ ق . نشر مرتضی ، ۱۴۰۴ ق . مشهد مقدس .

۲۰۸ . النّهایه فی غریب الحدیث والأثر ، ابن اثیر ، مجدالدّین ابوالسعادات مبارک بن محمّد جزری (۵۴۴ _ ۶۰۶ ق) اسماعیلیان ، ۱۳۶۴ ش . قم .

۲۰۹ . نهج الحق ، علاّمه حلی ، حسن بن یوسف بن مطهّر حلّی ، متوفّای ۷۲۶ ق . هجرت ، ۱۴۲۱ ق . قم .

۲۱۰ . هدایه العباد ، سید کاظم تبریزی (۱۳۲۲ _ ۱۴۰۶ ق) دارالتبلیغ اسلامی قم .

۲۱۱ . الهدایه فی کون الشّهاده بالولایه ، فی الأذان والاقامه ، جزءً کسائر الأجزاء ، شیخ عبدالنّبی عراقی ، متوفّای ۱۳۸۵ ق . حکمت ، ۱۳۷۸ ق . قم .

۲۱۲ . همایش سالانه استقبال از غدیر ، گروهی ، قائمیّه ، ۱۳۸۸ ش . اصفهان .

۲۱۳ . وسائل الشّیعه ، شیخ حرّ عاملی ، متوفّای ۱۱۰۴ ق . آل البیت ، ۱۴۰۹ ق . قم .

۲۱۴ . وفیات الأعیان ، ابن خلّکان ، شمس الدین احمد بن محمّد بن ابی بکر بن خلّکان (۶۰۸ _ ۶۸۱ ق) دارصادر ، بی تا ، بیروت .

۲۱۵ . وقعه صفّین ، نصر بن مزاحم منقری ، متوفّای ۲۱۲ ق . بصیرتی ، ۱۳۸۳ ق . ق_م .

۲۱۶ . الیقین بإختصاص مولانا علیّ بإمره المؤمنین ، سید ابن طاووس ، متوفّای ۶۶۴ ق . دارالعلوم ، ۱۴۱۰ ق . بیروت .

۲۱۷ . ینابیع المودّه ، سلیمان بن ابراهیم قندوزی (۱۲۲۰ _ ۱۲۹۴ ق) اسوه ، ۱۴۱۶ ق . قم .

۲۱۸ . الیواقیت والجواهر ، عبدالوهاب شعرانی ، متوفّای ۹۷۳ ق . مصطفی البابی ، ۱۳۷۸ ق . قاهره .

۲۱۹ . یوم الانسانیّه ، سیّد رضا صدر (۱۳۳۹ _ ۱۴۱۵ ق) بی نا ، ۱۴۱۲ ق . قم .

۲۲۰ . الیوم الموعود ، شهید سیّد محمّد صدر ، دارالتّعارف ، ۱۴۰۳ ق . بیروت .

ص:۳۱۹

آثار چاپ شده مؤلّف

۱ _ ابو ریحان بیرونی / چاپ دوّم / دارالتبلیغ اسلامی / قم .

۲ _ اجساد جاویدان / چاپ سوم / نشر حاذق / قم .

۳ _ ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوّم / انتشارات رسالت / قم .

۴ _ ارمغان صافی / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم .

۵ _ ارمغان مجلسی / چاپ شانزدهم / انتشارات رسالت / قم .

۶ _ از تبار محدثان / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم .

۷ _ ازدواج امّ کلثوم افسانه یا حقیقت ؟ / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم .

۸ _ از شب عاشور ، تا آدینه ظهور / انتشارات عطر عترت / قم .

۹ _ اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم .

۱۰ _ اعتقادات علاّمه ی مجلسی / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم .

۱۱ _ اماکن زیارتی منتسب به امام زمان / سلسله مقالات / انتظار / قم .

۱۲ _ او خواهد آمد / چاپ سیزدهم / انتشارات رسالت / قم .

۱۳ _ با دعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ سوم / نشر موعود / تهران .

۱۴ _ بانوی اسلام / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم .

۱۵ ــ پرتوی از دهه مهدویه / انتشارات بهار قلوب / اصفهان .

۱۶ ــ پژوهه مهدوی / انتشارات رسالت / قم .

۱۷ ــ پیامبر پایه گذار تشیع / انتشارات دلیل ما/ قم .

۱۸ ــ تاریخ شیعه ی زیدیّه / چاپ اوّل / دانشگاه شیراز .

۱۹ ــ تاریخ وهابیان / چاپ دوم / نشر طوفان / تهران .

۲۰ ــ تاریخچه ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .

۲۱ ــ ترجمه ی مصوّر سوره ی رعد / به سه زبان / دفتر نشر/ تهران .

۲۲ ــ ترجمه ی مصوّر سوره ی الرّحمن / به چهار زبان / انتشارات اوس / استانبول .

۲۳ ــ تشرف در سرداب مقدس / انتشارات رسالت / قم .

۲۴ ــ تشرفات در میان نفی و اثبات / سلسله مقالات / موعود / تهران .

۲۵ ــ تشیّع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران .

۲۶ ــ جزیره ی خضراء / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم .

۲۷ ــ جغرافیای کشورهای اسلامی / سلسله مقالات / نسل نو / قم .

۲۸ ــ چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم .

۲۹ ــ چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم .

۳۰ ــ چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم .

۳۱ ــ چهل حدیث در مناقب اوّلین پیشوا / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم .

۳۲ ــ چهل حدیث در مناقب امّ ابیها / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم .

۳۳ ــ حدیث کساء کلید حل مشکلها / چاپ اول / تهران .

۳۴ ــ حیات برزخی / انتشارات رسالت / قم .

۳۵ ـ حضرت مهدی و رابطه العالم الاسلامی /ترکی/انتشارات زمان/ استانبول .

۳۶ ـ دانشگاه امام صادق علیه السلام/ چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم .

ص:۳۲۱

۳۷ ــ در آستانه ظهور / انتشارات نور الکتاب / مشهد .

۳۸ ــ دراسه عن حیاه فاطمه علیهاالسلام / عربی / چاپ اوّل / بحرین .

۳۹ ــ در حریم حضرت معصومه علیهاالسلام / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم .

۴۰ ــ در سایه سار خطبه حضرت زهرا / انتشارات حسینیه عمادزاده / اصفهان .

۴۱ ــ دومین اختر در آسمان کوثر / شهرداری تهران .

۴۲ ــ راهنمای قبله / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .

۴۳ ــ روزگار رهائی / چاپ سوّم / نشر آفاق / تهران .

۴۴ ــ روزه در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .

۴۵ ــ رهبری در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .

۴۶ ــ زندگانی کریمه ی اهلبیت / نشر حاذق / قم .

۴۷ ــ زمینه سازان حکومت امام زمان / نشر توحید / تهران .

۴۸ ــ زیارت عاشورا وآثار معجزآسای آن / چاپ پنجم / انتشارات رسالت / قم .

۴۹ ــ زیارتنامه ی حضرت معصومه / چاپ دوم / نشر حاذق / قم .

۵۰ ــ سرچشمه کوثر / چاپ سوم / انتشارات راه وداد / کرج .

۵۱ ــ سند حدیث کساء / چاپ دوّم / انتشارات رسالت / قم .

۵۲ ــ سیری در ترجمه های قرآن / سلسله مقالات / نسل نو / قم .

۵۳ ــ سیمای مدینه / سلسله مقالات / میقات / تهران .

۵۴ ــ شهید ثالث / انتشارات رسالت / قم .

۵۵ ــ طول عمر امام زمان علیه السلام / چاپ سوّم / انتشارات طاووس بهشتیان / قم .

۵۶ ــ عاشورا چه روزیست ؟ / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .

۵۷ _ علّامه ی اقبال در مدینه / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم .

۵۸ _ علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران .

ص:۳۲۲

۵۹ _ علی و فلسفه ی الهی / چاپ اوّل / بنیاد علاّمه ی طباطبائی / قم .

۶۰ _ قرآن معجزه ی جاویدان / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .

۶۱ _ قربانیان الکلیسم / سلسله مقالات / نسل جوان / قم .

۶۲ _ کتابنامه ی آثار ماندگار تنهار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم .

۶۳ _ کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السلام / چاپ اول / انتشارات الهادی / قم .

۶۴ _ کرامات معصومیه / چاپ دوم / انتشارات حاذق / قم .

۶۵ _ کریمه ی اهلبیت / چاپ اوّل / انتشارات حاذق / قم .

۶۶ _ گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم .

۶۷ _ لزوم تفکیک علایم حتمی از غیرحتمی / دبیرخانه اجلاس دو سالانه / قم .

۶۸ _ معارف اسلامی / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .

۶۹ _ معیارهای اخلاقی در فقه امام صادق علیه السلام / انتشارات تولی / قم .

۷۰ _ میثم تمّار / چاپ اوّل / انتشارات توحید / تهران .

۷۱ _ میلاد نور / چاپ اوّل / مسجد صدریّه / تهران .

۷۲ _ نبراس الزائر / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم .

۷۳ _ نبراس الفائزین بزیاره امیرالمؤمنین علیه السلام / چاپ اول / انتشارات تک / قم .

۷۴ _ نقش امام زمان در جهان هستی / چاپ سوّم / دارالتّبلیغ اسلامی / قم .

۷۵ _ نقش روزه در درمان بیماریها / به هشت زبان / کعبه / تهران .

ص:۳۲۳

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹